

# محشی جزای عمومی

براساس نظرات اساتید: مصدق، اردبیلی، برهانی، مصطفی پور، و دیگران  
گردآوری و تدوین: سیدابوالفضل ایرانی

قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ / ۲ / ۱  
 کتاب اول - کلیات / بخش اول - مواد عمومی  
 فصل اول - تعاریف

### ماده ۱- تعریف قانون مجازات

قانون مجازات اسلامی مشتمل بر جرائم و مجازات‌های حدود، قصاص، دیات و تعزیرات، اقدامات تأمینی و تربیتی، شرایط و موانع مسؤولیت کیفری و قواعد حاکم بر آنها است.

### ماده ۲- تعریف جرم / اصل قانونی بودن جرم

مواد مرتبط: ۱۲ و ۱۳ آدک

هر رفتاری اعم از فعل یا ترک فعل که در قانون (مجلس، مجمع تشخیص، توافق‌نامه‌های بین‌المللی) برای آن مجازات ۱ تعیین شده است جرم محسوب می‌شود.

### نکات:

۱. در مورد اینکه منظور از مجازات در این ماده معنای موسع آن است یا مضیق دو نظر وجود دارد:
  - واژه‌ی مجازات در ماده ۲ ق.م.ا.مصوب ۹۲ در معنای موسع استفاده شده است نه مضیق، زیرا در برخی از مواد قانون مجازات اسلامی همانند ماده ۸۸ ق.م.ا.مصوب ۹۲ قانون‌گذار برای برخی از رفتارها صرفاً اقدامات تأمینی در نظر گرفته است نه مجازات در معنای مضیق. (مصطفی پور)
  - واژه‌ی مجازات در ماده ۲ ق.م.ا.مصوب ۹۲ در معنای خاص استفاده شده است و اقدامات تأمینی و تربیتی را در بر نمی‌گیرد. (مصدق)
۲. سه ویژگی زیر به‌عنوان مهم‌ترین ویژگی‌های مجازات محسوب می‌گردد
  - محرومیت آمیز بودن: محرومیت محکوم از تعدادی از حقوق و آزادی‌های مشروع و قانونی
  - قضایی بودن: صدور حکم محکومیت توسط محاکم کیفری دادگستری
  - حکومتی بودن: اعمال مجازات از سوی قوای حاکم بر ساختار سیاسی کشور
۳. تعریف مجازات: واکنش اجتماعی رسمی است که قانون‌گذار آن را در قبال ارتکاب یک رفتار (خواه فعل یا ترک فعل) وضع کرده و توسط محاکم دادگستری بر مرتکبین دارای مسؤولیت کیفری تحمیل می‌شود. (مصطفی پور)
۴. قانون‌گذار برای کاهش احتمال تعدی به اصل قانونی بودن مجازات‌ها ماده ۶۹ را به‌عنوان یک قاعده‌ی کلی مورد تصویب قرار داده است: ماده ۶۹: مرتکبان جرائمی که نوع یا میزان تعزیر آنها در قوانین موضوعه تعیین نشده است به مجازات جایگزین حبس محکوم می‌گردند

### فصل دوم - قلمرو اجرای قوانین جزایی در مکان

#### ماده ۳- صلاحیت سرزمینی

قوانین جزایی ایران درباره کلیه اشخاصی (چه ایرانی چه غیرایرانی، چه ساکن ایران باشد چه نباشد، چه مسلمان چه غیرمسلمان، چه حقوقی چه حقیقی) که در قلمرو حاکمیت زمینی، دریایی و هوایی جمهوری اسلامی ایران مرتکب جرم شوند اعمال می‌شود مگر آنکه به موجب قانون ترتیب دیگری مقرر شده باشد.  
 مواد مرتبط: ماده ۱ و ۲ و ۱۰ قانون مناطق دریایی جمهوری اسلامی ایران در خلیج فارس و دریای عمان

**نکات:**

۱. اگر غیرایرانی در ایران مرتکب جنایتی شود که مسئولیت پرداخت دیه آن با عاقله است، دیه را چه کسی باید بدهد؟  
باتوجه به همین ماده و اینکه قانون‌گذار شرط خاصی از حیث تابعیت در مورد دیه مقرر نکرده است، فرقی بین مرتکب ایرانی و غیر ایرانی نیست و عاقله باید پرداخت کند.
۲. قانون مناطق دریایی جمهوری اسلامی ایران در خلیج فارس و دریای عمان  
ماده ۱-حاکمیت. جمهوری اسلامی ایران خارج از قلمرو خشکی و آب‌های داخلی و جزایر خود در خلیج فارس، تنگه هرمز و دریای عمان بر منطقه‌ای از آب‌های متصل به خط مبدأ که دریای سرزمینی نامیده می‌شود نیز حاکمیت دارد.  
این حاکمیت همچنین شامل فضای فوقانی، بستر و زیر بستر دریای سرزمینی می‌باشد.  
ماده ۲- حد خارجی. عرض دریای سرزمینی از خط مبدأ ۱۲ (دوازده) مایل دریایی می‌باشد. مایل دریایی برابر با ۱۸۵۲ متر است. (۲۲۲۲۴ متر یا ۲۲/۲ کیلومتر)  
جزایر متعلق به ایران اعم از این که داخل و یا خارج دریای سرزمینی باشند، طبق این قانون دارای دریای سرزمینی مخصوص به خود هستند.  
ماده ۱۰- صلاحیت کیفری. تعقیب، رسیدگی و مجازات جرائم ارتكابی در کشتی‌های در حال عبور از دریای سرزمینی در موارد زیر در صلاحیت مراجع قضائی جمهوری اسلامی ایران می‌باشد.  
الف- چنانچه اثرات و عواقب جرم متوجه جمهوری اسلامی ایران گردد.  
ب- چنانچه جرم ارتكابی محل صلح و نظم و آرامش داخلی و یا نظم عمومی دریای سرزمینی باشد.  
ج- چنانچه فرمانده کشتی یا نماینده دیپلماتیک یا کنسولی دولت صاحب پرچم کشتی تقاضای کمک و رسیدگی نماید.  
د- چنانچه رسیدگی و تعقیب برای مبارزه با قاچاق مواد مخدر و روان‌گردان ضروری باشد.  
ماده ۱۱- صلاحیت مدنی. مقامات ذی‌صلاح دولت جمهوری اسلامی ایران می‌توانند در موارد زیر به منظور اجرای قرار تأمین و یا احکام محکومیت، نسبت به متوقف کردن تغییر مسیر و یا توقیف کشتی و بازداشت سرنشینان آن اقدام نمایند.  
الف- کشتی از آب‌های داخلی ایران خارج و در دریای سرزمینی در حرکت باشد.  
ب- کشتی در دریای سرزمینی ایران متوقف باشد.  
ج- کشتی در حال عبور از دریای سرزمینی باشد مشروط بر این که منشأ قرار تأمین و یا حکم محکومیت، تعهدات و یا الزامات ناشی از مسؤولیت مدنی همان کشتی باشد.

**ماده ۴- صلاحیت سرزمینی**

هرگاه قسمتی از جرم (در جرم مرکب) یا نتیجه آن (در جرم مقید) در قلمرو حاکمیت ایران واقع شود در حکم جرم واقع شده در جمهوری اسلامی ایران است.  
مواد مرتبط: ماده ۳۱۶ آ.د.ک: به اتهامات اشخاصی که در خارج از قلمرو حاکمیت جمهوری اسلامی ایران مرتکب جرم می‌شوند و مطابق قانون، دادگاه‌های ایران صلاحیت رسیدگی به آن‌ها را دارند، چنانچه از اتباع ایران باشند، حسب مورد در دادگاه محل دستگیری و چنانچه از اتباع بیگانه باشند حسب مورد، در دادگاه تهران رسیدگی می‌شود.

**نکات:**

۱. تعریف جرائم مقید: جرائمی که در آنها علاوه بر فعل یا ترک فعل، مقنن حصول نتیجه را برای تحقق جرم ضروری می‌داند. مثل سرقت، کلاهبرداری، تخریب، قتل ماده ۲۹۰ ق.م.ا.
۲. نتیجه مجرمانه در جرم مقید باید ناشی از رفتار ارتكابی مرتکب بوده و هیچ عامل مستقلى آن را قطع نکند:
  - ماده ۴۹۲- جنایت در صورتی موجب قصاص یا دیه است که نتیجه حاصله مستند به رفتار مرتکب باشد اعم از آنکه به نحو مباشرت یا به تسبیب یا به اجتماع آنها انجام شود.
  - ماده ۴۹۳- وجود فاصله زمانی، میان رفتار مرتکب و نتیجه ناشی از آن، مانع از تحقق جنایت نیست مانند فوت ناشی از انتقال عامل بیماری کشنده، که حسب مورد موجب قصاص یا دیه است.
- حکم این ماده و ماده (۴۹۲) این قانون در مورد کلیه جرائم جاری است.
۳. اگر جرم در ایران اما معاونت در خارج واقع شود:
  - اگر معاون ایرانی است: ایران صالح است
  - اگر معاون غیر ایرانی است اگر مشمول ماده ۸ است ایران صالح است و الا فلا.

**ماده ۵- صلاحیت واقعی / اصل احتساب**

هر شخص ایرانی (مختصر جزا عمومی فرهی: قید ایرانی زائد است چون در هر حال طبق اصل صلاحیت شخصی، شخص ایرانی در هر جا جرمی انجام دهد ایران صالح است/ اما به نظرم این طور نیست چون در اصل صلاحیت شخصی رسیدگی دادگاه‌های ایران منوط به حضور متهم در ایران است بر خلاف این ماده که رسیدگی غیابی نیز ممکن است) یا غیر ایرانی که در خارج از قلمرو حاکمیت ایران مرتکب یکی از جرائم زیر یا جرائم مقرر در قوانین خاص (مثل ماده ۷۵۶ تعزیرات) گردد، طبق قوانین جمهوری اسلامی ایران محاکمه (غیابی ممکن است/ دکتر مصدق) و مجازات می‌شود و هرگاه رسیدگی به این جرائم در خارج از ایران به صدور حکم محکومیت و اجرای آن منتهی شود، دادگاه ایران در تعیین مجازات‌های تعزیری (اصل احتساب صرفاً ناظر به جرائم تعزیری است و در حدود و قصاص و دیه امکان محاکمه مجدد وجود دارد)، میزان محکومیت اجرا شده را محاسبه (طبق ماده ۲۷) می‌کند:

الف- اقدام علیه نظام، امنیت داخلی یا خارجی، تمامیت ارضی یا استقلال جمهوری اسلامی ایران

ب- جعل مهر، امضاء، حکم، فرمان یا دستخط مقام رهبری یا استفاده از آن

پ- جعل مهر، امضاء، حکم، فرمان یا دستخط رسمی رئیس‌جمهور، رئیس قوه قضاییه، رئیس و نمایندگان مجلس شورای اسلامی، رئیس مجلس خبرگان، رئیس دیوان عالی کشور، دادستان کل کشور، اعضای شورای نگهبان، رئیس و اعضای مجمع تشخیص مصلحت نظام، وزرا یا معاونان رئیس‌جمهور یا استفاده از آنها

ت- جعل آراء مراجع قضایی یا اجرائیه‌های صادره از این مراجع یا سایر مراجع قانونی (مثل شورای حل اختلاف یا کمیسیون ماده ۱۰۰ شهرداری) و یا استفاده از آنها

ث- جعل اسکناس رایج یا اسناد تعهدآور بانکی ایران و همچنین جعل اسناد خزانه و اوراق مشارکت صادرشده یا تضمین شده از طرف دولت یا تهیه یا ترویج سکه قلب در مورد مسکوکات رایج داخل

مواد مرتبط: ۲۷

**نکات:**

۱. برای محاکمه مجرمین ماده ۵، لازم نیست فعل ارتكابی در محل وقوع هم جرم باشد
  ۲. منظور از دستخط رسمی افراد مذکور، جعل به اعتبار مقام آنان است و الا جعل نامه‌های شخصی یا خانوادگی آن‌ها مشمول این ماده نیست
  ۳. به اعتبار تفسیر مضیق این ماده شامل معاونت و شروع به این جرائم نمی‌شود (مصدق) / با توجه به تبعی بودن معاونت این ماده شامل معاونت در این جرائم می‌شود (برهانی)
- البته به نظر می‌رسد اگر معاون ایرانی باشد طبق ماده ۷ باید در ایران محاکمه شود و اگر غیر ایرانی باشد اگر مشمول ماده ۸ شد باز هم ایران صالح باشد.

**ماده ۶- صلاحیت مرکب (صدر ماده: صلاحیت واقعی / ذیل ماده صلاحیت شخصی)**

به جرائم مستخدمان دولت اعم از ایرانی یا غیر ایرانی که در رابطه با شغل و وظیفه خود در خارج از قلمرو حاکمیت ایران مرتکب شده‌اند و به جرائم مأموران سیاسی و کنسولی و دیگر وابستگان دولت ایران که از مصونیت سیاسی برخوردارند طبق قوانین جمهوری اسلامی ایران رسیدگی می‌شود.

مواد مرتبط: ۳۱۶ آدک

**ماده ۷- صلاحیت شخصی یا مبتنی بر تابعیت بز هکار**

علاوه بر موارد مذکور در مواد فوق هر یک از اتباع ایران در خارج از کشور مرتکب جرمی (غیر از موارد مذکور در ماده ۵) شود، در صورتی که در ایران یافت و یا به ایران اعاده گردد (پس اگر در ایران نباشد محاکمه غیابی جایز نیست اما اگر در ایران باشد محاکمه غیابی در ایران جایز است)، طبق قوانین جمهوری اسلامی ایران محاکمه و مجازات می‌شود مشروط بر اینکه:

الف- رفتار ارتكابی به موجب قانون جمهوری اسلامی ایران جرم باشد. (لازم نیست در خارج از ایران هم جرم باشد)

ب- در صورتی که جرم ارتكابی از جرائم موجب تعزیر (غیر از منصوص شرعی: تبصره ۲ ماده ۱۱۵) باشد، متهم در محل وقوع جرم محاکمه و تبرئه نشده یا در صورت محکومیت، مجازات کلاً یا بعضاً درباره او اجرا نشده باشد. (در مورد تفسیر این بخش از قانون دو نظر وجود دارد)

۱. دکتر مصدق: اگر بعضاً هم اجرا شده باشد، چون بعضاً اجرا نشده پس ایران صالح است

✓ اگر مجازات بعضاً درباره او اجرا نشده باشد، طبق قوانین جمهوری اسلامی ایران محاکمه و مجازات می‌شود لکن: بعضاً در مورد او اجرا نشده است، پس طبق قوانین جمهوری اسلامی ایران محاکمه و مجازات می‌شود

۲. شمس ناطری: اگر بعضاً اجرا شده باشد، ایران صالح نیست.

✓ اگر مجازات بعضاً درباره او اجرا نشده باشد، طبق قوانین جمهوری اسلامی ایران محاکمه و مجازات می‌شود لکن: بعضاً در مورد او اجرا شده است، پس طبق قوانین جمهوری اسلامی ایران محاکمه و مجازات نمی‌شود

**توضیح:** متن استدلال‌ها از خودم هست/ **به نظرم** استدلال اول در قالب منطقی و صحیح است/ استدلال دوم نفی مقدم نفی تالی است که جز در موارد انحصاری صحیح نیست)

پ- طبق قوانین ایران، موجبی برای منع یا موقوفی تعقیب یا موقوفی اجرای مجازات یا سقوط آن نباشد.

مواد مرتبط: ۳۱۶ آدک: به اتهامات اشخاصی که در خارج از قلمرو حاکمیت جمهوری اسلامی ایران مرتکب جرم می‌شوند و مطابق قانون، دادگاه‌های ایران صلاحیت رسیدگی به آن‌ها را دارند، چنانچه از اتباع ایران باشند، حسب مورد در دادگاه محل دستگیری و چنانچه از اتباع بیگانه باشند حسب مورد، در دادگاه تهران رسیدگی می‌شود.

**نکات:**

۱. در مورد ماده ۷ و ۸ اعتبار امر مختوم در تعزیرات پذیرفته شده است اما در حدود و قصاص و دیات در صورت مرتکب باید در ایران محاکمه شود
۲. عفو باقیمانده محکومیت در خارج:
  - ✓ طبق نظر دکتر مصدق: حکم اجرا شده تلقی می‌شود
  - ✓ طبق نظر شمس ناطری: چون بعضاً اجرا شده، دیگر در ایران محاکمه نمی‌شود
۳. اگر فرد ایرانی بر عهده یکی از شعب بانک‌های ایرانی در خارج ایران (محل صدور خارج از ایران بوده) مبادرت به صدور چک بلامحل کند مشمول مقررات کیفری قانون چک نمی‌شود چون در ماده ۸ ق.ص.ج صادر شدن در ایران جرم انگاری شده است لذا طبق نظر مشورتی ۷/۹۲/۹۵۰ مورخ ۹۲/۰۵/۲۶ اداره حقوقی چک عهده بانک‌های ایرانی واقع در خارج از کشور که توسط تبعه ایران در خارج از ایران صادر شده است اصولاً مشمول مقررات قانون صدور چک نبود و به لحاظ جرم نبودن موضوع و عدم قابلیت انطباق با شرایط ماده ۷ ق.م.ا عمل مذکور در ایران قابل تعقیب کیفری نیست.

**ماده ۸- صلاحیت شخصی یا مبتنی بر تابعیت بزه دیده**

هر گاه شخص غیر ایرانی در خارج از ایران علیه شخصی ایرانی یا علیه کشور ایران (مثل سرقت میراث فرهنگی) مرتکب جرمی به جز جرائم مذکور در مواد قبل (ماده ۵) شود و در ایران یافت و یا به ایران اعاده گردد (پس اگر در ایران نباشد محاکمه غیابی جایز نیست اما اگر در ایران باشد محاکمه غیابی در ایران جایز است)، طبق قوانین جزایی جمهوری اسلامی ایران به جرم او رسیدگی می‌شود، مشروط بر اینکه:

- الف- متهم در جرائم موجب تعزیر (غیر از منصوص شرعی: تبصره ۲ ماده ۱۱۵) در محل وقوع جرم، محاکمه و تبرئه نشده یا در صورت محکومیت، مجازات کلاً یا بعضاً درباره او اجرا نشده باشد.
- ب- رفتار ارتكابی در جرائم موجب تعزیر (غیر از منصوص شرعی: تبصره ۲ ماده ۱۱۵) به موجب قانون جمهوری اسلامی ایران و قانون محل وقوع، جرم باشد. مثل سرقت

**ماده ۹- صلاحیت بین‌المللی**

مرتکب جرائمی که به موجب قانون خاص یا عهدنامه‌ها و مقررات بین‌المللی در هر کشوری یافت شود در همان کشور محاکمه می‌شود، اگر در ایران یافت شود طبق قوانین جزایی جمهوری اسلامی ایران محاکمه و مجازات می‌گردد.  
مواد مرتبط: ۳۱۶ آدک

**نکات:**

- ✓ صلاحیت بین‌المللی مبتنی بر ماهیت جرم است فارغ از تابعیت متهم یا بزه دیده یا محل وقوع جرم

### فصل سوم - قلمرو اجرای قوانین جزایی در زمان

✓ مبانی اصل قانونی بودن جرم و مجازات:

۱. قران و روایات و عقل (ما کنا معذبین حتی نبعث رسولا / رفع عن امتی تسعة... مالا یعلمون / قبح عقاب بلا بیان)
۲. قانون اساسی: اصول ۲۵، ۳۲، ۳۶؛ ۳۷
۳. قانون عادی ۲، ۱۲، ۱۳ ق.م.ا.

✓ نتایج اصل قانونی بودن:

۱. تفسیر مضیق

(انواع تفسیر:

❖ منطقی: کشف مقصود واقعی قانون گذار (اکاذیب)

❖ به نفع متهم

❖ مضیق: در چارچوب الفاظ

❖ موسع: عدم تقید در الفاظ

۲. عطف به ما سبق نشدن قوانین جزایی

استثنائات این اصل

۱. ماده ۱۱

۲. قوانین شرعی (حدود، قصاص، دیات مثل ذیل ماده ۳۵۴، تعزیرات منصوص شرعی)

۳. قوانین تعزیری ارفاقی

• اخف

• جرم زدا

• مساعد

۴. قوانین تعزیری تفسیری

### ماده ۱۰ - عطف به ما سبق نشدن قوانین جزایی

در مقررات و نظامات دولتی مجازات و اقدام تأمینی و تربیتی باید به موجب قانونی باشد که قبل از وقوع جرم مقرر شده است و مرتکب هیچ رفتاری اعم از فعل یا ترک فعل را نمی‌توان به موجب قانون مؤخر به مجازات یا اقدامات تأمینی و تربیتی محکوم کرد لکن چنانچه پس از وقوع جرم، قانونی مبنی بر تخفیف یا عدم اجرای مجازات یا اقدام تأمینی و تربیتی یا از جهاتی **مساعدتر** به حال مرتکب وضع شود نسبت به جرائم سابق بر وضع آن قانون تا صدور حکم قطعی، مؤثر است.

هر گاه به موجب قانون سابق، حکم قطعی لازم‌الاجرا صادر شده باشد به ترتیب زیر عمل می‌شود:

الف- اگر رفتاری که در گذشته جرم بوده است به موجب قانون لاحق جرم شناخته نشود (قانون جرم زدا)، حکم قطعی اجرا نمی‌شود و اگر در جریان اجرا باشد اجرای آن موقوف می‌شود.

در این موارد و همچنین در موردی که حکم قبلاً اجرا شده است هیچ‌گونه اثر کیفری بر آن مترتب نیست.

۱. استثنا بودن تعزیر منصوص شرعی از عطف به ما سبق نشدن قوانین جزایی، در تبصره ۲ ماده ۱۱۵ ذکر نشده است و مناسب بود که به ماده ۱۰ هم اشاره می‌شد (مصدق، ص

ب- اگر مجازات جرمی به موجب قانون لاحق، تخفیف یابد (قانون اخف)، قاضی اجرای احکام موظف است قبل از شروع به اجرا یا در حین اجرا از دادگاه صادرکننده حکم قطعی، اصلاح آن را طبق قانون جدید تقاضا کند. محکوم نیز می‌تواند از دادگاه صادرکننده حکم، تخفیف مجازات را تقاضا نماید. دادگاه صادرکننده حکم با لحاظ قانون لاحق، مجازات قبلی را تخفیف می‌دهد. مقررات این بند در مورد اقدام تأمینی و تربیتی که در مورد اطفال بزهکار اجرا می‌شود نیز جاری است. در این صورت ولی یا سرپرست وی نیز می‌تواند تخفیف اقدام تأمینی و تربیتی را (بدون نیاز به اعاده دادرسی) تقاضا نماید.

تبصره- مقررات فوق در مورد قوانینی که برای مدت معین (قوانینی مثل قانون مجازات که برای دوره آزمایشی تصویب می‌شوند را شامل نمی‌شود) و یا موارد خاص وضع شده است، مگر به تصریح قانون لاحق، اعمال نمی‌شود. (اگر کسی عملی انجام دهد که به موجب قانون موقتی جرم است، در هر حال طبق همان قانون مجازات می‌شود حتی اگر عمل او در زمان محاکمه دیگر جرم نباشد یا مجازات آن تخفیف یافته باشد) مواد مرتبط: ۹۹، ۷۴، ماده ۳۵۴ (استثناء بر عطف به ما سبق نشدن قوانین جزایی)،

#### نکات:

۱. ماده ۷۴: قانون ارفاقی جایگزین‌های حبس عطف بما سبق نمی‌شود
۲. تأثیر قانون ارفاقی (موارد رنگی یعنی قانون اشاره‌ای به تأثیر در آن حالت نداشته است)

تأثیر	بعد از صدور حکم و قبل از اجرا	بعد از صدور حکم و در حال اجرا	بعد از اجرای کامل
قوانین جرم‌زدا	عدم اجرا	توقف اجرا	رفع اثر کیفری
قوانین مخففه	تقاضای اصلاح رأی توسط قاضی اجرای احکام از دادگاه صادرکننده حکم قطعی	تقاضای اصلاح رأی توسط قاضی اجرای احکام از دادگاه صادرکننده حکم قطعی	
قوانین مساعد			

۳. فرضاً به موجب قانون سابق برای شخصی که جرائم متعدد انجام داده مجازات تعیین شده است، حال در بحث تعدد اگر اعمال ماده ۱۳۴ منجر به تخفیف شود: عطف به ما سبق می‌شود و قاضی اجرای احکام موظف پرونده را به دادگاه بفرستد و الا فلا.
۴. متهم جرم مستمر طبق قانون جدید محاکمه می‌شود حتی اگر مجازات آن شدیدتر باشد.

#### ماده ۱۱- اجرای فوری قوانین

قوانین زیر نسبت به جرائم سابق بر وضع قانون، فوراً اجرا می‌شود:

الف- قوانین مربوط به تشکیلات قضایی و صلاحیت (تبصره ۳ ماده ۲۹۶ آذک) (که متهم آن در حال محاکمه است یا بعداً محاکمه می‌شود)

ب- قوانین مربوط به ادله اثبات دعوی تا پیش از اجرای حکم (که متهم محاکمه و حکم قطعی صادر شده اما هنوز اجرا نشده و یا متهم در حال محاکمه است یا بعداً محاکمه می‌شود)



(اگر بر اساس قانون قدیم و طبق ادله اثبات آن، رأی به برائت داده شد، چون حکم برائت اجرا شده تلقی می‌شود و اعتبار امر مختوم دارد، نمی‌توان بر اساس قانون جدید و ادله اثبات آن رأی به محکومیت همان شخص داد

اما اگر حکمی دیگری داده شده و هنوز حکم اجرا نشده باید قواعد ادله اثبات قانون جدید را اعمال کرد و هیچ حق مکتسبه از این جهت برای محکوم له یا محکوم علیه در نظر گرفته نمی‌شود: مشورتی ۷/۹۲/۲۳۰۰ مورخ ۱۳۹۲/۱۲/۴)

پ- قوانین مربوط به شیوه دادرسی (که متهم آن در حال محاکمه است یا بعداً محاکمه می‌شود)

ت- قوانین مربوط به مرور زمان (اگر قبل از زمان تصویب این قانون مستحق موقوفی تعقیب به علت مرور زمان بوده اکنون صدور موقوفی بلا مانع است، اما اگر حتی یک روز بعد از وضع این قانون، طبق قانون قدیم مستحق موقوفی بشود اما طبق قانون فعلی نشود، قرار موقوفی ممنوع است / نظریه مشورتی ۹۲۶/۷ مورخ ۱۳۹۲/۵/۲۲ - به نقل از مصدق)

تبصره- در صورتی که در مورد بند (ب) حکم قطعی صادر شده باشد، پرونده برای بررسی به دادگاه صادرکننده حکم قطعی ارسال می‌شود.

مواد مرتبط: تبصره ماده ۲۹۶ آذک: تبصره ۳- دادگاه‌های کیفری استان و عمومی جزائی موجود به ترتیب به دادگاه‌های کیفری یک و دو تبدیل می‌شوند. جرائمی که تا تاریخ لازم‌الاجرا شدن این قانون در دادگاه ثبت شده است، از نظر صلاحیت رسیدگی تابع مقررات زمان ثبت است و سایر مقررات رسیدگی طبق این قانون در همان شعب مرتبط انجام می‌شود. این تبصره در مورد دادگاه انقلاب و دادگاه‌های نظامی نیز جاری است

## **فصل چهارم- قانونی بودن جرائم، مجازات‌ها و دادرسی کیفری**

### **ماده ۱۲- اصل قانونی بودن مجازات**

حکم به مجازات یا اقدام تأمینی و تربیتی و اجرای آن‌ها باید از طریق دادگاه صالح، به موجب قانون و با رعایت شرایط و کیفیات مقرر در آن باشد.

### **ماده ۱۳- اصل قانونی بودن مقدار مجازات**

حکم به مجازات یا اقدام تأمینی و تربیتی و اجرای آن‌ها حسب مورد نباید از میزان و کیفیتی که در قانون یا حکم دادگاه مشخص شده است تجاوز کند و هرگونه صدمه و خسارتی که از این جهت حاصل شود، در صورتی که از روی عمد یا تقصیر (۱۴۵) باشد حسب مورد موجب مسؤولیت کیفری و مدنی است و در غیر این صورت (غیر عمد و تقصیر مثلاً تفسیر قضایی نادرست)، خسارت از بیت‌المال جبران می‌شود. (اصل ۱۷۱)

## **بخش دوم- مجازات‌ها**

### **فصل اول- مجازات‌های اصلی**

### **ماده ۱۴- مجازات‌های مقرر در قانون**

مجازات‌های مقرر در این قانون چهار قسم است:

الف- حد / ب- قصاص / پ- دیه / ت- تعزیر

تبصره- چنانچه رابطه علیت بین رفتار شخص حقوقی و خسارت وارد شده احراز شود دیه و خسارت، قابل مطالبه خواهد بود. اعمال مجازات تعزیری بر اشخاص حقوقی مطابق ماده (۲۰) خواهد بود.  
مواد مرتبط: ۱۴۳، ۲۲، ۲۱، ۲۰.

#### ماده ۱۵- تعریف حد

حد مجازاتی است که موجب، نوع، میزان و کیفیت اجرای آن در شرع مقدس، تعیین شده است.

#### ماده ۱۶- تعریف قصاص

قصاص مجازات اصلی جنایات عمدی بر نفس، اعضاء و منافع است که به شرح مندرج در کتاب سوم این قانون اعمال می‌شود.

#### نکات:

۱. در مواردی که صاحبان قصاص به جای مجازات اصلی یعنی قصاص، به دیه رضایت دهند، دیه جایگزین قصاص خواهد شد.
۲. قصاص فقط مجازات جنایات عمدی است لذا به هیچ وجه در جنایات غیر عمدی امکان مطالبه قصاص وجود ندارد.
۳. مقصود از نفس: جان و مقصود از عضو هر آسیب کمتر از قتل مانند قطع عضو و مقصود از منفعت، حواس بینایی بویایی، چشایی و نظایر آن است

#### ماده ۱۷- تعریف دیه

دیه اعم از مقدر و غیر مقدر، مالی است که در شرع مقدس برای ایراد جنایت غیر عمدی بر نفس، اعضاء و منافع و یا جنایت عمدی در مواردی که به هر جهتی قصاص ندارد ۲ به موجب قانون مقرر می‌شود.  
مواد مرتبط: ۴۴۸ ق.م.ا، تعریف دیه مقدر و ۴۴۹ ق.م.ا، تعریف دیه غیر مقدر، ۵۶۰ ق.م.ا، تفاوت دیه مقدر زن و مرد، ۵۶۲ ق.م.ا، تفاوت دیه غیر مقدر مرد و زن

#### نکات:

#### ۱. در مورد ماهیت دیه سه نظریه وجود دارد:

الف: جبران خسارت بودن دیه؛ دلایل:

۱. استفاده از کلمه مال به جای کلمه مجازات در مورد دیه در ماده ۱۷ ق.م.ا
۲. در ماده ۴۵۲ ق.م.ا، دیه دارای احکام و آثار مسئولیت مدنی یا ضمان یعنی جبران خسارت دانسته شده است
۳. در تعارض بودن مجازات دانستن دیه با اصل شخصی بودن مجازاتها؛ زیرا طبق این اصل مجازاتها فقط نسبت به مرتکبان جرم قابل اعمال می‌باشد حال آنکه در برخی از موارد مسئول پرداخت دیه عاقله یا بیت‌المال است (ماده ۴۳۵ ق.م.ا).
۴. عدم ضرورت مسئولیت کیفری در تحمل دیه برخلاف جرائم مستوجب حد، قصاص و تعزیر (ماده ۱۴۰ ق.م.ا)
۵. امکان دریافت دیه از اموال جانی حتی بعد از مرگ برخلاف سایر مجازاتها
۶. برخلاف سایر مجازاتها در دیه بعد از قطعیت، امکان عفو، اسقاط و مصالحه توسط زیان دیده وجود دارد.

ب: مجازات بودن دیه؛ دلایل:

۱. استفاده از کلمه مجازات برای دیه در ماده ۱۴ ق.م.ا؛ مجازاتهای مقرر در این قانون چهار قسم است: ... پ- دیه
۲. تعیین مبلغی مشخص برای خسارتی که هنوز واقع نشده است، امری بی‌معناست، چراکه برای تعیین مبلغ باید ابتدا خسارت ارزیابی شود.

۳. در صورت مجازات دانستن امکان دریافت خسارت مازاد بر دیه وجود دارد که به عدالت نزدیک‌تر است  
ج: ماهیت مستقل داشتن دیه: دیه را نه می‌توان مجازات قلمداد کرد، نه جبران خسارت مالی، بلکه نهاد مستقل حقوقی است که ماهیتی دوگانه دارد.

مشورتی: دیه هم مجازات است و هم جنبه جبران خسارت دارد و قابل تقسیط است ۷/۱۱۱۳ مورخ ۹۲/۶/۱۳

### ثمره این اختلاف:

اگر دیه مجازات در نظر گرفته شود، بنابراین حکم به جبران خسارت مادی و معنوی زیان‌دیده امکان‌پذیر می‌باشد، چراکه دیه‌ی دریافتی نه به‌عنوان جبران خسارت، بلکه مجازات جنایت وارده تلقی می‌گردد این در حالی است که اگر دیه جبران خسارت به‌حساب آید، به نظر می‌رسد دیگر حق دریافت خسارت مازاد بر دیه وجود نداشته باشد.

### ۲. جنایات عمدی در ۳ مورد قصاص ندارد

- مجنی علیه یا اولیاء دم خواستار دریافت دیه می‌باشند. ماده ۳۴۷ ق.م.ا.
- موارد عدم جواز قصاص: ماده ۳۰۱ ق.م.ا.
- موارد ممکن نبودن قصاص: وقتی اجرای قصاص منجر به نتیجه‌ای بیش از جنایت اولیه شود یا قصاص امکان اجرا نداشته باشد. ماده ۴۰۱ ق.م.ا.

۳. دیه برخلاف جزای نقدی بر ذمه محکوم‌علیه مستقر شده و حتی بعد از مرگ وی نیز قابل دریافت است

### ماده ۱۸- تعریف تعزیر / اصل فردی کردن مجازات‌ها

تعزیر مجازاتی است که مشمول عنوان حد، قصاص یا دیه نیست و به‌موجب قانون در موارد ارتکاب محرمات شرعی (جرائمی که سابقه حرمت شرعی داشته باشد مثل رشوه) یا نقض مقررات حکومتی تعیین و اعمال می‌گردد.  
نوع، مقدار، کیفیت اجرا و مقررات مربوط به تخفیف، تعلیق، سقوط و سایر احکام تعزیر به‌موجب قانون تعیین می‌شود.

دادگاه در صدور حکم تعزیری، با رعایت مقررات قانونی، موارد زیر را مورد توجه قرار می‌دهد:

الف- انگیزه مرتکب و وضعیت ذهنی و روانی وی حین ارتکاب جرم

ب- شیوه ارتکاب جرم، گستره نقض وظیفه و نتایج زیان‌بار آن

پ- اقدامات مرتکب پس از ارتکاب جرم

ت- سوابق و وضعیت فردی، خانوادگی و اجتماعی مرتکب و تأثیر تعزیر بر وی (۲۰۳ آذک: تشکیل پرونده شخصیت در برخی موارد)

### نکات:

۱. قانون‌گذار بین تعزیر منصوص شرعی و تعزیرات غیر منصوص تفاوت قائل شده است. مثلاً در تبصره ۲ ماده ۱۱۵ ق.م.ا مقرر شده است: اطلاق مقررات این ماده و همچنین بند (ب) ماده (۷) و بندهای (الف) و (ب) ماده (۸) و مواد (۲۸)، (۳۹)، (۴۰)، (۴۵)، (۴۶)، (۹۲)، (۹۳) و (۱۰۵) این قانون شامل تعزیرات منصوص شرعی نمی‌شود  
اما متأسفانه هیچ‌گونه معیاری را برای تفکیک تعزیر منصوص شرعی و تعزیر قانونی از یکدیگر بیان نداشته است.  
نظر اداره حقوقی دادگستری در نظریه‌ی ۱۰۱۹ / ۷ - ۰۲ / ۰۶ / ۱۳۹۲: تعزیرات منصوص شرعی به تعزیراتی گفته می‌شود که در شرع مقدس اسلام، برای یک عمل معین، نوع و مقدار کیفر مشخص شده باشد. بنابراین مواردی که به موجب روایات و یا هر دلیل

شرعی دیگر، به طور کلی و مطلق برای عملی تعزیر مقرر گردیده است و نوع و مقدار آن معین نشده است تعزیر منصوص شرعی محسوب نمی شود

۲. ابزارهای تحقیق اصل فردی کردن:

- نهادهای تفرید قضایی: مانند تعلیق تعقیب کیفری، تعویق صدور حکم و تعلیق اجرای مجازات.
- متغیر بودن مجازاتها: یعنی دارای حداقل و حداکثر بودن مجازاتها
- حذف حتمیت مجازاتها: مانند پذیرش نهادهایی مثل توبه و عفو.

۳. اصل فردی کردن اصولاً فقط در مجازات تعزیری معنا دارد. زیرا قصاص و دیات جز حق الناس و حدود نیز به جهت حق الله بودن از موضوع این اصل خارج است، هرچند به نظر می رسد در حدود گاهی خود شارع اصل فردی کردن مجازاتها توجه داشته است. برای نمونه درباره ی جرم واحد زنا با توجه به شخصیت و وضعیت مجرم مجازاتهای مختلفی پیش بینی کرده است،

۴. از ادبیات ماده ۱۸ مشخص است که رعایت اصل فردی کردن هنگام صدور حکم تعزیری الزام قانونی دارد

### ماده ۱۹-درجه بندی مجازاتها

مجازاتهای تعزیری به هشت درجه تقسیم می شود:

درجه ۱

- حبس بیش از بیست و پنج سال

- جزای نقدی بیش از یک میلیارد (۰۰۰ / ۰۰۰ / ۱) ریال

- مصادره کل اموال (استیلا ی دولت بر تمام اموال موجود محکوم علیه اعم از نقدی و غیرنقدی، منقول و غیرمنقول است.)

- انحلال شخص حقوقی

درجه ۲

- حبس بیش از پانزده تا بیست و پنج سال

- جزای نقدی بیش از پانصد و پنجاه میلیون (۰۰۰ / ۵۵۰ / ۱) ریال تا یک میلیارد (۰۰۰ / ۰۰۰ / ۱) ریال

درجه ۳

- حبس بیش از ده تا پانزده سال

- جزای نقدی بیش از سیصد و شصت میلیون (۰۰۰ / ۳۶۰ / ۱) ریال تا پانصد و پنجاه میلیون (۰۰۰ / ۰۰۰ / ۱)

۵۵۰ ریال

درجه ۴

- حبس بیش از پنج تا ده سال

- جزای نقدی بیش از یکصد و هشتاد میلیون (۰۰۰ / ۱۸۰ / ۱) ریال تا سیصد و شصت میلیون (۰۰۰ / ۰۰۰ / ۱)

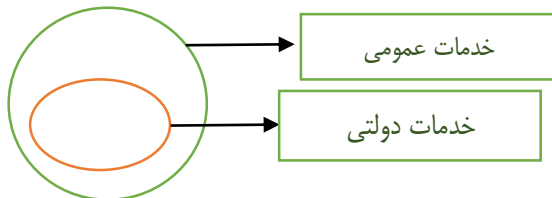
۳۶۰ ریال

- انفصال دائم از خدمات دولتی و عمومی (انفصال: یعنی قطع رابطه ی استخدامی کارمند یا مأمور دولت با سازمان، نهاد و یا ادارات دولتی به حکم دادگاه، خواه به طور موقت، خواه به طور دائم)

(انفصال از خدمت هنگامی مجازات محسوب می‌شود که در قوانین کیفری پیش‌بینی شده و قانون‌گذار اعمال آن را به موجب حکم دادگاه اجازه داده باشد. اما اگر در آیین‌نامه یا مقررات اداری و استخدامی ذکر شده باشد صرفاً ضمانت اجرای انتظامی یا اداری به شمار می‌آید)

(انفصال از خدمت صرفاً کارمندان و مأموران دولتی را شامل می‌شود، نه تمامی شهروندان جامعه را) (قانون‌گذار گاهی از انفصال دائم از خدمت به‌عنوان تشدید مجازات انفصال موقت از خدمت استفاده کرده است: مثل ماده ۵۹۷ ق.م.ا.مصوب ۷۵)

(محرومیت از خدمات دولتی به معنی محرومیت از خدمات عمومی نیست اگرچه ممکن است این دو اصطلاح معادل یکدیگر در نظر گرفته شوند. ولی رابطه میان آن‌ها رابطه عموم و خصوص مطلق است بنابراین هیچ‌گاه نمی‌توان به بهانه محرومیت از خدمات دولتی مجرم را مثلاً از بهره‌مندی از آموزش و پرورش رایگان محروم ساخت



درجه ۵

- حبس بیش از دو تا پنج سال

- جزای نقدی بیش از هشتاد میلیون (۸۰ / ۰۰۰ / ۰۰۰) ریال تا یک‌صد و هشتاد میلیون (۱۸۰ / ۰۰۰ / ۰۰۰) ریال

- محرومیت از حقوق اجتماعی بیش از پنج تا پانزده سال

- ممنوعیت دائم از یک یا چند فعالیت شغلی (ماده ۳۰) یا اجتماعی برای اشخاص حقوقی

(محرومیت از فعالیت‌های شغلی به دو صورت قابل‌تصور است: محرومیت از مشاغل آزاد و محرومیت از مشاغل دولتی

محرومیت از مشاغل آزاد در قانون مجازات اسلامی به دو صورت زیر پیش‌بینی شده است:

اشخاص حقوقی: محرومیت از مشاغل به‌عنوان مجازات اصلی در بند پ ماده ۲۰

محرومیت از مشاغل به‌عنوان مجازات تکمیلی در بند پ ماده ۲۳ ق.م.ا. آمده است که شامل شغل آزاد نیز می‌شود)

(تفاوت محرومیت از مشاغل دولتی با انفصال از خدمت: در محرومیت از مشاغل دولتی یک شخص از استخدام در کلیه مشاغل

دولتی محروم می‌گردد، درحالی‌که در انفصال از خدمت رابطه استخدامی کارمند یا مأمور دولت با نهاد، سازمان یا ادارات دولتی قطع

می‌شود)

- ممنوعیت دائم از دعوت عمومی برای افزایش سرمایه برای اشخاص حقوقی

درجه ۶

- حبس بیش از شش ماه تا دو سال

- جزای نقدی بیش از بیست میلیون (۲۰ / ۰۰۰ / ۰۰۰) ریال تا هشتاد میلیون (۸۰ / ۰۰۰ / ۰۰۰) ریال

- شلاق از سی و یک تا هفتاد و چهار ضربه و تا نود و نه ضربه در جرائم منافی عفت

- محرومیت از حقوق اجتماعی بیش از شش ماه تا پنج سال

- انتشار حکم قطعی در رسانه‌ها

- ممنوعیت از یک یا چند فعالیت شغلی یا اجتماعی برای اشخاص حقوقی حداکثر تا مدت پنج سال

- ممنوعیت از دعوت عمومی برای افزایش سرمایه برای اشخاص حقوقی حداکثر تا مدت پنج سال

- ممنوعیت از اصدار برخی از اسناد تجاری توسط اشخاص حقوقی حداکثر تا مدت پنج سال

## درجه ۷

- حبس از نودویک روز تا شش ماه

- جزای نقدی بیش از ده میلیون (۱۰ / ۰۰۰ / ۰۰۰) ریال تا بیست میلیون (۲۰ / ۰۰۰ / ۰۰۰) ریال

- شلاق از یازده تا سی ضربه

- محرومیت از حقوق اجتماعی تا شش ماه

## درجه ۸

- حبس تا سه ماه

- جزای نقدی تا ده میلیون (۱۰ / ۰۰۰ / ۰۰۰) ریال

- شلاق تا ده ضربه

تبصره ۱- موارد محرومیت از حقوق اجتماعی همان است که در مجازات‌های تبعی ذکر شده است. (یعنی ماده

۲۶ این قانون. بنابراین محرومیت‌های اجتماعی سایر قوانین طبق این تبصره و تبصره ۳، درجه ۷ خواهد بود)

تبصره ۲- مجازاتی که حداقل آن منطبق بر یکی از درجات فوق و حداکثر آن منطبق با درجه بالاتر باشد، از

درجه بالاتر محسوب می‌شود.

(مثلاً مجازات خیانت‌درامانت که مجازات آن ۶ ماه تا ۳ سال حبس است، درجه ۵ محسوب می‌شود)

تبصره ۳- در صورت تعدد مجازات‌ها، مجازات شدیدتر و در صورت عدم امکان تشخیص مجازات شدیدتر،

مجازات حبس ملاک است. همچنین اگر مجازاتی با هیچ‌یک از بندهای هشت‌گانه این ماده مطابقت نداشته

باشد مجازات درجه هفت محسوب می‌شود.

• برای مثال مجازات جرم کیف‌قاپی موضوع ماده ۶۵۷ ق.م.ا.مصوب ۹۲ ... حبس از یک تا پنج سال و تا ۷۴ ضربه شلاق...

می‌باشد. حبس ۱ تا ۵ سال، مجازات تعزیری درجه‌ی ۵ و ۷۴ ضربه شلاق، مجازات تعزیری درجه‌ی ۶ می‌باشد. مطابق

با ملاک تبصره فوق‌الذکر، باید این مجازات، مجازات تعزیری درجه‌ی ۵ تلقی گردد نه درجه‌ی ۶.

• بخش انتهایی تبصره ۳ در برخی موارد منطقی به نظر نمی‌رسد مثلاً مصادر جزئی اموال در هیچ‌یک از درجات هشت‌گانه

ذکر نشده است لذا باید آن را درجه هفت دانست حال آنکه در برخی از موارد گاهی مصادر جزئی اموال، منتهی به

مصادره‌ی مبالغ کلانی می‌شود که درجه هفت محسوب کردن آن چندان با منطق قانون‌گذاری سازگار نمی‌باشد.

• مجازات‌های نسبی درجه ۷ محسوب می‌شود: رای وحدت رویه ۷۵۹ / لذا این درجه ملاک تشخیص صلاحیت

است.

## • ملاک تشخیص اخف و اشد:

۱. بر اساس درجات ماده ۱۹

۲. اگر در یک درجه و غیر همجنس هستند به ترتیب: حبس، شلاق، جزای نقدی اشد است.

۳. اگر در یک درجه و همجنس هستند

• مجازات ثابت: قاعده ریاضی ۵ سال شدیدتر از ۳ سال حبس است

• مجازات متغیر:

❖ مجازاتی که حداکثرش بیشتر است شدیدتر است

❖ اگر حداکثرها مساوی است، مجازاتی که حداقل آن بیشتر است شدیدتر است.

**مضمون رأی وحدت رویه رأی وحدت ۷۴۴ - ۱۳۹۴/۸/۱۹:** اگر یک جرم، هم دارای مجازات حبس بوده و هم مجازات جزای نقدی، همواره مجازات حبس شدیدتر از مجازات جزای نقدی خواهد بود، حتی اگر جزای نقدی در درجات بالاتری نسبت به حبس قرار گرفته باشد.

• **ملاک تشخیص درجه: همین رأی وحدت رویه فوق‌الذکر:** مثال: اگر جرمی مجازات حبسش از درجه ۵ بوده و مجازات جزای نقدی‌اش از درجه ۲ باشد، آن جرم درجه ۵ محسوب می‌شود.

تبصره ۴- مقررات این ماده و تبصره‌های آن تنها جهت تعیین درجه مجازات است و تأثیری در میزان حداقل و حداکثر مجازات‌های مقرر در قوانین جاری ندارد

تبصره ۵- ضبط اشیاء و اموالی که در ارتکاب جرم به کار رفته یا مقصود از آن به‌کارگیری در ارتکاب جرم بوده است از شمول این ماده و بند (ب) ماده (۲۰) خارج و در مورد آن‌ها برابر ماده (۲۱۵) این قانون عمل خواهد شد.

در هر مورد که حکم به مصادره اموال صادر می‌شود باید هزینه‌های متعارف زندگی محکوم و افراد تحت تکفل او مستثنا شود. (آقای توجهی: اگر اموال یاد شده از جرم حاصل شده باشد، چگونه و با کدام توجیه فقهی و حقوقی، مقنن به خود اجازه داده است که در یک اقدام انسانی هزینه‌های متعارف زندگی محکوم و افراد تحت تکفل او را بدون ذکر مدت معین از اموال نامشروعی که حکم به مصادره آن شده است، استثناء کند؟

هزینه‌های متعارف زندگی محکوم و افراد تحت تکفل او را می‌توان طبق تبصره ماده ۱۲ لایحه قانونی آیین‌نامه دادگاه‌ها و دادرها انقلاب ۱۳۵۸ در نظر گرفت: در مورد ضبط اموال غیر مشروع در صورتی که محکوم‌علیه دارای مشروعی نداشته باشد، نفقه قانونی اشخاص واجب‌النفقه او به تشخیص دادگاه با دولت خواهد بود)

#### نکات:

۱. مجازات اعدام در هیچ‌یک از درجات هشتگانه به چشم نمی‌خورد بنابراین طبق قانون مجازات اسلامی و به جهت اصرار قانون‌گذار بر پایبندی به قاعده «التعزیر دون الحد» مجازات اعدام تعزیری وجود ندارد
۲. از پیش‌بینی مجازات حبس بیش از ۲۵ سال درجه یک چنین برداشت می‌گردد که مقنن حبس ابد را به‌عنوان یکی از مجازات‌های تعزیری پذیرفته است. البته پذیرش صحت چنین برداشتی دشوار می‌باشد و باتوجه به اینکه حبس ابد نوعی مجازات حدی است و برای پایبندی به قاعده «التعزیر دون الحد» لازم است حبس بیش از ۲۵ سال منصرف از حبس ابد در نظر گرفته شود. نظریه مشورتی ۷/۹۲/۱۹۵۳ مورخ ۱۳۹۲/۱۰/۸: حبس ابد درجه یک است
۳. تعریف جزای نقدی: الزام محکوم‌علیه به استناد حکم محکومیت به پرداختن مبلغی وجه نقد به نفع دولت
۴. جزای نقدی همچون سایر مجازات‌ها، تابع اصل شخصی بودن مجازات‌ها است
۵. جزای نقدی همانند سایر مجازات‌های اصلی، گاه تنها مجازات اصلی یک جرم بوده مانند ماده ۵۴۱ ق.م.ا. مصوب ۷۵ و گاهی یکی از مجازات‌های اصلی اجباری مانند ماده ۷۰۷ ق.م.ا. مصوب ۷۵ و گاهی یکی از مجازات‌های اختیاری مانند ماده ۷۰۸ ق.م.ا. مصوب ۷۵ محسوب می‌شود.

## ۶. انواع جزای نقدی

۱. مقطوع (فاقد حداقل و حداکثر) مثل ماده ۶۸ قانون تجارت الکترونیکی ۲. متغیر (دارای حداقل و حداکثر) مثل ماده ۵۸۱ ق.م.ا مصوب ۷۵	<b>ثابت (میزان مبلغ معین در قانون به عنوان مجازات یک جرم)</b>
۱. نصف مال ناشی از جرم مثل ماده ۵۶۶ مکرر ق.م.ا مصوب ۷۵ ۲. معادل مال ناشی از جرم مثل ماده ۵۹۵ ق.م.ا مصوب ۷۵ ۳. دو یا چند برابر مال ناشی از جرم مثل ماده ۵۶۱ ق.م.ا مصوب ۷۵ ۴. تعیین مبلغ ثابت به عنوان نصاب + تعیین نسبت‌های متغیر بر اساس مال ناشی از جرم مثل ماده ۲ قانون تعزیرات	<b>نسبی (میزان مبلغ متغیر به نسبت مال یا منفعت کسب شده توسط مجرم)</b>

۷. **حسن جزای نقدی ثابت:** رعایت اصل قانونی بودن مجازات به جهت معین بودن میزان آن.

۸. **عیب جزای نقدی ثابت:** تأثیرپذیری از نوسان‌های ارزش پول رایج و کاسته شدن از اثر بازدارندگی آن. قانون‌گذار به منظور رفع این مشکل، در ماده ۲۸ ق.م.ا مقرر داشته است: کلیه مبالغ مذکور در این قانون و سایر قوانین از جمله مجازات نقدی، به تناسب نرخ تورم اعلام شده به وسیله بانک مرکزی هر سه سال یک‌بار به پیشنهاد وزیر دادگستری و تصویب هیئت وزیران تعدیل و در مورد احکامی که بعد از آن صادر می‌شود لازم‌الاجرا می‌گردد.

۹. **حسن جزای نقدی نسبی:** منطبق شدن طبیعی با نوسان‌های ارزش پول رایج و پویا ماندن آن + بازدارندگی بالا

۱۰. **عیب جزای نقدی نسبی:** عدم امکان دریافت آن در شروع به جرم.

۱۱. بزرگ‌ترین اشکال جزای نقدی نسبی آن است که در جرائم مقید، باید جرم به طور کامل به وقوع پیوسته و مالی برده شود تا با معیار قرار دادن آن، حکم به جزای نقدی معادل، دو یا چند برابر مال برده شده کرد.

۱۲. درباره اجرا و نحوه وصول جزای نقدی، طبق مواد ۵۲۹ تا ۵۴۰ آدک (اصلاحات ۹۴) تعیین تکلیف می‌شود.

۱۳. **مصادره اموال** نوعی مجازات است لذا تنها از طریق دادگاه و به موجب حکم قضایی قابل اعمال است.

۱۴. اموال و اشیایی که با حکم دادگاه مصادره می‌شوند باید عیناً در اختیار دولت قرار داده شوند. تمام اموال و حقوق مالی که به نحوی در توقیف دولت درآمده است، در اختیار سازمانی به نام سازمان جمع‌آوری و فروش اموال تملیکی گذاشته می‌شود تا بر طبق قانون تأسیس سازمان مذکور و اساسنامه آن مصوب ۷۰ نسبت به اداره و یا فروش آن‌ها اقدام کند.

۱۵. مصادره اموال غیر از معدوم کردن اموال و استرداد اموال است. در معدوم کردن اموال، مال از بین می‌رود مانند از بین بردن داروهای تقلبی و مواد بهداشتی فاسد. در استرداد اموال مال باید به مالک یا متصرف قانونی آن برگردانده شود، مثلاً دادگاه حکم می‌دهد مالی که از راه کلاهبرداری به دست آمده است به مالک آن بازگردانده شود.

۱۶. مصادره کل اموال هم نسبت به اشخاص حقیقی و هم نسبت به اشخاص حقوقی قابل اعمال است.

۱۷. تعریف مصادره جزئی اموال (مصادره خاص): استیلائی دولت بر بخشی از اموال که گاه موضوع جرم، گاه محصول جرم و گاه ابزار و آلات جرم به شمار می‌آید.

۱۸. قانون‌گذار در هیچ‌یک از درجات هشت‌گانه‌ی ماده ۱۹ نامی از مصادره جزئی نیآورده است. لذا طبق تبصره‌ی ۳ این ماده مجازات درجه هفت محسوب می‌شود.

۱۹. قانون‌گذار در برخی موارد از واژه‌های مصادره اموال و ضبط اموال را بجای یکدیگر استفاده نموده و هیچ‌گونه حکمت و غرض خاصی در به کارگیری هر یک از آن‌ها ندارد، ولی ظاهراً برخی تفاوت‌های ماهوی میان این دو اصطلاح حقوقی وجود دارد که عبارت‌اند از:

- معمولاً ضبط اموال در مرحله تحقیق و مصادره اموال با صدور حکم دادگاه است



- به نظر می‌رسد در ضبط اموال، به صورت موقت مالکیتِ شخص با مانع مواجه می‌شود و در زمانی مشخص مالک حق تصرف در اموال خویش را ندارد، اما در مصادره اموال به صورت کلی مالکیت فرد بر تمام یا قسمتی از مال از بین می‌رود و شخص مالک مال محسوب نخواهد شد.
  - شاید بتوان گفت مصادره اموال نوعی مجازات می‌باشد درحالی‌که ضبط اموال فاقد چنین ویژگی است. اگر در مواردی مقنن از ضبط به اسم مجازات یاد می‌کند قاعداً باید از آن به‌عنوان مصادره تلقی شود که نیاز به حکم دادگاه دارد.
۲۰. این درجات برای اشخاص بالای ۱۸ سال است

### ماده ۲۰- مجازات اشخاص حقوقی

در صورتی که شخص حقوقی بر اساس ماده (۱۴۳) این قانون مسئول شناخته شود، با توجه به شدت جرم ارتكابی و نتایج زیان‌بار آن به یک تا دو مورد از موارد زیر محکوم می‌شود، این امر مانع از مجازات شخص حقیقی نیست:

#### الف- انحلال شخص حقوقی

#### ب- مصادره کل اموال

پ- ممنوعیت از یک یا چند فعالیت شغلی یا اجتماعی به طور دائم یا حداکثر برای مدت پنج سال

ت- ممنوعیت از دعوت عمومی برای افزایش سرمایه به طور دائم یا حداکثر برای مدت پنج سال

ث- ممنوعیت از اصدار برخی از اسناد تجاری حداکثر برای مدت پنج سال

ج- جزای نقدی (ضمانت اجرا ندارد چون نمی‌توان در صورت عدم پرداخت شخص حقوقی را محکوم به حبس کرد، بر خلاف شخص حقیقی)

چ- انتشار حکم محکومیت به وسیله رسانه‌ها (الزاماً باید به همراه یکی از دیگر مجازات‌های فوق‌الذکر باشد، چراکه شخص حقوقی اول باید به کیفر دیگری محکوم شود تا بتوان آن را منتشر ساخت)

تبصره- مجازات موضوع این ماده، در مورد اشخاص حقوقی دولتی و یا عمومی غیردولتی در مواردی که اعمال حاکمیت می‌کنند، اعمال نمی‌شود.

### نکات:

۱. تعاریف

- **اشخاص حقوقی دولتی:** ماده ۲ قانون مدیریت خدمات کشوری: مؤسسه دولتی: واحد سازمانی مشخصی است که به موجب قانون ایجاد شده یا می‌شود و با داشتن استقلال حقوقی، بخشی از وظایف و اموری را که بر عهده یکی از قوای سه‌گانه و سایر مراجع قانونی می‌باشد انجام می‌دهد. کلیه سازمان‌هایی که در قانون اساسی نام برده شده است در حکم مؤسسه دولتی شناخته می‌شود
- **نهادهای عمومی غیردولتی:** ماده ۳ قانون مدیریت خدمات کشوری: مؤسسه یا نهاد عمومی غیردولتی: واحد سازمانی مشخصی است که دارای استقلال حقوقی است و با تصویب مجلس شورای اسلامی ایجاد شده یا می‌شود و بیش از پنجاه درصد بودجه سالانه آن از محل منابع غیردولتی تأمین گردد و عهده‌دار وظایف و خدماتی است که جنبه عمومی دارد
- **امور حاکمیتی:** ماده ۸ قانون مدیریت خدمات کشوری: آن دسته از اموری است که تحقق آن موجب اقتدار و حاکمیت کشور است و منافع آن بدون محدودیت شامل همه اقشار جامعه گردیده و بهره‌مندی از این نوع خدمات موجب محدودیت برای استفاده دیگران نمی‌شود...

- امور تصدی: تبصره ماده ۴ قانون راجع به دعاوی بین اشخاص و دولت مصوب ۱۳۰۹: اعمال تصدی اعمالی است که دولت از نقطه نظر حقوقی مشابه اعمال افراد انجام می‌دهد، مانند خرید و فروش، اجاره و استجاره و امثال آن
- ۲. تفهیم اتهام شخص حقوقی به نماینده قانونی او صورت می‌گیرد، ۶۸۹ آذک
- ۳. قرارهای تأمین شخص حقوقی طبق ماده ۶۹۰ آذک خواهد بود

### ماده ۲۱- جزای نقدی اشخاص حقوقی

میزان جزای نقدی قابل اعمال بر اشخاص حقوقی حداقل دو برابر و حداکثر چهار برابر مبلغی است که در قانون برای ارتکاب همان جرم به وسیله اشخاص حقیقی تعیین می‌شود.

### ماده ۲۲- انحلال شخص حقوقی مجرم

انحلال شخص حقوقی و مصادره اموال آن زمانی اعمال می‌شود که برای ارتکاب جرم، به وجود آمده یا با انحراف از هدف مشروع نخستین، فعالیت خود را منحصرأ در جهت ارتکاب جرم تغییر داده باشد.

### فصل دوم- مجازات‌های تکمیلی و تبعی

#### ماده ۲۳- مجازات‌های تکمیلی

دادگاه (شامل تمامی دادگاه‌های تالی و عالی است اما سایر مراجع همچون بازپرس، دادستان و حتی قضات شورای حل اختلاف را شامل نمی‌شود) می‌تواند (اختیار دادگاه) فردی (برخی: فرد صرفاً ظهور در اشخاص حقیقی دارد) را که به حد، قصاص یا مجازات تعزیری از درجه شش تا درجه یک (عمدی و غیرعمدی) (پس در دیه و تعزیرات درجه ۷ و ۸، امکان اعمال مجازات‌های تکمیلی وجود ندارد) محکوم کرده است با رعایت شرایط مقرر در این قانون (مواد ۳۰ تا ۳۶ ق.م.ا)، متناسب با جرم ارتكابی و خصوصیات وی به یک یا چند مجازات از مجازات‌های تکمیلی زیر (حصری) محکوم نماید:

الف- اقامت اجباری در محل معین

ب- منع از اقامت در محل یا محل‌های معین

پ- منع از اشتغال به شغل، حرفه یا کار معین

ت- انفصال از خدمات دولتی و عمومی

ث- منع از رانندگی با وسایل نقلیه موتوری و یا تصدی وسایل موتوری

ج- منع از داشتن دسته‌چک و یا اصدار اسناد تجارتي

چ- منع از حمل سلاح

ح- منع از خروج اتباع ایران از کشور

خ- اخراج بیگانگان از کشور

د- الزام به خدمات عمومی (رضایت متهم شرط نیست بر خلاف ماده ۸۴ اما بهتر است رضایت متهم در نظر گرفته شود)

ذ- منع از عضویت در احزاب، گروه‌ها و دستجات سیاسی یا اجتماعی

ر- توقیف وسایل ارتکاب جرم یا رسانه یا مؤسسه دخیل در ارتکاب جرم (این وسایل غیر از وسایل مذکور در ماده ۲۱۵ ق.م.ا و ۱۴۸ آدک است. در آنجا وسیله‌ای که ارتباط مستقیم با جرم دارد **الزاماً** توقیف می‌شود اما در اینجا وسیله مذکور ارتباط مستقیم با جرم ندارد لذا به عنوان مجازات تکمیلی **می‌تواند** توقیف شود مانند ماشینی که در آن رابطه نامشروع صورت گرفته است) (شامل شخص حقوقی حاکمیتی نمی‌شود)

ز- الزام به یادگیری حرفه، شغل یا کار معین

ژ- الزام به تحصیل

س- انتشار حکم محکومیت قطعی

(معیار تعیین مجازات‌های تکمیلی نوع مجازات (حد، قصاص و تعزیر) و درجه‌ی (۱ تا ۶) مجازات است نه نوع جرم ارتكابی برخلاف تبصره ماده ۳۶ ق.م.ا ملاک انتشار حکم محکومیت قطعی نوع جرم ارتكابی دانسته شده است)

تبصره ۱- مدت مجازات تکمیلی بیش از دو سال نیست مگر در مواردی که قانون به‌نحو دیگری مقرر نماید. (مثل ماده ۷۱۸ ق.م.ا مصوب ۷۵: در مورد مواد فوق هرگاه راننده یا متصدی وسایل موتوری در موقع وقوع جرم مست بوده ... دادگاه می‌تواند علاوه بر مجازات فوق مرتکب را برای مدت یک تا پنج سال از حق رانندگی یا تصدی وسایل موتوری محروم نماید.)

تبصره ۲- چنانچه مجازات تکمیلی و مجازات اصلی از یک نوع باشد، فقط مجازات اصلی مورد حکم قرار می‌گیرد. (نه به این معنا که در این‌گونه موارد، قاضی به طور مطلق از تعیین مجازات تکمیلی منع شده است بلکه اگر مجازات اصلی ماهیتاً مشابه با مجازات تکمیلی باشد قاضی در صورت صلاحدید باید مجازات تکمیلی دیگری را برای مجرم تعیین نماید)

تبصره ۳- آیین‌نامه راجع به کیفیت اجرای مجازات تکمیلی ظرف شش ماه از تاریخ لازم‌الاجرا شدن این قانون توسط وزیر دادگستری تهیه می‌شود و به تصویب رئیس قوه قضاییه می‌رسد.

#### نکات:

۱. مجازات‌های تکمیلی ماهیتاً نوعی اقدامات تأمینی هستند چراکه مجازات‌های تکمیلی به دنبال مقابله‌ی با حالت خطرناک مجرم و کاهش احتمال تکرار جرم در آینده بوده، حال آنکه یکی از مهم‌ترین اهداف مجازات‌های اصلی آن است که مجرم به سزای کرده گذشته‌ی خویش برسد
  ۲. نیازی نیست که ابتدا قاضی مجرم را به حداکثر مجازات اصلی جرم ارتكابی محکوم نماید، تا بعد از آن بتواند حکم به مجازات تکمیلی دهد (مصدق/مصطفی پور)
  ۳. با توجه به عبارت «محکوم کرده است» ملاک در جواز اعمال مجازات تکمیلی محکومیت به مجازات حد و قصاص و تعزیر درجه یک تا ۶ است نه ارتکاب جرم جرمی که مجازات قانونی آن درجه یک تا ۶ باشد. به عبارت دیگر ملاک مجازات قضایی است نه قانونی
- مجازات قانونی: مجازاتی که توسط قانون‌گذار برای یک جرم معین در قانون ذکر شده است.
  - مجازات قضایی: مجازات تعیین شده توسط قاضی است که ممکن است به جهت استفاده از اختیارات قضایی متفاوت از مجازات قانونی باشد.

۴. در مورد مجازات تکمیلی مجازات قضایی مهم است نه قانونی.
۵. تعیین مجازات تکمیلی باید ضمن صدور حکم محکومیت باشد (یعنی در یک دادنامه) و بعد از آن نمی‌توان به تعیین مجازات تکمیلی اقدام نمود نظریه مشورتی شماره ۲۵۳ / ۷ - ۳۰ / ۵ / ۱۳۷۸
۶. منظور از تناسب در این ماده هم‌جنس بودن نوع مجازات تکمیلی با عوامل وقوع جرم است، نه مطابقت آن با میزان تقصیر مرتکب. چراکه مجازات تکمیلی ماهیتاً جزء اقدامات تأمینی است و در اقدامات تأمینی آنچه که باید بیش از گذشته و میزان تقصیر مرتکب توسط قاضی مدنظر قرار گیرد، آینده و احتمال کاهش تکرار جرم توسط وی می‌باشد، هدفی که با از بین بردن عوامل وقوع جرم و بسترهای تحقق آن دست‌یافتنی خواهد بود.
۷. ماده ۷۱۸ را برخی برای تبصره ۱ این ماده مثال می‌زنند برخی برای تبصره ۲.
۸. جمع تخفیف با مجازات تکمیلی ممکن است. آنچه از نظر قانون‌گذار مهم است محکومیت به یکی از مجازات‌های درجه یک تا ۶ است و تفاوتی نمی‌کند این محکومیت با در نظر گرفتن تخفیف مجازات باشد یا بدون آن.
۹. اگر بعد از تخفیف مجازات درجه آن ۷ یا ۸ شد، محکوم کردن به مجازات تکمیلی ممکن نیست.
۱۰. جمع جایگزین حبس با مجازات تکمیلی ممکن است (ماده ۸۷)
۱۱. مجازات تکمیلی ماده ۲۳ نسبت به جرائم خاص نظامیان نیروهای مسلح قابل اعمال نیست. انواع مجازات تکمیلی جرائم نظامیان در ماده ۱۵ ق جرائم نیروهای مسلح ذکر شده است. اما نسبت به جرائم عمومی آن‌ها قابل اعمال است. البته باید تناسب و قابل اجرا بودن مجازات تکمیلی با وضعیت نیروهای مسلح لحاظ شود.
۱۲. تعیین مجازات تکمیلی هنگام تجمیع احکام کیفری موضوع ماده ۵۱۰ آدک وجه قانونی ندارد.
۱۳. طبق نظر اداره حقوقی ۷/۵۱۸۰ مورخ ۱۳۶۸/۸/۷ نسبت به معاونی که محکوم به مجازات درجه یک تا ۶ شود نمی‌توان مجازات تکمیلی تعیین کرد چون قانوناً بین مرتکب و معاون تفاوت وجود دارد / اما اولاً مرتکب اعم از مباشر و معاون است و ثانیاً در ماده ۲۳ آنچه مهم است محکومیت به تعزیر درجه یک تا ۶ است صرف نظر از اینکه جرم ارتكابی چه باشد (مصدق)

#### **ماده ۲۴ - ضمانت اجرای مجازات تکمیلی / اثر تبعیت از مفاد حکم مجازات تکمیلی**

چنانچه محکوم طی مدت اجرای مجازات تکمیلی، مفاد حکم را رعایت ننماید، دادگاه صادرکننده حکم (قطعی) به پیشنهاد قاضی اجرای احکام برای بار اول مدت مجازات تکمیلی مندرج در حکم را تا یک‌سوم افزایش می‌دهد (برای مثال اگر مجرمی به اقامت اجباری در محل معین برای ۲ سال محکوم گردیده است، در صورتی که برای نخستین بار از مفاد حکم تخلف نماید، قاضی مکلف است ۸ ماه به مدت مجازات تکمیلی وی اضافه نماید). (این افزایش اگر بیشتر از دو سال هم بشود منافاتی با تبصره یک ماده ۲۳ ندارد به علت اینکه در انتهای تبصره مقرر شده: **مگر در مواردی که قانون به نحو دیگری مقرر نماید**) و در صورت تکرار، بقیه مدت محکومیت را به حبس یا جزای نقدی درجه هفت یا هشت تبدیل می‌کند. (طبق اطلاق این عبارت، قاضی در انتخاب هر یک از چهار مجازات فوق یعنی حبس درجه هفت جزای نقدی درجه هفت، حبس درجه هشت و جزای نقدی درجه هشت، مختار می‌باشد). همچنین بعد از گذشتن نیمی از مدت مجازات

تکمیلی، دادگاه می‌تواند با پیشنهاد قاضی اجرای حکم (نه صرف درخواست محکوم) در صورت اطمینان به عدم تکرار جرم و اصلاح مجرم، نسبت به لغو یا کاهش مدت زمان مجازات تکمیلی وی اقدام کند

#### نکات:

۱. حکم به تشدید مجازات تکمیلی یا تبدیل آن به حبس، قطعی می‌باشد/ مشورتی: ۷/۷۰۹۹ مورخ ۱۳۸۵/۹/۱۵
۲. حبس درجه ۸ مذکور در این ماده تبدیل به جایگزین حبس نمی‌شود چون موضوع مواد ۶۵ و ۶۸ که قاضی را ملزم به تعیین جایگزین حبس کرده، مربوط به مجازات قانونی و اصلی است نه موضوع ماده ۲۴.
۳. ضمانت اجرای مذکور در ماده ۲۴، قابل اجرا در مورد ماده ۱۵ ق. جرائم نیروهای مسلح نیست
۴. ذیل ماده ۲۴ یعنی لغو یا کاهش مدت زمان مجازات تکمیلی نسبت ماده ۱۵ ق. جرائم نیروهای مسلح قابل اعمال است.

#### ماده ۲۵ - مجازات تبعی

محکومیت قطعی کیفری (مجازات قضایی نه قانونی) در جرائم عمدی (پس جرائم غیرعمدی به‌هیچ‌وجه دارای مجازات تبعی نیست) **پس از اجرای حکم یا شمول مرور زمان** (پس مرور زمان مجازات تبعی را از بین نمی‌برد)، در مدت زمان مقرر در این ماده محکوم را از حقوق اجتماعی به‌عنوان مجازات تبعی محروم می‌کند:

الف - هفت سال در محکومیت به مجازات‌های سالب حیات و حبس ابد از تاریخ توقف اجرای حکم اصلی (مثلاً به علت گذشت شاکی در قتل که حکم قصاص متوقف می‌شود)

ب - سه سال در محکومیت به قطع عضو، قصاص عضو در صورتی که دیه جنایت وارد شده بیش از نصف دیه مجنی علیه باشد، نفی بلد و حبس تا درجه چهار

پ - دو سال در محکومیت به شلاق حدی، قصاص عضو در صورتی که دیه جنایت وارد شده نصف دیه مجنی علیه یا کمتر از آن باشد و حبس درجه پنج

تبصره ۱ - در غیر موارد فوق، مراتب محکومیت در پیشینه کیفری محکوم درج می‌شود لکن در گواهی‌های صادره از مراجع ذی‌ربط منعکس نمی‌گردد مگر به درخواست مراجع قضایی برای تعیین یا بازنگری در مجازات تبصره ۲ - در مورد جرائم قابل گذشت در صورتی که پس از صدور حکم قطعی با گذشت شاکی یا مدعی خصوصی، اجرای مجازات موقوف شود اثر تبعی آن نیز رفع می‌شود. (اگر گذشت شاکی پس از اجرای تمام محکومیت باشد برخی معتقدند: محکوم از مزیت این تبصره نمی‌تواند بهره‌گیرد اما این برداشت صحیح نیست چون اولاً: عبارت پس از صدور حکم شامل این فرض هم می‌شود و ثانیاً این تفسیر به نفع متهم است (مصدق))

تبصره ۳ - در عفو (عمومی و خصوصی) و آزادی مشروط، اثر تبعی محکومیت پس از گذشت مدت‌های فوق از زمان عفو یا اتمام مدت آزادی مشروط رفع می‌شود.

(این تبصره در تعارض با اطلاق ماده ۹۸ است که بیان می‌دارد: عفو همه آثار محکومیت را منتفی می‌کند/

**جمع تبصره ۳ ماده ۲۵ با ماده ۹۸:** عفو همه آثار محکومیت به جز آثار تبعی را از زمان عفو منتفی می‌کند اما آثار تبعی بعد از انقضای مدت‌های مندرج در ماده ۲۵ زایل می‌شود (مصدق))

محکوم در مدت زمان آزادی مشروط و همچنین در زمان اجرای حکم نیز از حقوق اجتماعی محروم می‌گردد.

**نکات:**

۱. مجازات تبعی به محرومیت از حقوق اجتماعی به عنوان مجازات گفته می‌شود. این مجازات خودبه‌خود و بدون ذکر در حکم دادگاه، به موجب قانون بر محکومیت بار می‌گردد.
۲. زمان شروع مجازات تبعی پس از اجرای حکم یا پس از تاریخ شمول مرور زمان یا عفو یا آزادی مشروط است  
توضیح: چنانچه محکومیت کیفری قطعی به طور کامل به مرحله اجرا در آید (اجرای واقعی)، بلافاصله بعد از اتمام آن، مدت‌های مجازات تبعی شروع می‌شود.  
قانون‌گذار در برخی از موارد حکم را اجرا شده تلقی کرده و آثار حکم اجرا شده را بر آن بار می‌نماید، در چنین مواردی باید قائل به اجرای اعتباری مجازات شد. مرور زمان، عفو و آزادی مشروط از جمله این موارد محسوب می‌شوند:
  - مرور زمان (مرور زمان اجرای مجازات): اگر الف محکومیت قطعی جرم مستوجب تعزیر درجه ۴ پیدا کرد بر اساس بند ب ماده ۱۰۷ ق.م.ا مصوب ۹۲ پانزده سال بعد، مشمول مرور زمان مجازات شده و دیگر مجازات نسبت به وی اجرا نمی‌گردد. حال از فردای روز اتمام مدت پانزده‌ساله، طبق بند ب ماده ۲۵ ق.م.ا مصوب ۹۲، مجازات تبعی سه‌ساله‌ی محکوم آغاز می‌شود.
  - عفو: مدت‌های مجازات تبعی از زمان عفو آغاز نمی‌گردد بلکه بعد از گذشت مدت‌های مندرج در ماده ۲۵ آثار تبعی زایل می‌شود (مصدق)
  - آزادی مشروط: مدت‌های مجازات تبعی از زمان اتمام آزادی مشروط آغاز می‌گردد. اگر شخصی به ۶ سال حبس محکوم شده و بعد از گذشت یک‌سوم مجازات یعنی ۲ سال طبق ماده ۵۸ ق.م.ا نسبت به وی حکم به ۴ سال آزادی مشروط داده شود، از فردای اتمام ۴ سال مدت مجازات تبعی سه‌ساله‌ی آن آغاز می‌شود
۳. سه تفسیر از عبارت «محکوم در مدت زمان آزادی مشروط و همچنین در زمان اجرای حکم نیز از حقوق اجتماعی محروم می‌گردد.» وجود دارد
  - **تفسیر موسع:** مرتکب کلیه جرائم عمدی چه دارای مجازات تبعی و چه فاقد مجازات تبعی، در مدت اجرای مجازات، از حقوق اجتماعی محروم می‌گردد.
  - **تفسیر مضیق:** مرتکب جرائمی که در آن آزادی مشروط داده شده است، در مدت اجرای آزادی مشروط نیز، از حقوق اجتماعی محروم می‌گردد.
  - **تفسیر میانه:** مرتکب جرائمی که در آن آزادی مشروط داده شده است و مرتکب کلیه جرائم عمدی دارای مجازات تبعی در مدت اجرای مجازات، از حقوق اجتماعی محروم می‌گردد.
۴. مقصود از توقف اجرای حکم اصلی در مجازات سالب حیات مواردی مثل گذشت اولیاء دم مقتول بعد از صدور حکم قطعی به قصاص نفس بوده و منظور از توقف اجرای حکم اصلی در حبس ابد مصادیقی همانند پذیرش عفو خاص مرتکبین جرائم مواد مخدری است که مجازات آن‌ها حبس ابد است.
۵. در قصاص ملاک تعیین دیه‌ی جنایت وارد شده، **دیه‌ی مجنی علیه (زن یا مرد)** است
۶. در کلیه‌ی مجازات‌های تعزیری تنها حبس‌های درجه یک تا پنج دارای مجازات تبعی هستند، بنابراین سایر مجازات‌های تعزیری یعنی جزای نقدی، شلاق، مصادره اموال، انفصال دائم و موقت، انتشار حکم محکومیت و نظایر آن تماماً فاقد مجازات تبعی می‌باشند
۷. مجازات‌های تعلیقی آثار تبعی ندارد چون مجازات تبعی بعد از اجرا می‌آید در حالی که فرض این است که اجرا معلق شده است.
۸. **در نظر برخی:** در تعدد جرم اگر جرم اشد مجازات تبعی نداشت و جرم غیر اشد مجازات تبعی داشت، چون طبق ماده ۱۳۴ مجازات اشد اجرا می‌شود، مجازات دیگر، اجرا نشده و آثار تبعی آن نیز منتفی است. مثلاً شخصی مرتکب جرم قتل غیرعمدی و خیانت در امانت شود و دادگاه در مورد قتل او را سه سال حبس و در مورد خیانت در امانت به دو سال و نیم حبس محکوم کند. در این مثال مجازات قتل غیرعمدی اجرا شده و چون جرم عمدی نیست دارای آثار تبعی نیست. مجازات خیانت در امانت نیز اجرا نشده لذا آثار تبعی آن نیز بر مجرم بار نمی‌شود.  
اما این نظر صحیح نیست چون ملاک در آثار تبعی، محکومیت است نه اجرای مجازات (مصدق)  
**(به نظر این نقد دکترو مصدق با نکته ایشان که ذیل ماده ۱۳۸ ذکر شده است، تعارض دارد)**

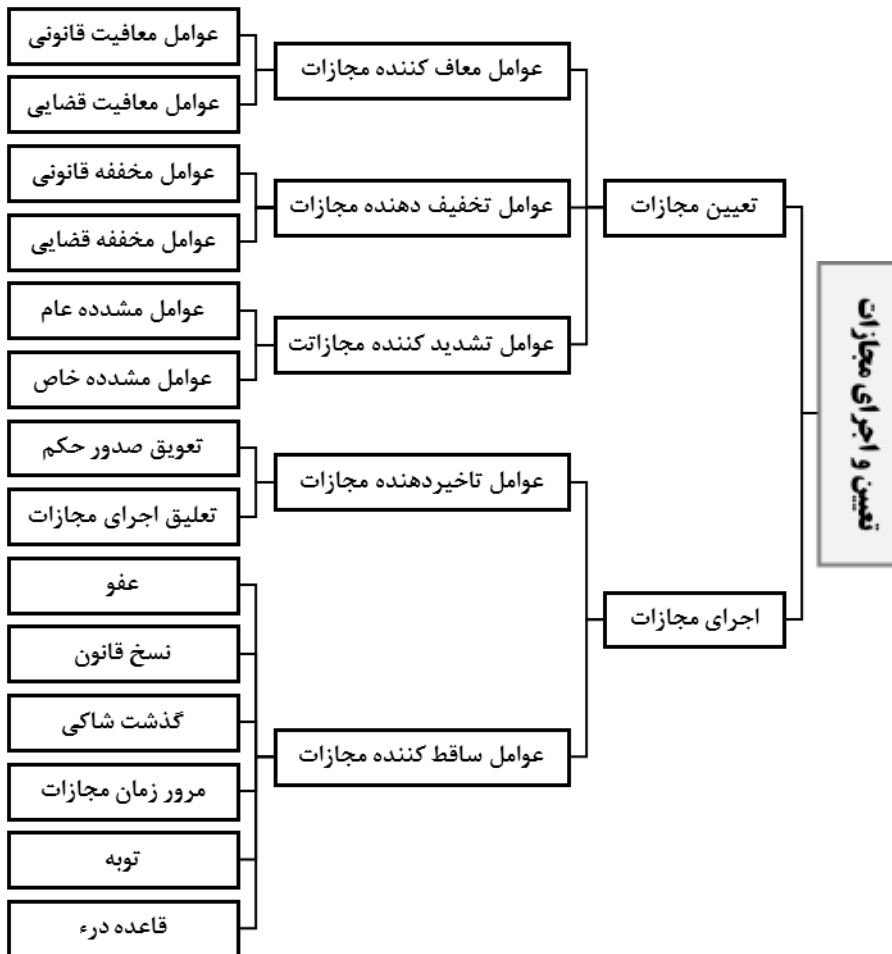
## ماده ۲۶- حقوق اجتماعی مورد نظر در ماده ۲۵

حقوق اجتماعی موضوع این قانون به شرح زیر (حصری) است:

- الف- داوطلب شدن در انتخابات ریاست جمهوری، مجلس خبرگان رهبری، مجلس شورای اسلامی و شوراهای اسلامی شهر و روستا
- ب- عضویت در شورای نگهبان، مجمع تشخیص مصلحت نظام یا هیئت دولت و تصدی معاونت رئیس جمهور
- پ- تصدی ریاست قوه قضاییه، دادستانی کل کشور، ریاست دیوان عالی کشور و ریاست دیوان عدالت اداری
- ت- انتخاب شدن یا عضویت در انجمن‌ها، شوراهای احزاب و جمعیت‌ها به موجب قانون یا با رأی مردم
- ث- عضویت در هیأت‌های منصفه و امناء و شوراهای حل اختلاف
- ج- اشتغال به عنوان مدیر مسئول یا سردبیر رسانه‌های گروهی
- چ- استخدام و یا اشتغال در کلیه دستگاه‌های حکومتی اعم از قوای سه گانه و سازمان‌ها و شرکت‌های وابسته به آن‌ها، صداوسیما جمهوری اسلامی ایران، نیروهای مسلح و سایر نهادهای تحت نظر رهبری، شهرداری‌ها و مؤسسات مأمور به خدمات عمومی و دستگاه‌های مستلزم تصریح یا ذکر نام برای شمول قانون بر آن‌ها
- ح- اشتغال به عنوان وکیل دادگستری و تصدی دفاتر ثبت اسناد رسمی و ازدواج و طلاق و دفترباری
- خ- انتخاب شدن به سمت قیم، امین، متولی، ناظر یا متصدی موقوفات عام
- د- انتخاب شدن به سمت داور یا کارشناسی در مراجع رسمی
- ذ- استفاده از نشان‌های دولتی و عناوین افتخاری
- ر- تأسیس، اداره یا عضویت در هیئت‌مدیره شرکت‌های دولتی، تعاونی و خصوصی یا ثبت نام تجاری یا مؤسسه آموزشی، پژوهشی، فرهنگی و علمی
- تبصره ۱- مستخدمان دستگاه‌های حکومتی در صورت محرومیت از حقوق اجتماعی، خواه به عنوان مجازات اصلی و خواه مجازات تکمیلی یا تبعی، حسب مورد در مدت مقرر در حکم یا قانون، از خدمت منفصل می‌شوند. (حتی اگر حکم به انفصال در دادنامه نیاید کارمند به حکم قانون از خدمت منفصل خواهد شد لذا دادستان که مجری حکم و قانون است باید مراتب انفصال را به دستگاه متبوع مستخدم ابلاغ و بر اجرای آن نظارت کند (مشورتی ۹۱۱، مورخ ۱۳۹۲/۵/۲۰)) (به علت وجود ماده خاص یعنی ماده ۱۶ ق جرائم نیروهای مسلح، این تبصره در مورد آن‌ها قابل اعمال نیست)
- تبصره ۲- هر کس به عنوان مجازات تبعی از حقوق اجتماعی محروم گردد پس از گذشت مواعد مقرر در ماده (۲۵) این قانون اعاده حیثیت می‌شود و (واو عطف تفسیری است) آثار تبعی محکومیت وی زائل می‌گردد مگر در مورد بندهای (الف)، (ب) و (پ) این ماده که از حقوق مزبور به طور دائمی محروم می‌شود. (بندهای (الف)، (ب) و (پ) این ماده، با اینکه آثار تبعی دائمی هستند اما سابقه محسوب نمی‌شوند لذا مشمول مقررات تکرار نخواهد شد (مصدق)) (به **نظرم** اگر بخواهد این موارد سابقه محسوب شود چون دائمی است پس هر کس یکبار جرم دارای آثار تبعی انجام دهد، دائماً سابقه‌دار محسوب خواهد شد که این تالی فاسد پذیرفتنی نیست)

**نکات:**

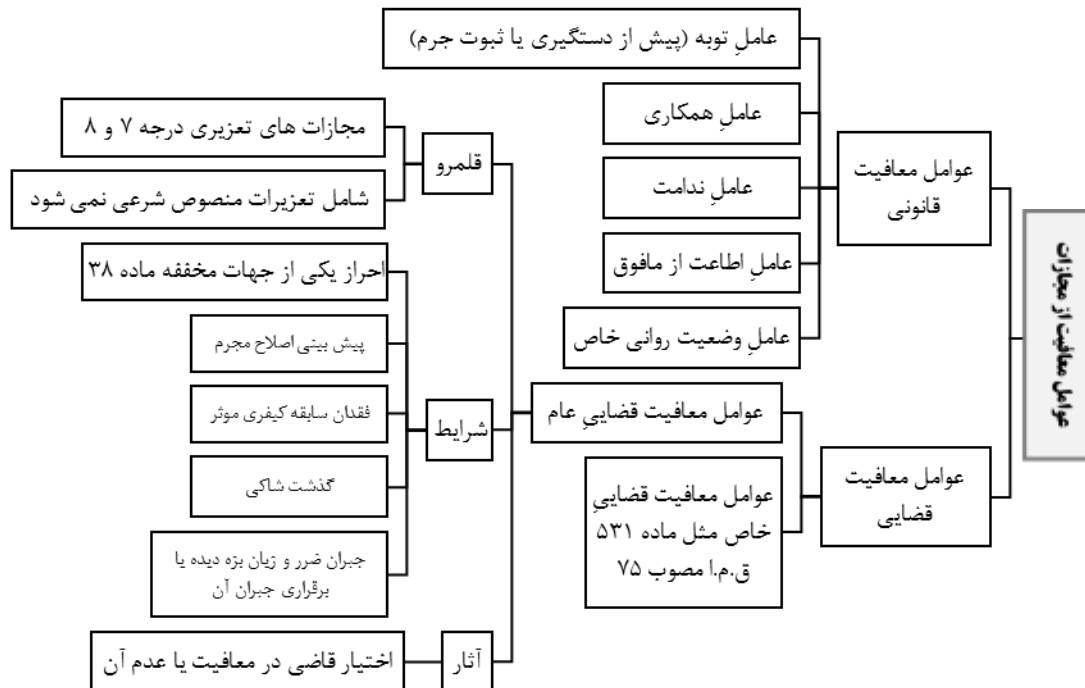
۱. فرمول تعیین اینکه آیا این جرم مجازات تبعی دارد یا نه:
  - بررسی اینکه محکومیت قطعی قضایی مربوط به جرم عمدی باشد
  - جرم ارتكابی، جرم قابل گذشتی که گذشت صورت گرفته نباشد.
  - مجازات شخص یکی از موارد سه گانه ماده ۲۵ باشد.
۲. با اعاده حیثیت، فرد به شئون سابق خود نائل می‌شود از جمله پایه اداری سابق مستخدم و پس از اعاده حیثیت با همان پایه به خدمت خود ادامه خواهد داد (حکم شماره ۱۶۴۸ مورخ ۱۳۱۸/۷/۱۷ شعبه ۳ دیوان))

**فصل سوم - نحوه تعیین و اعمال مجازات‌ها**

۱. تعریف عوامل معاف کننده‌ی مجازات: به عواملی گفته می‌شود که به‌رغم آنکه مجرم دارای مسئولیت کیفری است، اما باعث می‌شوند قاضی در معاف کردن آن‌ها از مجازات، یا الزام داشته باشد (معافیت قانونی) یا مختار باشد (معافیت قضایی).
۲. عوامل معافیت قانونی (معاذیر قانونی معاف کننده): عواملی که توسط قانون‌گذار در قانون پیش‌بینی شده است که در صورت تحقق، قاضی موظف و ملزم می‌باشد مجرم را به‌رغم دارا بودن مسئولیت کیفری، از مجازات معاف کند، تا جایی که اگر چنین نکند، قانوناً برای مجرمین حق اعتراض محفوظ می‌باشد.
۳. اجرا نشدن مجازات به علت معافیت قانونی با اجرا نشدن مجازات به علت تبرئه شدن یا استفاده از نهادهای عوامل موجهه جرم یا عوامل رافع مسئولیت کیفری متفاوت است. در عوامل موجهه جرم علت عدم تحمل مجازات توسط مجرم جرم نبودن رفتار ارتكابی است. در عوامل رافع مسئولیت کیفری علت عدم تحمل مجازات توسط مجرم عدم وجود مسئولیت کیفری است



#### ۴. عوامل معافیت از مجازات



#### الف: عوامل معافیت قانونی از مجازات

۱. عامل همکاری: مقصود از عامل همکاری مواردی است که قانون گذار، همکاری مجرم با کارکنان دستگاه قضایی را عاملی برای معافیت وی از مجازات دانسته است. شخصی که با ارتکاب جرم به جامعه خویش خیانت می کند، چه بسا چنین معامله ای را با همکاران خود نیز بنماید. / ۵۰۷، ۵۲۱، ۵۹۲، مصوب ۷۵
  ۲. عامل ندامت: ماده ۵ قانون مجازات اخلال کنندگان در امنیت پرواز هواپیما و خرابکاری در وسایل و تأسیسات هواپیمایی مصوب
  ۳. عامل توبه (پیش از دستگیری یا ثبوت جرم): ۵۲۱، ۵۱۲ مصوب ۷۵
  ۴. عامل اطاعت از مافوق: ۵۷۴، ۵۷۸، ۵۷۹، ۵۸۰ مصوب ۷۵
- عامل وضعیت روانی خاص: ۵۳۳ مصوب ۷۵

#### ب: عوامل معافیت قضایی از مجازات

۱. عوامل معافیت قضایی عام: منظور از این عوامل، مواردی است که قانون، به صورت قاعده ای عام به ایجاد یک عامل قضایی اقدام نموده است، بدون آن نگاهی ویژه ای به یک جرم خاص داشته باشد / ماده ۳۹
۲. عوامل معافیت قضایی خاص: قانون گذار جسته و گریخته به برخی از عوامل معافیت قضایی خاص ناظر به یکی سری جرائم خاص نیز اشاره داشته است / ۵۳۱ مصوب ۷۵

#### ماده ۲۷- اجرای حبس / مجازات

مدت حبس از روزی آغاز می شود که محکوم، به موجب حکم قطعی لازم الاجرا حبس می گردد. در صورتی که فرد، پیش از صدور حکم به علت اتهام یا اتهاماتی که در پرونده مطرح بوده بازداشت شده باشد (چه مستقیماً بازداشت موقت چه قرار منتهی به بازداشت)، مدت بازداشت قبلی در حکم محاسبه می شود. در صورتی که مجازات

مورد حکم، شلاق تعزیری یا جزای نقدی باشد، هر روز بازداشت، معادل سه ضربه شلاق یا سیصد هزار (۰۰۰/۳۰۰) ریال (الان ۴۰۰۰۰۰ ریال) است. چنانچه مجازات متعدد باشد به ترتیب نسبت به حبس، شلاق و جزای نقدی محاسبه می‌گردد.  
مواد مرتبط: تبصره ۲ ماده ۱۱۵،

#### نکات:

۱. امکان محاسبه توسط قاضی اجرای احکام نیز ممکن است ماده ۵۱۷ آذک: چنانچه قاضی صادر کننده حکم، ایام بازداشت قبلی را محاسبه نکرده باشد، قاضی اجرای احکام کیفری به احتساب این ایام، حسب ملاک‌های موضوع مواد فوق اقدام می‌کند.
۲. ایام بازداشت قبلی صرفاً در مجازات‌های تعزیری قابل محاسبه هست و در سایر مجازات‌ها مثلاً حدود محاسبه نمی‌شود.
۳. اگر متهمی به علت عجز از معرفی کفیل بازداشت شود و پس از مدتی به اتهام دیگری برای وی قرار وثیقه صادر شود و او به علت عجز از معرفی وثیقه به زندان معرفی و در زندان باقی بماند و سپس بابت اتهام اول تبرئه شود، با توجه به عبارت «**اتهام یا اتهاماتی که در پرونده مطرح بوده**» مدت بازداشت قبلی بابت اتهام نخست از محکومیت اتهام دوم کسر نمی‌شود. (مصدق)
۴. اگر متهمی ۶ ماه بازداشت بوده و در نهایت محکوم به ۱/۵ سال حبس و ۶ میلیون تومان جزای نقدی شده، اگر حبس او مورد عفو رهبری قرار بگیرد با توجه به تفسیر به نفع متهم باید گفت در اجرای حکم، مدت بازداشت قبلی وی از جزای نقدی کسر می‌شود. (مصدق)
۵. این ماده شامل محکومان به جرائم مواد مخدر نیز می‌شود و رویه جاری همین است (مصدق)
۶. اگر کسی به حبس و شلاق محکوم و اجرای حبس او معلق شود، مدت بازداشت قبلی بابت شلاق طبق ماده ۲۷ احتساب می‌گردد و اگر بعداً قرار تعلیق اجرای حبس به علل قانونی لغو شد حبس مذکور اجرا و ایام بازداشت قبلی، دوباره محاسبه نخواهد شد. (مصدق)

#### ماده ۲۸-اصلاح مبالغ

کلیه مبالغ مذکور در این قانون و سایر قوانین از جمله مجازات نقدی، به تناسب نرخ تورم اعلام شده به وسیله بانک مرکزی هر سه سال یک‌بار به پیشنهاد وزیر دادگستری و تصویب هیئت‌وزیران تعدیل و در مورد احکامی که بعد از آن صادر می‌شود (نه احکامی که پیش از تعدیل صادر شده است) لازم‌الاجرا می‌گردد.

#### نکات:

۱. ملاک زمان صدور حکم است نه زمان ارتکاب جرم
۲. این ماده با قاعده عطف به ما سبق نشدن قوانین کیفری منافات دارد.

#### ماده ۲۹-مدت بازداشت بدل از جزای نقدی

هرگاه بازداشت بدل از جزای نقدی توأم با مجازات حبس باشد بازداشت بدل از جزای نقدی از تاریخ اتمام حبس شروع می‌شود که از حداکثر مدت حبس مقرر در قانون برای آن جرم بیشتر نیست و در هر حال مدت بازداشت بدل از جزای نقدی نباید از سه سال تجاوز کند.  
مواد مرتبط:

تبصره ۲ ماده ۳۱ ق. مبارزه با مواد مخدر: تبصره ۲- طول مدت حبس بدل از جزای نقدی به هر حال بیشتر از ده سال نخواهد بود.  
ماده ۶۰ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز: حبس بدل از جزای نقدی نباید از پانزده سال بیشتر باشد.

**نکات:**

۱. این ماده جایگزین ماده ۱ ق نحوه اجرای محکومیت‌های مالی مصوب ۷۷ و اصلاحی ۸۱ است (مصدق)
۲. چنانچه شخصی به علت عدم پرداخت جزای به مبلغ ۵۰۰ میلیون تومان به مدت سه سال حبس تحمل کند و بعد از آزادی کشف شود که همان مبلغ وجه نقد دارد، طبق تبصره ۲ ماده ۵۲۹ آذک عمل می‌شود:
- تبصره ۲ ماده ۵۲۹: صدور حکم تقسیط جزای نقدی یا تبدیل آن به مجازات دیگر مانع استیفای مابه ازای بخش اجرا نشده آن از اموالی که بعداً از محکوم‌علیه به دست می‌آید، نیست.
۳. اعمال ماده ۲۹ با رعایت ماده ۵۲۹ آذک، بر عهده دادگاه صادر کننده حکم و اجرای احکام دادرسی مربوطه است.

**ماده ۳۰- ضوابط منع از اشتغال**

منع از اشتغال به شغل، کسب، حرفه یا کار معین مستلزم لغو جواز کار یا پروانه کسب، حرفه یا کار است مشروط به این که جرم به سبب اشتغال به شغل، کسب، حرفه یا کار ارتکاب یابد یا آن اشتغال وقوع جرم را تسهیل نماید.

**ماده ۳۱- ضوابط منع از رانندگی و تصدی وسیله نقلیه**

منع از رانندگی و تصدی وسیله نقلیه موتورسیکلت مستلزم ابطال گواهینامه و ممنوعیت از درخواست مجدد است. (حداکثر ۲ سال با توجه به ماده ۲۳)

**نکات:**

۱. اخذ مجدد گواهینامه مستلزم تجدید درخواست گواهینامه و شرکت در امتحان است.
۲. نیازی نیست که حکم به ابطال گواهینامه و ممنوعیت از درخواست مجدد، در دادنامه ذکر شود و قاضی اجرای احکام شخصاً می‌تواند ابطال گواهینامه و ممنوعیت از درخواست مجدد را به راهنمایی و رانندگی اعلام کند (مصدق)

**ماده ۳۲- ضوابط منع از اصدار چک**

منع از اصدار چک مستلزم ابطال برگه‌های سفید دسته‌چک و انسداد حساب جاری و ممنوعیت از درخواست مجدد افتتاح حساب جاری است. (حداکثر ۲ سال با توجه به ماده ۲۳)

**ماده ۳۳- ضوابط منع از حمل اسلحه مجاز**

منع از حمل اسلحه مجاز مستلزم ابطال پروانه حمل و توقیف سلاح (شخصی نه دولتی) است. (حداکثر ۲ سال با توجه به ماده ۲۳)

**ماده ۳۴- ضوابط منع از خروج اتباع ایران از کشور**

منع از خروج اتباع ایران از کشور مستلزم ابطال گذرنامه و ممنوعیت از درخواست مجدد است. (حداکثر ۲ سال با توجه به ماده ۲۳)

**ماده ۳۵- ضوابط اخراج موقت یا دائم بیگانگان**

اخراج موقت یا دائم بیگانگان محکوم به مجازات از کشور پس از اجرای مجازات و با حکم دادگاه انجام می‌شود. (حداکثر ۲ سال با توجه به ماده ۲۳)

**نکات:**

۱. اگر مجازات‌های مندرج در ماده ۳۰ تا ۳۵ را همان مجازات‌های تکمیلی مذکور در ماده ۲۳ بدانیم باید در دادنامه ذکر شوند، چون مجازات تکمیلی باید در دادنامه ذکر شود اما به نظر می‌رسد این مواد صرفاً بیان‌کننده کیفیت اجرا هستند لذا نیازی به ذکر در دادنامه نیست و قاضی اجرا احکام نسبت به اجرای آن‌ها اقدام می‌کند (مصدق)

**ماده ۳۶ - انتشار حکم محکومیت**

حکم محکومیت قطعی در جرائم موجب حد محاربه و افساد فی الارض یا تعزیر تا درجه چهار و نیز کلاهبرداری بیش از یک میلیارد ریال در صورتی که موجب اخلال در نظم یا امنیت نباشد در یکی از روزنامه‌های محلی در یک نوبت منتشر می‌شود.

تبصره - انتشار حکم محکومیت قطعی در جرائم زیر (حصری) که میزان مال موضوع جرم ارتكابی، یک میلیارد ریال یا بیش از آن باشد، الزامی است و در رسانه ملی یا یکی از روزنامه‌های کثیرالانتشار منتشر می‌شود: (ملاک تعیین مجازات انتشار حکم محکومیت در تبصره، نوع جرم ارتكابی است نه نوع یا میزان مجازات.)

الف - رشاء و ارتشاء

ب - اختلاس

پ - اعمال نفوذ برخلاف حق و مقررات قانونی در صورت تحصیل مال توسط مجرم یا دیگری

ت - مداخله وزرا و نمایندگان مجلس و کارمندان دولت در معاملات دولتی و کشوری

ث - تبانی در معاملات دولتی

ج - اخذ پورسانت در معاملات خارجی

چ - تعدييات مأموران دولتی نسبت به دولت

ح - جرائم گمرکی

خ - قاچاق کالا و ارز

د - جرائم مالیاتی

ذ - پولشویی

ر - اخلال در نظام اقتصادی کشور

ز - تصرف غیرقانونی در اموال عمومی یا دولتی

مواد مرتبط: ۱۰۹ (مرتبط با تبصره ماده ۳۶ است)

**نکات:**

۱. انتشار حکم محکومیت در ماده ۳۶ اختیاری مشروط است به فرینه واژه «می‌تواند» در ماده ۲۳ ق.م.ا و اینکه رسالت انحصاری ماده ۳۰ تا ۳۶ صرفاً تبیین چگونگی اعمال مجازات‌های تکمیلی مذکور در ماده ۲۳ می‌باشد (مصطفی پور) نظر مخالف مثلاً نظر دکتر مصدق: این تأسیس جدید (انتشار حکم) ارتباطی با مجازات تکمیلی موضوع ماده ۲۳ ندارد چراکه ماده ۳۶ ظاهر در الزامی مشروط بودن انتشار حکم محکومیت است برخلاف ماده ۲۳ همچنین موضوع این دو ماده در نوع جرائم ارتكابی همخوانی ندارد.

۲. تفاوت‌های بند س ماده ۲۳ ناظر به صدر ماده ۳۶ با تبصره ماده ۳۶ ق.م.ا طبق نظر اول

عناوین	انتشار حکم محکومیت کیفری بند س ماده ۲۳ و صدر ماده ۳۶ ق.م.ا مصوب ۹۲	انتشار حکم محکومیت کیفری تبصره ماده ۳۶ ق.م.ا مصوب ۹۲
ماهیت مجازات	مجازات تکمیلی (اختیاری مشروط)	مجازات اصلی الزامی
وسیله تحقق مجازات	روزنامه محلی	رسانه ملی یا روزنامه کثیرالانتشار
تعداد دفعات تحمیل مجازات	یک نوبت	ظاهراً فاقد محدودیت

۳. تشخیص «موجب اخلال در نظم یا امنیت» بودن یا نبودن با دادگاه است اما اگر حکم دادگاه در این مورد ساکت باشد، سکوت به منزله تشخیص عدم اخلال در نظم یا امنیت است و اجرای احکام می‌تواند شخصاً حکم صادره را منتشر کند (مصدق) البته اداره حقوقی سکوت را مجوز انتشار نمی‌داند چون تشخیص با دادگاه بوده و انتشار نیز باید با دستور دادگاه باشد. (مشورتی ۷/۹۲/۱۶۲۲ مورخ ۹۲/۸/۲۱)

### فصل چهارم - تخفیف مجازات و معافیت از آن

#### عوامل تخفیف دهنده‌ی مجازات

مقصود از تخفیف میزان مجازات آن است که قاضی بتواند به کمتر از حداقل مجازات قانونی یک جرم حکم دهد، چراکه تعیین مجازات میان حداقل و حداکثر مجازات، حتی بدون وجود جهات مخففه نیز ممکن می‌باشد

۱. **عوامل مخففه قانونی:** عواملی که در آن قاضی ملزم است که مجازات متهم را کاهش دهد

- عامل خویشاوندی (خانوادگی) ۵۵۳، ۵۵۴، مصوب ۷۵
- عامل رابطه‌ی پدری - فرزندی (ابوت): ۲۷۸ با در نظر گرفتن ۲۷۶ ق.م.ا / ۶۱۲ مصوب ۷۵
- عامل ترک جرم: ۵۸۵
- عامل کمک به بزه دیده (اعانت): ۷۱۹ مصوب ۷۵
- عامل توبه: تبصره ۲ ماده ۱۱۴ ق.م.ا
- عامل تسلیم به رأی: ۴۴۲ آذک

۲. **عوامل مخففه ی قضایی**

- همکاری: ۵۲۱، ۵۳۱ مصوب ۷۵
- توبه: ذیل ماده ۱۱۵ ق.م.ا: ... در سایر جرائم موجب تعزیر (درجه ۱ تا ۵) دادگاه می‌تواند مقررات راجع به تخفیف مجازات را اعمال نماید.
- کیفیات مخففه (مواد ۳۷ و ۳۸ ق.م.ا)

#### ماده ۳۷ - کیفیات مخففه قضایی / حیطة اختیارات دادگاه در تخفیف

در صورت وجود یک یا چند جهت از جهات تخفیف، دادگاه (به قرینه‌ی کلمه دادگاه مشخص می‌گردد تنها قاضی صادرکننده حکم می‌تواند تخفیف مجازات را اعمال نموده و دادستان، بازپرس یا دادیار فاقد چنین حقی می‌باشند. مقصود از دادگاه اعم از دادگاه‌های عمومی، انقلاب، نظامی و ویژه روحانیت و به‌طور کلی مرجع رسیدگی و صدور حکم محکومیت است. مراجع تجدیدنظر نیز می‌توانند به تشخیص خود، حکم مجددی را صادر نموده و مجازات مجرم را تخفیف دهند.) می‌تواند مجازات تعزیری را به نحوی که به حال متهم مناسب‌تر باشد به شرح ذیل تقلیل دهد یا تبدیل کند:

الف- تقلیل حبس به میزان یک تا سه درجه (مگر ۴۸۳ آدک در مقام تخفیف به دلیل گذشت شاکی در جرائم غیر قابل گذشت / و ماده ۵۰۲ آدک که محکوم علیه بیمار است)

ب- تبدیل مصادره اموال به جزای نقدی درجه یک تا چهار

پ- تبدیل انفصال دائم به انفصال موقت به میزان پنج تا پانزده سال

ت- تقلیل (اعم از تبدیل و تقلیل) سایر مجازات‌های تعزیری به میزان یک یا دو درجه از همان نوع یا انواع دیگر مواد مرتبط: ۲۱۹

ماده ۴۸۳ آدک: هرگاه شاکی یا مدعی خصوصی در جرائم غیر قابل گذشت، پس از قطعی شدن حکم از شکایت خود صرف نظر کند، محکوم علیه می‌تواند از دادگاه صادر کننده حکم قطعی، درخواست کند در میزان مجازات او تجدید نظر شود. در این صورت، دادگاه به درخواست محکوم علیه در وقت فوق العاده و با حضور دادستان یا نماینده او با رعایت مقررات ماده (۳۰۰) این قانون، رسیدگی می‌کند و مجازات را در صورت اقتضاء در حدود قانون تخفیف می‌دهد یا به مجازاتی که مناسب‌تر به حال محکوم علیه باشد، تبدیل می‌کند. این رأی قطعی است.

ماده ۴۵۸ آدک: دادگاه تجدید نظر استان نمی‌تواند مجازات تعزیری یا اقدامات تأمینی و تربیتی مقرر در حکم تجدید نظر خواسته را تشدید کند، مگر در مواردی که مجازات مقرر در حکم نخستین برخلاف جهات قانونی، کمتر از حداقل میزانی باشد که قانون مقرر داشته و این امر مورد تجدیدنظرخواهی شاکی و یا دادستان قرار گرفته باشد. در این موارد، دادگاه تجدید نظر استان با تصحیح حکم، نسبت به تعیین حداقل مجازاتی که قانون مقرر داشته است، اقدام می‌کند.

ماده ۴۵۹ آدک: هرگاه دادگاه تجدید نظر استان، محکوم علیه را مستحق تخفیف مجازات بداند، ضمن تأیید اساس حکم می‌تواند به نحو مستدل مجازات او را در حدود قانون تخفیف دهد، هر چند محکوم علیه تقاضای تجدید نظر نکرده باشد.

ماده ۴۴۲ آدک: در تمام محکومیت‌های تعزیری در صورتی که دادستان از حکم صادره درخواست تجدید نظر نکرده باشد، محکوم علیه می‌تواند پیش از پایان مهلت تجدیدنظرخواهی با رجوع به دادگاه صادر کننده حکم، حق تجدیدنظرخواهی خود را اسقاط یا درخواست تجدید نظر را مسترد نماید و تقاضای تخفیف مجازات کند. در این صورت، دادگاه در وقت فوق العاده با حضور دادستان به موضوع رسیدگی و تا یک چهارم مجازات تعیین شده را کسر می‌کند. این حکم دادگاه قطعی است.

### نکات:

۱. قاضی در مقام تخفیف قضایی مجازات سه راهکار پیش روی دارد:
  - تقلیل: کاهش میزان مجازات بدون تغییر ماهیت آن. قاضی می‌تواند مجازات تعزیری حبس را به میزان یک تا سه درجه و سایر مجازات‌های تعزیری را به میزان یک تا دو درجه تقلیل دهد.
  - تبدیل: ماهیت مجازات قانونی به منظور تخفیف دادن به مجرم. این مورد اختصاص به مصادره اموال و انفصال دائم دارد.
  - تقلیل و تبدیل: قاضی علاوه بر تقلیل مذکور در مورد نخست، می‌تواند به منظور تخفیف مجازات مرتکب در مجازات‌های تعزیری غیر حبس علاوه بر تقلیل حکم به تخفیف مجازات در قالب تقلیل و تبدیل هم‌زمان دهد برای مثال تخفیف مجازات شلاق تعزیری درجه شش به جزای نقدی درجه هفت. در این صورت علاوه بر تقلیل، تبدیل مجازات نیز صورت می‌گیرد
۲. تخفیف امور اختیاری قاضی است اما در برخی موارد الزامی است مثل ماده ۴۷۹ آدک، یا تبصره ۲ ماده ۷۱۹ ق.م.ا.ت.ج تعزیرات
۳. تقلیل مجازات درجه ۸ منتفی است اما تبدیل آن ممکن است البته تبدیل حبس درجه ۸ طبق ماده ۳ قانون وصول است
۴. تبدیل جزای نقدی به سایر مجازات‌ها تشدید است. مگر اینکه دادگاه (نه متهم) احراز کند که سایر مجازات‌ها نسبت به متهم مساعدتر است مثلاً جزای نقدی درجه یک را با استناد به بندت ماده ۳۷ می‌توان به حبس درجه سه تبدیل کرد
۵. تخفیف مجازات با تکرار جرم قابل جمع است و طبق ماده ۱۳۹ حکم می‌شود نه ۳۷
۶. تخفیف طبق ماده ۱۳۹ فقط در قالب تقلیل امکان‌پذیر است نه تبدیل
۷. تخفیف مجازات با تعدد جرم قابل جمع است و طبق ماده ۱۳۴ حکم می‌شود نه ۳۷
۸. مقررات تخفیف مجازات در موارد تعدد و تکرار، نسبت به جرائم نیروهای مسلح نیز لازم‌الرعایه است.

۹. تخفیف جرائم اطفال و نوجوانان طبق ماده ۹۳ است نه ۳۷
۱۰. مقررات خاص مربوط به تخفیف مجازات در قوانین خاص به قوت خود باقی است
۱۱. رأی وحدت رویه شماره ۶۳۸: تعیین حبس کمتر از یک سال در مقام تخفیف، برای جرم کلاهبرداری مقرر در ماده یک در قانون تشدید، مصوب مجمع تشخیص مصلحت، مغایر با موازین قانونی است
۱۲. اعمال تخفیف جرائم موضوع قانون تشدید وفق مقررات قانون مجازات ۹۲ خواهد بود اما باتوجه به اینکه قانون تشدید قانون خاص است، عام مؤخر ناسخ آن نیست لذا تبصره یک ماده یک قانون تشدید کماکان به قوت خود باقی است. (مشورتی ۷/۹۵۲ مورخ ۱۳۹۲/۵/۲۶)
۱۳. اگر با سه درجه تخفیف مجازات درجه ۵، به درجه ۸ تقلیل یابد نمی‌توان در راستای ماده ۶۵ ق.م.ا و بند یک ماده ۳ قانون وصول آن را به جایگزین حبس تبدیل کرد چون ماده ۶۵ ناظر به مجازات قانونی جرم است نه مجازات تخفیف یافته. بنابراین جایگزین حبس بعد از تخفیف صحیح نیست.
۱۴. مجازات جایگزین حبس قابل تخفیف و مشمول ماده ۳۷ نیست چون ماده ۳۷ ناظر به مجازات اصلی است نه جایگزین.
۱۵. طبق ماده ۷۰ دادگاه مکلف است ضمن تعیین مجازات جایگزین، مدت مجازات حبس را نیز تعیین کند. که اگر جایگزین حبس اجرا نشد، مجازات حبس اجرا شود. در این فرض قاضی می‌تواند به سبب وجود شرایط تخفیف، هنگام صدور حکم به مجازات جایگزین، مجازات اصلی حبس را تخفیف دهد تا اگر جایگزین حبس اجرا نشد، مرتکب با وجود جهات تخفیف مجازات بیشتری تحمل نکند.
۱۶. اگر دادگاه در مقام تخفیف، کلاهبردار را محکوم به یک سال حبس کند، آیا دادگاه در اجرای ماده ۴۸۳ آذک می‌تواند به کمتر از یک سال حبس، حکم دهد یا به مجازات دیگری تبدیل کند؟

### دو نظر:

۱. مصدق: با توجه به تبصره ۱ ماده ۱ قانون تشدید، نمی‌تواند به کمتر از یک سال حبس، حکم دهد و امکان تبدیل نیز وجود ندارد.
۲. برخی: تبصره ۱ ماده ۱ ناظر به حین صدور حکم است اما ماده ۴۸۳ آذک ناظر به مرحله پس از صدور حکم قطعی لذا منعی وجود ندارد.
۱۷. اگر کسی مرتکب جرمی با مجازات قانونی درجه ۳ شود و دادگاه در مقام تخفیف، با ۳ درجه تخفیف او را به مجازات درجه ۶ محکوم کند، حتی با وجود شرایط ماده ۴۸۳ آذک، دادگاه نمی‌تواند تخفیف بیشتری دهد چون در انتهای ماده ۴۸۳ آمده: «در حدود قانون»
۱۸. اگر کسی مرتکب جرمی با مجازات قانونی درجه ۳ شود و دادگاه در مقام تخفیف، با ۳ درجه تخفیف او را به مجازات درجه ۶ محکوم کند، اگر دادگاه تجدید نظر او را مستحق تخفیف بداند، نمی‌تواند مجازات وی را تخفیف دهد چون از حداکثر تخفیف استفاده شده است.
۱۹. در جرائمی که مجازات آن‌ها مرکب است مثل کلاهبرداری، تخفیف همه یا برخی از مجازات‌ها بلامانع است.
۲۰. اگر دادگاه بدوی باتوجه به گذشت شاکی، تخفیف دهد، پس از محکومیت قطعی محکوم‌علیه نمی‌تواند مجدداً رضایت شاکی را به دادگاه صادر کننده ارائه کند و درخواست اجرای ماده ۴۸۳ آذک را داشته باشد.
۲۱. تخفیف مجازات غیر از حذف آن است و قانون‌گذار تنها اجازه تخفیف آن را داده نه حذف آن لذا دادگاه نمی‌تواند در مقام تخفیف، برخی یا همه مجازات‌ها را حذف کند.
۲۲. آیا تخفیف ماده ۴۴۲ آذک با تخفیف ماده ۴۸۳ آذک قابل جمع است؟ بله و چنانچه زمینه اجرای هر دو ماده فراهم شود دادگاه می‌تواند تخفیف دهد.
۲۳. در صورت وجود شرایط ماده ۴۸۳ آذک، -علی‌رغم ممنوعیت تبدیل حبس به جزای نقدی در ماده ۳۷ - دادگاه می‌تواند طبق ذیل ماده ۴۸۳ مجازات حبس را به جزای نقدی تبدیل کند
۲۴. اگر متهم در دادگاه بدوی ۳ درجه تخفیف بگیرد، سپس در اجرای ماده ۴۴۲ آذک حق تجدیدنظرخواهی خود را ساقط و تقاضای تخفیف کند، دادگاه می‌تواند مجازات متهم را مجدداً تا یک‌چهارم مجازات مندرج در دادنامه تخفیف دهد چون در ماده ۴۴۲ قید «در حدود قانون» نیامده است.
۲۵. موارد خاص ممنوعیت تخفیف:
- تبصره ماده ۶۶۶ ق.م.ا.
  - ماده ۷۱۹ ق.م.ا.

- تبصره ماده ۱۳۹ ق.م.ا.
- تبصره یک ماده یک قانون تشدید
- تبصره ۶ ماده ۵ قانون تشدید

• تبصره ۵ ماده ۲ قانون مجازات اخلال گران در نظام اقتصادی مصوب ۶۹

۲۶. اگر دادگاه بدون در نظر گرفتن تعدد جرم موضوع ماده ۱۳۴ رأی صادر کند و سپس محکوم علیه به رأی اعتراض کند، با توجه به اینکه طبق ماده ۴۵۸ آدک دادگاه تجدید نظر حق تشدید مجازات را ندارد، تکلیف دادگاه تجدید نظر این است که رأی را نقض و با رعایت ماده ۱۳۴ رأی جدید صادر کند هر چند موجب تشدید شود چون رأی دادگاه بدوی خلاف قانون صادر شده است و طبق بند پ ماده ۴۵۵ آدک یکی از وظایف دادگاه تجدید نظر آن است که مراقبت کند که آرای بدوی خلاف قانون صادر نشده باشد

۲۷. جمع سه درجه تخفیف مستند به ماده ۳۷ با ماده ۴۵۹ آدک ممنوع است چون از حدود قانون تجاوز می شود

۲۸. در موارد خاص ممنوعیت تخفیف، اعمال ماده ۴۸۳ آدک ممنوع است.

۲۹. با تصویب ماده ۶۴ قانون مجازات ۹۲، بند یک ماده ۳ قانون وصول نسخ نشده است چون طبق بند یک ماده مذکور مجازات کمتر از ۹۱ روز الزاماً تبدیل به جزای نقدی می شود اما ماده ۶۴، مجازات جایگزین حبس نیازمند شرایطی است که در صورت نبود آن ها جایگزین اعمال نخواهد شد.

۳۰. تخفیف مجازات درجه ۸ به صورت تقلیل ممکن نیست اما به صورت تبدیل ممکن و در برخی موارد الزامی است مثل ماده ۳ قانون وصول.

۳۱. نحوه تخفیف شخصی که مرتکب جرم با مجازات مرکب شده مثلاً ۲۰۰ میلیون تومان کلاهبرداری کرده است: چون حبس ۱ تا ۷ سال درجه ۴ است، تا درجه ۷ قابل تخفیف است. در مورد جزای نقدی چون درجه یک است تا درجه ۳ می توان تخفیف داد.

۳۲. اگر دادگاه در مقام تخفیف، مصادره اموال را به جزای نقدی تبدیل کند، سپس محکوم علیه فوت کند، مصادره اموالی که به ناحق در دست محکوم علیه بوده ساقط نمی شود مگر اینکه مصادر اموال به جهت مجازات بوده باشد نه استرداد اموال به ناحق مثل اتومبیل در جرائم مواد مخدر که در این صورت، مصادره آن ساقط می شود. (مصدق)  
نظر مخالف: ساقط می شود چون مصادر اموال تغییر ماهیت داده و به جزای نقدی تبدیل شده است و طبق نص ماده ۱۳ آدک با فوت محکوم علیه مجازات ساقط می شود

### ماده ۳۸- جهات تخفیف / کیفیات مخفیه قضایی / معاذیر قضایی تخفیف دهنده مجازات

جهات تخفیف عبارت اند از:

الف- گذشت شاکی یا مدعی خصوصی (در جرائم غیر قابل گذشت)

(گذشت در مرحله رسیدگی در دادگاه در هنگام تعیین مجازات است چون:

- در گذشت در مرحله تحقیقات مقدماتی تا قبل از صدور کیفرخواست امکان صدور قرار تعلیق تعقیب وجود دارد. ۸۱ آدک
- در گذشت بعد از صدور کیفرخواست و قبل از ارسال پرونده به دادگاه به اختیار دادستان امکان صدور قرار تعلیق تعقیب وجود دارد ۲۸۳ آدک
- در گذشت بعد از صدور حکم قطعی کیفری در صورت درخواست محکوم علیه می تواند از موارد تخفیف مجازات یا تبدیل آن گردد ۴۸۳ آدک)

(در صورت وجود شاکیان متعدد، گذشت برخی از آن ها نیز کفایت کرده و نیازی به گذشت تمامی شکات نیست)

ب- همکاری مؤثر متهم در شناسایی شرکا یا معاونان، تحصیل ادله یا کشف اموال و اشیاء حاصله از جرم یا به کار رفته برای ارتکاب آن

پ- اوضاع و احوال خاص مؤثر در ارتکاب جرم، از قبیل رفتار یا گفتار تحریک آمیز بزه دیده یا وجود انگیزه شرافتمندانه در ارتکاب جرم



ت- اعلام متهم قبل از تعقیب یا اقرار مؤثر وی در حین تحقیق و رسیدگی

ث- ندامت، حسن سابقه و یا وضع خاص متهم از قبیل کهولت یا بیماری (میان ندامت و توبه تفاوت وجود دارد. توبه ترکیبی از ندامت «پشیمانی از کرده گذشته» و اصلاح «عدم انجام مجدد جرم در آینده» است)

(ملاک تشخیص حسن سابق عرف می‌باشد و معیارهایی مثل فقدان سابقه کیفری مؤثر چندان قابل‌اتکا نیست)

ج- کوشش متهم به منظور تخفیف آثار جرم یا اقدام وی برای جبران زیان ناشی از آن (مقصود از کوشش متهم به منظور تخفیف آثار جرم... اعم از آثار و جبران مادی و معنوی است)

چ- خفیف‌بودن زیان وارده به بزه‌دیده یا نتایج زیان‌بار جرم

ح- مداخله ضعیف شریک یا معاون در وقوع جرم

تبصره ۱- دادگاه مکلف است جهات تخفیف مجازات را در حکم خود قید کند.

تبصره ۲- هرگاه نظیر جهات مندرج در این ماده در مواد خاصی پیش‌بینی شده باشد، دادگاه نمی‌تواند به موجب همان جهات، مجازات را دوباره تخفیف دهد.

#### نکات:

۱. قلمرو اعمال عوامل مخففه قضایی تنها مجازات‌های تعزیری است. حتی در خود مجازات‌های تعزیری نیز ممنوعیت‌هایی برای اعمال کیفیات مخففه موضوع ماده ۳۷ ق.م.ا.م.صوب ۹۲ به چشم می‌خورد که مهم‌ترین آن‌ها عبارت‌اند از
  - تبصره ماده ۱۳۹ ق.م.ا.م.صوب: چنانچه مرتکب دارای سه فقره محکومیت قطعی مشمول مقررات تکرار جرم یا بیشتر از آن باشد، مقررات تخفیف اعمال نمی‌شود
  - ذیل ماده ۷۱۹ ق.م.ا.م.صوب ۷۵: ...دادگاه نمی‌تواند در مورد این ماده اعمال کیفیت مخففه نماید
  - تبصره ۱ ماده ۱ ق.ت.م.ا.ا.ک
  - تبصره ماده ۲ ق.ت.م.ا.ا.ک
  - تبصره ۶ ماده ۵ ق.ت.م.ا.ا.ک
  - تبصره ۵ ماده ۲ قانون مجازات اخلاالگران در نظام اقتصادی کشور
۲. توبه متهم از عوامل تخفیف است با اینکه در اینجا از عوامل تخفیف ذکر نشده است
۳. تخفیف مجازات تکمیلی: ماده ۲۴
۴. اگر کسی برخوردار از جهات تخفیف قانونی و قضایی متفاوت باشد امکان بهره‌مندی همزمان از تخفیف قضایی و قانونی وجود دارد اما اگر جهت تخفیف قضایی با تخفیف قانونی یکی باشد جمع آن‌ها فاقد وجاهت قانونی است. مثلاً اگر دادگاه طبق تبصره ۲ ماده ۷۱۹ به واسطه آگاه نمودن مأمورین تخفیف داد، دیگر نمی‌تواند به همان جهت به استناد ماده ۳۷ و ۳۸ تخفیف دهد.

#### ماده ۳۹- کیفیات معاف‌کننده قضایی / عوامل معافیت قضایی عام

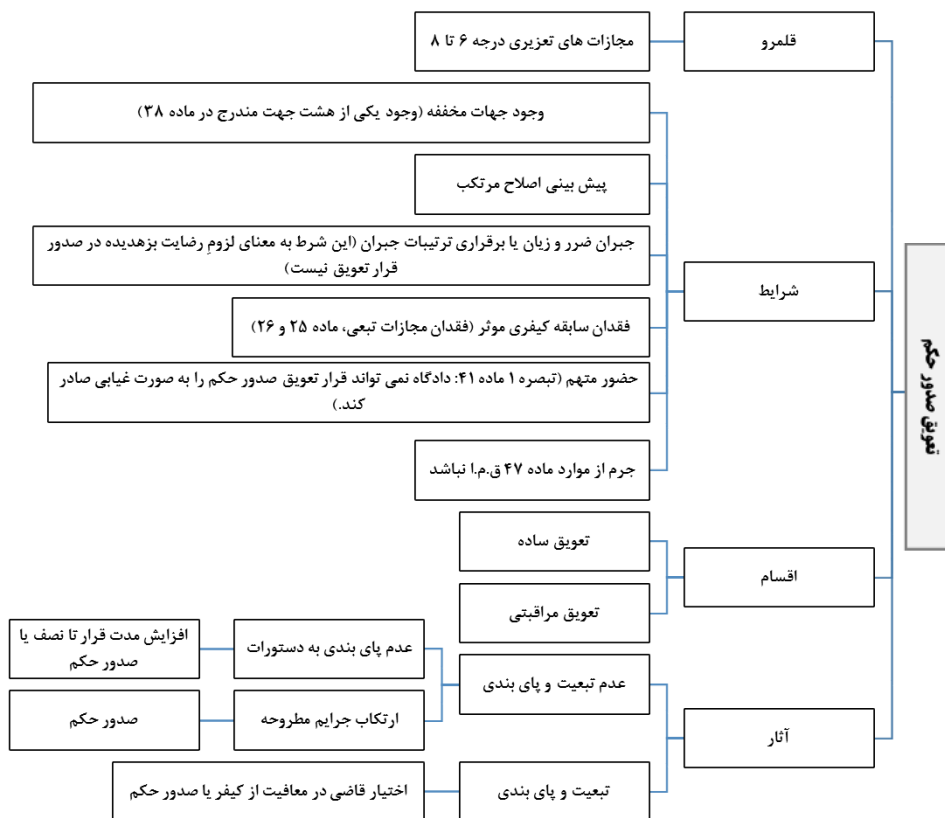
در جرائم تعزیری درجه‌های هفت و هشت در صورت احراز جهات تخفیف چنانچه دادگاه پس از احراز مجرمیت، تشخیص دهد که با عدم اجرای مجازات نیز مرتکب (اعم از مباشر، شریک، معاون)، اصلاح می‌شود در صورت فقدان سابقه کیفری مؤثر (یعنی نداشتن سابقه کیفری مذکور در ماده ۲۵ ق.م.ا.) و گذشت شاکی (در جرائم غیرقابل گذشت، چراکه اگر جرمی قابل گذشت باشد، به محض گذشت شاکی، طبق ماده ۱۰۰ ق.م.ا.م.صوب ۹۲ قرار موقوفی صادر

خواهد شد) و جبران ضرر و زیان یا برقراری ترتیبات جبران آن **می‌تواند** حکم به معافیت از کیفر صادر کند. (نه اینکه اول مجازات تعیین کند بعد حکم به معافیت از کیفر صادر کند)  
مواد مرتبط: تبصره ۲ ماده ۱۱۵،

### نکات:

۱. معافیت از کیفر:
  - معیاری: ماده ۳۹ و ۴۵
  - مصداقی: مواد: ۵۰۷، ۵۲۱، ۵۳۱، ۵۶۹، ۵۹۵ ق.م.ا.
۲. تعدد جرم مانع اعمال ماده ۳۹ نیست
۳. تفاوت این ماده با ماده ۱۱۴ که در مورد توبه است:
  - در این ماده حکم به معافیت صادر می‌شود اما در ۱۱۴ قرار موقوفی
  - در این ماده اصلاح بالقوه کافی است یعنی پیش‌بینی اصلاح، اما در ماده ۱۱۴ اصلاح بالفعل لازم است احراز شود.
۴. حکم به معافیت از حیث قابلیت تجدیدنظرخواهی تابع میزان مجازات قانونی جرم است.

### فصل پنجم - تعویق صدور حکم



### ماده ۴۰ - تعویق صدور حکم

در جرائم موجب تعزیر درجه شش تا هشت (چه قابل گذشت چه غیرقابل گذشت/ چه عمدی چه غیرعمدی) دادگاه **می‌تواند** پس از احراز مجرمیت متهم با ملاحظه وضعیت فردی، خانوادگی و اجتماعی و سوابق و اوضاع و احوالی که موجب ارتکاب جرم گردیده است در صورت وجود شرایط زیر صدور حکم را به مدت شش ماه تا دو سال به تعویق اندازد:

الف- وجود جهات تخفیف

ب- پیش‌بینی اصلاح مرتکب

پ- جبران ضرر و زیان یا برقراری ترتیبات جبران

ت- فقدان سابقه کیفری مؤثر

تبصره- محکومیت مؤثر، محکومیتی است که محکوم را به تبع اجرای حکم، بر اساس ماده (۲۵) این قانون از

حقوق اجتماعی محروم می‌کند. (منظور محکومیت در مندرج در دادنامه است نه مجازات قانونی)

مواد مرتبط: ۴۷، ۵۵، تبصره ۲ ماده ۱۱۵، ق.م.ا در مورد جرائم نوجوانان

تبصره ۲ ماده ۴۲۷ آدک: آراء قابل تجدیدنظر، اعم از محکومیت، برائت، یا قرارهای منع و موقوفی تعقیب، اناطه و **تعویق** صدور حکم است. قرار رد درخواست واخواهی یا تجدیدنظرخواهی، در صورتی مشمول این حکم است که رأی راجع به اصل دعوی، قابل تجدیدنظرخواهی باشد.

ماده ۵۵۵ آدک- صدور قرار تعلیق اجرای مجازات، حکم آزادی مشروط، قرار تعویق صدور حکم، نظام نیمه آزادی و آزادی تحت نظارت سامانه‌های الکترونیکی طبق مقررات راجع به دادرسی الکترونیکی و دستور یا دستورهای قاضی اجرای احکام کیفری، آثار عدم تبعیت محکوم‌علیه یا متهم از آن‌ها و نیز آثار ارتکاب جرم جدید **به شاکی یا مدعی خصوصی ابلاغ می‌شود**. چنانچه محکوم‌علیه یا متهم در مدت مزبور بدون عذر موجه از دستور یا دستورهای قاضی اجرای احکام کیفری تبعیت نکند، یا مرتکب جرم عمدی شود، شاکی یا مدعی خصوصی می‌تواند مراتب را به قاضی اجرای احکام کیفری برای اجرای مقررات مربوط اعلام کند

#### نکات:

۱. بر خلاف تعلیق، در تعویق صدور حکم، مجازات تعیین نمی‌شود و تنها مجرمیت مرتکب احراز می‌شود.
۲. اگر دادستان یا قاضی اجرا احراز کنند که مرتکب دارای شرایط قانونی برای صدور قرار تعویق یا معافیت از کیفر نبوده، می‌توانند لغو تعلیق مجازات یا معافیت از کیفر را از دادگاه صادر کننده قرار تقاضا نمایند.
۳. اگر شخصی سابقه استفاده از قرار تعویق را داشته باشد و هنوز مدت تعویق پایان نیافته باشد، به استناد ذیل ماده ۵۵ استفاده مجدد از صدور قرار تعویق ممنوع است.
۴. اعمال نهاد تعویق صدور حکم در جرائم مواد مخدر بلامانع است.
۵. بعد از صدور قرار تعویق طبق ماده ۵۵۵ آدک پرونده از آمار کسر و به واحد اجرای احکام ارسال می‌شود

#### ماده ۴۱- تعویق ساده

تعویق به شکل ساده یا مراقبتی است.

الف- در تعویق ساده مرتکب به طور کتبی (پیش از صدور حکم) متعهد می‌گردد، در مدت تعیین شده به وسیله دادگاه (که بین ۶ ماه تا دو سال است)، مرتکب جرمی نشود و از نحوه رفتار وی پیش‌بینی شود که در آینده نیز مرتکب جرم نمی‌شود. (هرچند متهم تعهد کتبی داده که مطلقاً مرتکب جرمی نشود، اما به نظر می‌رسد تنها ارتکاب جرائم عمدی مندرج در مواد ۴۴ و ۵۴ ق.م.ا، دارای ضمانت اجرا بوده و موجب لغو قرار تعویق صدور حکم یا تعلیق اجرای مجازات خواهد شد، نه ارتکاب هر نوع جرمی)

ب- در تعویق مراقبتی علاوه بر شرایط تعویق ساده، مرتکب متعهد می‌گردد دستورها (ماده ۴۳) و تدابیر (ماده ۴۲) مقرر شده به وسیله دادگاه را در مدت تعویق رعایت کند یا به موقع اجرا گذارد.

تبصره ۱- دادگاه نمی‌تواند قرار تعویق صدور حکم را به صورت غیابی صادر کند.  
تبصره ۲- چنانچه متهم در بازداشت باشد، دادگاه پس از صدور قرار تعویق صدور حکم، بلافاصله دستور آزادی وی را صادر می‌نماید. دادگاه می‌تواند در این مورد تأمین مناسب اخذ نماید. در هر صورت اخذ تأمین نباید به بازداشت مرتکب منتهی گردد. (اگر مرتکب کفیل معرفی نکرد یا وثیقه نداشت یا ملتزم نشد باید آزاد شود)

#### نکات:

۱. اخذ تأمین مناسب ناظر به مواردی است که متهم تأمین نداشته باشد مثلاً پرونده مستقیماً به دادگاه آمده باشد والا تأمین قبلی مانند کفالت یا وثیقه به قوت خود باقی است و قرار تعویق صدور حکم موجب منتفی شدن آن نمی‌شود.
۲. اگر مرتکب تعهد نداد، صدور قرار تعویق منتفی است.

#### ماده ۴۲- تدابیر

تعویق مراقبتی همراه با تدابیر زیر است:

- الف- حضور به موقع در زمان و مکان تعیین شده توسط مقام قضایی یا مددکار اجتماعی ناظر
- ب- ارائه اطلاعات و اسناد و مدارک تسهیل کننده نظارت بر اجرای تعهدات محکوم برای مددکار اجتماعی
- پ- اعلام هرگونه تغییر شغل، اقامتگاه یا جابه‌جایی در مدت کمتر از پانزده روز و ارائه گزارشی از آن به مددکار اجتماعی
- ت- کسب اجازه از مقام قضایی به منظور مسافرت به خارج از کشور
- تبصره- تدابیر یادشده می‌تواند از سوی دادگاه همراه با برخی تدابیر معاضدتی از قبیل معرفی مرتکب به نهادهای حمایتی باشد.

#### نکات:

۱. تدابیر به دو دسته عام و خاص تقسیم می‌شوند:
  - تدابیر عام: مقصود از تدابیر عام، تدابیر مقرر در بندهای چهارگانه‌ی ماده ۴۲ ق.م.ا است. به دلیل عبارت «تعویق مراقبتی همراه با تدابیر زیر است...» مشخص می‌شود که این تدابیر الزامی و حصری هستند.
  - تدابیر خاص: مقصود از تدابیر خاص، تدابیر مندرج در تبصره ماده ۴۲ ق.م.ا است. به قرینه کلمه می‌تواند تدابیر خاص جنبه اختیاری دارد. به قرینه کلمه از قبیل تدابیر خاص جنبه تمثیلی دارند نه حصری.
۲. تدابیر در تعویق مراقبتی، الزامی است اما دستورها به اختیار قاضی است.

#### ماده ۴۳- دستورها

در تعویق مراقبتی، دادگاه صادرکننده قرار می‌تواند با توجه به جرم ارتكابی و خصوصیات مرتکب و شرایط زندگی او به نحوی که در زندگی وی یا خانواده‌اش اختلال اساسی و عمده ایجاد نکند مرتکب را به اجرای یک یا چند مورد از دستورهای زیر (حصری) در مدت تعویق، ملزم نماید:

الف- حرفه آموزی یا اشتغال به حرفه‌ای خاص

ب- اقامت یا عدم اقامت در مکان معین

پ- درمان بیماری یا ترک اعتیاد

ت- پرداخت نفقه افراد واجب النفقه

ث- خودداری از تصدی کلیه یا برخی از وسایل نقلیه موتوری (دستور خودداری از تصدی وسایل نقلیه هیچ‌گاه به‌اندازه‌ی خودداری از رانندگی این وسایل نقش بازدارنده نخواهد داشت)

ج- خودداری از فعالیت حرفه‌ای مرتبط با جرم ارتكابی یا استفاده از وسایل مؤثر در آن

چ- خودداری از ارتباط و معاشرت با شرکا یا معاونان جرم یا دیگر اشخاص از قبیل بزه‌دیده به تشخیص دادگاه

ح- گذراندن دوره یا دوره‌های خاص آموزش و یادگیری مهارت‌های اساسی زندگی یا شرکت در دوره‌های تربیتی، اخلاقی، مذهبی، تحصیلی یا ورزشی

#### نکات:

۱. بندهای الف، ت و ح ماهیتاً ایجابی و بندهای ث، ج و چ ماهیتاً سلبی و بندهای ب و پ ترکیبی از ایجابی و سلبی است

#### ماده ۴۴- ضمانت اجرای قرار تعویق

در مدت تعویق، در صورت ارتكاب جرم (صرف انتساب جرم کافی نیست زیرا ممکن است متهم پس از محاکمه تبرئه شود بلکه باید حکم محکومیت قطعی شود) موجب حد، قصاص، جنایات **عمدی** موجب دیه یا تعزیر تا **درجه هفت**، دادگاه به لغو قرار تعویق اقدام و حکم محکومیت صادر می‌کند.

در صورت **عدم اجرای دستورهای دادگاه (صادر کننده قرار تعویق) قاضی می‌تواند** برای یک‌بار تا نصف مدت مقرر در قرار، به مدت تعویق اضافه یا حکم محکومیت صادر کند. (برخلاف ارتكاب جرم، که موجب لغو قرار تعویق ساده و **مراقبتی** می‌شود، تخلف از دستورها فقط شامل **تعویق مراقبتی** می‌شود بدین دلیل که در تعویق ساده، هیچ‌گونه دستوری وجود ندارد)،

تبصره- در صورت الغای قرار تعویق و صدور حکم محکومیت، صدور قرار تعلیق اجرای مجازات ممنوع است.

#### نکات:

۱. حد و قصاص صرفاً در جرائم عمدی متصور است
۲. قید عمدی در ماده در مورد تعزیر نیز جاری است زیرا فلسفه لغو قرار تعویق در صورت ارتكاب جرم، احراز از حالت خطرناک مجرم است که چنین حالتی در صورتی محقق می‌شود که جرم ارتكابی عمدی باشد نه غیرعمدی.
۳. جرم جدید ارتكابی، مشمول قواعد تکرار جرم قرار نمی‌گیرد، چون در تکرار جرم، ملاک قطعیت حکم اولیه است، حال آنکه در قرار تعویق صدور حکم، نسبت به جرم نخست، اساساً حکمی صادر نمی‌شود؛ بنابراین باید قائل به آن شد که جرم جدید مجرم، مشمول قواعد تعدد جرم خواهد بود.
۴. پس از صدور حکم محکومیت در خصوص جرم جدید و لغو قرار تعویق صدور حکم، دادگاه باید با توجه به ماده ۵۱۰ آدک نسبت به اعمال قواعد تعدد جرم اقدام کند
۵. در مورد ضمانت اجرای تخلف از تدابیر دو نظر وجود دارد:

• برخی معتقدند: منظور از دستورهای دادگاه اعم از تدابیر موضوع ماده ۴۲ و دستورات ماده ۴۳ است؛

- برخی دیگر معتقدند توجه به یاد شده با تفسیر مضیق قوانین و نیز تفسیر به نفع متهم سازگاری ندارد لذا چنانچه مجرم در طول مدت تعویق، از اجرای تدابیر سر باز زند، نمی‌توان قرار تعویق صدور حکم را لغو نمود.

#### **ماده ۴۵- تکلیف دادگاه پس از گذشت مدت تعویق**

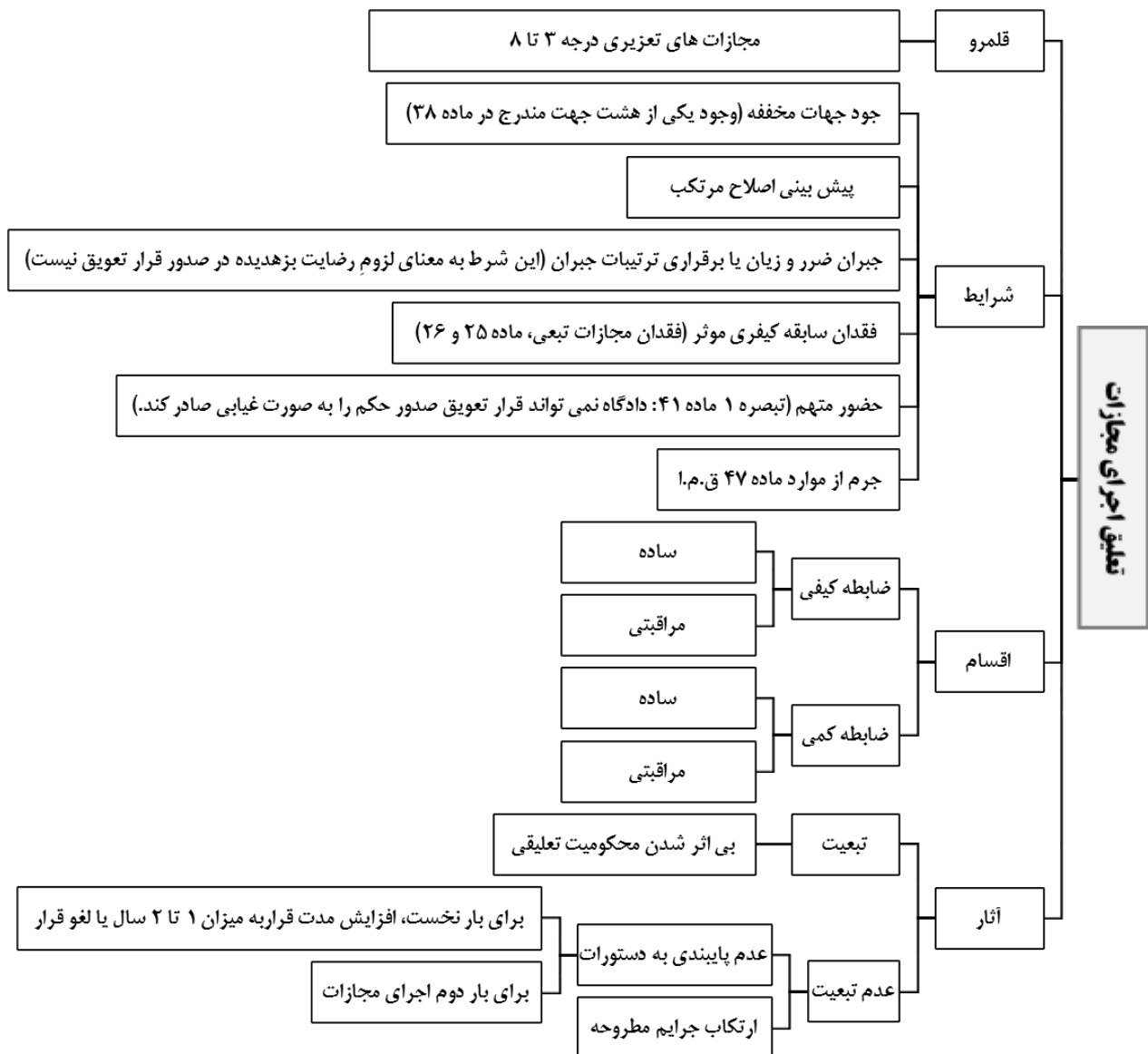
پس از گذشت مدت تعویق با توجه به میزان پایبندی مرتکب به اجرای دستورهای دادگاه، گزارش‌های مددکار اجتماعی و نیز ملاحظه وضعیت مرتکب، دادگاه حسب مورد به تعیین کیفر یا صدور حکم معافیت از کیفر اقدام می‌کند (و حکم صادره از ناحیه متهم یا دادستان با توجه به میزان مجازات مقرر در قانون برای جرم، قابل تجدیدنظر بوده ممکن است یا قطعی باشد)

مواد مرتبط: ۴۷، تبصره ۲ ماده ۱۱۵،

#### **نکات:**

۱. اگر پس از گذشت مدت مذکور در ماده ۴۵ موجبات صدور حکم برائت یا قرار موقوفی فراهم باشد، دادگاه صادر کننده تعویق، حکم برائت یا قرار موقوفی صادر می‌کند.
۲. چنانچه حکم معافیت از کیفر صادر شود، چون هیچ‌گونه محکومیتی در پرونده متهم ثبت نمی‌گردد، سابقه‌ی کیفری نیز برای وی محسوب نخواهد شد. لذا مجازات تبعی و تکمیلی نیز منتفی است

## فصل ششم - تعلیق اجرای مجازات



## ماده ۴۶ - تعلیق اجرای مجازات

در جرائم تعزیری درجه سه تا هشتم (مجازات قانونی) دادگاه (قاضی دادگاه صادرکننده حکم) **می‌تواند** در صورت وجود شرایط مقرر برای تعویق صدور حکم (نظر برخی: صرفاً شرایط چهارگانه مقرر در ماده ۴۰ / نظر برخی دیگر: علاوه بر این چهار شرط، سایر شروط قانونی همانند شرط مقرر در تبصره ۱ ماده ۴۱ ق.م.ا.م.ب نیز باید وجود داشته باشد)، اجرای **تمام** (تعلیق کلی / تعلیق کلی تنها ضمن حکم محکومیت متصور است) یا **قسمتی** (تعلیق جزئی / تعلیق جزئی هم ضمن حکم محکومیت و هم پس از صدور آن متصور است). از مجازات را از یک تا پنج سال معلق نماید. دادستان یا قاضی اجرای احکام کیفری نیز پس از اجرای یک‌سوم مجازات (در جرائم دارای مجازات مرتکب مثلاً حبس و جزای نقدی، باید یک‌سوم حبس را تحمل و یک‌سوم جزای نقدی را پرداخت کرده باشد) می‌تواند از دادگاه صادرکننده حکم قطعی، تقاضای تعلیق نماید.

همچنین محکوم می‌تواند پس از تحمل یک‌سوم مجازات، در صورت دارا بودن شرایط قانونی، از طریق دادستان یا قاضی اجرای احکام کیفری تقاضای تعلیق نماید. (با توجه به مقررات قانونی و سایر اوضاع او احوال، دادستان مختار است بپذیرد یا نپذیرد اما به نظر می‌رسد در صورت اجتماع شرایط دادستان ملزم است موضوع را به دادگاه اعلام نماید (مصدق، ص ۲۵۶))

مواد مرتبط: ۴۷، تبصره ۲ ماده ۱۱۵، ۹۴ ق.م.ا در مورد جرائم نوجوانان، ماده ۵۵۵ آ.ک، ۸۱ آ.ک ماده ۵۵۲ آ.ک: هرگاه محکوم‌علیه پس از سپری شدن حداقل شش ماه از مدت تعلیق اجرای مجازات، به طور مستمر حسن اخلاق و رفتار نشان دهد، قاضی اجرای احکام کیفری، مراتب را با پیشنهاد کاهش مدت تعلیق یا لغو تمام یا برخی از دستورهای تعیین شده به دادگاه صادر کننده حکم اعلام می‌کند. دادگاه در وقت فوق‌العاده در مورد پیشنهاد قاضی اجرای احکام کیفری تصمیم می‌گیرد. تبصره - در صورت عدم پذیرش پیشنهاد از سوی دادگاه، قاضی اجرای احکام کیفری می‌تواند هر دو ماه یک‌بار مجدداً اجرای این ماده را به دادگاه پیشنهاد نماید.

ماده ۸۱ آ.ک: در جرائم تعزیری درجه شش، هفت و هشت **که مجازات آن‌ها قابل تعلیق است**، ...تعقیب وی را از شش ماه تا دو سال معلق کند (بنابراین اگر جرم تعزیری ۶ تا ۸، طبق ماده ۴۷ و دیگر قوانین خاص قابل تعلیق اجرای مجازات نباشد قابل تعلیق تعقیب هم نخواهد بود).

#### نکات:

۱. نظریه ۵۲۵۸/۷-۲/۸/۱۳۶۷: تعلیق اجرای حکم از مصادیق تخفیف نیست و دادگاه نمی‌تواند به عنوان تخفیف اجرای حکم را معلق نماید. اما جمع آن با تخفیف در خصوص یک جرم ممکن است (نظریه ۱۰۲۳/۱-۷/۹/۵/۱۳۶۸: دادگاه می‌تواند مجازات را تخفیف دهد و سپس آن را تعلیق نماید).
۲. تعلیق اجرای مجازات حق محکوم‌علیه و تکلیف دادگاه به شمار نمی‌آید تا در صورت عدم تعلیق مجازات محکوم‌علیه حق اعتراض و تجدیدنظرخواهی داشته باشد (نظریه ۷۰۲۲/۷ مورخ ۳۰/۹/۱۳۸۴ اداره کل امور حقوقی قوه قضائیه) لذا دادگاه می‌تواند تقاضای محکوم یا دادستان را نپذیرد و این رأی قطعی است.
۳. منظور از تعلیق قسمتی از مجازات، اعم از قسمتی از مجازات ساده، یا مرکب و مجازات تجمیعی است.
۴. شرط استفاده از تعلیق، فقدان سابقه محکومیت قطعی است نه اجرای آن و نه محکومیت غیرقطعی.
۵. قاضی اجرای احکام راساً می‌تواند از دادگاه تقاضای تعلیق کند و این تقاضا منوط به اجازه دادستان نیست اما اگر دادستان در پرونده‌ای با تعلیق اجرا مخالفت کند قاضی اجرا حق تقاضای تعلیق از دادگاه ندارد چون دادیار و قاضی اجرای احکام تابع دادستان هستند.
۶. تعدد جرم مانع تعلیق اجرا نیست.
۷. صدور قرار تعلیق در مورد فردی که سابقه محکومیت تعلیقی دارد فاقد وجهت قانونی است.
۸. تعلیق اجرای مجازات فقط یک‌بار مجاز است لذا اگر دادگاه هنگام صدور رأی اجرای یک‌دوم مجازات را تعلیق کرده باشد، قاضی اجرای احکام یا دادستان حتی بعد از گذشت یک‌سوم از مجازات تعلیق نشده، نمی‌تواند تقاضای تعلیق باقیمانده مجازات را داشته باشند. همچنین اگر در مدت تعلیق، محکوم‌علیه جرم دیگری انجام دهد، استفاده مجدد از تعلیق مجازات برای جرم جدید ممنوع است.
۹. مقررات تعلیق مذکور در این قانون ناسخ ماده ۱۰ قانون صدور چک نیست.
۱۰. کلاهبرداری کمتر از مبلغ مذکور در ماده ۴۷ قابل تعلیق است. و بحث «عام مؤخر ناسخ خاص مقدم نیست»، پیش نمی‌آید چون ماده ۴۷ قانون هم در مورد کلاهبرداری خاص است، پس خاص مؤخر خواهد شد که ناسخ خاص مقدم (در بخش غیرقابل جمع) است.
۱۱. با توجه به کلمه «دادگاه»، مراجع شبه قضایی مثل سازمان تعزیرات نمی‌توانند به استناد این ماده مجازات را تعلیق کنند.
۱۲. اگرچه با توجه به کلمه «تحمل» درخواست تعلیق ظهور در حبس دارد اما به نظر می‌رسد تحمل یک‌سوم مجازات اختصاص به حبس ندارد و مثلاً اگر شخصی محکوم به پرداخت جزای نقدی شده است، پس از پرداخت یک‌سوم جزای نقدی، می‌تواند درخواست تعلیق کند.
۱۳. تعلیق مجازات انفصال از خدمات دولتی منع قانونی ندارد (مصدق / مشورتی ۷/۹۱۲۳ مورخ ۱/۱۳۸۳)



۱۴. دادگاه تجدید نظر می‌تواند اجرای مجازاتی را که دادگاه بدوی در نظر گرفته، تعلیق کند چون دادگاه تجدیدنظر در مقام تأیید یا نقض رأی، دادگاه صادر کننده حکم خواهد بود.
۱۵. دادگاه تجدید نظر می‌تواند دستورهای دادگاه بدوی در خصوص تعلیق را تغییر دهد مشروط بر اینکه به ضرر محکوم‌علیه نباشد.
۱۶. استفاده از نهاد تعلیق در مسائل مربوط به مواد مخدر جایز است چون در قانون خاص مواد مخدر، حکم خاصی در این مورد مقرر نشده است.
۱۷. طبق تبصره ۳ ماده ۵ قانون تشدید اگر مختلس قبل از صدور کیفرخواست تمام مال مورد اختلاس را برگرداند، اجرای حبس او معلق خواهد شد، در این حالت هیچ‌گاه مجازات معلق وی، منجز نخواهد شد حتی اگر در مدت تعلیق مرتکب جرم تعزیری درجه یک تا ۷ شود. به عبارت دیگر تعلیق موضوع این تبصره به معنای معافیت از کیفر است. رویه قضایی و دکترین هم این نظر را پذیرفته‌اند. مقتضی تفسیر به نفع متهم هم هست (مصدق: ص ۲۶۷)
۱۸. مستند به ماده ۵۵۲ آذک قاضی اجرای احکام می‌تواند کاهش مدت تعلیق را از دادگاه درخواست کند
۱۹. صدور قرار تعلیق به صورت غیابی ممکن است (مصدق) **اما به نظرم** با توجه به نیاز این قرار به تعهد محکوم‌علیه نمی‌توان این قرار را غیابی صادر کرد.

### ماده ۴۷- موانع تعویق و تعلیق

صدور حکم و اجرای مجازات در مورد **جرائم زیر و شروع به آن‌ها** قابل تعویق و تعلیق نیست:

- الف- جرائم (عمدی) علیه امنیت داخلی و خارجی کشور (مواد ۴۹۸ تا ۵۱۲ ق.م.ا مصوب ۷۵)، خرابکاری در تأسیسات آب، برق، گاز، نفت و مخابرات (ماده ۶۸۷ ق.م.ا مصوب ۷۵)
- ب- جرائم سازمان‌یافته (ماده ۱۳۰) (هفت جرم پیش‌بینی شده در پروتکل‌های الحاقی کنوانسیون ۲۰۰۰ پالمو)، سرقت مسلحانه یا مقرون به آزار (مواد ۶۵۱ تا ۶۵۴ ق.م.ا مصوب ۷۵)، آدم‌ربایی (ماده ۶۲۱ ق.م.ا مصوب ۷۵) و اسیدپاشی (ماده واحد قانون مربوط به مجازات پاشیدن اسید مصوب ۳۷)
- پ- قدرت‌نمایی و ایجاد مزاحمت با چاقو یا هر نوع اسلحه دیگر (ماده ۶۱۷ ق.م.ا مصوب ۷۵)، جرائم علیه عفت عمومی (مواد ۶۳۷، ۶۳۸، ۶۴۰ و ۶۴۱ ق.م.ا مصوب ۷۵)، تشکیل یا اداره مراکز فساد و فحشا (ماده ۶۳۹ ق.م.ا مصوب ۷۵)
- ت- قاچاق **عمده** مواد مخدر یا روان‌گردان، مشروبات الکلی و سلاح و مهمات و قاچاق انسان (نظریه مشورتی ۷/۱۶۲۲ مورخ ۱۳۹۲/۸/۲۱: «...با توجه به نگارش بندت ماده ۷، قید عمده، مشروبات الکلی، سلاح، مهمات و انسان را نیز در بر می‌گیرد اما با توجه به تکرار واژه قاچاق پیش از واژه انسان در همین بند، قید عمده مشمول واژه انسان نیست و قاچاق انسان ولو عمده نباشد قابل تعلیق نیست» اما به نظر می‌رسد این جرائم به اندازه‌ای خطرناک می‌باشند که ارتکاب آن‌ها در سطح محدود نیز غیرقابل تعویق و تعلیق دانسته شود)
- ث- تعزیر بدل از قصاص نفس (ماده ۶۱۲ ق.م.ا مصوب)، **معاونت** در قتل عمدی و محاربه و افساد فی‌الارض (بند الف ماده ۱۲۷ ق.م.ا)
- معاونت در این بند هر سه مورد «قتل عمدی و محاربه و افساد فی‌الارض» را شامل می‌شود نه فقط قتل عمد، چون دو جرم محاربه و افساد فی‌الارض از جرائم حدی بوده و تخصصاً از موضوع تعلیق خارج‌اند
- ج- جرائم اقتصادی (بند ب ۱۰۹ ناظر به تبصره ماده ۳۶)، با موضوع جرم بیش از یک صد میلیون (۰۰۰ / ۰۰۰ / ۱۰۰)

مواد مرتبط: تبصره ماده ۳۶، ماده ۴۰، تبصره ماده ۴۴، تبصره ۲ ماده ۱۱۵، بند ب ۱۰۹، ۱۳۰

### نکات:

۱. بیشتر موارد فوق‌الذکر، به جهت آنکه اساساً درجه ۶ تا ۸ نیستند تخصصاً از بحث قرارهای تعویق و تعلیق خارج هستند. ولیکن ثمره این ماده بیشتر ناظر به شروع به جرم برخی از موارد بالا است. البته بدیهی است که در خصوص معاونت در قتل عمدی و محاربه و افساد فی‌الارض بدان جهت که شروع به معاونت طبق قانون مجازات اسلامی جرم نیست بحث شروع به جرم منتفی می‌باشد
۲. در این ماده موانع تعویق و تعلیق بیان شده است اما یک مانع دیگر برای تعویق و تعلیق در تبصره ۲ ماده ۱۱۵ بیان شده است: اطلاق مقررات ماده ... (۴۰ تعویق صدور حکم)، (۴۵)، (۴۶ تعلیق اجرا)، ... این قانون شامل تعزیرات منصوص شرعی نمی‌شود؛ یعنی تعویق صدور حکم و تعلیق اجرا در مورد تعزیرات منصوص شرعی ممکن نیست
۳. موانع تعلیق مذکور در قوانین خاص:
  - تبصره ۳ ماده ۷۰۳ تعزیرات
  - ماده ق. صدور چک
  - تبصره ۵ ماده ۲ ق. مجازات اخلاص گران در نظام اقتصادی
  - تبصره ماده ۱ قانون تشدید (کلاهبرداری)
  - تبصره ماده ۲ قانون تشدید (تحصیل مال از طریق نامشروع)
  - تبصره ۳ ماده ۵ قانون تشدید
  - ماده ۱۲۲ ق. مجازات جرائم نیروی‌های مسلح
  - ماده ۷ قانون حمایت از آمران به معروف
  - ماده ۷۱ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز
۴. اگر قاضی قرار تعویق صدور حکم را لغو کرد دیگر نمی‌تواند قرار تعلیق صادر کند (تبصره ۴۴)
۵. باتوجه به ماده ۴۰ و بند ث ماده ۴۷ می‌توان نتیجه‌گیری کرد تعویق صدور حکم در حدود و قصاص و معاونت در قتل عمد و محاربه و افساد فی‌الارض اجرا نمی‌شود، ولی تعویق صدور حکم در مورد معاونت در سایر حدود بلامانع است.
۶. ماده ۸۱ آ.د.ک: در جرائم تعزیری درجه شش، هفت و هشت که مجازات آن‌ها قابل تعلیق است، ... تعقیب وی را از شش ماه تا دو سال معلق کند (بنابراین اگر جرم تعزیری ۶ تا ۸، طبق ماده ۴۷ و دیگر قوانین خاص قابل تعلیق اجرای مجازات نباشد قابل تعلیق تعقیب هم نخواهد بود).
۷. به اقتضای تفسیر به نفع متهم معاونت در جرائم فوق مشمول این ماده نمی‌شود لذا تعلیق مجازات معاونت در آن‌ها بلامانع است. (به غیر از معاونت‌های مذکور در بند ث)
۸. منظور از قاچاق، وارد کردن مواد به کشور یا خارج کردن آن از کشور است و به جرائم حمل و نگهداری و اختفا مواد مخدر یا روان‌گردان و مشروبات الکلی در داخل کشوری تسری ندارد.
۹. اگر شخصی به خاطر جرمی محکوم به تحمل حبس و پرداخت دیه طی دو سال در دو قسط شود، در صورت وجود شرایط دادگاه می‌تواند مجازات حبس او را تعلیق کند با وجود اینکه ضرر و زیان مدعی خصوصی هنوز جبران نشده است چراکه محکوم‌علیه تا پرداخت قسط اول با تکلیفی مواجه نیست.

### ماده ۴۸- تعلیق ساده و مراقبتی

تعلیق مجازات با رعایت مقررات مندرج در تعویق صدور حکم، ممکن است به‌طور ساده یا مراقبتی باشد.

### ماده ۴۹- نحوه صدور قرار تعلیق

قرار تعلیق اجرای مجازات به‌وسیله دادگاه ضمن حکم محکومیت یا پس از صدور آن (دیدگاه اول: قاضی دادگاه طبق ماده ۴۶ پس از صدور حکم و بعد از گذشت یک‌سوم مجازات به‌شرط تقاضای دادستان یا قاضی اجرای حکم یا

متهم از طریق یکی از این دو مرجع مبنی بر صدور قرار تعلیق اجرای مجازات می‌تواند اقدام به صدور قرار تعلیق اجرای مجازات کند. (یعنی بدون تقاضای آن‌ها، رأساً نمی‌تواند چنین قراری صادر کند) / نظر دوم: قاضی دادگاه پس از صدور حکم چه قبل از گذشت یک‌سوم و چه بعد از آن رأساً می‌تواند چنین قراری صادر کند. اما دادستان یا قاضی اجرای حکم یا متهم تنها بعد از گذشت یک‌سوم می‌تواند تقاضای تعلیق کند) صادر می‌گردد. کسی که اجرای حکم مجازات وی به‌طور کلی معلق شده است، اگر در بازداشت باشد فوری (بدون نیاز به قطعیت قرار صادره) آزاد می‌گردد.

#### نکات:

۱ در تعلیق اجرا، حکم محکومیت مرتکب توأم با تعیین نوع و میزان مجازات قانونی صادر می‌شود سپس به موجب قرار تعلیق تمام یا بخشی از مجازات تعلیق می‌شود.

#### ماده ۵۰- ضمانت اجرای تخلف از دستورها در قرار تعلیق

چنانچه محکومی که مجازات او معلق شده است در مدت تعلیق (ضمانت اجرای تخلف از دستورهای دادگاه محدود به مدت تعلیق است لذا اگر مجرم در مدت‌زمانی که در حال تحمل مجازات غیرمعلق است یکی از دستورهای دادگاه را تبعیت نکند، هیچ‌گونه ضمانت اجرایی ندارد) بدون عذر موجه (منظور از عذرهای موجه مشخص نیست) از دستورهای دادگاه تبعیت نکند، دادگاه صادرکننده حکم قطعی می‌تواند به درخواست دادستان یا قاضی اجرای احکام، برای بار اول یک تا دو سال به مدت تعلیق اضافه یا قرار تعلیق را لغو نماید. (هیچ‌گونه اشکال قانونی وجود ندارد اگر بر اثر افزایش مدت تعلیق، میزان آن از حداکثر مقرر در قانون یعنی ۵ سال بیشتر شود. بنابراین اگر اجرای مجازات محکومی به مدت ۵ سال تعلیق گردد، چنانچه برای بار نخست از دستورهای دادگاه تخلف نماید، قاضی می‌تواند به‌عنوان ضمانت اجرا، به میزان ۲ سال به مدت تعلیق وی افزوده و آن را به ۷ سال افزایش داد.)

تخلف از دستور دادگاه برای بار دوم، موجب الغای قرار تعلیق و اجرای مجازات می‌شود.

#### نکات:

- ۱- اگر حکم از سوی دادگاه بدوی صادر شده باشد چه دادگاه تجدید نظر عیناً تأیید کند چه نقض و مجدداً رسیدگی و حکم صادر کند، دادگاه صادرکننده حکم قطعی دادگاه تجدید نظر است.
- ۲- الغای قرار تعلیق قطعی است یعنی قابل تجدیدنظر نیست چون از اختیارات دادگاه است.
- ۳- تشخیص عذر موجه بر عهده دادسرا است. اگر عذر موجه را احراز کرد نیازی به ارسال پرونده به دادگاه نیست اما اگر عذر را موجه تشخیص ندهد، پرونده را به دادگاه جهت افزایش مدت تعلیق یا الغای آن ارسال می‌کند. البته دادگاه ملزم به تبعیت از تشخیص دادسرا نیست.

#### ماده ۵۱- تأثیر تعلیق اجرای مجازات محکوم نسبت به حق مدعی خصوصی

تعلیق اجرای مجازات محکوم نسبت به حق مدعی خصوصی تأثیری ندارد و حکم پرداخت خسارت یا دیه در این موارد اجرا می‌شود.

### ماده ۵۲- ضمانت اجرای ارتکاب جرم در قرار تعلیق

هر گاه محکوم از تاریخ صدور قرار (منظور تاریخ قطعیت آن است (مصدق)) تا پایان مدت تعلیق، مرتکب جرم عمدی موجب حد، قصاص، دیه یا تعزیر تا درجه هفت **نشود**، محکومیت تعلیقی بی اثر می شود (لذا اگر پس از آن مجدداً مرتکب جرمی جدید گردد، مشمول قواعد تکرار نخواهد شد).

### ماده ۵۳- نحوه محاسبه مدت تعلیق وقتی قسمتی از مجازات یا یکی از مجازات‌های مورد حکم معلق شود

در صورتی که قسمتی از مجازات یا یکی از مجازات‌های مورد حکم معلق شود، مدت تعلیق از زمان خاتمه اجرای مجازات غیرمعلق محاسبه می گردد. (مثلاً: اگر شخصی به جهت ارتکاب جرمی به ۳ سال حبس محکوم شده و دادگاه یک سال آن را برای مدتی تعلیق نماید، زمان شروع مدت تعلیق حبس یک‌ساله، پس از گذراندن دو سال حبس غیرمعلق آغاز خواهد شد.)

تبصره- در مواردی که به موجب قوانین اداری و استخدامی، محکومیت کیفری موجب انفصال است در صورت تعلیق، محکومیت معلق، موجب انفصال نمی گردد، مگر آنکه در قانون تصریح یا قرار تعلیق لغو شود.

### نکات:

۱- با توجه به مفهوم ماده ۵۲ اگر شخص به تحمل ۳ سال حبس محکوم شود و اجرای ۱ سال آن به مدت ۳ سال تعلیق شود و سپس در حال تحمل حبس غیر معلق، مرتکب جرم تعزیری درجه ۵ شود، قرار تعلیق لغو می شود. اگرچه عبارت ماده ۵۳ ظاهر در این است مدت تعلیق هنوز شروع نشده لذا جرم در ایام تعلیق اتفاق نیفتاده است اما به نظر می رسد منظور از عبارت «مدت تعلیق از زمان خاتمه اجرای مجازات غیرمعلق محاسبه می گردد» یعنی مبدأ محاسبه مدت تعلیق پایان اجرای مجازات غیر معلق است نه اینکه ارتکاب جرم پیش از این مدت موجب فک قرار نمی شود.

### ماده ۵۴- ضمانت اجرای ارتکاب جرم از تاریخ صدور قرار تا پایان مدت تعلیق

هر گاه محکوم از تاریخ صدور قرار تا پایان مدت تعلیق، (برخلاف دستورها، ضمانت اجرای ارتکاب جرم از تاریخ صدور قرار تا پایان مدت تعلیق است)، مرتکب یکی از جرائم عمدی موجب حد، قصاص، دیه یا تعزیر تا درجه هفت شود، پس از قطعیت حکم اخیر (نه صرف اتهام)، دادگاه (دادگاه رسیدگی کننده به جرم جدید، حتی اگر صلاحیت ذاتی یا محلی جهت ورود به موضوع جرم اول را نداشته باشد (مشورتی ۷/۹۲/۲۴۴۹ مورخ ۱۳۹۲/۱۲/۲۰)) قرار تعلیق را لغو و دستور اجرای حکم معلق را نیز صادر و مراتب را به دادگاه صادرکننده قرار تعلیق اعلام می کند. (دادگاه رسیدگی کننده به جرم جدید، صرفاً دستور اجرای حکم سابق را صادر می کند اما اجرای آن بر عهده دادرسی در معیت دادگاه صادر کننده قرار تعلیق است (مشورتی ۷/۹۲/۱۴۹۲ مورخ ۱۳۹۲/۸/۱۱))

دادگاه به هنگام صدور قرار تعلیق به طور صریح به محکوم اعلام می کند که اگر در مدت تعلیق مرتکب یکی از جرائم فوق شود، علاوه بر مجازات جرم اخیر، مجازات معلق نیز درباره وی اجرا می شود. (در تعویق صدور حکم قانون گذار چنین مطلبی را الزامی نکرده است)

**نکات:**

۱. از آنجایی که در قرار تعلیق اجرای مجازات حکم قطعی صادر شده و صرفاً اجرای آن معلق می‌گردد، چنانچه محکوم، مرتکب جرم جدید مندرج در ماده ۵۴ ق.م.ا.مصوب ۹۲ شود، مشمول قواعد تکرار جرم خواهد بود نه تعدد جرم اینک «طبق ماده ۱۳۷ اگر شخصی بعد از گذشت مدت لازم برای مرور زمان مرتکب جرم درجه ۵ شد، دیگر مشمول تکرار نمی‌شود»، و نص ماده ۱۳۷ نشان می‌دهد که ملاک در قواعد تکرار، «محکومیت قطعی» است نه وجود آثار تبعی، چون اگر این طور بود در همین فرض طبق ماده ۲۵ آثار تبعی بعد از مرور زمان خود به خود اعمال می‌شود لذا باید جرم بعد از شمول مرور زمان هم مشمول قاعده تکرار می‌بود.
۲. اگر مجرم در مدت زمانی که در حال تحمل مجازات غیرمعلق است، مرتکب جرائم مذکور در ماده ۵۴ ق.م.ا. شود، تعلیق مجازات لغو می‌شود (رک: نکته یک ماده ۵۳)
۳. اگر مجرم در زمان تعلیق جرمی انجام دهد اما حکم آن جرم، بعد از مدت تعلیق قطعی شود، این محکومیت موجب لغو قرار تعلیق است.

**ماده ۵۵- لغو قرار تعلیق به علت سابقه کیفری مؤثر یا سابقه استفاده از تعلیق**

هر گاه پس از صدور قرار تعلیق، دادگاه احراز نماید که محکوم دارای سابقه محکومیت کیفری مؤثر (نه صرف ارتکاب جرم) یا محکومیت‌های قطعی دیگری بوده است که در میان آن‌ها محکومیت تعلیقی وجود داشته و بدون توجه به آن اجرای مجازات معلق شده است، قرار تعلیق را لغو می‌کند.

دادستان یا قاضی اجرای احکام (تعقیب کننده پرونده‌ای که در مورد آن قرار تعلیق صادر شده است) نیز موظف است در صورت اطلاع از موارد فوق، لغو تعلیق مجازات را از دادگاه درخواست نماید.

حکم این ماده در مورد تعویق صدور حکم نیز جاری است.

**نکات:**

۱. موارد لغو قرار تعلیق اجرای مجازات
    - عدم انجام دستورات ماده ۵۰
    - ارتکاب یکی از جرائم مذکور در ماده ۵۴
    - بعد از تعلیق مشخص شود محکوم دارای سابقه کیفری مؤثر بود ۵۵
    - بعد از تعلیق معلوم شود قبلاً محکومیت کیفری تعلیق شده داشته است ۵۵
  ۲. اگر در مرحله تجدید نظر کشف شود که محکوم علیه در پرونده دیگری محکومیتی حاصل کرده که مانع تعلیق مجازات است اما زمانی که دادگاه بدوی به آن رسیدگی می‌کرده متهم محکومیت قطعی نداشته، با توجه به ماده ۴۵۸ آذک که اجازه تشدید مجازات را به دادگاه تجدیدنظر نداد و مقرر کرده است «دادگاه تجدید نظر استان نمی‌تواند مجازات تعزیری یا اقدامات تأمینی و تربیتی مقرر در حکم تجدید نظر خواسته را تشدید کند، مگر در مواردی که مجازات مقرر در حکم نخستین برخلاف جهات قانونی، کمتر از حداقل میزانی باشد که قانون مقرر داشته و این امر مورد تجدیدنظرخواهی شاکی و یا دادستان قرار گرفته باشد. در این موارد، دادگاه تجدید نظر استان با تصحیح حکم، نسبت به تعیین حداقل مجازاتی که قانون مقرر داشته است، اقدام می‌کند.» بهتر است دادستان در اجرای ماده ۵۵ قانون مجازات، لغو تعلیق مجازات را از دادگاه درخواست کند.
- گرچه می‌توان ادعا کرد این رأی دادگاه بدوی اگرچه موقع صدور موافق قانون بود، اما در حال حاضر خلاف قانون است لذا دادگاه تجدید نظر مکلف است رأی را نقض و رأی صحیح صادر نماید.

- نظام نیمه آزادی
  - نظام آزادی مشروط
  - نظارت الکترونیکی
  - مجازات‌های جایگزین حبس
- نظام‌های قانون مجازات اسلامی برای حبس زُدایی
- فصل هفتم - نظام نیمه آزادی**

#### ماده ۵۶- تعریف نظام نیمه آزادی

نظام نیمه آزادی، شیوه‌ای است که بر اساس آن محکوم می‌تواند در زمان اجرای حکم حبس، فعالیت‌های حرفه‌ای، آموزشی، حرفه‌آموزی، درمانی و **نظایر این‌ها** را در خارج از زندان انجام دهد. اجرای این فعالیت‌ها زیر نظر مراکز نیمه‌آزادی است که در سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی تأسیس می‌شود.

#### ماده ۵۷- شرایط نظام نیمه آزادی

در حبس‌های تعزیری درجه پنج تا هفت دادگاه صادرکننده حکم قطعی (اعم از دادگاه بدوی و تجدیدنظر و همچنین دادگاه عمومی انقلاب و مانند آن) می‌تواند **مشروط به گذشت شاکی (در جرائم غیرقابل گذشت) و سپردن تأمین مناسب (ماده ۲۱۷ ق.آ.د.ک) و تعهد به انجام یک فعالیت شغلی، حرفه‌ای، آموزشی، حرفه‌آموزی، مشارکت در تداوم زندگی خانوادگی یا درمان اعتیاد یا بیماری که در فرآیند اصلاح یا جبران خسارت وارد بر بزه‌دیده مؤثر است، محکوم را با رضایت خود او، تحت نظام نیمه‌آزادی قرار دهد.**

همچنین محکوم می‌تواند در طول دوره تحمل مجازات در صورت دارا بودن شرایط قانونی، صدور حکم نیمه آزادی را تقاضا نماید و دادگاه موظف به رسیدگی است.

#### نکات:

۱. منظور از حبس تعزیری درجه ۵ تا ۷، مجازات قضایی است نه مجازات قانونی، به دیگر سخن، زمانی محکوم می‌تواند از نظام نیمه آزادی بهره‌مند شود که به حبس تعزیری درجه ۵ تا ۷ محکوم شده باشد، نه اینکه مجازات قانونی جرم ارتكابی وی، حبس تعزیری درجه ۵ تا ۷ باشد (مصطفی پور)
- منظور مجازات قانونی جرم ارتكابی است نه میزان مجازات قضایی که در دادنامه قید می‌شود زیرا قانون‌گذار در این ماده از عبارت محکوم به حبس استفاده نکرده است (مصدق)
۲. استفاده از نظام نیمه آزادی فقط توسط دادگاه صادرکننده حکم قطعی مجاز است لذا دادگاه ابتدا و ضمن صدور حکم نمی‌تواند محکوم را از این نظام بهره‌مند سازد بلکه پس از قطعی شدن رأی زمینه استفاده از این نظام فراهم می‌شود. در مواردی که رأی در مرحله بدوی قطعی است یا در اجرای ماده ۴۴۲ آدک یعنی با اسقاط حق تجدیدنظرخواهی، قطعی می‌شود، دادگاه بدوی می‌تواند محکوم را تحت نظام نیمه آزادی قرار دهد. (به نظرم با اسقاط حق تجدیدنظرخواهی رأی تا قبل از اتمام مهلت ۲۰ روزه قطعی نمی‌شود چون دادستان حق اعتراض به رأی را دارد لذا امکان استفاده از نظام نیمه آزادی وجود ندارد و بعد از گذشت مهلت مذکور حق تجدیدنظرخواهی باقی نمی‌ماند که بخواهد اسقاط کند بنابراین بخشی انتهایی نکته که در مورد ماده ۴۴۲ آدک است صحیح به نظر نمی‌رسد)
۳. احراز شرایط قانونی مقرر در ماده و در نتیجه پیشنهاد بهره‌مندی محکوم‌علیه از نظام نیمه آزادی به دادگاه، با قاضی اجرای احکام کیفری یا دادستان خواهد بود.

## فصل هشتم - نظام آزادی مشروط

### ماده ۵۸ - نظام آزادی مشروط و شرایط آن

در مورد محکومیت به **حبس** (شامل تمام حبس‌های تعزیری از هر درجه‌ای و خواه جرم عمدی باشد یا غیرعمدی است) **تعزیری** (شامل حبس‌های حدی و مجازات‌های حدی هم‌جنس آن یعنی نفی بلد و تبعید و حبس‌های تعزیری بدل از حبس‌های حدی، حبس محکومانی که به دلیل رعایت نکردن مُفاد حکم مجازات تکمیلی، محکومیت آن‌ها به حبس تبدیل یافته است و حبس بدل از جزای نقدی نمی‌شود)، **دادگاه صادرکننده حکم** (دادگاه صادرکننده حکم قطعی / ر.و ۷۳۱ مورخ ۱۳۹۲/۸/۲۸) می‌تواند در مورد محکومان به **حبس بیش از ده سال پس از تحمل نصف** و در سایر موارد پس از تحمل **یک‌سوم** مدت مجازات به پیشنهاد دادستان یا قاضی اجرای احکام با رعایت شرایط زیر حکم به آزادی مشروط را صادر کند:

الف- محکوم در مدت اجرای مجازات همواره از خود حسن اخلاق و رفتار نشان دهد.

ب- حالات و رفتار محکوم نشان دهد که پس از آزادی، دیگر مرتکب جرمی نمی‌شود.

پ- به تشخیص دادگاه محکوم تا آنجا که استطاعت دارد ضرر و زیان مورد حکم یا مورد موافقت مدعی خصوصی را بپردازد یا قراری برای پرداخت آن ترتیب دهد.

ت- محکوم پیش از آن از آزادی مشروط استفاده نکرده باشد.

انقضای مواعد فوق و همچنین مراتب مذکور در بندهای (الف) و (ب) این ماده پس از گزارش رئیس زندان محل به تأیید قاضی اجرای احکام می‌رسد.

قاضی اجرای احکام موظف است مواعد مقرر و وضعیت زندانی را درباره تحقق شرایط مذکور بررسی و در صورت احراز آن، پیشنهاد آزادی مشروط را به دادگاه تقدیم نماید.  
مواد مرتبط: ۹۰، ماده ۵۵۵ آدک

### نکات:

۱. ماده ۹۰: نگهداری در کانون اصلاح و تربیت - حتی اگر مدت آن تقلیل یافته - می‌تواند مشمول آزادی مشروط باشد
۲. داشتن سابقه کیفری مؤثر، مانع اعطای آزادی مشروط نیست چون به عنوان شرط استفاده از آزادی مشروط ذکر نشده است و تنها محدودیت بندت ماده ۵۸ است.
۳. اعطای آزادی مشروط به محکومان حبس ابد ممکن نیست چون قانون مربوط به اعطای آزادی مشروط مصوب ۱۳۳۷ که مقرر کرده بود: «بعد از گذشت ۱۲ سال حبس، امکان اعطای آزادی مشروط به محکوم به حبس ابد وجود دارد»، منسوخ شده و در این قانون هم حبس ابد زمان ندارد و تا زمانی که حبس مقید به زمان نباشد تحمل نصف آن معنی پیدا نمی‌کند. (مصدق)
۴. باتوجه به قاعده التعزیر دون الحد اساساً حبس ابد تعزیری وجود ندارد اما به فرض وجود نیز، به جهت عدم نسخ تبصره یک ماده واحده قانون راجع به آزادی مشروط زندانیان مصوب ۱۳۳۷ شاید بتوان قائل به آن شد که «محکومین به حبس دائم پس از گذراندن دوازده سال حبس، ممکن است از آزادی مشروط استفاده نمایند» (مصطفی پور)
۴. بر خلاف موضوع تعلیق که برای محکوم‌علیه حق درخواست تعلیق وجود داشت، در خصوص آزادی مشروط چنین حقی وجود ندارد. البته به نظر می‌رسد این حق برای محکوم‌علیه محفوظ باشد که بتواند از طریق قاضی اجرای احکام درخواست آزادی مشروط کند.

۵. اگر دادگاه بدون توجه به این موضوع که محکوم قبلاً از نظام آزادی مشروط استفاده کرده است و سپس چنین چیزی معلوم شود با توجه به ملاک ماده ۵۵ عمل می‌شود. یعنی آزادی مشروط وی لغو می‌شود.
۶. اگر حکم از سوی دادگاه بدوی صادر شده باشد چه دادگاه تجدید نظر عیناً تأیید کند چه نقض و مجدداً رسیدگی و حکم صادر کند، دادگاه صادر کننده حکم قطعی دادگاه تجدید نظر و مرجع صالح برای اعطای آزادی مشروط است.
۷. حکم به آزادی مشروط قطعی است
۸. رد تقاضای آزادی مشروط مانع از درخواست مجدد نیست
۹. ممنوعیت تخفیف مجازات در موارد قانونی، در صورت دارا بودن سایر شرایط مانع استفاده از آزادی مشروط نیست.
۱۰. محکومیت به جزای نقدی مانعی برای استفاده از آزادی مشروط نیست این ماده بر خلاف قانون قدیم در مورد نحوه پرداخت جزای نقدی برای صدور آزادی مشروط ساکت است. به نظر می‌رسد قانون‌گذار این شرط را حذف کرده تا مانعی برای استفاده از آزادی مشروط نباشد اما اگر مرتکب جزای نقدی را نپردازد در اجرای قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی بازداشت می‌شود و این بازداشت ارتباطی به آزادی مشروط ندارد.
۱۱. اگر مجازات محکوم در اثر عفو رهبری تقلیل یابد باز هم ملاک آزادی مشروط گذشتن همان نصف یا یک‌سوم مجازات در دادنامه است چون عبارت «پس از تحمل نصف و در سایر موارد پس از تحمل یک‌سوم» ظهور در مجازات مندرج در دادنامه دارد. اما اگر مجازات در اثر تخفیف مثلاً در اجرای ماده ۴۸۳ آذک (کسب رضایت شاکی) تقلیل یابد چون مجازات مذکور در دادنامه دوم تغییر می‌کند، پس از گذشت نصف یا یک‌سوم مجازات یافته مذکور در دادنامه دوم محکوم می‌تواند از آزادی مشروط استفاده کند
۱۲. در مورد جرم درجه ۸ باوجود الزام به جایگزین حبس اگر محکوم‌علیه به مجازات جایگزین حبس تمکین نکند مطابق ماده ۷۰ ق.م.ا. اسلامی، مجازات حبس وی به اجرا در می‌آید و البته زمینه استفاده از آزادی مشروط فراهم می‌شود (مصدق)
۱۳. مستنداً به ماده ۱۰ ق.م.ا. اعمال آزادی مشروط نسبت کسانی که طبق قانون سابق به حبس محکوم شده‌اند، برابر ماده ۵۸ این قانون خواهد بود نه ماده ۳۸ قانون سابق چون قانون جدید مساعدتر است.
۱۴. در تعدد جرم، با توجه به اینکه فقط مجازات اشد اجرا می‌شود، گذشت مدت نصف یا یک‌سوم مجازاتی که در حال اجراست برای برخورداری از آزادی مشروط کافی است. البته در جرائم درجه ۷ و ۸ مجازات‌ها جمع می‌شود و مجموع محکومیت‌ها، ملاک محاسبه است.

### ماده ۵۹- مدت آزادی مشروط

مدت آزادی مشروط شامل بقیه مدت مجازات می‌شود، لکن دادگاه (طبق رأی وحدت رویه شماره ۷۳۱، تاریخ ۲۸ / ۸ / ۱۳۹۲، منظور دادگاه صادرکننده حکم قطعی اعم از بدوی و تجدیدنظر، است) می‌تواند مدت آن را تغییر دهد و درهرحال آزادی مشروط نمی‌تواند کمتر از یک سال و بیشتر از پنج سال باشد جز در مواردی که مدت باقیمانده کمتر از یک سال باشد که در این صورت مدت آزادی مشروط معادل بقیه مدت حبس است.

### نکات:

۱. رضایت بزه دیده شرط صدور آزادی مشروط نیست.
۲. دادگاه می‌تواند در مورد شخص محکوم به ۶ سال حبس، پس از تحمل یک‌سوم محکومیت یعنی ۲ سال، ۴ سال باقیمانده را به ۱ تا ۵ سال آزادی مشروط کاهش یا افزایش دهد.
۳. اگر کسی به ۲۰ سال حبس محکوم شد و پس از گذراندن نصف مدت حبس، اگرچه باقی‌مانده محکومیت ۱۰ سال می‌باشد اما مدت آزادی مشروط محکوم، حداکثر ۵ سال خواهد بود



**ماده ۶۰-دستورها در مدت آزادی مشروط،**

دادگاه می‌تواند با توجه به اوضاع و احوال وقوع جرم و خصوصیات روانی و شخصیت محکوم، او را در مدت آزادی مشروط، به اجرای دستورهای مندرج در قرار تعویق صدور حکم (ماده ۴۳)، ملزم کند.

دادگاه، دستورهای مذکور و آثار عدم تبعیت از آنها و نیز آثار ارتکاب جرم جدید را در حکم خود قید و به محکوم تفهیم می‌کند.

**ماده ۶۱- ضمانت اجرای دستورها در مدت آزادی مشروط،**

هرگاه محکوم در مدت آزادی مشروط بدون عذر موجه از دستورهای دادگاه تبعیت نکند برای بار اول یک تا دو سال به مدت آزادی مشروط وی افزوده می‌شود.

در صورت تکرار یا ارتکاب یکی از جرائم عمدی موجب حد، قصاص، دیه یا تعزیر تا درجه هفت، علاوه بر مجازات جرم جدید، مدت باقیمانده محکومیت نیز به اجرا درمی‌آید، در غیر این صورت آزادی او قطعی می‌شود.

**نکات:**

۱. قطعی شدن آزادی در صورت تبعیت از دستورات به معنای محو آثار کیفری نمی‌باشد، چراکه مطابق با تبصره ۳ ماده ۲۵ ق.م.ا. مصوب ۹۲، نه تنها محکوم در مدت آزادی مشروط از حقوق اجتماعی محروم خواهد بود، بلکه اثر تبعی محکومیت (محرومیت از حقوق اجتماعی موضوع ماده ۲۶ ق.م.ا.) از زمان اتمام آزادی مشروط آغاز می‌گردد.
۲. ارتکاب جرائم غیرعمدی تعزیری از هر درجه‌ای و یا ارتکاب جرم عمدی درجه ۸ موجب لغو حکم آزادی مشروط نیست.
۳. شرط نقض حکم آزادی مشروط به علت ارتکاب جرم، قطعی شدن حکم محکومیت فرد به ارتکاب جرم جدید است نه صرف اتهام یا صدور کیفرخواست.
۴. الغای آزادی مشروط قطعی و غیرقابل تجدید نظر است
۵. ارتکاب جرم عمدی درجه ۸ موجب لغو امتیاز آزادی مشروط نیست
۶. ارتکاب جرم غیرعمدی مطلقاً موجب لغو امتیاز آزادی مشروط نیست.
۷. مقصود از مدت باقیمانده محکومیت، یعنی مدت باقیمانده محکومیت اصلی منتهای مدتی که در آزادی مشروط بوده است. بنابراین اگر شخصی به ۹ سال حبس محکوم شد و پس از ۳ سال آزادی مشروط گرفت و بعد از ۲ سال از آغاز آزادی مشروط مرتکب یکی از جرائم ماده ۶۱ یا تکرار در تخلف از دستورات شد، باقیمانده مدت محکومیت وی ۴ سال می‌باشد.

(۴-۲=۶)

مدت باقیمانده محکومیت = مدتی که در آزادی مشروط بوده - مدت باقیمانده محکومیت اصلی

**ماده ۶۲- نظارت الکترونیکی**

در جرائم تعزیری از درجه پنج تا درجه هشت (مجازات قانونی نه مجازات مندرج در دادنامه)، دادگاه می‌تواند در صورت وجود شرایط مقرر در تعویق مراقبتی (بندهای چهارگانه‌ی ماده ۴۰ و بند ب ماده ۴۱)، محکوم به حبس را با رضایت وی در محدوده مکانی مشخص (اعم از حریم خصوصی افراد مانند منزل شخصی و یا محدوده مکانی غیر از حریم خصوصی اشخاص) تحت نظارت سامانه (سیستم) های الکترونیکی قرار دهد.

تبصره- دادگاه در صورت لزوم می‌تواند محکوم را تابع تدابیر نظارتی (۴۲) یا دستورهای ذکر شده در تعویق مراقبتی (۴۳) قرار دهد.

مواد مرتبط: ماده ۵۵۵ آذک

**نکات:**

۱. تعریف نظارت الکترونیکی: تحت مراقبت قرار دادن محکوم در محدوده مکانی مشخص با استفاده از فرستنده‌های الکترونیکی همچون دستبند و پابند است که فرد با استفاده از علائم ارسالی این فرستنده‌ها و به کمک سامانه دریافت مرکزی، ردیابی شده و تحت کنترل قرار می‌گیرد
۲. نظارت الکترونیکی صرفاً مختص محکومیت به حبس است
۳. برخلاف نظام آزادی مشروط قانون‌گذار، نه در خصوص نظام نیمه آزادی و نه در مورد نظارت الکترونیکی هیچ‌گونه ضمانت اجرایی پیش‌بینی نکرده و آثار حاکم بر آن‌ها را برنشمرده است (مصطفی پور) به نظر می‌رسد در صورت تخلف محکوم‌علیه از دستورهای دادگاه، می‌توان دستور اجرای محکومیت حبس را در حق وی صادر کرد (مصدق)
۴. اجرای این ماده در مورد جرم درجه ۸ باوجود الزام به جایگزین حبس طبق ماده ۶۵ عملاً ممکن نیست

**ماده ۶۳-**

آیین‌نامه اجرایی مواد مربوط به نظام نیمه‌آزادی و آزادی مشروط ظرف شش ماه از تاریخ لازم‌الاجرا شدن این قانون به‌وسیله سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور تهیه می‌شود و به تصویب رئیس قوه قضاییه می‌رسد.

- فصل نهم - مجازات‌های جایگزین حبس**
- نظام نیمه آزادی
  - نظام آزادی مشروط
  - نظارت الکترونیکی
  - مجازات‌های جایگزین حبس
- } نظام‌های قانون مجازات اسلامی برای حبس زُدایی

**قلمرو مجازات‌های جایگزین حبس**

الزام قاضی	اختیار قاضی
۱- مرتکبان جرائم <b>عمدی</b> که حداکثر مجازات قانونی آن‌ها سه ماه حبس (درجه ۸) است (۶۵) ۲- مرتکب جرم عمدی که حداکثر مجازات قانونی آن ۹۱ روز تا ۶ ماه حبس (درجه ۷) است و سابقه ذکر شده در ماده ۶۶ را ندارد و یا مدت ۵ سال از آن گذشته است. (۶۶) ۳- اگر مجازات قانونی جرم <b>غیرعمدی</b> حداکثر ۲ سال باشد (۶۸) ۴- جرائم بدون مجازات (۶۹)	۱- مرتکب جرم <b>عمدی</b> که حداکثر مجازات قانونی آن بیش از ۶ ماه تا ۱ سال حبس است در صورت نداشتن سابقه کیفری ماده ۶۶ و یا گذشت مدت ۵ سال از آن سابقه محکومیت. ۲- اگر مجازات قانونی جرم <b>غیرعمدی</b> بیش از ۲ سال (درجه ۵ به بالا) باشد (۶۸)

<b>ممنوع بودن قاضی</b>	<p>۱- جرائم علیه امنیت داخلی یا خارجی: ماده ۷۱ ق.م.ا.</p> <p>۲- تعدد جرائم عمدی با مجازات قانونی بیش از شش ماه حبس برای حداقل یکی از آنها: ماده ۷۲ ق.م.ا.</p> <p>۳- جرم عمدی با مجازات قانونی بیش از یک سال حبس، در صورت تخفیف مجازات به کمتر از یک سال: ماده ۷۳ ق.م.ا.</p> <p>۴- مرتکب جرم عمدی ای که حداکثر مجازات قانونی آن ۹۱ روز تا ۶ ماه حبس است و دارای سابقه ذکر شده در ماده ۶۶ بوده و مدت ۵ سال از آن نگذشته است.</p> <p>۵- مرتکب جرم عمدی که حداکثر مجازات قانونی آن بیش از ۶ ماه تا ۱ سال حبس است در صورت داشتن سابقه کیفری ماده ۶۶ و نگذشتن مدت ۵ سال از آن سابقه محکومیت</p>
------------------------	---

### ماده ۶۴-

مجازات‌های جایگزین عبارت از دوره مراقبت (ماده ۸۳)، خدمات عمومی رایگان (۸۴)، جزای نقدی (۸۶)، جزای نقدی روزانه (۸۵) و محرومیت از حقوق اجتماعی (۲۶) است که در صورت گذشت شاکی و وجود جهات تخفیف (گذشت و جهات تخفیف لازم نیست: ر.و ۷۴۶ مورخ ۱۳۹۴/۱۰/۲۹) با ملاحظه نوع جرم و کیفیت ارتکاب آن، آثار ناشی از جرم، سن، مهارت، وضعیت، شخصیت و سابقه مجرم، وضعیت بزه‌دیده و سایر اوضاع و احوال، تعیین و اجرا می‌شود.

تبصره- دادگاه در ضمن حکم، به سنجیت و تناسب مجازات مورد حکم با شرایط و کیفیات مقرر در این ماده تصریح می‌کند.

دادگاه نمی‌تواند به بیش از دو نوع از مجازات‌های جایگزین حکم دهد.

### نکات:

۱. منظور از محرومیت از حقوق اجتماعی مشخص نیست. برفرض که بپذیریم منظور موارد مذکور در ماده ۲۶ باشد، باز هم لازم بود مدت محرومیت از این حقوق به عنوان جایگزین حبس (نه به عنوان مجازات تبعی) در این ماده مشخص شود.
۲. مجازات‌های جایگزین حبس نوعی مجازات تعزیری‌اند که جز در موارد استثنایی، در سایر موارد تابع احکام عمومی مجازات‌ها هستند، مثلاً به تبع مجازات اصلی، مشمول قواعدی مثل مرور زمان اجرای حکم یا عفو نیز قرار می‌گیرند.
۳. واژه جایگزین در مقابل جانشین، اشاره به موقتی بودن مجازات جایگزین شده و برگشت‌پذیر بودن مجازات اصلی دارد.
۴. مجازات جایگزین صرفاً بر اشخاص حقیقی قابل اعمال‌اند، هرچند ذاتاً امکان اجرای برخی از آنها بر اشخاص حقوقی نیز وجود داشته باشد.
۵. طبق رأی وحدت رویه شماره ۷۴۶ - ۱۳۹۴/ ۱۰ / ۲۹: از مجموع مقررات مربوط به مجازات‌های جایگزین حبس موضوع فصل نهم قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ به‌ویژه اطلاق مواد ۶۵، ۶۶، ۶۸ و ۶۹ قانون مذکور چنین مستفاد می‌گردد که تعیین و اعمال مجازات جایگزین حبس به شرح مندرج در مواد فوق‌الاشاره الزامی بوده و مقید به رعایت شرایط مقرر در ماده ۶۴ قانون مجازات اسلامی از قبیل گذشت شاکی یا وجود جهات تخفیف نمی‌باشد.
۶. قضات دادگاه، در تعیین نوع مجازات جایگزین حبس هم از لحاظ کیفی و هم از لحاظ کمی دارای محدودیت هستند. مثلاً گاه وضع خاص مجرم از قبیل کهولت یا بیمار بودن مانع تحمل مجازات جایگزینی مثل خدمات عمومی می‌باشد.

۷. منظور از محرومیت از حقوق اجتماعی ماده ۲۶ است اما این اشکال مطرح است که: ماده ۲۶ ق.م.ا صرفاً به بیان مصادیق حقوق اجتماعی پرداخته است اما اینکه به چه مدت و چه شکل از این حقوق محروم می‌شود مشخص نیست
۸. محرومیت از حقوق اجتماعی به‌عنوان مجازات تبعی طبق ماده ۲۵ صرفاً ناظر به حبس‌های تا درجه پنج در جرائم عمدی (حبس‌های بیش از دو سال) است، پس اصولاً حبس‌های تا دو سال فاقد مجازات تبعی بوده و محکوم به‌عنوان مجازات تبعی از حقوق اجتماعی محروم نخواهد شد، اما با توجه به فصل مجازات‌های جایگزین حبس این احتمال وجود دارد که مرتکبان چنین جرائمی، نه به‌عنوان مجازات تبعی بلکه در قالب مجازات‌های جایگزین حبس از حقوق اجتماعی مندرج در ماده ۲۶ محروم شوند.
۹. مجازات‌های جایگزین حبس، فقط جایگزین حبس می‌شوند نه مجازات دیگر مثلاً جایگزین جزای نقدی نمی‌شوند

### ماده ۶۵- جایگزین حبس الزامی درجه ۸

مرتکبان جرائم عمدی (و غیرعمدی) که حداکثر مجازات قانونی (نه تخفیف یافته) آن‌ها (تا) سه ماه حبس است به‌جای حبس به مجازات جایگزین حبس محکوم می‌گردند.

#### نکات:

- در مورد جرم درجه ۸ باوجود الزام به جایگزین حبس اگر محکوم‌علیه به مجازات جایگزین حبس تمکین نکند مطابق ماده ۷۰ ق.م.ا اسلامی، مجازات حبس وی به اجرا در می‌آید و البته زمینه استفاده از آزادی مشروط فراهم می‌شود.
- اگر حبس درجه ۵ سه درجه تخفیف گرفت و به حبس درجه ۸ تقلیل یافت، تبدیل آن به جایگزین حبس جایز نیست زیرا ماده ۶۵ ناظر به مجازات قانونی جرم است نه تخفیف یافته. (مصدق)
- تا حدی که موضوع با مواد ۶۵ و ۶۴ تطبیق داشته باشد، ماده ۳ قانون نحوه وصل منسوخ است اما در مواردی که این دو قانون با هم تعارض ندارند، قانون وصول هم به قوت خود باقی است.

### ماده ۶۶- جایگزین حبس الزامی درجه ۷

مرتکبان جرائم عمدی که حداکثر مجازات قانونی آن‌ها نودویک روز تا شش ماه حبس است به‌جای حبس به مجازات جایگزین حبس (مذکور در بند ب مواد ۸۳ تا ۸۶ و محرومیت‌های اجتماعی ماده ۲۶) محکوم می‌گردند مگر اینکه به دلیل ارتکاب جرم عمدی دارای سابقه محکومیت کیفری به شرح زیر باشند و از اجرای آن پنج سال نگذشته باشد:

الف- بیش از یک فقره سابقه محکومیت قطعی به حبس تا شش ماه یا جزای نقدی بیش از ده میلیون (۱۰۰۰ / ۰۰۰) ریال یا شلاق تعزیری

ب- یک فقره سابقه محکومیت قطعی به حبس بیش از شش ماه یا حد یا قصاص یا پرداخت بیش از یک‌پنجم دیه

#### نکات:

- ملاک بند الف و ب مجازات و محکومیت قضایی است نه قانونی
- اگر از اجرای محکومیت قطعی، بیش از ۵ سال گذشته باشد، امکان صدور حکم جایگزین حبس وجود دارد.
- باتوجه به عبارت یک فقره سابقه محکومیت قطعی در این ماده به نظر می‌رسد محکومیت به بیش از یک‌پنجم باید در یک دادنامه باشد لذا اگر محکوم دارای دو فقره سابقه محکومیت به پرداخت دیه باشد که هر یک از آن‌ها کمتر از یک‌پنجم دیه کامل ولی مجموع آن‌ها بیش از یک‌پنجم باشد، می‌تواند از جایگزین حبس استفاده کند.

**ماده ۶۷- جایگزین حبس اختیاری**

دادگاه می‌تواند مرتکبان جرائم عمدی را که حداکثر مجازات قانونی آنها بیش از شش ماه تا یکسال حبس است به مجازات جایگزین حبس (مذکور در بند پ مواد ۸۳ تا ۸۶ و محرومیت‌های اجتماعی ماده ۲۶) محکوم کند، در صورت وجود شرایط ماده (۶۶) این قانون اعمال مجازات‌های جایگزین حبس ممنوع است.

**ماده ۶۸- جایگزین حبس الزامی در جرائم غیر عمدی درجه ۶ تا ۸ و اختیاری در جرائم غیر عمدی درجات ۵ به بالا**

مرتکبان جرائم غیر عمدی به مجازات جایگزین حبس محکوم می‌گردند مگر اینکه مجازات قانونی جرم ارتكابی بیش از دو سال حبس باشد (درجه ۵ و بالاتر) که در این صورت حکم به مجازات جایگزین حبس، اختیاری است. مواد مرتبط: ۷۱

**نکات:**

۱. کلیه مجازات‌های جرائم غیر عمدی درجه ۶ تا ۸ در صورت وجود جهات تخفیف و گذشت شاکی و وجود شرایط باید به جایگزین حبس تبدیل شود.
۲. منظور از مجازات جایگزین حبس در مورد:
  - تعزیری درجه ۸: بند الف از مواد ۸۳ تا ۸۶ و محرومیت‌های اجتماعی ماده ۲۶
  - تعزیری درجه ۷: بند ب از مواد ۸۳ تا ۸۶ و محرومیت‌های اجتماعی ماده ۲۶
  - تعزیری درجه ۶: بند پ از مواد ۸۳ تا ۸۶ و محرومیت‌های اجتماعی ماده ۲۶
  - تعزیری درجه ۵ و بالاتر: بندت از مواد ۸۳ تا ۸۶ و محرومیت‌های اجتماعی ماده ۲۶

**ماده ۶۹- جایگزین حبس الزامی در مواردی مجازات برای جرم مشخص نشده است.**

مرتکبان جرائمی که نوع یا میزان تعزیر آنها در قوانین موضوعه تعیین نشده است (مثل ماده ۲۸ و ۲۹ قانون مطبوعات) به مجازات جایگزین حبس محکوم می‌گردند. مواد مرتبط: ۸۳ بند ب

**نکات:**

با توجه به ماده ۱۸ تنها اعمالی مشمول تعزیر می‌شوند که در قانون برای آنها مجازات تعیین شده باشد لذا موجبی برای اعمال این ماده وجود ندارد و در این قانون هیچ موردی به شکل قانون سابق که به ذکر عبارت «مرتکب تعزیر می‌شود» اکتفا شده بود، وجود ندارد. (مصدق)  
استاد بارانی: ماده ۶۹ در کنار بند ب ماده ۸۳ معنا پیدا می‌کند و الزما جایگزین حبس داده می‌شود.

**ماده ۷۰- الزام دادگاه به تعیین مدت مجازات حبس**

دادگاه ضمن تعیین مجازات جایگزین، مدت مجازات حبس را نیز تعیین می‌کند تا در صورت تعذر اجرای مجازات جایگزین، تخلف از دستورها (ماده ۴۳) یا عجز از پرداخت جزای نقدی، مجازات حبس اجرا شود.

**نکات:**

۱. اگر به علت تعذر از مجازات جایگزین یا تخلف از دستورها یا عجز از پرداخت جزای نقدی مجازات حبس اجرا شود پس از تحمل یکسوم حبس بر اساس ذیل ماده ۴۶ می‌توان بقیه مجازات را تعلیق کرد.

**ماده ۷۱- ممنوع بودن جایگزین حبس جرم علیه امنیت**

اعمال مجازات‌های جایگزین حبس در مورد جرائم (عمدی و غیرعمدی (مصدق)) علیه امنیت داخلی یا خارجی کشور ممنوع است.  
مواد مرتبط: ۶۸

**نکات:**

۱. اگرچه جرائم علیه امنیت در مواد ۴۹۸ تا ۵۱۲ ذکر شده‌اند اما تنها دو جرم موضوع مواد ۵۰۰ و ۵۰۶- مصوب ۷۵ از جرائم علیه امنیت داخلی و خارجی می‌باشند که می‌توانستند مشمول مجازات جایگزین حبس گردند که با توجه به ماده ۷۱ ق.م.ا. مصوب ۹۲ این جایگزینی در مورد آن‌ها منتفی است
۲. ماده ۷۱ در مورد جرم غیرعمدی علیه امنیت داخلی یا خارجی، ماده ۶۸ را تخصیص زده است.

**ماده ۷۲- ممنوع بودن جایگزین حبس به علت تعدد**

**تعدد (مادی نه معنوی) جرائم عمدی که مجازات قانونی حداقل یکی از آن‌ها بیش از شش ماه حبس (درجه ۶) باشد مانع از صدور حکم به مجازات جایگزین حبس است.**

**نکات:**

۱. اگر شخصی مرتکب چندین جرم شود که حداکثر هیچ‌یک از آن‌ها، بیش از ۶ ماه حبس نباشد، مانند جرائم موضوع مواد ۶۷۹، ۶۸۵ و ۷۰۰ ق.م.ا. مصوب ۷۵ در صورت وجود تمامی شرایط قانونی باید برای وی حکم به مجازات جایگزین حبس داده شود.

**ماده ۷۳- ممنوع بودن جایگزین حبس در جرائم عمدی با مجازات قانونی بیش از یک سال حبس**

در جرائم عمدی که مجازات قانونی آن‌ها بیش از یک سال حبس است (حتی) در صورت تخفیف مجازات به کمتر از یک سال، دادگاه نمی‌تواند به مجازات جایگزین حبس حکم نماید. (مثلاً: شخصی مرتکب جرم سوءاستفاده از سفید مهر یا سفید امضاء (موضوع ماده ۶۷۳ ق.م.ا. - ۷۵) که مجازات قانونی آن ۱ تا ۳ سال است شود چنانچه به جهت وجود یکی از جهات تخفیف قاضی آن را به کمتر از ۱ سال تخفیف دهد، در این حالت دیگر نمی‌توان مجازات حبس ۱ ساله را به مجازات جایگزین حبس تبدیل نمود)

**ماده ۷۴- عطف بما سبق نشدن قانون ارفاقی جایگزین‌های حبس**

مقررات این فصل در مورد احکام قطعی که پیش از لازم‌الاجرا شدن این قانون صادر شده است اجرا نمی‌شود.  
(بر خلاف اصل عطف به ما سبق شدن قوانین مساعد به حال متهم)  
مواد مرتبط: ۱۰، ۱۱ ق.م.ا.

**ماده ۷۵- مانع نبودن همراهی سایر مجازات‌ها با مجازات حبس**

همراه بودن سایر مجازات‌ها با مجازات حبس، مانع از صدور حکم به مجازات جایگزین حبس نیست.  
در این صورت دادگاه می‌تواند به مجازات‌های مذکور هم‌زمان با مجازات جایگزین حبس حکم دهد.

### ماده ۷۶- ملاک تعیین صلاحیت دادگاه و تجدیدنظرخواهی از حکم محکومیت به مجازات جایگزین حبس

ملاک تعیین صلاحیت دادگاه و تجدیدنظرخواهی از حکم محکومیت به مجازات جایگزین حبس، مجازات قانونی جرم ارتكابی است. (مفاد این ماده تاکیدی بر ماده ۴۲۷ آذک است که ملاک تجدیدنظرخواهی از حکم را مجازات قانونی برای هر جرم می‌داند نه مجازات قضایی)

مواد مرتبط: ماده ۴۲۷: آرای دادگاه‌های کیفری جز در موارد زیر که قطعی محسوب می‌شود، حسب مورد در دادگاه تجدید نظر استان همان حوزه قضائی قابل تجدید نظر و یا در دیوان عالی کشور قابل فرجام است:  
الف- جرائم تعزیری درجه هشت باشد.

ب- جرائم مستلزم پرداخت دیه یا آرش، در صورتی که میزان یا جمع آن‌ها کمتر از یک‌دهم دیه کامل باشد.

تبصره ۱- در مورد مجازات‌های جایگزین حبس، معیار قابلیت تجدید نظر، همان مجازات قانونی اولیه است.

تبصره ۲- آراء قابل تجدید نظر، اعم از محکومیت، برائت، یا قرارهای منع و موقوفی تعقیب، اناطه و تعویق صدور حکم است. قرار رد درخواست واخواهی یا تجدیدنظرخواهی، در صورتی مشمول این حکم است که رأی راجع به اصل دعوی، قابل تجدیدنظرخواهی باشد.

### ماده ۷۷- اختیار قاضی اجرای احکام در مورد جایگزین حبس

قاضی اجرای احکام می‌تواند با توجه به وضعیت محکوم و شرایط و آثار اجرای حکم، تشدید (منظور از تشدید، ماده ۸۱ است)، تخفیف (منظور از تخفیف، تقلیل مذکور در ماده ۸۰ است)، تبدیل یا توقف موقت (منظور تبصره ۴ ماده ۸۴ است) مجازات مورد حکم را به دادگاه صادرکننده رأی (قطعی) پیشنهاد کند.

قاضی مذکور به تعداد لازم مددکار اجتماعی و مأمور مراقبت در اختیار دارد.

مواد مرتبط: تبصره ۴ ماده ۸۴

### نکات:

۱. منظور از توقف موقت، مواردی از جمله بیماری محکوم علیه است که اجرای حکم را به جهت مداوا متوقف می‌کند.
۲. به نظر می‌رسد ماده ۷۷ صرفاً ناظر بر مجازات‌های جایگزین حبس است که با رعایت مواد ۸۰ الی ۸۲ اعمال خواهد شد و نسبت به سایر مجازات‌ها اطلاق ندارد (یعنی شامل آن‌ها نمی‌شود) زیرا عنوان فصل «مجازات‌های جایگزین حبس» است (مشورتی ۷/۹۲/۱۷۱۷ مورخ ۱۳۹۲/۹/۴). هرچند برخی قضات معتقدند ماده ۷۷ اطلاق دارد و صرفاً ناظر بر مجازات‌های جایگزین حبس نیست.
۳. کیفیت تبدیل و جهات توقف موقت مجازات روشن نیست و صرفاً ماده ۷۷ به صورت کلی به امکان تبدیل و توقف اشاره کرده است که این روش در عمل مشکلاتی به دنبال داشته است.

### ماده ۷۸-

محکوم در طول دوره محکومیت باید تغییراتی نظیر تغییر شغل و محل اقامت را که مانع یا مغل اجرای حکم باشد به قاضی اجرای احکام اطلاع دهد. (ماده ۸۰ و تبصره آن، ضمانت اجرای تخلف از مقررات این ماده نیست بلکه ممکن است حسب مورد مشمول ماده ۸۲ شود)

### ماده ۷۹- آیین نامه جایگزین حبس

تعیین انواع خدمات عمومی و دستگاه‌ها و مؤسسات دولتی و عمومی پذیرنده محکومان و نحوه همکاری آنان با قاضی اجرای احکام و محکوم، به موجب آیین نامه‌ای است که ظرف سه ماه از تاریخ لازم‌الاجرا شدن این قانون به وسیله وزارتخانه‌های کشور و دادگستری تهیه می‌شود و با تأیید رئیس قوه قضاییه به تصویب هیئت وزیران می‌رسد. مقررات این فصل پس از تصویب آیین نامه موضوع این ماده لازم‌الاجرا می‌شود.

مواد مرتبط:

آیین نامه اجرایی ماده ۷۹ قانون مجازات اسلامی

ماده ۱- در این آیین نامه، اصطلاحات زیر در معانی مشروح به کار می‌روند...

ب- خدمات عمومی رایگان: خدمت عام‌المنفعه‌ای که با رضایت محکوم برای مدت معین و به طور رایگان به موجب حکم دادگاه و وفق ماده (۸۴) قانون به شرح مندرج در این آیین نامه، در نهادهای پذیرنده انجام می‌گیرد.

ماده ۲- خدمات عمومی رایگان عبارت‌اند از:

الف- امور آموزشی شامل سوادآموزی، آموزش‌های علمی، فرهنگی، دینی، هنری، ورزشی، فنی و حرفه‌ای و آموزش سبک زندگی و مهارت‌های اساسی آن.

ب- امور بهداشتی و درمانی شامل اقدامات تشخیصی- درمانی، توانبخشی، مامایی، بهیاری و پرستاری، نگهداری سالمندان، معلولان و کودکان، مشاوره و روان‌درمانی، بهداشت محیط و درمان اعتیاد.

پ- امور فنی و حرفه‌ای شامل خدمت در کارگاه‌ها، کارخانه‌ها، صنایع وابسته به نهادهای پذیرنده و بخش‌های فنی آن‌ها.

ت- امور خدماتی شامل نگهداری و سرایداری نهادهای پذیرنده، نظافت اماکن عمومی، حفاظت و نگهداری از فضاهای سبز و بوستان‌های شهری و باغبانی در اماکن مزبور، تعمیر و تنظیف وسایل نقلیه عمومی و دولتی و اماکن ورزشی و پارکبانی.

ث- امور کارگری شامل کارگری در بخش‌های ساختمانی، راه‌سازی، معادن، شیلات، مراتع، سدسازی و دیگر طرح‌های عمرانی متعلق به نهادهای پذیرنده.

ج- امور کشاورزی، دامداری، جنگلداری و مرتعداری شامل درختکاری، باغبانی، برداشت محصول، مرغداری، پرورش آبزیان و انجام کار در نهادهای پذیرنده و مؤسسات کشت و صنعت وابسته به آن‌ها.

### ماده ۸۰- تخفیف مجازات جایگزین

چنانچه رعایت مفاد حکم دادگاه از سوی محکوم حاکی از اصلاح رفتار وی باشد دادگاه (صادر کننده رأی لازم‌الاجرا یعنی رأی قطعی) می‌تواند به پیشنهاد قاضی اجرای احکام (فقط) برای یکبار بقیه مدت مجازات را تا نصف آن تقلیل دهد.

#### نکات:

۱. ماده ۸۰ صرفاً ناظر بر مجازات‌های جایگزین حبس است و سایر موارد را شامل نمی‌شود

### ماده ۸۱- ضمانت اجرای مجازات‌های جایگزین حبس / تشدید مجازات جایگزین

چنانچه محکوم از اجرای مفاد حکم یا دستورهای دادگاه تخلف نماید، به پیشنهاد قاضی اجرای احکام و رأی دادگاه برای بار نخست یک‌چهارم تا یک‌دوم به مجازات مورد حکم افزوده می‌شود و در صورت تکرار، مجازات حبس اجرا می‌گردد.



تبصره- دادگاه در متن حکم آثار تبعیت و تخلف از مفاد حکم را به طور صریح قید و به محکوم تفهیم می‌کند. قاضی اجرای احکام نیز در ضمن اجرا با رعایت مفاد حکم دادگاه و مقررات مربوط، نحوه نظارت و مراقبت بر محکوم را مشخص می‌نماید.

#### نکات:

۱. ظاهراً برخلاف نهادهایی مثل تعویق صدور حکم، تعلیق اجرای مجازات و آزادی مشروط، ارتکاب جرم جدید در مدت مشخص شده ولو آنکه عمدی باشد، تأثیری در تشدید مجازات جایگزین محکوم نخواهد داشت. موضوعی که به نظر می‌رسد چندان قابل پذیرش نمی‌باشد (مصطفی پور)
۲. اگر محکوم علیه بعضی از مجازات‌های جایگزین را تحمل و نسبت به برخی تخلف کند، ماده ظهور دارد در اینکه در صورت تخلف چه نسبت به بخشی و چه تمام آن، مجازات حبس اجرا می‌شود.

#### ماده ۸۲- توقف موقت مجازات جایگزین

چنانچه اجرای تمام یا بخشی از مجازات‌های جایگزین حبس با مانعی مواجه گردد، مجازات مورد حکم یا بخش اجرا نشده آن بعد از رفع مانع اجرا می‌گردد. چنانچه مانع مذکور به واسطه رفتار عمدی محکوم و برای متوقف کردن مجازات ایجاد گردد مجازات اصلی اجرا می‌شود.

#### نکات:

۱. بدیهی است که در زمان توقف موقت مرتکب باید با اخذ تأمین متناسب آزاد شود.
۲. این ماده قرینه‌ای بر امکان اجرای مجازات حبس کمتر از سه ماه است.

#### ماده ۸۳- تعریف و میزان دوره مراقبت

دوره مراقبت دوره‌ای است که طی آن محکوم، به حکم دادگاه و تحت نظارت قاضی اجرای احکام به انجام یک یا چند مورد از دستورهای مندرج در تعویق مراقبتی (ماده ۴۳) به شرح ذیل محکوم می‌گردد:

الف- در جرائمی که مجازات قانونی آن‌ها حداکثر سه ماه حبس است، تا شش ماه

ب- در جرائمی که مجازات قانونی آن‌ها نودویک روز تا شش ماه حبس است و جرائمی که نوع و میزان تعزیر آن‌ها در قوانین موضوعه تعیین نشده است، شش ماه تا یک سال (ماده ۶۹)

پ- در جرائمی که مجازات قانونی آن‌ها بیش از شش ماه تا یک سال است، یک تا دو سال

ت- در جرائم غیرعمدی که مجازات قانونی آن‌ها بیش از یک سال است، دو تا چهار سال

#### نکات:

۱. بندهای الف و ب و پ هم شامل جرائم عمدی و هم جرائم غیرعمدی می‌شود اما بندت صرفاً ناظر به جرائم غیرعمدی است

#### ماده ۸۴- تعریف و میزان خدمات عمومی رایگان / توقف موقت مجازات جایگزین

خدمات عمومی رایگان (ماده ۷۹)، خدماتی است که با رضایت محکوم برای مدت معین به شرح ذیل مورد حکم واقع می‌شود و تحت نظارت قاضی اجرای احکام اجرا می‌گردد:

الف- جرائم موضوع بند (الف) ماده (۸۳) تا دویست و هفتاد ساعت  
 ب- جرائم موضوع بند (ب) ماده (۸۳) دویست و هفتاد تا پانصد و چهل ساعت  
 پ- جرائم موضوع بند (پ) ماده (۸۳) پانصد و چهل تا هزار و هشتاد ساعت  
 ت- جرائم موضوع بند (ت) ماده (۸۳) هزار و هشتاد تا دو هزار و صد و شصت ساعت  
 تبصره ۱- ساعات ارائه خدمت عمومی برای افراد شاغل بیش از چهار ساعت و برای افراد غیرشاغل بیش از هشت ساعت در روز نیست.

در هر حال ساعات ارائه خدمت در روز نباید مانع امرارمعاش متعارف محکوم شود.  
 تبصره ۲- حکم به ارائه خدمت عمومی مشروط به رعایت همه ضوابط و مقررات قانونی مربوط به آن خدمت از جمله شرایط کار زنان و نوجوانان، محافظت‌های فنی و بهداشتی و ضوابط خاص کارهای سخت و زیان‌آور است.

تبصره ۳- دادگاه نمی‌تواند به بیش از یک خدمت عمومی مقرر در آیین‌نامه موضوع این فصل حکم دهد.  
 در هر حال در صورت عدم رضایت محکوم، به انجام خدمات عمومی، مجازات اصلی مورد حکم واقع می‌شود.  
 تبصره ۴- قاضی اجرای احکام (بدون نیاز به دخالت دادگاه) می‌تواند بنا به وضع جسمانی و نیاز به خدمات پزشکی یا معذوریت‌های خانوادگی و مانند آن‌ها، انجام خدمات عمومی را به طور موقت و حداکثر تا سه ماه در طول دوره، تعلیق نماید (تعلیق در اینجا به معنای تأخیر در اجرای مجازات جایگزین حبس است نه اینکه مدتی که محکوم از انجام خدمات عمومی تعلیق شده جزء مدت محکومیت به خدمات عمومی وی محسوب شود) یا تبدیل آن را به مجازات جایگزین دیگر به دادگاه صادرکننده حکم (قطعی) پیشنهاد دهد.

#### نکات:

۱. قانون‌گذار به جهت الحاق دولت ایران به مقوله نامه‌ی بین‌المللی شماره ۱۰۵ در خصوص منع کار اجباری در ابتدای ماده ۸۴ ق.م.ا در تعریف خدمات عمومی رایگان و تبصره ۳ آن، وجود رضایت محکوم را لازم دانسته است.
۲. قانون‌گذار به ازای هر روز، سه ساعت خدمات عمومی رایگان منظور کرده است
۳. منظور از دادگاه در هر موردی که صراحت یا قرینه‌ای وجود ندارد دادگاه صادر کننده حکم قطعی است به جز تبصره ۲ ماده ۲۱۵ که باتوجه به مقصود مقنن حسب مورد ممکن است دادگاه بدوی باشد یا تجدیدنظر (مشورتی اداره حقوقی: ۷/۱۳۵۱ مورخ ۱۳۹۲/۷/۱۳)

#### ماده ۸۵- جزای نقدی روزانه جایگزین حبس

جزای نقدی روزانه عبارت است از یک‌هشتم تا یک‌چهارم درآمد روزانه محکوم که به شرح زیر مورد حکم واقع می‌شود و با نظارت اجرای احکام وصول می‌گردد:

- الف- جرائم موضوع بند (الف) ماده (۸۳) تا یک‌صد و هشتاد روز  
 ب- جرائم موضوع بند (ب) ماده (۸۳) یک‌صد و هشتاد تا سیصد و شصت روز  
 پ- جرائم موضوع بند (پ) ماده (۸۳) سیصد و شصت تا هفتصد و بیست روز  
 ت- جرائم موضوع بند (ت) ماده (۸۳) هفتصد و بیست تا هزار و چهارصد و چهل روز

تبصره- محکوم موظف است در پایان هر ماه ظرف ده روز مجموع جزای نقدی روزانه آن ماه را پرداخت نماید.

#### نکات:

۱. این نوع مجازات جایگزین در مورد افرادی که شغل معینی دارند قابل اعمال است مثلاً کارکنان دولت.
۲. مشخص نیست که آیا کاهش یا افزایش درآمد محکوم‌علیه در طول مدت اجرای حکم، تأثیری در حکم دادگاه دارد یا خیر.

#### ماده ۸۶- جزای نقدی جایگزین حبس

میزان جزای نقدی جایگزین حبس به شرح زیر است:

الف- جرائم موضوع بند (الف) ماده (۸۳) تا نه میلیون (۹ / ۰۰۰ / ۰۰۰) ریال

ب- جرائم موضوع بند (ب) ماده (۸۳) از نه میلیون (۹ / ۰۰۰ / ۰۰۰) ریال تا هجده میلیون (۱۸ / ۰۰۰ / ۰۰۰) ریال

پ- جرائم موضوع بند (پ) ماده (۸۳) از هجده میلیون (۱۸ / ۰۰۰ / ۰۰۰) ریال تا سی‌وشش میلیون (۰۰۰ / ۰۰۰ / ۰۰۰) ریال

ت- جرائم موضوع بند (ت) ماده (۸۳) از سی‌وشش میلیون (۳۶ / ۰۰۰ / ۰۰۰) ریال تا هفتادودو میلیون (۰۰۰ / ۰۰۰ / ۰۰۰) ریال

مواد مرتبط: ۲۲ قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی / مواد ۵۲۹ تا ۵۴۰ و ۷۰ آدک /

#### نکات:

۲۱. تفاوت جزای نقدی به‌عنوان مجازات اصلی و مجازات جایگزین حبس در دو مورد است:
  - معیار تشخیص میزان جزای نقدی به‌عنوان مجازات اصلی رکن قانونی جرم مقصود است اما معیار تشخیص میزان جزای نقدی به‌عنوان مجازات جایگزین حبس ماده ۸۶ ق.م.ا است.
  - ضمانت اجرای عدم پرداخت جزای نقدی به‌عنوان مجازات اصلی، ماده ۵۲۹ آدک بوده که در آن چند مرحله پیش‌بینی شده است اما ضمانت اجرای عدم پرداخت جزای نقدی به‌عنوان مجازات جایگزین حبس با استناد به ماده ۷۰ ق.م.ا مصوب ۹۲ به اجرا گذاشته شدن مجازات حبس اصلی می‌باشد

#### ماده ۸۷- مجازات تکمیلی ضمن جایگزین حبس

دادگاه می‌تواند ضمن حکم به مجازات جایگزین حبس، با توجه به جرم ارتكابی و وضعیت محکوم، وی را به یک یا چند مورد از مجازات‌های تبعی و یا تکمیلی نیز محکوم نماید. در این صورت مدت مجازات مذکور نباید بیش از دو سال شود.

#### نکات:

۱. ماده ۸۷ به دادگاه اختیار داده است ضمن حکم به مجازات جایگزین حبس، با توجه به جرم ارتكابی و وضعیت محکوم وی را به یک یا چند مورد از مجازات‌های تبعی ماده ۲۶ نیز محکوم کند که در این صورت، حالت مجازات تکمیلی را دارد (مشورته ۷/۹۲/۲۳۰۰ مورخ ۱۳۹۲/۱۲/۴)

۲. ممنوعیتی که برای صدور حکم به مجازات تکمیلی در مورد جرائم تعزیری درجه ۷ و ۸ وجود دارد مخصوص مواردی است که دادگاه مرتکب را به اصل مجازات مندرج در درجات ۷ و ۸ محکوم می‌کند، اما در صورتی که به مجازات جایگزین محکوم کند، منعی وجود ندارد گرچه نظر مخالفی نیز وجود دارد (مصدق)
۳. از آنجاکه مجازات تبعی در دادنامه قید نمی‌شود، استفاده از اصطلاح مجازات تبعی در این ماده ناشی از مسامحه است و منظور این است که دادگاه می‌تواند مرتکب را به موارد مندرج در ماده ۲۶ محکوم کند. (مصدق)

## فصل دهم - مجازات‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی اطفال و نوجوانان

## مجازات و دیگر تصمیمات در جرائم مستوجب تعزیر

سن	تصمیمات	مجازات	استناد
زیر ۹ سال قمری	X	X	۱۴۸ + نبود هیچ واکنشی در قانون برای این رده
۹ سال قمری تا ۹ سال شمسی	X	X	اگرچه طبق ماده ۱۴۷ دختر در این سن دارای مسئولیت کیفری است اما به علت نبود قانون در این مورد هیچ تصمیم و مجازاتی برای نمی‌توان در نظر گرفت
۹ سال شمسی تا ۱۲ سال شمسی	فقط بندهای الف، ب و پ ماده ۸۸	X	مفهوم مخالف تبصره ماده ۸۸ ق.م.ا.
۱۲ سال شمسی تا ۱۵ سال شمسی + ارتکاب جرم مستوجب تعزیر ۶ تا ۸	یکی از پنج بند الف تا ث ماده ۸۸	X	ماده ۸۸ ق.م.ا.
۱۲ سال شمسی تا ۱۵ سال شمسی + ارتکاب جرم مستوجب تعزیر درجه یک تا پنج	بند ث ماده ۸۸	X	قسمت دوم تبصره ۱ ماده ۸۸ ق.م.ا.
۱۵ سال شمسی تا ۱۸ سال	X	متناسب با جرم ارتكابی	ماده ۸۹ ق.م.ا.

## مجازات و دیگر تصمیمات در جرائم مستوجب حد و قصاص توسط مرتکب بین ۱۲ تا ۱۵ سال

سن	مجازات	تصمیمات	استناد
پسر ۱۲ تا ۱۵ سال قمری	X	به یکی از اقدامات مقرر در بندهای: ت و یا ث محکوم می‌شود	تبصره ۲ ماده ۸۸

## مجازات و دیگر تصمیمات جرائم مستوجب حد و قصاص توسط مرتکب بالغین زیر ۱۸ سال

سن / مجازات	در صورت جهل موضوعی یا حکمی یا عته	در صورت عدم جهل موضوعی و حکمی و عته	استناد
بالغین زیر ۱۸ سال (پسر بین ۱۵ سال تا ۱۸ سال شمسی و دختر بین ۹ سال تا ۱۸ سال شمسی)	مجازات‌های پیش‌بینی شده در این فصل (مجازات‌های تعزیری)	به مجازات حد و قصاص محکوم می‌شود	ماده ۹۱ ق.م.ا.

## ماده ۸۸- جرائم تعزیری / حدی اطفال و نوجوانان

درباره اطفال (۱۴۶ و ۱۴۸) و نوجوانانی که مرتکب جرائم تعزیری می‌شوند و سن آنها در زمان ارتکاب، نه تا پانزده سال تمام شمسی است حسب مورد، دادگاه یکی از تصمیمات (اشاره به اقدامات تأمینی بودن تدابیر ماده ۸۸ دارد) زیر را اتخاذ می‌کند:

الف- تسلیم به والدین یا اولیاء یا سرپرست قانونی با اخذ تعهد به تأدیب و تربیت و مواظبت در حسن اخلاق طفل یا نوجوان

تبصره- هرگاه دادگاه مصلحت بداند می‌تواند حسب مورد از اشخاص مذکور در این بند تعهد به انجام اموری از قبیل موارد ذیل و اعلام نتیجه به دادگاه در مهلت مقرر را نیز اخذ نماید:

۱- معرفی طفل یا نوجوان به مددکار اجتماعی یا روانشناس و دیگر متخصصان و همکاری با آنان

۲- فرستادن طفل یا نوجوان به یک مؤسسه آموزشی و فرهنگی به منظور تحصیل یا حرفه‌آموزی

۳- اقدام لازم جهت درمان یا ترک اعتیاد طفل یا نوجوان تحت نظر پزشک

۴- جلوگیری از معاشرت و ارتباط مضر طفل یا نوجوان با اشخاص به تشخیص دادگاه

۵- جلوگیری از رفت و آمد طفل یا نوجوان به محل‌های معین

ب- تسلیم به اشخاص حقیقی یا حقوقی دیگری که دادگاه به مصلحت طفل یا نوجوان بداند با الزام به انجام دستورهای مذکور در بند (الف) در صورت عدم صلاحیت والدین، اولیاء یا سرپرست قانونی طفل یا نوجوان و یا عدم دسترسی به آنها با رعایت مقررات ماده (۱۱۷۳) قانون مدنی تبصره- تسلیم طفل به اشخاص واجد صلاحیت منوط به قبول آنان است.

پ- نصیحت به وسیله قاضی دادگاه

ت- اخطار و تذکر و یا اخذ تعهد کتبی به عدم تکرار جرم

ث- نگهداری در کانون اصلاح و تربیت از سه ماه تا یک سال در مورد جرائم تعزیری درجه یک تا پنج

تبصره ۱- تصمیمات مذکور در بندهای (ت) و (ث) فقط درباره اطفال و نوجوانان دوازده تا پانزده سال قابل اجرا است.

اعمال مقررات بند (ث) در مورد اطفال و نوجوانانی که جرائم موجب تعزیر درجه یک تا پنج را مرتکب شده‌اند، الزامی است.

تبصره ۲- هرگاه نابالغ (پسر) (۱۴۷) مرتکب یکی از جرائم موجب حد یا قصاص گردد در صورتی که از دوازده تا پانزده سال قمری داشته باشد به یکی از اقدامات مقرر در بندهای (ت) و (ث) محکوم می‌شود و در غیر این صورت یکی از اقدامات مقرر در بندهای (الف) تا (پ) این ماده در مورد آنها اتخاذ می‌گردد.

تبصره ۳- در مورد تصمیمات مورد اشاره در بندهای (الف) و (ب) این ماده، دادگاه اطفال و نوجوانان می‌تواند با توجه به تحقیقات به عمل آمده و همچنین گزارش‌های مددکاران اجتماعی از وضع طفل یا نوجوان و رفتار

او، هر چند بار که مصلحت طفل یا نوجوان اقتضاء کند در تصمیم خود تجدیدنظر نماید. (دادگاه می‌تواند یک یا چندبار تجدیدنظر کند/ بر خلاف ماده ۹۰)

مواد مرتبط: ۵۲۵ آذک

#### نکات:

۱. بندهای الف و ب اقدامات تسلیمی، پ و ت اقدامات توبیخی و بند ث اقدامات تأدیبی هستند.
  ۲. منظور از اطفال ۹ تا ۱۵ سال در ماده ۸۸ پسران و منظور از نوجوانان دختران است.
  ۳. ارتکاب جرم موجب حد و قصاص از سوی نابالغان، تعزیر در پی دارد (مصدق، ص ۳۵۸) (مستند این سخن رو پیدا نکردم)
  ۴. تفسیر عبارت مبهم در غیراین صورت:
    - دیدگاه اول: فقط شامل نابالغین ۹ تا ۱۲ سال می‌شود چراکه صدر ماده ناظر به ۹ تا ۱۵ سال است و بر اساس اینکه باید تبصره با توجه به ماده تفسیر شود، لذا باید تبصره نیز در همین بازه سنی در نظر گرفته شود بنابراین قسمت دوم تبصره نیز مانند قسمت اول صرفاً ناظر به پسران می‌باشد. (و شامل دختران نمی‌شود)
    - دیدگاه دوم: شامل تمامی نابالغین، یعنی پسران زیر ۱۲ سال تمام قمری و دختران زیر ۹ سال تمام قمری است (مصدق) چراکه عبارت فوق‌الذکر اطلاق داشته و شامل تمامی نابالغینی می‌شود که در قسمت نخست قرار نگرفته‌اند پس شامل دختران و پسران می‌شود. بنابراین دختر زیر ۹ سال قمری در صورت ارتکاب جرم حدی و موجب قصاص، مشمول یکی از مقررات بندهای (الف) تا (پ) این ماده می‌شود.
- زمانی در مقام تفسیر تبصره باید به ماده نیز توجه گردد که تبصره و ماده هم‌جنس و دارا موضوع مشترک باشند. حال آنکه، صدر ماده ناظر به جرائم مستوجب تعزیر و تبصره ناظر به جرائم مستوجب حد و قصاص است. صدر ماده ملاک سال شمسی را پذیرفته اما تبصره ملاک سال قمری.
- استاد مصطفی پور: ماده و تبصره در یک موضوع هستند لذا این اشکال وارد نیست

#### ماده ۸۹- مجازات جرائم نوجوانان ۱۵ تا ۱۸ سال

درباره نوجوانانی (استفاده مقنن از واژه‌ی نوجوان در این ماده بدین دلیل است که مرتکب ۱۵ تا ۱۸ ساله، چه دختر و چه پسر، قطعاً از سن بلوغ شرعی گذشته و طفل محسوب نمی‌شوند) که مرتکب جرم تعزیری می‌شوند و سن آن‌ها در زمان ارتکاب، بین پانزده تا هجده سال تمام شمسی است مجازات‌های (به علت بالغ بودن مخاطبین این ماده از واژه مجازات استفاده شده است) زیر اجرا می‌شود:

الف- نگهداری در کانون اصلاح و تربیت از دو تا پنج سال در مورد جرائمی که مجازات قانونی آن‌ها تعزیر درجه یک تا سه است.

ب- نگهداری در کانون اصلاح و تربیت از یک تا سه سال در مورد جرائمی که مجازات قانونی آن‌ها تعزیر درجه چهار است.

پ- نگهداری در کانون اصلاح و تربیت از سه ماه تا یک سال یا پرداخت جزای نقدی از ده میلیون (۰/۰۰۰/۰۰۰) / ۱۰ (ریال تا چهل میلیون (۰/۰۰۰/۰۰۰) / ۴۰) ریال یا انجام یک‌صد و هشتاد تا هفتصد و بیست ساعت خدمات عمومی رایگان در مورد جرائمی که مجازات قانونی آن‌ها تعزیر درجه پنج است.

ت- پرداخت جزای نقدی از یک میلیون (۱ / ۰۰۰ / ۰۰۰) ریال تا ده میلیون (۱۰ / ۰۰۰ / ۰۰۰) ریال یا انجام شصت تا یکصد و هشتاد ساعت خدمات عمومی رایگان در مورد جرائمی که مجازات قانونی آنها تعزیر درجه شش است.

ث- پرداخت جزای نقدی تا یک میلیون (۱ / ۰۰۰ / ۰۰۰) ریال در مورد جرائمی که مجازات قانونی آنها تعزیر درجه هفت و هشت است.

تبصره ۱- ساعات ارائه خدمات عمومی، بیش از چهار ساعت در روز نیست.

تبصره ۲- دادگاه می‌تواند با توجه به وضع متهم و جرم ارتكابی، به جای صدور حکم به مجازات نگهداری یا جزای نقدی موضوع بندهای (الف) تا (پ) این ماده، به اقامت در منزل (اعم از منزل محکوم یا منزل دیگری) در ساعاتی که دادگاه معین می‌کند یا به نگهداری در کانون اصلاح و تربیت در دو روز آخر هفته حسب مورد برای سه ماه تا پنج سال حکم دهد.

#### نکات:

۱. مجازات‌های مذکور در این ماده:
  ۱. نگهداری در کانون اصلاح و تربیت
  ۲. جزای نقدی
  ۳. انجام خدمات عمومی رایگان. (که با توجه به تبصره ۱ ماده ۸۹ ق.م.ا. ق. نباید بیش از ۴ ساعت در روز باشد)
  ۴. اقامت در منزل در ساعات معین
  ۵. نگهداری در کانون اصلاح و تربیت در دو روز آخر هفته
۲. محکوم شدن به سه مورد نخست بستگی به درجه مجازات قانونی جرم ارتكابی دارد و از ماده ۱۹ صرفاً برای تعیین درجه استفاده می‌شود. مثلاً الف ۱۷ ساله؛ جرم خیانت در امانت مرتکب شده که مجازات قانونی آن ۶ ماه تا ۳ سال حبس است پس طبق ماده ۱۹ درجه ۵ است لذا الف به یکی از مجازات مندرج در بند پ ماده ۸۹ محکوم می‌شود.
۳. موارد ۴ و ۵ دیگر نیز طبق تبصره ۲ ماده ۸۹ ق.م.ا. ق. صرفاً به‌عنوان بدل مجازات نگهداری در کانون اصلاح و تربیت یا جزای نقدی موضوع بندهای الف تا پ این ماده تلقی می‌گردند که مدت آن نباید خارج از ۳ ماه تا ۵ سال باشد.
  ۴. اگرچه قانون‌گذار به اخذ رضایت محکوم‌علیه اشاره نکرده اما به نظر می‌رسد رعایت این موضوع در ماده ۸۹ نیز موافق احتیاط است.
  ۵. اگر ارتکاب جرم در نوجوانی و محاکمه پس از ۱۸ سالگی شروع شود دادگاه صالح با توجه به تبصره ۲ ماده ۳۰۴ آ.د.ک، دادگاه کیفری صالح است اما متهم از کلیه امتیازاتی که در دادگاه اطفال و نوجوانان اعمال می‌شود بهره‌مند می‌گردد
  ۶. باتوجه به اینکه راجع به مجازات و اقدامات تأمینی و تربیتی اطفال و نوجوانان در قانون اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر حکم خاصی وجود ندارد، این موارد مشمول عمومات قانون مجازات اسلامی می‌شود (مشورتی ۱۰/۹۷/۱۰۰۲ مورخ ۱۳۹۲/۶/۲)

#### ماده ۹۰- تجدیدنظر در رأی دادگاه در مورد اطفال و نوجوانان

دادگاه (صادر کننده حکم قطعی) می‌تواند با توجه به گزارش‌های رسیده از وضع طفل یا نوجوان و رفتار او در کانون اصلاح و تربیت یک‌بار در رأی خود تجدیدنظر کند و مدت نگهداری را تا یک‌سوم تقلیل دهد یا نگهداری را به تسلیم طفل یا نوجوان به ولی یا سرپرست قانونی او تبدیل نماید.



تصمیم دادگاه مبنی بر تجدیدنظر در صورتی اتخاذ می‌شود که طفل یا نوجوان حداقل یک‌پنجم از مدت نگهداری در کانون اصلاح و تربیت را گذرانده باشد.

رای دادگاه در این مورد قطعی است.

این امر مانع استفاده از آزادی مشروط و سایر تخفیفات قانونی با تحقق شرایط آنها نیست.

#### نکات:

۱. این ماده یکی از استثنائات اعتبار امر مختوم است
۲. در مورد عبارت «دادگاه می‌تواند ... مدت نگهداری را تا یک‌سوم تقلیل دهد» دو نظر قابل‌برداشت است
  - می‌توان دوسوم را تخفیف داد تا یک‌سوم باقی بماند. (تفسیر به نفع متهم)
  - می‌توان یک‌سوم را تخفیف داد تا دوسوم باقی بماند.

#### ماده ۹۱- اثر شبهه داشتن نوجوان

در جرائم موجب حد یا قصاص هرگاه افراد بالغ کمتر از هجده سال (شمسی)، ماهیت جرم انجام‌شده و یا حرمت آن را درک نکنند و یا در رشد و کمال عقل آنان شبهه وجود داشته باشد، حسب مورد با توجه به سن آنها به مجازات‌های پیش‌بینی شده در این فصل محکوم می‌شوند.

تبصره- دادگاه برای تشخیص رشد و کمال عقل می‌تواند نظر پزشکی قانونی را استعلام یا از هر طریق دیگر که مقتضی بداند، استفاده کند.

مواد مرتبط: ۱۲۰ و ۱۲۱

#### نکات:

۱. مقصود قانون‌گذار از عبارت مجازات‌های پیش‌بینی شده در این فصل چیست؟
    - دیدگاه اول: در این ماده از واژه مجازات تسامحاً استفاده شده یعنی استفاده در معنای عام که شامل اقدامات تأمینی نیز می‌شود و مراد، اقدامات ماده ۸۸ است.
    - دیدگاه دوم: در این ماده از واژه فصل تسامحاً استفاده شده و مقصود از کلمه فصل، صرفاً ماده ۸۹ ق.م.ا است در این صورت، این ماده دیگر شامل تصمیمات مقرر در ماده ۸۸ ق.م.ا که نوعی اقدامات تأمینی است نخواهد شد.
  - ❖ **ثمره** این دو نظر: مثلاً دختر ۹ ساله تمام شمسی که مرتکب یکی از جرائم مستوجب حد یا قصاص گردیده، به خاطر شبهه در رشد و کمال عقل، به مجازات‌های پیش‌بینی شده در این فصل محکوم گردد
- طبق نظر اول:** با توجه به اقتضای سن دختر مزبور، تصمیمات مقرر در ماده ۸۸ ق.م.ا اتخاذ خواهد شد.
- طبق نظر دوم:** در این صورت فقط واکنش‌های مقرر در ماده ۸۹ ق.م.ا در قبال دختر مزبور، قابلیت اجرا خواهد داشت.
- نظر استاد** در نقد نظر دوم: با وجود عبارت «حسب مورد با توجه به سن آنها به مجازات‌های پیش‌بینی شده در این فصل محکوم می‌شوند» اگر مقصود قانون‌گذار از مجازات‌های پیش‌بینی شده در این فصل تنها ماده ۸۹ ق.م.ا بود دیگر نیازی به عبارت با توجه به سن آنها نبود.
- نظر دکتر مصدق: مقصود کلیه مواردی است که در مواد ۸۸ و ۸۹ ذکر شده است و دادگاه با توجه به سن مرتکب یکی از آنها را اعمال می‌کند.

۲. اعمال این ماده در موردی است که در اصل مسئولیت کیفری تردیدی وجود نداشته باشد و آنچه مورد شبهه قرار گرفته، آن است که آیا مرتکب ماهیت جرم انجام شده یا حرمت آن را درک می‌کند یا خیر و اینکه در کمال عقل او تردید وجود داشته باشد. در مورد بالغ زیر ۱۸ سال اصل مسئولیت داشتن و اعمال حدود و قصاص است مگر آنکه شبهه مذکور به وجود آید در حالیکه در افراد بالای ۱۸ سال چنین شبهه‌ای پذیرفته نیست مگر مطابق مواد ۱۲۰ و ۱۲۱ که در اصل مسئولیت کیفری تردید به وجود آید.

۳. مجازات قانونی اشخاص بالغ کمتر از ۱۸ سال که مرتکب جرم حد یا قصاص می‌شوند و ماهیت جرم یا حرمت آن را درک نمی‌کنند یا در رشد عقل آن‌ها شبهه است، حسب مورد با توجه به سن آن‌ها به دیه و مجازات‌های پیش‌بینی شده در فصل ۱۰ محکوم می‌شوند (مشورتی ۷/۸۶۳ مورخ ۱۳۹۲/۵/۱۲)

### ماده ۹۲- مقررات دیه و ضمان در جرائم اطفال و نوجوانان

در جرائمی که مستلزم پرداخت دیه یا هر ضمان مالی دیگری است، دادگاه اطفال و نوجوانان مطابق مقررات مربوط به پرداخت دیه (۲۹۲، ۴۶۷) و خسارت (ماده ۷ ق.م.م) (رأی وحدت رویه ۲ - ۲۹ / ۱ / ۱۳۶۰ راجع به ماده ۱۲۱۶ و ۱۱۸۳: جبران ضرر و زیان ناشی از جرم به عهده شخص متهم صغیر است و محکوم به از مال خود او استیفا خواهد شد) حکم می‌کند.

مواد مرتبط: ماده ۱۲۱۶ ق.م-هرگاه صغیر یا مجنون یا غیر رشید باعث ضرر غیر شود ضامن است. ماده ۷ ق.م.م-کسی که نگاهداری یا مواظبت مجنون یا صغیر قانونا یا بر حسب قرارداد به عهده او می‌باشد در صورت تقصیر در نگاهداری یا مواظبت مسئول جبران زیان وارده از ناحیه مجنون یا صغیر می‌باشد و در صورتی که استطاعت جبران تمام یا قسمتی از زیان وارده را نداشته باشد از مال مجنون یا صغیر زیان جبران خواهد شد و در هر صورت جبران زیان باید به نحوی صورت گیرد که موجب عسرت و تنگدستی جبران‌کننده زیان نباشد.

#### نکات:

۱. ماده ۷ ق.م.م ناظر است به محافظت از طفلی که به موجب قانون یا قرارداد بر عهده شخص ثالث بوده و ایشان در محافظت از آن تقصیر کرده‌اند حال آنکه ماده ۱۲۱۶ ق.م.م ناظر به عدم تقصیر محافظ یا سرپرست است و به همین دلیل طفل ضامن جبران خسارت است

### ماده ۹۳- تخفیف خاص اطفال و نوجوانان

دادگاه می‌تواند در صورت احراز جهات تخفیف (ماده ۳۸)، مجازات‌ها را تا نصف حداقل تقلیل دهد و اقدامات تأمینی و تربیتی اطفال و نوجوانان را به اقدام دیگری تبدیل نماید. (و مقررات ماده ۳۷ در مورد اطفال و نوجوانان اعمال نمی‌شود)

مواد مرتبط: تبصره ۲ ماده ۱۱۵،

#### نکات:

تعدد و تکرار تأثیری در کیفیت تخفیف ندارد.

### ماده ۹۴- تعویق صدور حکم و تعلیق اجرای مجازات اطفال و نوجوانان

دادگاه می‌تواند در مورد تمام جرائم تعزیری (۴۰، ۴۶، ۴۷) ارتكابی توسط نوجوانان، صدور حکم را به تعویق

اندازد یا اجرای مجازات را معلق کند.

مواد مرتبط: تبصره ۲ ماده ۱۱۵، ۴۰، ۴۶، ۴۷

**نکات:**

۱. مقصود قانون گذار از عبارت تمام جرائم تعزیری چیست؟
    - دیدگاه اول: مقصود از این عبارت مطلقاً تمامی جرائم مستوجب تعزیر است، خواه قابل تعویق و تعلیق باشد خواه نباشد. بنابراین مطابق با این دیدگاه، باید شمول ماده ۴۷ ق.م.ا را منصرف از اطفال و نوجوان دانست.
    - دیدگاه دوم: منظور قانون گذار از این عبارت صرفاً جرائم مستوجب تعزیر قابل تعلیق و تعویق می باشد، بنابراین دیگر تفاوتی نمی کند که از چه درجه‌ای باشد. مطابق با این دیدگاه، ماده ۹۴ ق.م.ا تنها بر درجات تعزیر مذکور در مواد ۴۰ و ۴۶ ق.م.ا استثناء وارد می سازد. بنابراین ماده ۴۷ ق.م.ا در این دیدگاه، شامل اطفال و نوجوانان نیز می گردد.
- نظر استاد مصطفی پور: طبق دلایل زیر دیدگاه اول مقدم است:

- اطلاق عبارت تمام جرائم تعزیری در ماده ۹۴ ق.م.ا
  - انطباق بیشتر با اهداف کلی مقنن در خصوص اطفال و نوجوانان که در سایر مواد این فصل ذکر شده است.
  - پذیرش دیدگاه نخست با تفسیر به نفع متهم بیشتر سازگار می باشد
  - اغلب محاکم دیدگاه اول را پذیرفته اند
- نظر دکتر مصدق: مقصود تمام جرائم تعزیری در همه درجات است و ممنوعیت‌های ماده ۴۷ نیز مخصوص بزرگسالان است و شامل اطفال و نوجوانان نمی شود.

**ماده ۹۵- اثر تبعی نداشتن محکومیت‌های کیفری اطفال و نوجوانان**

محکومیت‌های کیفری اطفال و نوجوانان فاقد آثار کیفری است.

مواد مرتبط: ۲۵،

ماده ۱۳۸- مقررات مربوط به تکرار جرم در جرائم سیاسی و مطبوعاتی و جرائم اطفال (و نوجوانان) اعمال نمی شود

**نکات:**

مقررات مربوط به تعدد جرم در مورد اطفال و نوجوانان اعمال نمی شود یعنی با تعدد جرم مجازات جرائم آن‌ها افزایش پیدا نمی کند و لیکن صرفاً مجازات اشد اجرا می شود هرچند نظر مخالفی نیز وجود دارد.

پس ماده ۳۷ و تبصره ۳ ماده ۱۳۴ و ماده ۱۳۹ در مورد اطفال و نوجوانان اعمال نمی شود.

**فصل یازدهم- سقوط مجازات**

عوامل سقوط مجازات: عفو، نسخ قانون، گذشت شاکی، مرور زمان اجرای مجازات، توبه مجرم، قاعده درء

**مبحث اول- عفو**

عفو خصوصی: تصمیمی است که به ابتکار و با پیشنهاد رئیس قوه قضاییه و موافقت عالی ترین مقام اجرایی کشور یعنی مقام معظم رهبری گرفته می شود و به موجب آن تمام یا قسمتی از مجازات محکومان بخشوده و یا به مجازات خفیف تری تبدیل می گردد

**ماده ۹۶- عفو خصوصی**

عفو (خصوصی) یا تخفیف مجازات محکومان (یعنی در مورد شخص حکم کیفری قطعی صادر شده باشد)، در حدود

موازین اسلامی پس از پیشنهاد رئیس قوه قضاییه با مقام رهبری است.

مواد مرتبط: آیین نامه کمیسیون عفو و تخفیف مجازات محکومین / تبصره ۳ ماده ۲۵

**نکات:**

۱. عفو خصوصی به جهت اطلاق ماده، علاوه بر جرائم مستوجب تعزیر، شامل جرائم مستوجب حد نیز می‌گردد. البته، قذف و جرائم مستوجب قصاص و دیه بدان جهت که حق الناس اند، از شمول عفو خصوصی مستثنا می‌باشند
۲. عفو خصوصی جنبه شخصی دارد لذا هیچ‌گونه تأثیری در حق شرکا و معاونین مجرم نخواهد داشت
۳. عفو خصوصی تمام مجازات‌ها اعم از اصلی و تکمیلی را شامل می‌شود
۴. تبصره ۳ ماده ۲۵: در عفو... اثر تبعی محکومیت (محرومیت اجتماعی) پس از گذشت مدت‌های فوق (مذکور در ماده ۲۵) از زمان عفو ... رفع می‌شود

**ماده ۹۷- تأثیر عفو عمومی در تعزیرات**

عفو عمومی که به موجب قانون در جرائم موجب **تعزیر** (نه سایر مجازات‌ها) اعطاء می‌شود، **تعقیب و دادرسی را موقوف می‌کند**. در صورت صدور حکم محکومیت، اجرای مجازات موقوف و آثار محکومیت نیز زائل می‌شود.

**ماده ۹۸- تأثیر عفو عمومی در پرداخت دیه و ضمان**

عفو (عمومی)، همه آثار محکومیت (از جمله مجازات تکمیلی و تبعی) را منتفی می‌کند لکن تأثیری در پرداخت دیه و جبران خسارت زیان‌دیده ندارد.  
مواد مرتبط: تبصره ۳ ماده ۲۵

**نکات:**

۱. عبارت: «عفو، همه آثار محکومیت را منتفی می‌کند» مذکور در ماده ۹۸ مربوط به عفو عمومی است. قانون‌گذار در ماده ۹۸ ق.م.ا در مقام بیان عدم تأثیر عفو در دیه و مسئولیت مدنی بوده و قسمت نخست ماده جنبه تأکیدی دارد (اداره حقوقی ۷/۹۲/۱۶۲۶ مورخ ۱۳۹۲/۸/۲۱)
- اما از نظر دکتر مصدق: عفو مذکور در این ماده اعم از عفو عمومی و عفو خصوصی است.
۲. پس از تحقق عفو عمومی، اگر مرتکب مجدداً جرمی را انجام دهد، مشمول قواعد تکرار نخواهد شد. (چون تشدید در اثر تکرار یکی از آثار جرم است که طبق نص قانون عفو همه آثار محکومیت را منتفی می‌کند)
۳. عفو عمومی چون جنبه عینی دارد لذا هم نسبت به مرتکب، و هم شرکا و معاونین وی قابل اعمال است.
۴. در عفو عمومی درخواست یا عدم درخواست و رضایت یا عدم رضایت مرتکب نیز لازم نمی‌باشد چون توسط قانون مصوب مجلس اعمال می‌شود و آمره است.
۵. رأی وحدت رویه ۲۵ / ۵۹ - ۱۳ / ۱۲ / ۹: بنابراین هرگاه بزه‌ی قبل از تاریخ تصویب لایحه قانونی عفو عمومی متهمان و محکومان جزایی، واقع شده و تعقیب مرتکب بعد از تاریخ مذکور در مراجع قضایی به عمل آمده باشد،... مشمول عفو عمومی شمرده می‌شود.
۶. این ماده با تبصره ۳ ماده ۲۵ تعارض دارد که ذیل ماده ۲۵ اشاره شد.

**مبحث دوم- نسخ قانون****ماده ۹۹- نسخ قانون**

نسخ قانون، تعقیب و اجرای مجازات را موقوف می‌کند.  
آثار نسخ قوانین کیفری به شرح مندرج در ماده ۱۰، (بند الف) این قانون است.

**نکات:**

۱. نسخ برخلاف عفو عمومی منحصر به جرائم مستوجب تعزیر نیست.
۲. شرایط نسخ ضمنی:
  - وحدت موضوع
  - تعارض احکام
  - عدم وجود تقارن زمانی (در موارد تعارض قوانین و تصویب آنها در یک زمان، بهتر است تخصیص مطرح شود
۳. اگر در اثر نسخ قانون، اثر کیفری جرم منتفی شود، به طریق اولی آثار تبعی محکومیت از جمله انفصال از خدمت که در مورد کارمند دولت قبلاً اجرا شده یا در حال اجرا است، منتفی می‌شود و وضعیت محکوم‌علیه باید به پیش از زمان اجرای حکم بازگردد.

**مبحث سوم - گذشت شاکی****ماده ۱۰۰ - اثر گذشت شاکی یا مدعی خصوصی / تعریف جرائم قابل گذشت و غیر قابل گذشت**

در جرائم تعزیری قابل گذشت، گذشت شاکی یا مدعی خصوصی حسب مورد موجب موقوفی تعقیب یا موقوفی اجرای مجازات است.

تبصره ۱ - جرائم قابل گذشت، جرائمی می‌باشند که شروع و ادامه تعقیب و رسیدگی و اجرای مجازات، منوط به شکایت شاکی و عدم گذشت وی است.

تبصره ۲ - جرائم غیر قابل گذشت، جرائمی می‌باشند که شکایت شاکی و گذشت وی در شروع به تعقیب و رسیدگی و ادامه آنها و اجرای مجازات تأثیری ندارد.

تبصره ۳ - مقررات راجع به گذشت، شاکی در مورد مجازات‌های قصاص نفس و عضو، حد قذف و حد سرقت همان است که در کتاب دوم «حدود» و سوم «قصاص» این قانون ذکر شده است. (مقصود از این تبصره مواد ۲۵۵ و ۳۴۷ و بند د ماده ۲۶۸ ق.م.ا.مصوب ۹۲ می‌باشد)

گذشت شاکی در سایر حدود تأثیری در سقوط و تخفیف مجازات ندارد.  
مواد مرتبط:

**نکات:**

۱. گذشت شاکی از تعقیب کیفری متهم یا مجازات محکوم‌علیه، به منزله گذشت از دعوی خصوصی و ضرر و زیان ناشی از جرم نیست، مگر آن که گذشت وی به صورت مطلق بوده و هم در برگیرنده دعوی کیفری و هم دعوی حقوقی باشد (اردبیلی)
۲. تقسیم جرم به قابل گذشت و غیر قابل گذشت مخصوص جرائم تعزیری است. در جرائمی که فقط مستوجب دیه است گرچه فقط واجد جنبه خصوصی است و شکایت یا گذشت شاکی تعیین کننده در تعقیب است اما تحت عنوان جرم قابل گذشت قرار نمی‌گیرد باین حال دعوی راجع به دیه در صورت گذشت شاکی خصوصی مشمول ماده ۳۴۱ آذک خواهد بود.

**ماده ۱۰۱ - شرایط گذشت**

گذشت باید منجز باشد و به گذشت مشروط (گذشتی که به ضمیمه یک شرط محقق می‌شود مثلاً: من از متهم گذشت کردم به شرطی که بعداً خسارت من را بپردازد/ در این فرض، گذشت محقق شده است و اگر بعداً شرط انجام نشود، تخلف از شرط صورت گرفته و صرفاً مانع اثربخشی گذشت می‌شود) و معلق (گذشتی که هم اکنون صورت نمی‌گیرد، بلکه اصل گذشت

منوط به انجام کار یا وقوع امری است مثلاً: اگر خسارت من را بپردازد، از او گذشت می‌کنم) در صورتی ترتیب اثر داده می‌شود که آن شرط یا معلقٌ علیه تحقق یافته باشد. (پس از نظر نتیجه، تفاوتی میان گذشت مشروط با معلق نیست و تنها پس از تحقق شرط یا معلقٌ علیه می‌توان به گذشت ترتیب اثر داد. به همین جهت، چنین گذشتی اثری در ادامه دعوی عمومی نداشته و هیچ خللی در آن ایجاد نمی‌کند/ خالق)

همچنین عدول از گذشت (بدون استثناء)، مسموع نیست. (مواردی که به عنوان استثناء ذکر شده است در واقع عدول نیست بلکه مواردی است که اصلاً در مورد آن‌ها گذشتی صورت نگرفته است)

تبصره ۱- گذشت مشروط یا معلق مانع تعقیب، رسیدگی و صدور حکم نیست، ولی اجرای مجازات در جرائم قابل گذشت منوط به عدم تحقق شرط یا معلقٌ علیه است.

در این صورت، محکوم‌علیه با قرار تأمین مناسب آزاد می‌شود.

تبصره ۲- تأثیر گذشت قیم اتفاقی، منوط به تأیید دادستان است. (چون گذشت بزه دیده در صورتی پذیرفته است که گذشت کننده اهلیت داشته باشد).

مواد مرتبط: ۷۰ آذک

#### نکات:

۱. اگر مشروط علیه یا معلق علیه محقق شده باشد گذشت مشروط و معلق معتبر است

۲. گذشت نزد مراجع انتظامی نیز مسموع است.

۳. ادعای اینکه گذشت خلاف میل باطنی بوده مسموع نیست مگر ثابت شود گذشت در اثر تهدید یا اجبار بوده است.

۴. اگر گذشت منجز باشد ولی ثابت شود متهم در قبال شاکی تعهدی کرده اما به آن عمل نکرده، عدم انجام تعهد، تأثیری در اصل گذشت ندارد

#### ماده ۱۰۲- شروع و موقوفی تعقیب هرگاه متضررین از جرم، متعدد باشند

هرگاه متضررین از جرم، متعدد باشند تعقیب جزایی با شکایت هر یک از آنان شروع می‌شود ولی موقوفی تعقیب، رسیدگی و اجرای مجازات موکول به گذشت تمام کسانی است که شکایت کرده‌اند.

تبصره- (در تمام جرائم قابل گذشت) حق گذشت (اعم از اینکه جنبه مالی داشته باشد یا خیر)، به وراث قانونی متضرر از جرم، منتقل و در صورت گذشت همگی وراث حسب مورد تعقیب، رسیدگی یا اجرای مجازات موقوف می‌گردد.

#### نکات:

۱. با انتقال ارادی مالی که موضوع جرم بوده، در جرم قابل گذشت، صاحب مال همچنان حق شکایت دارد اما منتقل الیه در این فرض حق شکایت ندارد

۲. منظور از متضرر از جرم کسی است که به طور مستقیم از وقوع جرمی متضرر شده باشد بنابراین کسانی که چنین ویژگی نداشته باشند حتی اگر از بستگان درجه یک شخص متضرر از جرم باشند، حق شکایت کیفری ندارند. مگر تحت عنوان وکیل یا قیم یا ولی قهری.

**ماده ۱۰۳- اصل غیر قابل گذشت بودن جرائم**

چنانچه قابل گذشت بودن جرمی در قانون تصریح نشده باشد، غیر قابل گذشت محسوب می‌شود مگر اینکه از حق الناس بوده و شرعاً قابل گذشت باشد.

**ماده ۱۰۴- جرائم قابل گذشت**

علاوه بر جرائم تعزیری مندرج در کتاب دیات و فصل حد کذف این قانون و جرائمی که به موجب قوانین خاص قابل گذشت می‌باشند، جرائم مندرج در قسمت اخیر مواد (۵۹۶)، (۶۰۸)، (۶۲۲)، (۶۳۲)، (۶۳۳)، (۶۴۲) (منسوخ توسط ماده ۵۳ قانون حمایت خانواده)، (۶۴۸)، (۶۶۸)، (۶۶۹)، (۶۷۶)، (۶۷۷)، (۶۷۹)، (۶۸۲)، (۶۸۴)، (۶۸۵)، (۶۹۰)، (۶۹۲)، (۶۹۴)، (۶۹۷)، (۶۹۸)، (۶۹۹) و (۷۰۰) از کتاب پنجم «تعزیرات» نیز قابل گذشت محسوب می‌شوند.

**مبحث چهارم- مرور زمان**

- مرور زمان از هر نوعی که باشد تنها در خصوص جرائم تعزیری قابل اعمال است الا:
  ۱. تعزیر منصوص شرعی: مرور زمان‌های تعقیب و صدور حکم (و نه مرور زمان اجرای مجازات<sup>۱</sup>) طبق تبصره ۲ ماده ۱۱۵ شامل تعزیر منصوص شرعی نمی‌شود
  ۲. موارد مذکور در ماده ۱۰۹
- آثار مرور زمان:
  ۱. مجازات تبعی حکم قطعی کیفری به قوت خود باقی می‌باشد، ماده ۲۵... **پس از شمول مرور زمان** در مدت زمان مقرر در این ماده محکوم را از حقوق اجتماعی به عنوان مجازات تبعی محروم می‌کند
  ۲. تحقق مرور زمان اجرای مجازات مانع اعمال مقررات تکرار جرم است/ ماده ۱۳۷

**ماده ۱۰۵- مرور زمان تعقیب / مرور زمان صدور حکم**

مرور زمان، در صورتی تعقیب جرائم موجب تعزیر را موقوف می‌کند که از تاریخ وقوع جرم (در مرور زمان تعقیب) تا انقضای مواعد زیر تعقیب نشده یا از تاریخ **آخرین** اقدام تعقیبی یا تحقیقی تا انقضای این مواعد به صدور حکم قطعی منتهی نگردیده باشد:

الف) جرائم تعزیری درجه یک تا سه با انقضای پانزده سال

ب) جرائم تعزیری درجه چهار با انقضای ده سال

پ) جرائم تعزیری درجه پنج با انقضای هفت سال

ت) جرائم تعزیری درجه شش با انقضای پنج سال

ث) جرائم تعزیری درجه هفت و هشت با انقضای سه سال

تبصره ۱- اقدام تعقیبی یا تحقیقی، اقدامی است که مقامات قضایی (نه ضابطین) در اجرای یک وظیفه قانونی از قبیل (تمثیلی) احضار، جلب، بازجویی، استماع اظهارات شهود و مطلعان، تحقیقات یا معاینه محلی و نیابت قضایی (وصدور قرار اعدادی یا نهایی و همچنین تعیین وقت دادرسی) انجام می‌دهند.

۱. به نظر می‌رسد از روی غفلت به این مرور زمان اشاره نشده است

تبصره ۲- در مورد صدور قرار اناطه، مرور زمان تعقیب از تاریخ قطعیت رأی مرجعی که رسیدگی کیفری منوط به صدور آن است، شروع می‌شود.  
مواد مرتبط: تبصره ۲ ماده ۱۱۵،

#### نکات:

۱. مهم‌ترین تفاوت قطع مرور زمان با تعلیق مرور زمان در این نکته است که در صورت عروض یکی از جهات قطع مرور زمان همانند دستور خاص مقام قضایی مدت مرور زمان مجدداً از صفر آغاز می‌گردد، حال آنکه در صورت وقوع یکی از جهات تعلیق مرور زمان همانند بروز جنگ، تعطیلی دادگستری و کسب اجازه در مصونیت‌ها، مدت زمان قبل از تعلیق و بعد از آن با هم جمع می‌شوند، نه اینکه مدت قبلی دیگر محاسبه نگردد. (توجهی، ۱۳۹۴، ص ۱۵۸ - ۱۵۷)
۲. صدور قرار اناطه موجب **قطع مرور زمان** است و شروع مجدد آن از تاریخ قطعیت دادنامه‌ای است که رسیدگی کیفری منوط به صدور آن است. (مصطفی پور)
۳. اکثر حقوقدانان بر این باورند که اناطه اصولاً بایستی جزء عواملی باشد که باعث **تعلیق مرور زمان** می‌گردد نه قاطع آن (برای مثال ر.ک. توجهی، ۱۳۹۴، ص ۱۵۸؛ الهام و برهانی، ۱۳۹۳، ص ۲۶۹؛ خالقی، ۱۳۹۴، ص ۱۵) اما به نظر نمی‌رسد ادبیات تبصره فوق حامی چنین رویکردی باشد چراکه قانون‌گذار به صراحت زمان شروع مرور زمان تعقیب از تاریخ قطعیت رأی مرجع صالح دیگر دانسته است (مصطفی پور)
۴. از آنجایی که در مرور زمان تعقیب، حکمی صادر نشده است **ملاک تشخیص مدت مرور زمان، مجازات قانونی** است
۵. **مبدأ** مرور زمان **تعقیب** در جرائم مرکب، مبدأ احتساب مرور زمان از تاریخ تحقق آخرین جزء (یعنی جزء تکمیل‌کننده‌ی جرم) بوده و در جرائم مستمر، مبدأ احتساب مرور زمان، تاریخ خاتمه استمرار عمل خواهد بود.
۶. **مبدأ** مرور زمان **صدور حکم** تاریخ آخرین اقدام تعقیبی یا تحقیقی است
۷. بین مرور زمان تعقیب، با مرور زمان صدور حکم هیچ تفاوتی وجود ندارد جز مبدأ آن‌ها.

#### ماده ۱۰۶- مرور زمان شکایت

در جرائم تعزیری قابل گذشت (مرور زمان شکایت در جرائم تعزیری غیرقابل گذشت منتفی است) هرگاه متضرر از جرم در مدت یک سال از تاریخ اطلاع از وقوع جرم (نه تاریخ وقوع)، شکایت نکند، حق شکایت کیفری او ساقط می‌شود مگر اینکه تحت سلطه (مادی یا معنوی) متهم بوده یا به دلیلی خارج از اختیار، قادر به شکایت نباشد که در این صورت مهلت مزبور از تاریخ رفع مانع محاسبه می‌شود.

هرگاه متضرر از جرم قبل از انقضای مدت مذکور فوت کند و دلیلی بر صرف‌نظر وی از طرح شکایت نباشد هر یک از ورثه وی در مهلت شش ماه از تاریخ وفات حق شکایت دارد.

تبصره- غیر از مواردی که شاکی تحت سلطه متهم بوده، در صورتی به شکایت وی یا ورثه او رسیدگی می‌شود که جرم موضوع شکایت طبق ماده (۱۰۵) این قانون مشمول مرور زمان نشده باشد.

#### نکات:

۱. اگر شاکی به دلیلی خارج از اختیار، غیر از تحت سلطه بودن، قادر به شکایت نبود، چنانچه موضوع مشمول مرور زمان **تعقیب** شود دیگر امکان شکایت وجود ندارد. در جای که تحت سلطه متهم بوده، حتی اگر موضوع مشمول مرور زمان تعقیب شده باشد، حق شکایت کیفری ساقط نمی‌شود.



۲. در جرائم مستمر مادام که مرتکب در حال ارتکاب جرم است، هیچ‌گاه مهلت یک‌ساله پایان نمی‌یابد زیرا هر لحظه جرم محقق می‌شود.

### ماده ۱۰۷- مرور زمان اجرا

مرور زمان، اجرای احکام قطعی تعزیری را موقوف می‌کند و مدت آن از تاریخ قطعیت حکم (پس اگر هنوز قطعی نشده باشد، هنوز مشمول مرور زمان اجرا نمی‌شود) به قرار زیر است:

الف) جرائم تعزیری درجه یک تا سه با انقضای بیست سال

ب) جرائم تعزیری درجه چهار با انقضای پانزده سال

پ) جرائم تعزیری درجه پنج با انقضای ده سال

ت) جرائم تعزیری درجه شش با انقضای هفت سال

ث) جرائم تعزیری درجه هفت و هشت با انقضای پنج سال

تبصره ۱- اگر اجرای تمام یا بقیه مجازات موکول به گذشتن مدت یا رفع مانعی باشد، مرور زمان از تاریخ انقضای آن مدت یا رفع مانع محاسبه می‌شود.

تبصره ۲- مرور زمان اجرای احکام دادگاه‌های خارج از کشور درباره اتباع ایرانی در حدود مقررات و موافقتنامه‌های قانونی، مشمول مقررات این ماده است.  
مواد مرتبط: ۱۱۱،

### نکات:

۱. ملاک تشخیص مدت مرور زمان اجرا از روی درجه مجازات قانونی است نه قضایی.
۲. مبدأ مرور زمان اجرا در موارد تعلیق اجرای مجازات یا اعطای آزادی مشروط در صورت لغو قرار تعلیق یا حکم آزادی مشروط تاریخ لغو قرار یا حکم است. رک ماده ۱۱۱
۳. به نظر می‌رسد مرور زمان در اقدامات تأمینی و تربیتی که مربوط به اطفال است جاری نمی‌شود زیرا در هر دو ماده به جرائم تعزیری اشاره شده است.

### ماده ۱۰۸- قطع مرور زمان

هرگاه اجرای مجازات، شروع ولی به هر علت قطع شود، تاریخ شروع مرور زمان، تاریخ قطع اجرای مجازات است و در مواردی که بیش از یک نوبت قطع شود شروع مرور زمان از تاریخ آخرین انقطاع است مگر اینکه اجرای مجازات بر اثر رفتار عمدی (مثل فرار از زندان) محکوم قطع شده باشد که در این صورت مرور زمان اعمال نمی‌شود.

### نکات:

۱. تفاوت قطع مرور زمان با تعلیق آن: در صورت عروض یکی از جهات قطع مرور زمان همانند دستور خاص مقام قضایی، مدت مرور زمان مجدداً از صفر آغاز می‌گردد، حال آنکه در صورت وقوع یکی از جهات تعلیق مرور زمان جنگ، تعطیلی دادگستری و کسب اجازه در مصونیت‌ها، مدت زمان قبل از تعلیق و بعد از آن با هم جمع می‌شوند، نه اینکه مدت قبلی دیگر محاسبه نگردد. (توجهی،)

## ۲. قواطع مرور زمان

- عامل قاطع مرور زمان شکایت: شکایت کیفری بزه دیده ظرف یک سال / یا وراث بعد از فوت ظرف شش ماه
  - عامل قاطع مرور زمان تعقیب: شروع به تعقیب متهم یعنی اقدام دادسرا یا دادگاه در به جریان انداختن تعقیب کیفری / اقداماتی مانند ارجاع شکایت شاکی خصوصی توسط دادستان یا معاون وی به بازپرس / رک ماده ۱۰۵
  - عامل قاطع مرور زمان صدور حکم: صدور حکم قطعی دادگاه
  - عامل قاطع مرور زمان اجرای مجازات: شروع به اجرای مجازات / اگر پس از شروع مجازات، روند اجرایی آن قطع گردد. در این صورت، از تاریخ قطع اجرای مجازات مرور زمان جدیدی آغاز می‌شود مگر اینکه اجرای مجازات بر اثر رفتار عمدی مجرم (مثل فرار از زندان) محکوم قطع شده باشد که در این صورت مرور زمان اعمال نمی‌شود.
۳. مرور زمان تعقیب و اجرا می‌توانند مکرراً قطع شوند اما در مرور زمان شکایت و صدور حکم با قطع مرور زمان، مرور زمان معدوم می‌شود و قطع مکرر آن معنی ندارد.
۴. تعلیق مرور زمان (در تعلیق مرور زمان اگر مدتی قبلاً سپری شده باشد، مدت مزبور بعد از رفع مانع، محاسبه خواهد شد)
- عامل تعلیق مرور زمان شکایت: **فرض**: بزه دیده از وقوع جرم مطلع شود اما بعد از گذشت مدتی (که کمتر از یک سال است) تحت سلطه متهم قرار گرفته یا به دلیلی خارج از اختیار، قادر به شکایت نبوده است. بعد از خروج از تحت سلطه یا رفع مانع باید مدت قبل از تحت سلطه بودن یا وجود مانع، با مدت بعد از آن با یکدیگر جمع شده و مجموعاً مدت مرور زمان یک‌ساله را تشکیل دهند/ مثال: اگر بزه دیده‌ای ۴ ماه بعد از اطلاع از وقوع جرم، به دلیلی غیرارادی قادر به شکایت نباشد، چنانچه بعداً مانع مذکور مرتفع گردد، وی تنها ۸ ماه بعد از رفع مانع، فرصت طرح شکایت دارد نه یک سال.
  - عامل تعلیق مرور زمان تعقیب:

- عوامل عملی مانند آنکه بر اثر اشغال نظامی یک کشور دستگاه قضا از کار افتاده و قادر به انجام وظایف خویش نباشد
- عوامل حقوقی:

۱. مواردی که تعقیب جزایی موکول به اجازه مراجع معینی باشد مثل جایی که قاضی متهم پرونده‌ای باشد و از خدمت تعلیق شده باشد، در این صورت مرور زمان تعلیق پرونده‌ای که این قاضی به آن رسیدگی می‌کرده معلق می‌شود.
  ۲. مواردی که تعقیب جزایی منوط به رسیدگی و تعیین تکلیف یک موضوع خاص در مراجع صالح دیگری باشد (اناطه).
- البته از ظاهر تبصره دو ماده ۱۰۵ برداشت می‌شود که برخلاف موازین حقوقی قانون‌گذار اناطه را عامل قطع مرور زمان دانسته نه تعلیق مرور زمان

- عامل تعلیق مرور زمان صدور حکم: عواملی که بعد از انجام آخرین اقدام آخرین اقدام تعقیبی یا تحقیقی قانوناً رسیدگی و صدور حکم قطعی را به تأخیر می‌اندازند مثل: جنون مرتکب بعد از ارتکاب جرم و قبل از صدور حکم قطعی / تبصره دو ماده ۱۳ ق.آ.د.ک
- عامل تعلیق مرور زمان اجرای مجازات: هر عاملی که در صورت وجود، قانوناً مانع اجرای مجازات گردد/ تبصره یک ماده ۱۰۷ ق.م.ا/ مثال: بارداری مجرم ماده ۵۰۱ آدک

**ماده ۱۰۹-استثنائات مرور زمان**

جرائم ذیل مشمول مرور زمان تعقیب، صدور حکم و اجرای مجازات نمی‌شوند:

- الف- جرائم علیه امنیت داخلی و خارجی کشور (۴۹۸ تا ۵۱۲ ق.م.ا)
- ب- جرائم اقتصادی شامل کلاهبرداری و جرائم موضوع تبصره ماده (۳۶) این قانون با رعایت مبلغ (یک میلیارد ریال یا بیشتر از آن) مقرر در آن ماده (بنابراین در حال حاضر، ظاهراً آراء وحدت رویه‌ی ۶۷۷- ۱۴ / ۴ / ۱۳۸۴ و ۶۹۶- ۱۰۷ ق.م.ا)

۱۴ / ۵ / ۱۳۸۵ که ارتشاء و فروش مال غیر را مشمول مرور زمان نمی‌دانستند، از اعتبار ساقط شده‌اند. به دیگر سخن، هم اکنون جرم ارتشاء و انتقال مال غیر در صورتی که مال موضوع جرم، ارزشی کمتر از یک میلیارد ریال داشته باشد، می‌تواند مشمول مرور زمان قرار گیرند)

#### نکات:

۱. فروش مال غیر به صراحت ماده ۱ قانون مجازات راجع به انتقال مال غیر کلاهبرداری قلمداد شده و با رعایت نصاب مقرر در بند ب ماده ۱۰۹ (تبصره ماده ۳۶) مشمول مرور زمان نخواهد بود.
۲. خیانت در امانت تعزیر منصوص شرعی نیست لذا مشمول مرور زمان می‌شود
۳. جرم در حکم کلاهبرداری مشمول بند ب ماده ۱۰۹ می‌شود چون در کلیه مواردی که قانون‌گذار رفتار مجرمانه را در حکم کلاهبرداری قلمداد نموده کلیه آثار کلاهبرداری بر این عمل مترتب است. اما اگر مقنن صرفاً مجازات رفتار مجرمانه را به مجازات مقرر برای کلاهبرداری احاله دهد چون کلیه آثار بزه کلاهبرداری بر آن جرم مترتب نیست در نتیجه مشمول ممنوعیت مذکور در ماده ۱۰۹ نیز نمی‌باشد

پ- جرائم موضوع قانون مبارزه با مواد مخدر

#### ماده ۱۱۰- قاطع مرور زمان

هرگاه در مورد یک شخص به موجب حکم یا احکامی محکومیت‌های قطعی متعدد (اعم از اینکه طی یک دادنامه یا دادنامه‌های متعدد، چه از یک مرجع قضایی چه از چند مرجع قضایی) صادر شود، شروع به اجرای هر یک از محکومیت‌ها، نسبت به دیگر محکومیت‌ها، قاطع مرور زمان است.

#### نکات:

در مورد اینکه آیا محکومیت‌های موضوع این ماده شامل حدود هم می‌شود یا آن که مختص تعزیرات است ابهام وجود دارد.

#### ماده ۱۱۱- مبدأ مرور زمان در تعلیق اجرا و آزادی مشروط

در موارد تعلیق اجرای مجازات یا اعطای آزادی مشروط در صورت لغو قرار تعلیق یا حکم آزادی مشروط (به هر علتی از جمله اینکه مجرم شرایط تعلیق یا آزادی مشروط را رعایت نکند)، مبدأ مرور زمان، تاریخ لغو قرار یا حکم است. (نه زمان صدور حکم)

#### ماده ۱۱۲- مطلق بودن قطع مرور زمان

قطع مرور زمان، مطلق است (یعنی قطع مرور زمان به اصل جرم مربوط می‌شود و جنبه شخصی ندارد) و نسبت به کلیه شرکا و معاونان اعم از آنکه تعقیب شده یا نشده باشند، اعمال می‌شود هر چند تعقیب فقط درباره یکی از آنها شروع شده باشد.

همچنین شروع به اجرای حکم در مورد برخی از شرکا یا معاونان جرم قاطع مرور زمان نسبت به دیگر محکومان است.

### ماده ۱۱۳- رابطه شمول مرور زمان با ادعای خصوصی

موقوف شدن تعقیب، صدور حکم یا اجرای مجازات، مانع از استیفای حقوق مدعی خصوصی نیست و متضرر از جرم می‌تواند دعوای خصوصی را در مرجع صالح اقامه نماید.

#### مبحث پنجم- توبه‌ی مجرم

- قلمرو تأثیر توبه
  - جرائم مستوجب قصاص: با توبه ساقط نمی‌گردد / ماده ۱۱۶
  - جرائم مستوجب دیه با توبه ساقط نمی‌گردد / ماده ۱۱۶
  - جرائم مستوجب حد
    - حدود حق الناسی: توبه در آن هیچ‌گونه اثر حقوقی نخواهد داشت / ماده ۱۱۶
    - حدود حق الهی:
      - توبه قبل از اثبات جرم: مسقط حد مگر حد قذف و محاربه / ماده ۱۱۴ با در نظر گرفتن تبصره ۲
      - توبه پس از اثبات جرم: امکان عفو غیر از قذف
      - توبه محارب: رک تبصره یک ماده ۱۱۴ و ماده ۱۱۶
      - جرائم مستوجب تعزیر
        - مجازات‌های تعزیری درجه ۶ تا ۸: سقوط مجازات ۱۱۵
        - مجازات‌های تعزیری درجه ۱ تا ۵: قاضی می‌تواند تخفیف دهد
        - مجازات تبعی: توبه بعد از صدور حکم قطعی، تأثیری در مجازات تبعی ندارد

#### ماده ۱۱۴- توبه در حدود

در جرائم موجب حد به‌استثنای قذف و محاربه هرگاه متهم قبل از اثبات جرم، توبه کند و ندامت و اصلاح او برای قاضی محرز شود (به صرف ادعا اکتفا نمی‌شود)، حد از او ساقط می‌گردد.

همچنین اگر جرائم فوق غیر از قذف با اقرار ثابت شده باشد، در صورت توبه‌ی مرتکب حتی پس از اثبات جرم، دادگاه می‌تواند عفو مجرم را توسط رئیس قوه قضاییه از مقام رهبری درخواست نماید.

تبصره ۱- توبه‌ی محارب قبل از دستگیری یا تسلط بر او موجب سقوط حد است. (اما بعد از دستگیری یا تسلط مطابق با اطلاق ماده ۱۱۶ توبه وی اثرگذار نیست)

تبصره ۲- در زنا و لواط هرگاه جرم به‌عنف، اکراه و یا با اغفال بزه‌دیده انجام گیرد، مرتکب در صورت توبه و سقوط مجازات به شرح مندرج در این ماده به حبس یا شلاق تعزیری درجه شش یا هر دو آنها محکوم می‌شود.

#### نکات:

۱. در تبصره یک این ماده به جرم بغی اشاره نشده است لذا مشمول صدر ماده ۱۱۴ می‌شود و توبه او تا پیش از اثبات جرم مورد پذیرش قرار می‌گیرد.
۲. سقوط مجازات به وسیله توبه منحصر به مرحله دادگاه است و دادسرا را شامل نمی‌شود چون در این ماده و مواد بعدی از واژه قاضی استفاده شده است و در عرف قضایی، قاضی به قاضی دادگاه اطلاق می‌شود نه دادسرا.
۳. مقررات مربوط به توبه در مرحله اجرای حکم نیز قابل اعمال است. (مشورتی ۷/۱۲۹۱ مورخ ۱۳۹۲/۷/۱)

**ماده ۱۱۵- توبه در تعزیرات**

در جرائم تعزیری درجه شش، هفت و هشت چنانچه مرتکب توبه نماید و ندامت و اصلاح او برای قاضی محرز شود، مجازات ساقط می‌شود.

در سایر جرائم موجب تعزیر دادگاه می‌تواند مقررات راجع به تخفیف مجازات را اعمال نماید.

تبصره ۱- مقررات راجع به توبه درباره کسانی که مقررات تکرار جرائم تعزیری در مورد آنها اعمال می‌شود، جاری نمی‌گردد. (۱۳۹)

تبصره ۲- اطلاق مقررات این ماده و همچنین بند (ب) ماده (۷) و بندهای (الف) و (ب) ماده (۸) و مواد (۲۷)، (۳۹)، (۴۰)، (۴۵)، (۴۶)، (۹۳)، (۹۴) و (۱۰۵) این قانون شامل تعزیرات منصوص شرعی نمی‌شود.  
مواد مرتبط: ۱۳۹

**نکات:**

۱. مراد مقنن از تدوین این تبصره، استثناء کردن تعزیرات منصوص شرعی از نهاد توبه نبوده است، بلکه صرفاً به دنبال آن بوده است که اطلاق موجود در ماده مبنی بر «در سایر جرائم موجب تعزیر دادگاه می‌تواند مقررات راجع به تخفیف مجازات را اعمال نماید» و اطلاق حکم مندرج در تبصره یک این ماده مبنی بر «تکرار، مانع بهره‌مندی از آثار توبه است» را از شمول تعزیرات منصوص شرعی خارج ساخته و توبه آن‌ها را تابع احکامی خاص بداند (توجهی) اما اکثر حقوقدانان و شارحان قانون مجازات اسلامی این تبصره را گواه آن می‌دانند که قانون‌گذار مطلقاً توبه را در تعزیر منصوص شرعی نپذیرفته است.

**ماده ۱۱۶- عدم سقوط قصاص، حد قذف و محاربه با توبه**

دیه، قصاص، حد قذف و محاربه با توبه ساقط نمی‌گردد. (چون حق الناسی‌اند)

**نکات:**

مراد از توبه در این ماده، توبه محارب پس از تسلط و دستگیری است و مراد از توبه در تبصره یک ماده ۱۱۴، توبه پیش از تسلط و دستگیری است

**ماده ۱۱۷- لزوم احراز ندامت و اصلاح**

در مواردی که توبه مرتکب، موجب سقوط یا تخفیف مجازات می‌گردد، توبه، اصلاح و ندامت وی باید احراز گردد و به ادعای مرتکب اکتفا نمی‌شود.

چنانچه پس از اعمال مقررات راجع به توبه، ثابت شود که مرتکب تظاهر به توبه کرده است سقوط مجازات و تخفیفات در نظر گرفته شده ملغی و مجازات اجرا می‌گردد. در این مورد چنانچه مجازات از نوع تعزیر باشد مرتکب (الزاماً) به حداکثر مجازات تعزیری محکوم می‌شود.

**ماده ۱۱۸-**

متهم می‌تواند تا قبل از قطعیت حکم، ادله مربوط به توبه خود را حسب مورد به مقام تعقیب (بدین معنی نیست ادعای توبه مرتکب از سوی مقام تعقیب قابل بررسی باشد، به شکلی که با احراز شرایط قانونی و پذیرش توبه مجرم، وی بتواند

نسبت به صدور قرار موقوفی اقدام کند بلکه جوازِ ارائه‌ی دلیل به مقام تعقیب، تنها از باب جمع‌آوری و حفظ دلایل است چراکه سقوط مجازات با توبه، یک حکم قضایی است که صرفاً در صلاحیت قاضی دادگاه می‌باشد.) یا رسیدگی ارائه نماید.

#### نکات:

۱. چنانچه به هر دلیلی، متهم نتواند قبل از قطعیت حکم، ادله مربوط به توبه را به مقامات مربوطه ارائه کند، بدین معنی که پس از قطعیت حکم آن‌ها را به دست آورد، وی می‌تواند دلایل را از طریق اعاده دادرسی ارائه نماید. (ر.ک. شمس و همکاران، ۱۳۹۲، ص ۲۶)

#### ماده ۱۱۹-

چنانچه دادستان مخالف سقوط یا تخفیف مجازات (در اثر توبه نه سایر مسقطات مجازات) باشد، (اعم از اینکه پرونده ابتدا در دادسرا مطرح شده باشد یا مستقیماً در دادگاه مطرح شود) می‌تواند به مرجع تجدیدنظر اعتراض کند.

#### مبحث ششم - اعمال قاعده درأ

#### ماده ۱۲۰- درأ

هرگاه وقوع جرم (حد، قصاص، دیه یا تعزیر) یا برخی از شرایط آن و یا هریک از شرایط مسؤولیت کیفری مورد شبهه یا تردید قرار گیرد و دلیلی بر نفی آن یافت نشود (پس صرف وجود شبهه یا تردید در اصل وقوع کافی نیست و باید دلیلی بر نفی شبهه یافت نشود، بر خلاف ماده ۱۲۱) حسب مورد جرم یا شرط مذکور ثابت نمی‌شود.

#### نکات:

۱. به نظر می‌رسد شبهه و تردید قضایی ملاک است نه متهم البته برخی شبهه نزد متهم یا هر دو را ملاک می‌دانند
۲. وقوع شبهه یا تردید:
  - شبهه در وقوع جرم: مانند تردید در تحقق دخول در جرم لواط (منع تعقیب از همان لحاظ/ مثلاً در این مورد لواط منع تعقیب می‌خورد اما ممکن است تفخیز صدق کند)
  - شبهه در وقوع شرایط جرم: مثل تردید در متقلبانه بودن وسایل ارتکاب جرم در کلاهبرداری (منع تعقیب)
  - شبهه در وقوع شرایط مسؤولیت کیفری: مانند تردید در عاقل، بالغ یا مختار بودن مرتکب
۳. با توجه به اصل اختیاری بودن اعمال، این متهم است که باید، دلیل بر مکره بودن ارائه کند و در اینجا به صرف شبهه در مسؤولیت کیفری نمی‌توان به ظاهر ماده ۱۲۰ استناد کرد.
۴. از عبارت «دلیلی بر نفی آن یافت نشود» چنین به ذهن متبادر می‌شود که قانون‌گذار متهم را از اثبات ادعای خود معاف کرده است و اصل را بر صحت شبهه یا تردید گذاشته است. در حالیکه این برداشت ناصحیح است.
۵. اگر بنا باشد به ظاهر ماده ۱۲۰ بدون توجه به سایر اصول و ادله در تمام جرائم عمل کرد، باید در هر جرمی به صرف ادعای اکراه، یا مستی، یا عدم علم به موضوع جرم و ... متهم را تبرئه کرد. لذا باید گفت: اولاً اجرای آن در جرائم موجب قصاص و دیات ممکن نیست. ثانیاً در برخی موارد جرمی که موجب حد است نیز در ماده ۱۲۱ از قاعده درء مذکور در ماده ۱۲۰ استثنا شده است. همچنین در ماده ۲۱۸ آمده است که اگر متهم ادعای فقدان علم یا قصد یا وجود یکی از موانع مسؤولیت کیفری کند در صورتی ادعای وی پذیرفته می‌شود که احتمال صدق مدعی داده شود. بنابراین این ادعا که قاعده درء در مطلق حدود از جمله زنا یا به عنف یا اغفال به صورت یکسان جاری می‌شود با وجود تبصره ماده ۲۱۸ محکوم به بطلان است (مصدق)

پذیرش لوٹ و قسامه در قانون، که مصداق بارز شبهه و تردید هستند، دلیلی بر عدم صحت اعمال قاعده درء در حداقل قصاص و دیات است چراکه بنا به ماده ۱۲۰ با وجود آن نباید جرم ثابت شود در حالیکه قانون گذار لوٹ را مقدمه‌ای برای بررسی بیشتر جهت اثبات قصاص و اقامه قسامه دانسته است. (مصدق)

### ماده ۱۲۱-

در جرائم موجب حد **به استثنای محاربه، افساد فی الارض، سرقت و قذف**، به صرف وجود شبهه (نه هرگونه شبهه‌ای چراکه شبهه‌ای موجب درء است که احتمال صدق عنوان شبهه بر آن داده شود و نه مطلق شبهه، لذا شبهه جاهل مقصر معتبر نیست ر.ک. حیدری، ۱۳۹۴، ص ۴۲۶ - ۴۲) یا تردید و **بدون نیاز به تحصیل دلیل** (بر خلاف ماده ۱۲۰)، حسب مورد جرم یا شرط مذکور ثابت نمی‌شود.  
مواد مرتبط: ۲۱۸ و تبصره آن.

### نکات:

مقررات این ماده در دادسرا نیز جاری است و در صورت وجود شبهه در دادسرا قرار منع تعقیب و در دادگاه حکم برائت صادر می‌شود

### بخش سوم - جرائم

#### فصل اول - شروع به جرم

- |   |         |
|---|---------|
| ۱- جرایم تام: قصد مجرمانه + تهیه مقدمات + شروع به اجرا + اجرای کامل + حصول موفقیت                     | } جرایم |
| ۱) شروع به جرم : قصد مجرمانه + تهیه مقدمات + شروع به اجرا + انصراف غیرارادی                           |         |
| ۲- جرایم ناقص : ۲) جرم عقیم : قصد مجرمانه + تهیه مقدمات + شروع به اجرا + اجرای کامل + عدم حصول موفقیت |         |
| ۳) جرم نُهال : قصد مجرمانه + تهیه مقدمات + شروع به اجرا + اجرای کامل + عدم حصول موفقیت                |         |

قصد مجرمانه + تهیه مقدمات + شروع به اجرا + انصراف ارادی = عدم وقوع شروع جرم

#### ماده ۱۲۲- شروع به جرم

هر کس (دو نظر: شامل شخص حقوقی نمی‌شود / می‌شود) قصد ارتکاب جرمی کرده و شروع به اجرای آن نماید، لکن به واسطه عامل خارج از اراده او قصدش معلق بماند، به شرح زیر مجازات می‌شود:

الف- در جرائمی که مجازات قانونی آن‌ها سلب حیات، حبس دائم یا حبس تعزیری درجه یک تا سه است به حبس تعزیری درجه چهار (۶۱۳)

ب- در جرائمی که مجازات قانونی آن‌ها قطع عضو (با قصاص عضو اشتباه گرفته نشود) یا حبس تعزیری درجه چهار است به حبس تعزیری درجه پنج

پ- در جرائمی که مجازات قانونی آن‌ها شلاق حدی (شلاق تعزیری از شمول ماده خارج است) یا حبس تعزیری درجه پنج است به حبس تعزیری یا شلاق یا جزای نقدی درجه شش

تبصره- هرگاه رفتار ارتكابی، ارتباط مستقیم با ارتكاب جرم داشته، لکن به جهات مادی که مرتکب از آن‌ها بی‌اطلاع بوده وقوع جرم غیر ممکن باشد، اقدام انجام شده در حکم شروع به جرم است.

مواد مرتبط: ۶۱۱ و ۶۱۳

ماده ۶۱۳- هرگاه کسی شروع به قتل عمد نماید ولی نتیجه منظور بدون اراده وی محقق نگردد به شش ماه تا سه سال حبس تعزیری محکوم خواهد شد

### نکات:

۱. شروع به جرم در قالب ترک فعل محقق می‌گردد مثال: الف موظف است از ب در استخر محافظت کند اما این کار را انجام نمی‌دهد و ب در معرض غرق شدن قرار می‌گیرد تا اینکه توسط ج نجات پیدا می‌کند. به نظر می‌رسد محکومیت الف شنا به شروع به قتل عمدی بلاشکال باشد
۲. در جرائم مطلق هم فرض شروع به جرم ممکن باشد مثلاً شخصی درحالی که نصف یک اسکناس ده هزار ریالی را ساخته است، توسط مأموران انتظامی دستگیر شود
۳. برخی رفتارهایی که در سه بند فوق بیان نشده است و طبق این ماده تحت عنوان شروع به جرم قابل مجازات نیست
  - شروع به جرم جرائم مستوجب تعزیری که مجازات قانونی آن‌ها درجه ۶ و ۷ و ۸ باشد.
  - شروع به جرم جرائم مستوجب تعزیری که مجازات قانونی آن‌ها درجه ۱ تا ۵ و غیر از حبس باشد.
  - شروع به جرم جنایات عمدی که مجازات قانونی آن‌ها قصاص عضو باشد.
۴. در مورد شروع به جرم‌های خاص چند نظر مطرح است
  - نظر اول: اعمال ماده ۱۲۲ و نسخ ضمنی شروع به جرم‌های خاص به دلیل توجه به یکسان‌سازی نحوه رسیدگی در امور قضایی که در بند ۷ سیاست‌های کلان نظام مورد تأکید مقام معظم رهبری قرار گرفته است / و وجود شدت و ضعف در میزان مجازات و عدم تناسب آن در صورت قائلیت به عدم نسخ موارد خاص مندرج در قوانین جزایی در خصوص تعیین مجازات شروع به جرم مثلاً در مورد شروع به قتل عمدی طبق ماده ۶۱۳ تعزیرات مجازات ۶ ماه تا ۱ سال حبس است اما در مورد جرمی که مجازاتش حبس درجه سه هست، طبق ماده ۱۲۲ شروع به جرم ۵ سال تا ۱۰ سال حبس داده می‌شود که عدم تناسب آشکار است)
  - نظر دوم: همچنان شروع به جرم‌های خاص اعتبار دارند: زیرا عام مؤخر ناسخ خاص مقدم نمی‌باشد و رویه قضای نیز به این سمت متمایل است.
  - نظر سوم: اعتبار داشتن شروع به جرم‌های مصوب مجمع در مقام قانون‌گذاری نه رفع اختلاف بین مجلس و شورای نگهبان طبق نظریه تفسیری شماره ۵۳۱۸ - ۲۴ / ۷ / ۷۲ شورای نگهبان و در بقیه موارد طبق ماده ۱۲۲
۵. تعریف جرم محال
  - جرم محال حکمی = قانونی: در جرم محال حکمی عنصر قانونی قابل تعریف نیست یا به تعبیر استاد مصطفی پور: به جهت عدم وجود شرایط جرم تحقق جرم محال می‌شود مثلاً در مورد انسان مرد، قتل صدق نمی‌کند، جرم قتل در مورد انسان مرد، جرم محال حکمی است
  - جرم محال مادی = موضوعی: فقدان موضوع رفتار ارتكابی
    - محال مادی مطلق: اصولاً تصور وقوع جرم امکان‌پذیر نباشد. برای مثال شخصی به قصد قتل در غذای دیگری شکر را به تصور سم بودن بریزد و یا اینکه کسی به قصد احراق، آب را به تصور بنزین بودن بر روی اموال دیگری بریزد.
    - محال مادی نسبی: غیر ممکن بودن وقوع جرم در آن لحظه به عللی غیر ممکن باشد. هر چند تصور وقوع آن در حالات دیگر ممکن باشد. مثلاً شخصی که به قصد سرقت، دست در جیب دیگری می‌کند ولی اتفاقاً در آن لحظه جیب آن شخص خالی است
۶. تعریف جرم عقیم: جرمی که عدم حصول موفقیت در آن لحظه به علل غیر قابل پیش‌بینی (وجود مانع) که خارج از اراده‌ی مرتکب است



## موانع:

- وقوع عوامل عارضی مربوط به بزهکار: مثل عدم مهارت.
  - وقوع عوامل عارضی مربوط به بزه دیده: پوشیدن جلیقه ضدگلوله.
  - وقوع عوامل عارضی طبیعی: وزش باد شدید و منحرف شدن گلوله.
۷. قانونگذار جرم مُحال قانونی را قابل مجازات ندانسته و صرفاً جرم محال مادی را قابل مجازات دانسته است
۸. جرم عقیم با توجه به صدر ماده ۱۲۲ یعنی «لکن به واسطه عامل خارج از اراده او قصدش معلق بماند» قابل مجازات است
۹. اگر جرمی مجازات تخییری داشت مثلاً حبس درجه ۵ یا جزای نقدی درجه ۶ آیا شروع به آن جرم مجازات دارد؟ مصدق: خلاً قانونی وجود دارد / به نظر طبق نص بند پ ماده ۱۲۲ در این مثال حبس ملاک است
۱۰. اگر شخصی شروع به جرمی کند که مقدمه آن نیز خود جرم انگاری شده است
- اگر انصراف ارادی داد: به مجازات همان عمل مقدماتی محکوم می‌شود
  - اگر انصراف غیرارادی بود: فقط شروع به جرم است
- مثلاً رفته سرقت: اگر انصراف ارادی دهد ورود به عنف ۶۹۴ محقق است / نظریه مشورتی ۷/۹۳/۵۲۴ مورخ ۱۳۹۳/۳/۷

## ماده ۱۲۳-

مجرد قصد ارتکاب جرم و یا عملیات و اقداماتی که فقط مقدمه جرم است و ارتباط مستقیم با وقوع جرم ندارد، شروع به جرم نیست و از این حیث قابل مجازات نمی‌باشد. (مگر خود آن اقدامات به صورت مستقل جرم انگاری شده باشد مثل حمل سلاح)

## نکات:

### ۱. معیار تفکیک مرحله تهیه مقدمات و شروع به اجرا:

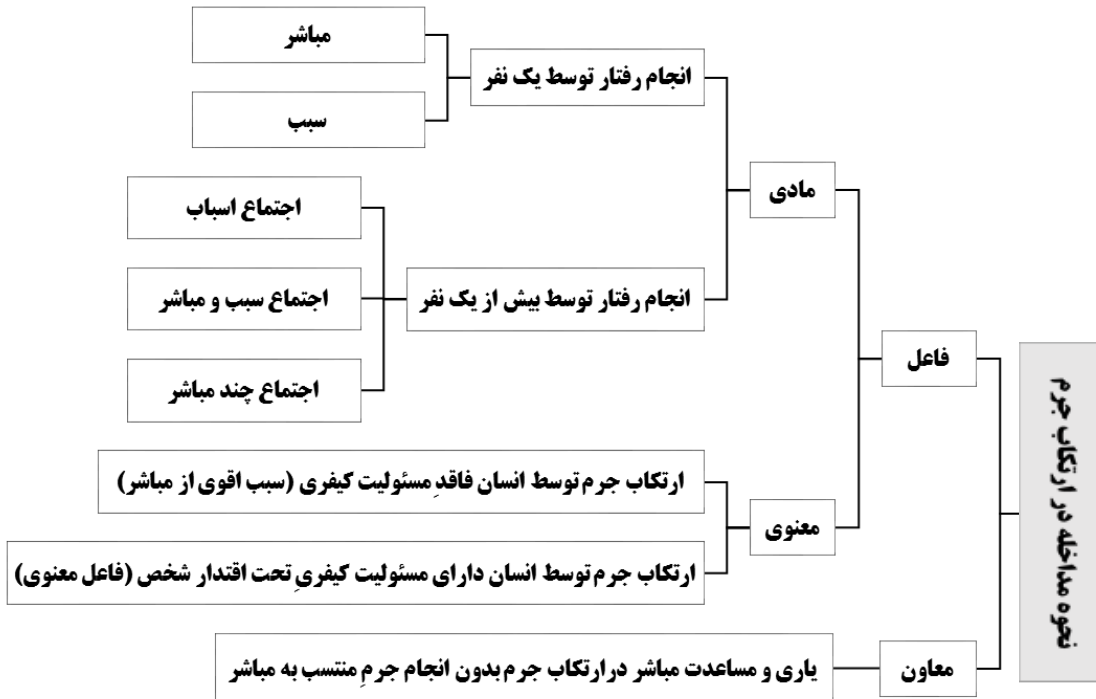
- نظریه عینی: یعنی شروع به اجرا زمانی تحقق می‌یابد که شخص یکی از رفتارهایی که در تعریف قانونی جرم ذکر شده است برای مثال در جرم سرقت، بعد از آنکه الف روی جواهرات ب دست گذاشت دستگیر شود، محکوم کردن وی به شروع به جرم سرقت بی‌اشکال است.
  - نظریه ذهنی: انجام رفتاری است که مبین تصمیم شخص بر ارتکاب جرم باشد حتی اگر این رفتار از ارتکاب جرم فاصله‌ی بسیاری داشته باشد مثلاً الف ب را به سرقت جواهرآلاتش تهدید کند، به شکلی که این مقدار رفتارش مبین تصمیم قطعی و عزم راسخش در عملی کردن تهدیدش نسبت به ب باشد بعید نیست که بتوان وی را به شروع به سرقت محکوم ساخت.
  - نظریه ترکیبی: رفتاری باید شروع به اجرا تلقی گردد که اولاً بدون هیچ ابهامی مترجم قصد سوء مرتکب باشد و ثانیاً باید با ارتکاب جرم مقصود، پیوندی آشکار و مستقیم داشته باشد مثلاً الف را می‌توان به مجازات شروع به سرقت محکوم ساخت که بعد از آماده شدن برای بالا رفتن از دیوار منزل ب به جهت فریادهای مکرر صاحب‌خانه، در حین فرار توسط همسایگان و یا پلیس دستگیر شود.
- رویه قضایی: به‌رغم وجود نوعی تشویش در رویه قضایی کشور، در مجموع می‌توان گفت رویکرد دیوان عالی کشور بیشتر متمایل به نظریه عینی می‌باشد. رأی شماره ۱۴۳۸ د ۶ - ۱۳۲۱ / ۵ / ۲۲: صرف شکستن قفل و ورود به خانه غیر برای دزدی از مقدمات قریبه و شروع به سرقت محسوب می‌شود.
- قانونگذار بیشتر گرایش به نظریه ترکیبی دارد. ماده ۱۲۳ ق.م.ا: ... عملیات و اقداماتی که فقط مقدمه جرم است و ارتباط مستقیم با وقوع جرم ندارد، شروع به جرم نیست...

**ماده ۱۲۴-**

هرگاه کسی شروع به جرمی نماید و به اراده خود آن را ترک کند به اتهام شروع به آن جرم، تعقیب نمی‌شود لکن اگر همان مقدار رفتاری که مرتکب شده است جرم باشد به مجازات آن محکوم می‌شود.

**نکات:**

۱. در جرائم مطلق، تصور وقوع انصراف وقوع ممکن است. مثلاً در جرم مطلق قاچاق طلا می‌توان تصور نمود شخص قاچاقچی، درست در لحظه‌ای که قصد تسلیم طلا به متصدی حمل و نقل دارد، از ادامه‌ی عمل نادم شده و از ارتکاب جرم منصرف شود



۱. اصطلاح **فاعل** یا کننده به کسی اطلاق می‌شود که فعل از او سر زده است. در اصطلاح فقهی و حتی در برخی موارد قانونی، به فاعل جرم، مباشر گفته می‌شود
۲. مباشرت: شخصی که عمل مجرمانه را مستقیماً یا به صورت غیرمستقیم انجام داده است
۳. مباشر مادی به کسی گفته می‌شود که رکن **مادی** جرم را شخصاً انجام می‌دهد به شکلی که یا به طور کامل مرتکب آن جرم شده و یا حداقل به مرحله شروع به آن جرم رسیده باشد
- قید رکن **مادی** معاون را خارج می‌کند زیرا معاون به هیچ وجه رکن مادی جرم منتسب به مباشر را انجام نداده است.
- قید شخصاً مباشر معنوی را خارج می‌کند زیرا مباشر معنوی رکن مجرمانه را به صورت غیرمستقیم و بواسطه انجام می‌دهد.
۴. **مباشر معنوی** در برابر فاعل مادی، کسی است که جرم را توسط دیگری مرتکب شود  
(الف) ارتکاب جرم توسط انسان فاقد مسئولیت کیفری (سبب اقوی از مباشر)  
مقصود از انسان فاقد مسئولیت کیفری شخصی است که یکی از شرایط عامه تکلیف یعنی عقل و بلوغ و اختیار آزاد را نداشته باشد

#### ▪ مجازات سبب اقوی از مباشر

- ❖ در تعزیر: مجازات مباشر معنوی برابر با مباشر مادی است
- ❖ در قصاص و دیه: جز در موارد استثنایی به نظر می‌رسد مجازات مباشر معنوی برابر با مباشر مادی است
- ❖ جز در مواردی مثل سرقت حدی، نمی‌توان حکم به اجرای مجازات مباشر مادی درباره مباشر معنوی داد

(ب) ارتکاب جرم توسط انسان دارای مسئولیت کیفری تحت اقتدار شخص (فاعل معنوی)

- **مجازات فاعل معنوی:** در حال حاضر که جزء در برخی از مواد پراکنده - مانند تبصره ماده ۲ قانون مبارزه با مواد مخدر - در هیچ ماده مستقلی مباشرت معنوی در این معنی پیش‌بینی نشده است و مجازات او در بدترین حالت ممکن صرفاً به مجازات معاونت در جرم است.

**ماده ۱۲۵- شرکت در جرم**

هر کس با شخص یا اشخاص دیگر در عملیات اجرایی جرمی مشارکت کند و جرم، مستند به رفتار همه آنها باشد خواه رفتار هر یک به تنهایی برای وقوع جرم کافی باشد خواه نباشد و خواه اثر کار آنان مساوی باشد خواه متفاوت، شریک در جرم محسوب و مجازات او مجازات فاعل مستقل آن جرم است.

در مورد جرائم غیرعمدی نیز چنانچه جرم، مستند به تقصیر دو یا چند نفر باشد مقصران، شریک در جرم محسوب می‌شوند و مجازات هر یک از آنان، مجازات فاعل مستقل آن جرم است.

تبصره- اعمال مجازات حدود، **قصاص و دیات** (۳۷۳) در مورد شرکت در جنایت (۳۶۸ تا ۳۷۴) با رعایت مواد

کتاب‌های دوم، سوم و چهارم این قانون انجام می‌گیرد.

مواد مرتبط: ۳۷۳، ۳۶۹

**نکات:**

۱. رکن مادی: برای تحقق رکن مادی شرکت در جرم باید چهار شرط وجود داشته باشد

۱. وجود قابلیت مشارکت

لذا در جرائمی که ذاتاً مشارکت بردار نیست و یا قائم به شخص است، رکن مادی جرم شرکت در جرم محقق نمی‌شود  
○ مثلاً برخی از جرائم مستوجب حد به گونه‌ای که ذاتاً با مداخله‌ی دو نفر تحقق می‌یابند، به شکلی که مجموع اعمال دو طرف،

جرم واحدی محسوب می‌گردد مثل جرائم زنا، لواط، مساحقه و تفخیذ

○ قائم به شخص بودن برخی از جرائم مستوجب حد: مثل جرائم شرب خمر، سب النبی و قذف

○ قائم به شخص بودن برخی از جرائم مستوجب تعزیر مثل ترک نفقه

۲. تعدد مداخله کنندگان

۳. شرکت در عملیات اجرایی جرم

۴. مستند بودن جرم به رفتار مداخله کنندگان

○ اگر اشخاص در عملیات اجرایی جرمی مشارکت کرده اما نتیجه مجرمانه تنها به یکی از آنها مستند باشد شرکت در

جرم محقق نشده است: ماده ۳۶۸

**۲. رکن معنوی:**

۱. الف: رکن معنوی در جرم عمدی: برای تحقق رکن معنوی در شریک جرم، وی باید دارای همان رکن معنوی مباشر یعنی

سوءنیت عام و سوءنیت خاص باشد. بنابراین اگر هر یک از این دو مؤلفه مخدوش باشد، شرکت در جرم نیز اصولاً قابل تحقق نخواهد بود

۲. ب: رکن معنوی در جرم غیرعمدی: جرم، مستند به تقصیر دو یا چند نفر باشد

۳. حضور فیزیکی داشتن در صحنه جرم برای تحقق عنوان شراکت در جرم ضروری نیست.

۴. **شرکت در جرم در ترک فعل** نیز محقق می‌شود. مثلاً دو نفری که مشترکاً مسئولیت مراقبت از برج فرودگاهی را بر عهده‌دارند،

به منظور صرف غذا و بدون مجوز قانونی محل خدمت خود را موقتاً ترک کنند و این امر به جهت ایجاد اختلال در تنظیم و کنترل امر

پرواز هواپیماها، باعث وقوع تصادفی بین دو هواپیما بر فراز فرودگاه می‌شود **شریک جرم** محسوب می‌شوند

۵. تفاوت رفتار شرکا، چه از نظر کمی و چه کیفی، مادام که جرم مستند به آنها باشد تأثیری در صدق عنوان شرکت در جرم نخواهد

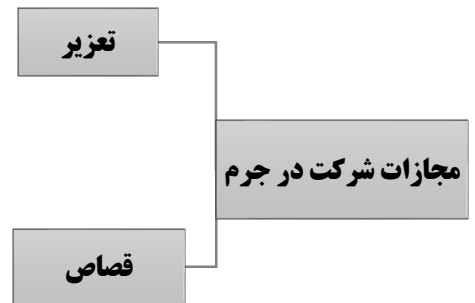
داشت

۶. در شرکت در جرم برخلاف معاونت، وحدت قصد مرتکبان شرط نیست

۷. در شرکت در جرم در مواردی ممکن است رکن معنوی شرکای در جرم با یکدیگر متفاوت باشد. ماده ۳۶۹

## ۸. مجازات شرکت در جرائم

← طبق ماده ۱۲۵ مجازات شریک، همان مجازات فاعل مستقل آن جرم است



### طبق ماده ۳۷۳ ولی دم می‌تواند:

- قصاص همه مرتکبان.
- عفو همه‌ی مرتکبان بدون قید و شرط.
- عفو همه‌ی مرتکبان به شرط پرداخت دیه.
- قصاص کردن برخی از مرتکبان و عفو سایرین بدون قید و شرط.
- قصاص کردن برخی از مرتکبان و عفو سایرین به شرط پرداخت دیه.
- عفو برخی از شرکا بدون قید و شرط و عفو سایرین به شرط پرداخت دیه.

۹. در مورد جنایت شبه عمد و خطای محض که حکم به ضمان دیه داده می‌شود قانون‌گذار از یک‌سو در مواد ۴۵۳ و ۵۳۳ ق.م.ا. مسئولیت مساوی شرکا را پذیرفته و از سوی دیگر در موادی مثل ۵۲۶ ق.م.ا. مصوب ۹۲ مسئولیت مساوی را منوط به مساوی بودن تأثیر رفتار شرکا دانسته است و در غیر این صورت، هر یک را به میزان تأثیر رفتارشان مسئول دانسته است.

**توضیح:** قانون‌گذار بدو در تدوین لایحه قانون مجازات اسلامی، به تقسیم ضمان شرکا بر مبنای درصد تأثیر فعل هر یک از آن‌ها متمایل بوده است لکن شورای نگهبان در مواضع متعدد در مقام بررسی برخی از مواد قانون مجازات اسلامی، ملاک مذکور را مغایر با موازین شرع اعلام می‌کند که این امر به اصلاح مصوبات مجلس منجر گردید، اما با این عبارت برخی از مواد از قلم افتاده و برخلاف نظر شورای نگهبان، میزان تأثیر فعل شرکا را ملاک تعیین مسئولیت مرتکبان قرار داده است مانند ماده ۵۲۶ ق.م.ا. مصوب ۹۲ که در بالا بدان اشاره شد. (ر.ک. صادقی، ۱۳۹۳، ص ۳۴۷)

### فصل سوم - معاونت در جرم

#### ماده ۱۲۶ - معاونت در جرم

اشخاص زیر معاون جرم محسوب می‌شوند:

الف- هر کس (دو نظر: شامل شخص حقوقی نمی‌شود / می‌شود)، دیگری را ترغیب، تهدید، تطمیع، یا تحریک به ارتکاب جرم کند یا با دسیسه (مکر پنهانی) یا فریب یا سوءاستفاده از قدرت، موجب وقوع جرم گردد.

ب- هر کس وسایل ارتکاب جرم را بسازد یا تهیه کند (چه منقول و چه غیرمنقول) یا طریق ارتکاب جرم را به مرتکب ارائه دهد.

پ- هر کس وقوع جرم را تسهیل کند.

تبصره- برای تحقق معاونت در جرم، وحدت قصد (مقصود این نیست که بین معاون و مباشر جرم اصلی لزوماً توافق پیشین وجود داشته باشد) و تقدم یا اقتران زمانی بین رفتار معاون و مرتکب جرم شرط است.

چنانچه فاعل اصلی جرم، جرمی شدیدتر از آنچه مقصود معاون بوده است مرتکب شود، معاون به مجازات معاونت در جرم خفیف‌تر محکوم می‌شود.

جرم	جرم انجام شده توسط مباشر، شدیدتر است	جرم انجام شده توسط مباشر، خفیف‌تر است
هم‌جنسی	به مجازات معاونت در جرم خفیف‌تر محکوم می‌شود	به مجازات معاونت در جرم خفیف‌تر محکوم می‌شود
غیر هم‌جنسی	نمی‌توان به مجازات معاونت در جرم محکوم کرد	نمی‌توان به مجازات معاونت در جرم محکوم کرد

**نکات:**

## ۱. شروط قانونی

- جرم بودن رفتار مباشر
- ارتکاب کامل جرم توسط مباشر یا حداقل شروع به آن (معاونت در شروع به جرم قابل تصور است)
- انجام رفتار معاونت به طور کامل
- تقدم یا اقتران زمانی بین رفتار معاون و مرتکب جرم
- وجود رابطه سببیت میان رفتار معاون و مرتکب جرم: مثلاً الف به ب چاقو دهد که ج را بکشد اما ب بعد از زدن چاقو با تفنگ خود ج را بکشد. در اینجا الف معاون در قتل نخواهد بود بلکه تنها معاون در ایراد جرح خواهد بود

## ۲. رکن معنوی

- الف: رکن معنوی در جرم عمدی:
  - سوءنیت عام: عمد در انجام یکی از رفتارهای تصریح شده در ماده ۱۲۶ با علم به غیرقانونی بودن ماهیت آن
  - سوءنیت خاص: قصد کمک کردن به مباشر برای تحقق جرم
- ب: رکن معنوی در جرم غیرعمدی: در جرائم غیرعمدی به علت اینکه قصدی وجود ندارد و برای معاونت وحدت قصد احتیاج است، معاونت متصور نیست
- تفاوت تهدید اکراهی و تهدید در معاونت:
  - نظر استاد شریفی: اگر کار مورد نظر توسط مکره انجام شد می‌شود معاونت و الا صرف تهدید به عنوان جرمی مستقل واقع شده است. (بررسی شود)
  - نظر استاد مصطفی پور: چنانچه تهدید؛ تهدیدی قابل تحمل باشد تهدیدکننده معاون جرم بوده درحالی که اگر تهدید؛ تهدیدی غیرقابل تحمل باشد تهدیدکننده مکره است. ماده ۱۵۱ ق.م.ا.م.صوب ۹۲ هرگاه کسی بر اثر اکراه غیرقابل تحمل مرتکب رفتاری شود

## ۳. تحقق معاونت با ترک فعل دو دیدگاه وجود دارد

- دیدگاه اول: برخی بر این باورند با توجه به مصادیق مندرج در قانون، معاونت تنها در قالب فعل محقق می‌شود
  - دیدگاه دوم: در بسیاری از موارد خودداری و سکوت نوعی تسهیل وقوع جرم و یا حتی شکلی از ترغیب است
- استاد: دیدگاه اخیر با واقعیات اجتماعی و اصول کلی حقوق جزا سازگارتر باشد. زمانی ترک فعل می‌تواند باعث تحقق معاونت در جرم شود که مسبوق به وجود وظیفه قانونی باشد
- گاه قانون‌گذار خود سکوت (ترک فعل) را از مصادیق معاونت در جرم محسوب کرده است:
- بند ۶ ماده واحدهی قانون مجازات اخلاص‌کنندگان در امنیت پرواز هواپیما و خرابکاری در وسایل و تأسیسات هواپیمایی مصوب ۰۴ / ۱۲ / ۴۹: کسانی که از تهیه و تدارک آلات و اسباب جرم یا مقدمات ارتکاب جرائم مندرج در این قانون مطلع شده و جریان را به مقامات ذیصلاح اعلام ننمایند به مجازات معاون جرم محکوم خواهند شد

## ۴. سه نظریه در مورد مجازات معاونت در جرم

- نظریه استعاره مجرمیت مطلق: معاون همان قدر مسئول است که مباشر مسئول می‌باشد
  - نظریه استعاره مجرمیت نسبی: مجازات معاون متناسب با مجرم اصلی بوده ولی میزان آن کمتر می‌باشد
  - نظام چندگانی جرم: مجرمیت معاون وابسته به جرم بودن رفتار مباشر نمی‌باشد بلکه قانون‌گذار آن را مستقل از جرم بودن یا نبودن رفتار اصلی مباشر جرم تلقی کرده است.
- در حقوق کیفری ایران اصل بر پذیرش نظریه‌ی استعاره مجرمیت نسبی است، ولی در مواردی نظریه استعاره مجرمیت مطلق و نظام چندگانی جرم نیز مورد پذیرش قرار گرفته است

**ماده ۱۲۷- مجازات معاون**

در صورتی که در شرع (مجازات ممسک در شرع حبس ابد است) یا قانون، مجازات دیگری برای معاون تعیین نشده باشد، مجازات وی به شرح زیر است:

الف- در جرائمی که مجازات قانونی آنها سلب حیات یا حبس دائم است، حبس تعزیری درجه دو یا سه (رک ۴۷: موانع تعویق و تعلیق)

ب- در سرقت حدی و قطع عمدی عضو، حبس تعزیری درجه پنج یا شش

پ- در جرائمی که مجازات قانونی آنها شلاق حدی است سی و یک تا هفتاد و چهار ضربه شلاق تعزیری درجه شش

ت- در جرائم موجب تعزیر یک تا دو درجه پایین‌تر از مجازات جرم ارتكابی

تبصره ۱- در مورد بند (ت) این ماده مجازات معاون از نوع مجازات قانونی جرم ارتكابی است مگر در مورد مصادره اموال (مصادر کلی نه مصادره جزئی/ چون مصادره جزئی درجه هفت بوده و درست نیست که برای معاونت در جرم درجه هفت، مجازات درجه ۴ داد)، انفصال دائم و انتشار حکم محکومیت که مجازات معاون به ترتیب جزای نقدی درجه چهار، شش و هفت است.

تبصره ۲- در صورتی که به هر علت قصاص نفس یا عضو اجرا نشود (مثل نبود شاکی یا گذشت وی، عدم امکان رعایت مماثله، وجود رابطه پدری بین جانی و مجنی علیه و یا ایراد جنایت از سوی مسلمان نسبت به کافر، یا از سوی عاقل نسبت به مجنون و نظایر آن)، مجازات معاون بر اساس میزان تعزیر فاعل اصلی جرم، مطابق بند (ت) این ماده اعمال می‌شود. (تبصره ماده ۶۱۲)

مواد مرتبط: ۶۱۲ و ۶۱۴

**نکات:**

۱. اگر رفتار اصلی جرم نباشد و یا به جهت وجود یکی از عوامل موجهه، جرم تلقی نگردد همانند دفاع مشروع و یا اینکه مشمول عفو عمومی قرار گیرد، رفتار معاون نیز به تبع آن قابل مجازات نخواهد بود. در حالی که اگر رفتار اصلی جرم باشد، ولی به جهت وجود یکی از عوامل رافع مسئولیت کیفری قابل انتساب به مرتکب نباشد، تأثیری در حق معاون ندارد. زیرا کیفیات مذکور جنبه شخصی دارد نه عینی (رک ماده ۱۲۹)

۲. گاه ممکن است قانون‌گذار، استثنائاً به‌رغم آنکه رفتار اصلی جرم نیست، اما معاونت در آن را جرم تلقی کند. مثلاً می‌توان به معاونت در خودکشی در ماده ۷۴۳ ق.م.ا اشاره داشت

۳. گاهی قانون‌گذار بدون ذکر عنوان معاونت، برای رفتارهایی که ماهیتاً از مصادیق معاونت است، در قالب جرمی مستقل مجازات‌هایی پیش‌بینی کرده است.

- تشویق مردم به فساد و فحشاء: بند ب ماده ۶۳۹ ق.م.ا مصوب ۷۵.
- تهدید دیگران به دادن نوشته، سند یا امضاء: ماده ۶۶۸ ق.م.ا مصوب ۷۵.
- تحریک مردم به جنگ و کشتار با یکدیگر به قصد برهم زدن امنیت کشور: ماده ۵۱۲ ق.م.ا مصوب ۷۵
- سوءاستفاده از قدرت رسمی در جلوگیری از اجرای قوانین و یا اوامر کتبی دولتی یا مقامات قضایی: ماده ۵۷۶ ق.م.ا - ۷۵
- دلالت زن حامله به استعمال ادویه یا وسایل دیگر توسط اشخاص عادی: ماده ۶۲۳ ق.م.ا مصوب ۷۵

- فراهم کردن وسایل سقطجین توسط اشخاصی که به‌عنوان طبابت، مامایی، جراحی یا دارو فروشی اقدام می‌کنند: ماده ۶۲۴ ق.م.ا.مصوب ۷۵

۴. قانون‌گذار در سه بند الف و پ و ت ملاک تعیین مجازات معاون جرم را مجازات قانونی دانسته است، درحالی‌که در بند ب ملاک را جرم ارتكابی در نظر گرفته است.

۵. اگر شخصی سارق را در سرقت مرتبه سوم یا چهارم معاونت کند، هم مطابق بند الف قابل مجازات است و هم مطابق بند ب.

#### دیدگاه نخست: عمل طبق بند ب به دو دلیل

۱. قانون‌گذار به حکم معاونت در سرقت حدی به طور خاص تصریح کرده است

۲. اصل تفسیر به نفع متهم نیز اقتضای اعمال بند ب در این حالت را دارد.

#### دیدگاه دوم: عمل طبق بند الف به دو دلیل

۱. جرائمی که دارای مجازات قانونی سلب حیات و حبس ابد است دارای اهمیت بوده لذا قانون‌گذار به انگیزه بازدارندگی، برای معاونت در چنین جرائمی مجازات نسبتاً سنگینی در نظر گرفته تا اشخاص از یاری‌رساندن به مرتکبین این قبیل جرائم خودداری کنند

۲. قرار گرفتن جرم قطع عمدی عضو در کنار سرقت حدی در بند ب قرینه مناسبی است برای اینکه قانون‌گذار مرادش از سرقت حدی، احتمالاً سرقت حدی در مرتبه‌های اول و دوم بوده است، چراکه با توجه به ماده ۲۷۸ ق.م.ا. مشخص می‌شود مجازات سرقت حدی در مرتبه اول و دوم به ترتیب قطع چهار انگشت دست راست و قطع پای چپ می‌باشد. بنابراین ظاهراً بند ب منصرف از سرقت‌های حدی‌ای می‌باشد که مجازات قانونی آن سلب حیات و حبس ابد می‌باشد

۶. تناسب میان مجازات مباشر و معاون در برخی از حالات رعایت نشده است. مثلاً با توجه به ماده ۲۸۲ ق.م.ا. مجازات قانونی جرم محاربه چهار مورد می‌باشد که یکی از آن‌ها اعدام (سلب حیات) است. حال بر اساس بند الف ماده ۱۲۷ ق.م.ا. مجازات معاونت در محاربه همواره حبس تعزیری درجه دو یا سه می‌باشد، یعنی بیش از ۱۰ سال تا ۲۵ سال درحالی‌که برای مرتکب جرم محاربه می‌توان حتی مجازات سبکی مثل یک سال نفی بلد را تعیین نمود

#### ماده ۱۲۸-

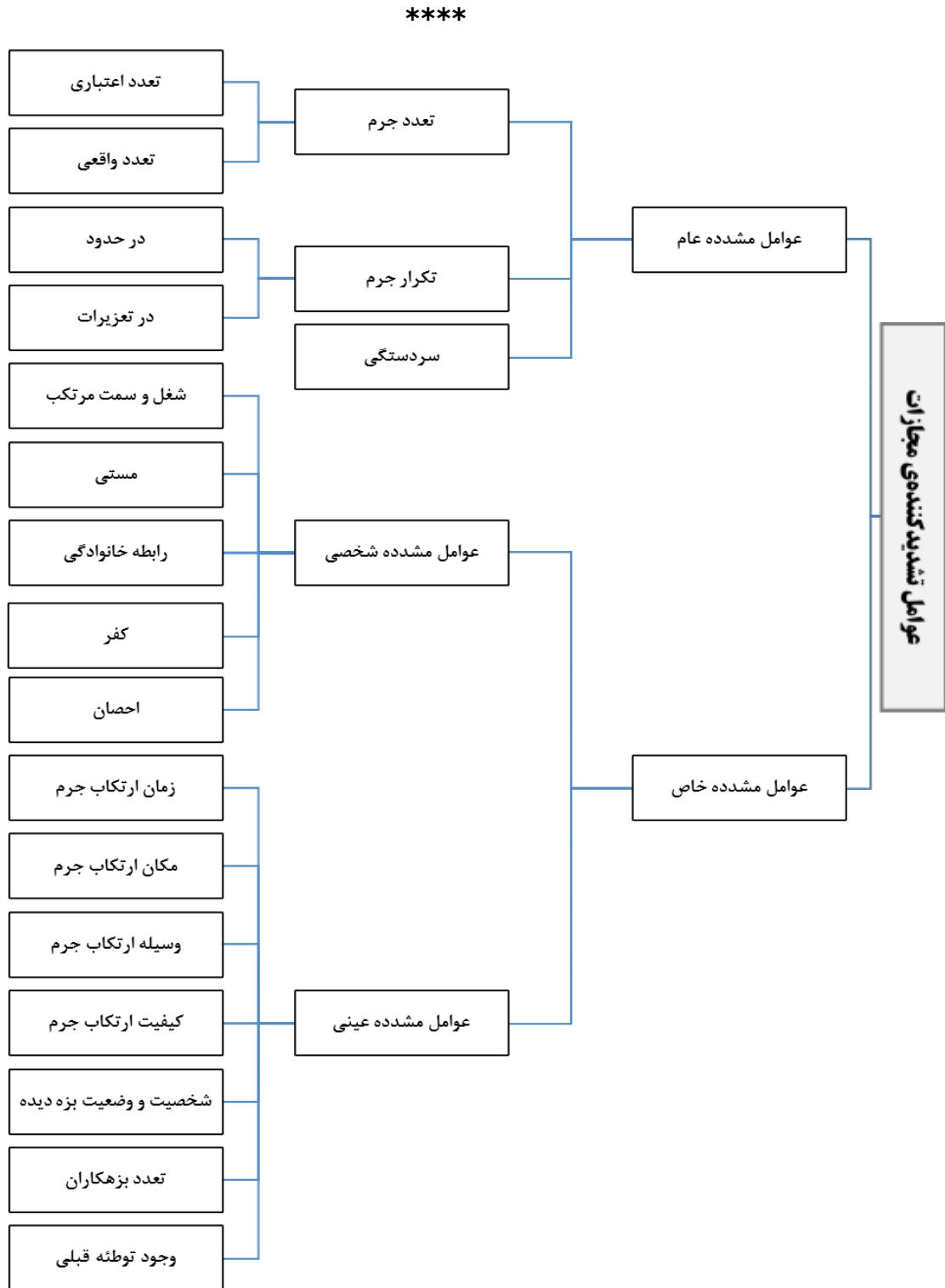
هر کس از فرد نابالغ (ممیز و غیرممیز) به‌عنوان وسیله ارتکاب جرم مستند به خود استفاده نماید به حداکثر مجازات قانونی همان جرم محکوم می‌گردد.

همچنین هر کس در رفتار مجرمانه فرد نابالغی (ممیز و غیر ممیز/ چراکه معاونت در مورد مجنون و نابالغ غیرممیز نیز متصور است. مثلاً مجنون یا صغیر غیرممیز قصد دزدی از مغازه داشته باشد، در این حال شخصی عامداً جلوی دید صاحب مغازه را بگیرد تا مجنون یا صغیر بتواند دزدی کند، معاونت در جرم نابالغ مجنون و صغیر غیر ممیز تحقق یافته است) معاونت کند به حداکثر مجازات معاونت در آن جرم محکوم می‌شود.

#### ماده ۱۲۹- معاونت در رفتار مجرمانه افراد دارای فاقد مسئولیت کیفری

هر گاه در ارتکاب رفتار مجرمانه، مرتکب به جهتی از جهات شخصی مانند صغر و جنون، قابل تعقیب نباشد یا تعقیب یا اجرای مجازات او به جهتی از این جهات، موقوف گردد تأثیری در تعقیب و مجازات معاون جرم ندارد.



**نکات:**

۱. **عوامل مشدده عام: عواملی** که موجب تشدید مجازات جرم خواهد شد، بدون آنکه به جرم معینی اختصاص داشته باشد فصل چهارم- سردستگی گروه مجرمانه سازمان یافته

**۲. عوامل مشدده ی خاص**

- **عوامل مشدده ی شخصی:** عوامل مشدده شخصی به عواملی گفته می شود که در صورت وجود، صرفاً باعث تشدید مجازات دارنده ی آن وصف یا صفت شده و هیچ تأثیری در تشدید مجازات دیگر مرتکبین (خواه شریک و خواه معاون) نخواهد شد

۱. **شغل و سمت مرتکب:** ماده ۵۴۳ ق.م.ا مصوب ۷۵: ... در صورتی که **مستحفظ** آن مرتکب شده باشد به حبس از یک تا دو سال محکوم می‌شود
  ۲. **مستی:** ماده ۷۱۸ ق.م.ا مصوب ۷۵
  ۳. **رابطه خانوادگی:** ماده ۲۲۴ ق.م.ا: حد زنا در موارد زیر اعدام است:
    ۱. الف- زنا با محارم نسبی
    ۲. ب- زنا با زن پدر که موجب اعدام زانی است.
  ۴. **کفر:** تبصره ۱ ماده ۲۳۴ ق.م.ا: در صورتی که فاعل (لواط) غیرمسلمان و مفعول، مسلمان باشد، حد فاعل اعدام است
  ۵. **احسان:** ماده ۲۲۵ ق.م.ا: حد زنا برای زانی محسن و زانیه محسنه رجم است...
۱. **عوامل مشدده ی عینی:** در صورت وجود، نه تنها باعث تشدید مجازات دارنده ی آن وصف یا صفت شده، بلکه منجر به تشدید مجازات دیگر مرتکبین (خواه شریک و خواه معاون) نیز خواهد شد  
این قبیل عوامل گاه ناظر به **بزه** (موارد ۱ تا ۴) گاه ناظر به **بزه دیده** (مورد ۵) و گاه ناظر به **بزه کار** (مورد ۶ و ۷) می‌باشد.
    ۱. **زمان وقوع جرم:** ماده ۵۰۹ ق.م.ا مصوب ۷۵: هر کس در زمان جنگ ... همچنین بخشی از ماده ۵۵۵ و همچنین مواد ۵۸۰، ۶۵۱، ۶۵۴ و ۶۹۵ ق.م.ا مصوب ۷۵.
    ۲. **مکان وقوع جرم:** ماده ۵۵۵ ق.م.ا مصوب ۷۵: تشدید جرم در محدوده مکه
    ۳. **وسیله ارتکاب جرم:** استفاده از مواد منفجره (ماده ۶۷۸ - مصوب ۷۵) / حمل اسلحه (ماده ۶۹۴- مصوب ۷۵) / استفاده از اسلحه (ماده ۶۰۷- مصوب ۷۵) استفاده از وسیله نقلیه (ماده ۶۲۱- مصوب ۷۵) استفاده از وسایل ارتباط جمعی (ماده ۱ ق.ت.م.ا.اک)
    ۴. **کیفیت ارتکاب جرم:** ماده ۲۲۴ ق.م.ا: حد زنا در موارد زیر اعدام است:....  
ت- زنا ی به **عنف** یا **اکراه** از سوی زانی که موجب اعدام زانی است.
  ۵. **شخصیت و وضعیت بزه دیده:**
    - شخصیت بزه دیده: ماده ۵۱۴ ق.م.ا مصوب ۷۵: هر کس به **حضرت امام خمینی**، بنیان‌گذار جمهوری اسلامی رضوان‌الله علیه و مقام معظم رهبری به نحوی از انحاء اهانت نماید به حبس از شش ماه تا دو سال محکوم خواهد شد.
    - وضعیت بزه دیده: ماده ۶۲۱ ق.م.ا مصوب ۷۵: ... در صورتی که سن مجنی علیه کمتر از پانزده سال تمام باشد ... مرتکب به حداکثر مجازات تعیین شده محکوم خواهد شد و در صورت ارتکاب جرائم دیگر به مجازات آن جرم نیز محکوم می‌گردد.
  ۶. **تعدد بزه کاران:** ماده ۶۹۱ ق.م.ا مصوب ۷۵: ... هرگاه مرتکبین دو نفر یا بیشتر بوده و لااقل یکی از آن‌ها حامل سلاح باشد به حبس از یک تا سه سال محکوم خواهند شد.
  ۷. **وجود توطئه قبلی:** ماده ۶۲۰ ق.م.ا مصوب ۷۵: هرگاه جرائم مذکور در مواد (۶۱۶) و (۶۱۷) و (۶۱۸) در نتیجه توطئه قبلی و دسته‌جمعی واقع شود هر یک از مرتکبین به حداکثر مجازات مقرر محکوم خواهند شد

### ماده ۱۳۰- سردستگی

هر کس سردستگی یک گروه مجرمانه را برعهده گیرد به حداکثر مجازات شدیدترین جرمی که اعضای آن گروه در راستای اهداف همان گروه مرتکب شوند، محکوم می‌گردد. (مثال: اگر گروه اقدام به خارج کردن اموال

تاریخی، فرهنگی از کشور نمایند، سردسته آنها به ۳ سال حبس و جزای نقدی معادل دو برابر ارزش مال مورد قاچاق محکوم می‌شود ماده ۵۶۱ ق.م.ا مصوب ۷۵ اما اگر اعضای گروه مجرمانه در راستای اهداف آن، مرتکب جرائم تخریب مجموعه فرهنگی - تاریخی ماده ۵۸۸ ق.م.ا مصوب ۷۵ و سرقت قطعات آثار فرهنگی - تاریخی ۵۹۹ ق.م.ا مصوب ۷۵ نیز شده باشند، سردسته باید به مجازات شدیدترین جرم محکوم گردد. در این مثال از آنجایی که شدیدترین جرم ارتكابی، جرم تخریب مجموعه‌ی فرهنگی - تاریخی است، سردسته باید به حداکثر مجازات آن یعنی ۱۰ سال حبس محکوم شود. مگر آنکه جرم ارتكابی موجب حد (غیر از محاربه و افساد فی الارض) یا قصاص یا دیه باشد که در این صورت به حداکثر مجازات معاونت (ماده ۱۲۷) در آن جرم محکوم می‌شود

در محاربه و افساد فی الارض زمانی که عنوان محارب یا مفسد فی الارض بر سردسته گروه مجرمانه صدق کند حسب مورد به مجازات محارب یا مفسد فی الارض محکوم می‌گردد.

تبصره ۱- گروه مجرمانه عبارت است از گروه نسبتاً منسجم (عرفاً گروهی منسجم پنداشته شود، کافی است) متشکل از سه نفر یا بیشتر که برای ارتكاب جرم تشکیل می‌شود یا پس از تشکیل، هدف آن برای ارتكاب جرم (برخی: منظور از جرم اعم است از عمدی و غیرعمدی، به دلیل اطلاق کلمه جرم و وجود دیه در ماده که ناظر به جنایات غیرعمدی است/ برخی دیگر: سردستگی گروه مجرمانه صرفاً در جرائم عمدی قابل تحقق است به دلیل استفاده از عبارت ... «اهداف گروه» ... در ماده، چراکه این عبارت صرفاً در جرائم عمدی بکار می‌رود و اشاره به مجازات معاونت در جرم حال آنکه معاونت در جرم فقط در جرائم عمدی قابل تصور است) منحرف می‌گردد.

تبصره ۲- سردستگی عبارت از تشکیل یا طراحی یا سازمان‌دهی یا اداره گروه مجرمانه است.

#### نکات:

۱. علت مشدده بودن این عامل:
  - احتمال نیل به موفقیت در جرائم گروهی بسیار بیشتر از جرائم فردی است چراکه هم مرتکبین قوت قلب بیشتری برخوردار بوده و هم بزه دیدگان قدرت عمل کمتری خواهند داشت.
  - آثار و پیامدهای جرائم گروهی به مراتب مخرب‌تر از جرائم فردی است چراکه این قبیل جرائم غالباً از سازمان‌دهی مناسبی برخوردار بوده و هوشمندانه به سمت ارتكاب جرم گام بر می‌دارند.

لذا در این میان، شخصی که به‌عنوان مغز متفکر و مَهره گردان این قبیل جرائم، نقشی محوری را ایفا می‌کند سزاوار شدیدترین برخوردهاست
۲. مجموعاً می‌توان صور زیر را برای سردسته تصور نمود:
 

الف: عدم شرکت سردسته‌ی گروه مجرمانه در جرائم ارتكابی: در این صورت مجازات سردسته بر اساس ماده ۱۳۰ ق.م.ا تعیین خواهد شد.

ب: شرکت سردسته‌ی گروه مجرمانه در جرائم ارتكابی:

  ۱. ارتكاب جرم واحد توسط گروه: برخی معتقدند در این صورت قواعد تعدد اعتباری (رفتار واحد با دو عنوان مجرمانه‌ی سردستگی و شرکت در جرم ارتكابی) جاری خواهد بود،
  ۲. ارتكاب جرائم متعدد توسط گروه: تعدادی معتقدند در این صورت نسبت به جرائم ارتكابی توسط خود و سایر اعضای گروه، قواعد تعدد اعتباری (رفتار واحد با دو عنوان مجرمانه‌ی سردستگی و شرکت در جرم ارتكابی) و نسبت به سایر جرائم صرفاً عنوان سردستگی صادق است، در نتیجه مجموعاً مشمول قواعد تعدد واقعی خواهد بود

## فصل پنجم - تعدد جرم

### نکات:

۱. تعدد جرم: ارتکاب جرائم متعدد بدون آنکه متهم برای اتهامات متعدد پیشین خود به محکومیت کیفری قطعی رسیده باشد، خواه جرائم متعدد در فواصل کوتاهی ارتکاب یافته باشد، چندان که زمان برای تعقیب و محکومیت متهم کافی نبوده، خواه متهم متواری بوده و یا جرائم او به دلایل گوناگون کشف نشده باشد.
  ۲. مهم‌ترین تفاوت میان تعدد جرم و تکرار جرم در وجود محکومیت کیفری است. یعنی برخلاف تعدد، در تکرار جرم یک شخص بعد از آنکه حکم کیفری قطعی نسبت به جرم ارتكابی‌اش صادر شده است، مجدداً مرتکب جرمی دیگر می‌شود (به استثنای حدود؛ در حدود اجرای مجازات ملاک تکرار است نه صرف محکومیت قطعی)
  ۳. اگر میان جرائم واقع شده متعدد، نوعی همبستگی الزامی وجود داشته باشد، به شکلی که وقوع یک جرم ضرورتاً مستلزم ارتکاب یک جرم قبل از آن بوده **یعنی جرم مقدمه‌ای** و یا ارتکاب یک جرم بعد از رفتار مجرمانه‌ی دیگر، امری کاملاً ضروری محسوب گردد **یعنی جرم پیامدی**، عدالت مقتضی آن است که آن‌ها را از موضوع تعدد جرم خارج دانسته و مرتکب را تنها به مجازات جرم اصلی محکوم نمود مثل اینکه اگر فردی با **حمل کردن** مقداری تریاک، آن را **وارد** کشور می‌نماید (قاچاق) / یا / شخصی ضبط ماشینی را به **سرقت** برده و سپس آن را **مخفی** می‌نماید
  ۴. در بحث تعدد توجه به وحدت یا تعدد موضوع لازم است زیرا زمانی که موضوع جرمی واحد است، حتی اگر چندین جرم در آن واقع گردد، حکم به تعدد جرم دشوار می‌باشد، حال آنکه برعکس، زمانی که موضوع جرم متعدد می‌باشد، ولو آنکه تقارن زمانی میان ارتکاب تمامی آن‌ها وجود داشته باشد، می‌بایست احکام تعدد جرم را جاری دانست.
- رأی دیوان ۱۳۲۵/۸/۷ - بزه سرقت **وقتی متعدد محسوب است که محل سرقت مختلف و نوع مال مسروقه و تاریخ ارتکاب متفاوت باشد**، بنابراین اگر کسی غله موجود در انباری را در ظرف چند روز سرقت کند، چون **محل سرقت و نوع مال یکی است**، بزه **متعدد محسوب نمی‌شود**

### ماده ۱۳۱ - تعدد اعتباری جرم تعزیری (معنوی یا عنوانی)

در جرائم موجب **تعزیر هرگاه رفتار واحد**، دارای عناوین مجرمانه متعدد باشد، مرتکب به **مجازات اشد** محکوم می‌شود. (مثل اعطای مال امانی به قاضی به‌عنوان رشوه «خیانت‌دramانت، رشاء» یا نشان دادن یک سند مجعول به دیگری و اقدام برای بردن مال وی «استفاده از سند مجعول، کلاه‌برداری») مواد مرتبط: تبصره ۲ ماده ۱۳۲، ۲۹۶، ۵۴۶ ناظر به ۵۳۸ مصوب ۹۲.

### نکات:

۱. مقصود از **اشد مجازات**: محکومیت به حداکثر مجازات قانونی یک جرم و مقصود از **مجازات اشد**: محکومیت به مجازات جرم شدیدتر است.
- بنابراین در جایی که از مجازات اشد استفاده می‌شود، منطقاً باید بیش از یک مجازات وجود داشته باشد تا بتوان شخص را به مجازات جرم شدیدتر محکوم کرد. لذا مطابق ماده ۱۳۱ ق.م.ا باید در مثال دوم مرتکب را شروع به مجازات اشد یعنی کلاه‌برداری مجازات جرم محکوم نمود
۲. ملاک تشخیص مجازات اشد و اخف: مباحث ذیل ماده ۱۹
۳. اگر رفتار واحدی هم‌زمان مشمول عناوین مجرمانه‌ای باشد که برخی مستوجب تعزیر و برخی دیگر مستوجب حد، قصاص یا دیه باشند نمی‌توان به ماده ۱۳۱ ق.م.ا استناد کرد بلکه باید قائل به جمع مجازات‌ها شد. مثل ماده ۶۳۹ ق.م.ا مصوب ۷۵ و ماده ۲۵۲ ق.م.ا مصوب ۹۲ و تبصره و خود ماده ۵۱۶ ق.م.ا مصوب ۷۵.

**ماده ۱۳۲- تعدد واقعی و اعتباری در جرائم مستوجب حد**

در جرائم موجب حد، تعدد جرم، موجب تعدد مجازات است مگر در مواردی که جرائم ارتكابی و نیز مجازات آن‌ها یکسان باشد.

تبصره ۱- چنانچه مرتکب به اعدام و حبس یا اعدام و تبعید محکوم گردد، تنها اعدام اجرا می‌شود. (استثنا وارد بر قاعده جمع مجازات‌ها در حدود)

تبصره ۲- چنانچه دو یا چند جرم حدی در راستای هم و در یک واقعه باشند، فقط مجازات اشد اجرا می‌شود؛ مانند تفخیز در هنگام لواط که تنها مجازات لواط اجرا می‌شود. (تعدد اعتباری در جرائم مستوجب حد)

تبصره ۳- اگر مرد و زنی چند بار با یکدیگر مرتکب زنا شوند، چنانچه مجازات اعدام و جلد یا رجم و جلد ثابت باشد، تنها اعدام یا رجم حسب مورد اجرا می‌شود. (استثنا وارد بر قاعده جمع مجازات‌ها در حدود)

تبصره ۴- چنانچه قذف، نسبت به دو یا چند نفر باشد، دو یا چند مجازات اجرا می‌گردد. (استثنا وارد بر قاعده اجرای مجازات واحد)

(این مطلب بدین معنی نیست که در جرم قذف همواره چند مجازات اجرا گردد، بلکه وحدت یا تعدد مجازات در قذف، به نحوه قذف و نیز نحوه شکایت مقذوفین بستگی دارد. رک: ۲۵۶ و ۲۵۷ ق.م.ا)

**نکات:**

۱. تعدد واقعی جرم در جرائم مستوجب حد مطابق صدر ماده ۱۳۲ ق.م.ا.

حالات	جرائم	مجازات‌ها	حکم	مثال
حالت اول	متفاوت	متفاوت	جمع مجازات‌ها	ارتکاب جرم‌های تفخیز و قوادی که مجازات آن‌ها به ترتیب ۱۰۰ و ۷۵ ضربه شلاق است
حالت دوم	مشابه	مشابه	اجرای یک مجازات	ارتکاب متعدد جرم مساحقه که مجازات آن ۱۰۰ ضربه شلاق است.
حالت سوم	متفاوت	مشابه	جمع مجازات‌ها	ارتکاب جرم‌های شرب خمر و قذف که مجازات هر دو ۸۰ ضربه شلاق است
حالت چهارم	مشابه	متفاوت	جمع مجازات‌ها	ارتکاب دو جرم زنا که یکی مجازات شلاق و دیگری اعدام داشته باشد

**ماده ۱۳۳-**

در تعدد جرائم موجب حد و قصاص، مجازات‌ها جمع می‌شود. لکن چنانچه مجازات حدی، موضوع قصاص را از بین ببرد یا موجب تأخیر در اجرای قصاص گردد، اجرای قصاص، مقدم است و در صورت عدم مطالبه فوری اجرای قصاص یا گذشت یا تبدیل به دیه، مجازات حدی اجرا می‌شود.

**ماده ۱۳۴- تعدد واقعی در جرائم مستوجب تعزیر**

در جرائم موجب تعزیر هرگاه جرائم ارتكابی بیش از سه جرم نباشد دادگاه برای هر یک از آن جرائم حداکثر مجازات مقرر را حکم می‌کند و هرگاه جرائم ارتكابی بیش از سه جرم باشد، مجازات هر یک را بیش از حداکثر مجازات مقرر قانونی مشروط به اینکه از حداکثر به اضافه نصف آن تجاوز نکند، تعیین می‌نماید.

در هر یک از موارد فوق فقط مجازات اشد قابل اجرا است و اگر مجازات اشد به یکی از علل قانونی تقلیل یابد یا تبدیل یا غیر قابل اجرا شود، مجازات اشد بعدی اجرا می‌گردد.

در هر مورد که مجازات فاقد حداقل و حداکثر باشد، اگر جرائم ارتكابی بیش از سه جرم نباشد تا یک چهارم و اگر جرائم ارتكابی بیش از سه جرم باشد تا نصف مجازات مقرر قانونی به اصل آن اضافه می‌گردد.

تبصره ۱- در صورتی که از رفتار مجرمانه واحد، نتایج مجرمانه متعدد حاصل شود، طبق مقررات فوق عمل می‌شود.

(در این تبصره قانون‌گذار میان رفتار واحدی که دارای عناوین مجرمانه متعدد است با رفتار واحدی که دارای نتایج مجرمانه متعدد است قائل به تفاوت شده است. مورد نخست مشمول قواعد تعدد اعتباری ماده ۱۳۱ و مورد دوم مشمول تعدد واقعی است. در این مورد تفاوتی نمی‌کند نتایج مجرمانه مشابه باشند یا نباشند.

مثال برای رفتار واحد دارای نتایج مجرمانه مشابه: نپرداختن نفقه به افراد تحت تکفل. در این فرض به تعداد افراد تحت تکفل جرم انجام داده است. «تعدد واقعی»

مثال برای رفتار واحد دارای نتایج مجرمانه غیر مشابه: کسی عمداً محل مسکونی متعلق به دیگری را آتش بزند و آتش به خطوط انتقال نیروی برق سرایت کند و هم‌زمان بر اثر سرایت آتش، اشیاء متعلق به صاحب خانه و همچنین اسناد و مدارک تجاری که اتلاف آن موجب ضرر به او است، در شعله‌های آتش خاکستر شود. «تعدد واقعی»

مثال استاد قلی پور: با یک شلیک سه نفر را بکشد، یک رفتار نتایج زیان‌بار متعدد داشته است)

تبصره ۲- در صورتی که مجموع جرائم ارتكابی در قانون عنوان مجرمانه خاصی داشته باشد، مقررات تعدد جرم، اعمال نمی‌شود و مرتکب به مجازات مقرر در قانون محکوم می‌گردد.

(گاه قانون‌گذار چندین رفتار که هر یک به تنهایی جرمی مستقل‌اند را تحت یک عنوان مجرمانه خاص قرار داده و حکمی خاص را بر آن بار می‌کند. در این صورت متهم، به جای اعمال قواعد تعدد جرم، صرفاً به مجازات همان عنوان مجرمانه خاص محکوم خواهد شد. مثل سرقت مقرون به آزار ماده ۶۵۲ ق.م.ا. مصوب ۷۵).

تبصره ۳- در تعدد جرم در صورت وجود جهات تخفیف، دادگاه می‌تواند مجازات مرتکب را تا میانگین حداقل و حداکثر و چنانچه مجازات، فاقد حداقل و حداکثر باشد تا نصف آن تقلیل دهد.  
(روش اعمال تخفیف در تعدد جرم:

مثال یک: شخصی سه جرم دارای حداقل و حداکثر انجام داده که مجازات شدیدترین آن‌ها مثلاً ۱ سال تا ۵ سال است و شخص باید طبق قاعده تعدد به ۵ سال حبس محکوم شود. حال بر فرض وجود جهات تخفیف:

$$1. \text{ میانگین حداقل و حداکثر مجازات قانونی (نه قضایی) را به دست می‌آوریم که می‌شود } \frac{5+1}{2} = 3$$

۲. عدد به دست آمده می‌شود حداقل مجازات، و حداکثر مجازات همان حداکثر مجازات قانونی خواهد بود بنابراین در

اینجا قاضی شخص را به ۳ سال تا ۵ سال حبس محکوم می‌کند

مثال دو: شخصی سه جرم فاقد حداقل و حداکثر انجام داده که مجازات شدیدترین آن‌ها مثلاً ۵ سال است و قاضی طبق قاعده تعدد می‌تواند از بازه ۵ سال تا ۶ سال و ۳ ماه، شخص را به حبس محکوم کند. حال بر فرض وجود جهات تخفیف:  
نصف مجازات اصلی (قانونی) یعنی ۵ سال می‌شود ۲ سال و نیم حبس را به‌عنوان حداقل و ۵ سال را به‌عنوان حداکثر در نظر می‌گیریم و از این بازه برای شخص مجازاتی انتخاب می‌کنیم.

مثال سه: شخصی چهار جرم دارای حداقل و حداکثر انجام داده که مجازات شدیدترین آن‌ها مثلاً ۱ سال تا ۵ سال است و شخص باید طبق قاعده تعدد به بیش از ۵ سال تا ۷ سال و نیم حبس محکوم شود. حال بر فرض وجود جهات تخفیف:

۱. میانگین حداقل و حداکثر مجازات قانونی (نه قضایی) را به دست می‌آوریم که می‌شود  $\frac{5+1}{2} = 3$

۲. عدد به دست آمده می‌شود حداقل مجازات و حداکثر مجازات در فرض تعدد و تخفیف برابر است با حداکثر مجازات قانونی + یک‌دوم حداکثر مجازات قانونی. بنابراین در اینجا قاضی مخیر از شخص را به ۳ سال تا ۷ و نیم سال حبس محکوم کند.

**نکته مهم:** چرا در تخفیف مجازات در تعدد جرم، میانگین مجازات قانونی (در حالت تشدید نیافته) را حساب می‌کنیم نه بعد از تشدید را؟

زیرا اگر حالت تشدید یافته را انتخاب کنیم نتیجه غیرمنطقی می‌شود و نه تنها تخفیفی برای متهم لحاظ نمی‌شود بلکه به نوعی تشدید خواهد بود. مثلاً مجازات مثال آخر بدون تخفیف، بیش از ۵ سال تا ۷ سال و نیم حبس بود. حال اگر برای تخفیف بنا باشد میانگین ۵ سال و ۷ و نیم سال را در نظر بگیریم و آن را حداقل مجازات قرار می‌دادیم، بازه مجازات تخفیف یافته شخص می‌شد از ۶ سال و ۳ ماه تا ۷ سال و نیم. و بدیهی است که این بازه شدیدتر از ۵ تا ۷ سال «یعنی میزان مجازات بر فرض نبود شرایط تخفیف» است نه خفیف‌تر.

**تبصره ۴-** مقررات تعدد جرم در مورد جرائم تعزیری درجه‌های هفت و هشت اجرا نمی‌شود.

این مجازات‌ها با هم و نیز با مجازات‌های تعزیری درجه یک تا شش جمع می‌گردد. (مثلاً اگر ۴ جرم بود که سه تا درجه ۱ تا ۶ و یکی درجه ۷ بود، کلاً سه جرم مشمول قواعد تعدد می‌شود و بعد از محاسبه مجازات، مجازات جرم درجه هفت نیز با آن‌ها جمع می‌شود.

اشکال این تبصره: این تبصره در مورد جرائم درجه ۷ و ۸ نه تنها ارفاق آمیز نیست بلکه سخت‌گیرانه نیز هست. مثلاً اگر کسی ۱۰ مرتبه مرتکب جرم سوگند دروغ (درجه ۶) شده باشد تنها یک مجازات را تحمل خواهد نمود، ولی اگر مرتکب ۱۰ فقره جرم انتشار هجویه (درجه ۷) شود باید ۱۰ مجازات تحمل کند!



مراحل محاسبه:

❖ ابتدا بررسی می‌کنیم جرم‌ها تعزیری باشند

• اگر دو یا سه جرم تعزیری درجه ۱ تا ۶ بود

○ بررسی می‌کنیم دارای حداقل و حداکثر هستند یا خیر؟

۱. اگر دارا بود: حداکثر مجازات مقرر هر جرم را حکم می‌دهیم یعنی در حکم ذکر می‌کنیم. و مجازات

اشد را اجرا می‌کنیم.

۲. اگر **دارا نبود**: مقدار مجازات قانونی را به عنوان حداقل و مقدار مجازات قانونی + یک چهارم آن را به عنوان حداکثر در نظر می‌گیریم و از این بازه مجازاتی برای شخص مرتکب در حکم ذکر می‌کنیم.

اگر  $x =$  مجازات قانونی  $\leftarrow$  آنگاه مجازات مرتکب به اختیار قاضی = بیش از  $x$  تا  $x + \frac{1}{4}x$

۳. اگر برخی از آن‌ها دارای حداقل و حداکثر بود و برخی نبود: ابتدا مواردی که دارای حداقل و حداکثر هستند را مانند بالا حساب می‌کنیم (حداکثر مجازات مقرر هر جرم را حکم می‌دهیم) سپس موردی که فاقد حداقل و حداکثر است را مانند فرمول خاص خود حساب می‌کنیم و از بازه به دست آمده حکم آن جرم مشخص کنیم. حال میزان مجازات همه جرم‌ها را کنار هم قرار می‌دهیم و شدیدترین حکم از میان آن‌ها را اجرا می‌کنیم.

• اگر بیشتر از ۳ جرم تعزیری درجه ۱ تا ۶ بود

○ بررسی می‌کنیم دارای حداقل و حداکثر هستند یا خیر؟

۱. اگر **دارا بود**: حداکثر مجازات قانونی + یک روز می‌شود به عنوان حداقل مجازات در حالت تشدید شده و یک‌دوم حداکثر مجازات قانونی + مجازات قانونی می‌شود، حداکثر مجازات در حالت تشدید یافته.

اگر  $x =$  حداکثر مجازات قانونی  $\leftarrow$  آنگاه مجازات مرتکب به اختیار قاضی = بیش از  $x$  تا  $x + \frac{1}{2}x$

۲. اگر **دارا نبود**: مقدار مجازات قانونی را به عنوان حداقل و مقدار مجازات قانونی + یک‌دوم آن را به عنوان حداکثر در نظر می‌گیریم و از این بازه مجازاتی برای شخص مرتکب می‌کنیم.

اگر  $x =$  مجازات قانونی  $\leftarrow$  آنگاه مجازات مرتکب به اختیار قاضی = بیش از  $x$  تا  $x + \frac{1}{2}x$

۳. اگر برخی از آن‌ها دارای حداقل و حداکثر بود و برخی نبود؟ در مورد آن‌هایی که دارای حداقل و حداکثر هستند جداگانه محاسبه و حکم می‌کنیم. سپس در مورد آن‌هایی که فاقد حداقل و حداکثر هستند نیز محاسبه و حکم می‌کنیم. سپس از میان این موارد اشد را انتخاب و اجرا می‌کنیم

### نکات:

۱. در موردی که قاضی در انتخاب مجازات جرم‌های متعدد، از میان بازه خاصی حق انتخاب حکم دارد، ممکن است حکمی که اجرا می‌شود غیر از مجازاتی باشد که در قانون شدیدتر است. چراکه امکان دارد قاضی از میان بازه‌های موجود، با اختیار خود در جرمی که مجازات قانونی آن مثلاً ۳ تا ۱۵ سال حبس است، به ۵ سال حبس حکم کند اما در مورد جرم دیگر شخص که بازه مجازات قانونی آن ۵ تا ۱۰ سال است به ۱۰ سال حبس حکم کند. در اینجا مجازات جرم دوم شدیدتر است و همین باید اجرا شود هر چند مجازات قانونی‌اش از جرم اول کمتر است.

۲. در بحث تعدد جرم لزومی ندارد جرائم ارتكابی حتماً متفاوت باشد بلکه اگر شخصی یک جرم را چندین مرتبه انجام دهد نیز مشمول قواعد تعدد جرم قرار خواهد گرفت، البته منوط به وجود تمامی شرایط قانونی.

۳. به نظر می‌رسد علت اینکه قانون‌گذار در ماده ۱۳۴ ق.م.ا اصرار داشته است حتماً بایستی مجازات‌های تمامی جرائم در حکم دادگاه قید گردد، بدان جهت است که اگر به یکی از علل قانونی، مجازات اشد تقلیل، تبدیل یا غیرقابل اجرا شد با مشخص بودن مجازات اشد بعدی، مرتکب بدون مجازات باقی نماند.

۴. فرضاً به موجب قانون سابق برای شخصی که جرائم متعدد انجام داده مجازات تعیین شده است، حال در بحث تعدد اگر اعمال ماده ۱۳۴ منجر به تخفیف شود: عطف به ما سبق می‌شود و قاضی اجرای احکام موظف پرونده را به دادگاه بفرستد و الا فلا (مصدق)



۵. در فرض اینکه بخواهیم ۳ جرم با مجازتهای مختلف را در فرض تعدد، تخفیف دهیم، این تخفیف در مورد کدام جرم اعمال می‌شود؟ سه نظر

- به اختیار قاضی
- تخفیف هر سه
- شدیدتر تخفیف داد می‌شود

۶. اگر شخصی جرم دارای مجازات درجه ۶ انجام دهد و پس از قطعیت حکم مرتکب یکی از جرائم تعزیری درجه یک تا ۶ شود با توجه به ماده ۱۳۷،

اگر حکم قطعی اجرا نشده باشد و مشمول مرور زمان اجرای حکم هم نشده باشد از موجبات تشدید مجازات به لحاظ تکرار جرم است اگر محکومیت قطعی اجرا شده باشد با توجه به ماده ۲۵ برای جرم درجه ۶ مجازات تبعی در نظر گرفته نشده است لذا مشمول مقررات تکرار نمی‌شود. مشورتی ۷/۹۲/۱۷۹۲ مورخ ۱۳۹۲/۹/۱۶

### **ماده ۱۳۵ - تعدد جرائم مستوجب حد و قصاص / حد و تعزیر / قصاص و تعزیر**

در تعدد جرائم موجب حد و تعزیر و نیز جرائم موجب قصاص و تعزیر مجازات‌ها جمع و ابتدا حد یا قصاص اجرا می‌شود مگر حد یا قصاص، سالب حیات و تعزیر، حق الناس یا تعزیر معین شرعی باشد و موجب تأخیر اجرای حد نیز نشود که در این صورت ابتدا تعزیر اجرا می‌گردد. (پس سه حالت شد)

۱. در تعدد جرائم موجب حد و قصاص، مجازات‌ها جمع می‌شود
۲. در تعدد جرائم موجب حد و تعزیر ... مجازات‌ها جمع و ابتدا حد ... اجرا می‌گردد مگر حد سالب حیات یا تعزیر، حق الناس یا تعزیر معین شرعی باشد و موجب تأخیر اجرای حد نیز نشود که در این صورت ابتدا تعزیر اجرا می‌گردد
۳. در تعدد جرائم ... موجب قصاص و تعزیر مجازات‌ها جمع و ابتدا ... قصاص اجرا می‌شود مگر ... قصاص با سالب حیات و تعزیر، حق الناس یا تعزیر معین شرعی باشد ... که در این صورت ابتدا تعزیر اجرا می‌گردد)

تبصره- در صورتی که جرم حدی از جنس جرم تعزیری باشد مانند سرقت حدی و سرقت غیرحدی یا مانند زنا و روابط نامشروع کمتر از زنا، مرتکب فقط به مجازات حدی محکوم می‌شود و مجازات تعزیری ساقط می‌گردد، مگر در حد قذف که اگر قذف نسبت به شخصی و دشنام به دیگری باشد، مرتکب به هر دو مجازات محکوم می‌شود.

(این تبصره به منزله چراغ سبزی به همه بزهکاران بوده و به آن‌ها در صورت ارتکاب جرم مستوجب حد مصونیت می‌بخشد که قادرند تا زمان محکومیت به جرم مستوجب حد، هر چه در توان دارند، جرم مستوجب تعزیر متجانس با آن را انجام دهند)

### **فصل ششم - تکرار جرم**

#### **ماده ۱۳۶ - تکرار جرم در جرائم مستوجب حد**

هر گاه کسی سه بار مرتکب یک نوع جرم موجب حد شود و هر بار حد آن جرم بر او جاری گردد، (یعنی شرط تحقق تکرار جرم در جرائم مستوجب حد اجرای مجازات حدی است نه صدور حکم محکومیت قطعی کیفری) حد وی در مرتبه چهارم اعدام است.

#### **نکات:**

۱. این حکم منصرف از جرائم مستوجب حدی است که اعدام مجازات نخستین آن‌ها است.

۲. استثنائاً در سرقت حدی: در مرتبه اول: قطع چهار انگشت دست راست، در مرتبه دوم: قطع پای چپ، در مرتبه سوم: حبس ابد و در مرتبه چهارم، اعدام است هر چند سرقت در زندان باشد. (ماده ۲۷۸)
۳. تبصره ۱ ماده ۲۷۸- هرگاه سارق، فاقد عضو متعلق قطع باشد، حسب مورد مشمول یکی از سرقت‌های تعزیری می‌شود در نتیجه اگر سارق، دست راست نداشته باشد هیچ‌گاه حد بر او اجرا نمی‌شود هر بارها مرتکب سرقت حدی شود.
۴. مجرم در مرتبه دوم و سوم به همان مجازات حدی محکوم می‌گردد که به جهت ارتکاب آن جرم حدی برای بار نخست محکوم شده بود و این موضوع هیچ‌گونه تأثیری در تشدید مجازات وی نخواهد داشت

### ماده ۱۳۷- تکرار جرم در جرائم مستوجب تعزیر

هر کس به موجب حکم قطعی (یعنی اعتبار امر مختومه را پیدا کرده و لازم‌الاجرا گردیده باشد، بنابراین بر احکامی که غیرقطعی و قابل تجدیدنظرند، از حیث تکرار جرم هیچ اثری بار نیست) به یکی از مجازات‌های تعزیری (اگر شخصی به جرم مستوجب حد، قصاص یا دیه محکوم شده و پس از قطعیت حکم، مرتکب جرم مستوجب تعزیر درجه یک تا شش شود، مشمول مقررات تکرار جرم نخواهد شد) از درجه یک تا شش محکوم شود (چه جرم عمدی باشد چه غیرعمدی/ مشورتی ۷/۹۲/۱۷۹۲ مورخ ۱۳۹۲/۹/۱۶) و از تاریخ قطعیت حکم تا حصول اعاده حیثیت یا شمول مرور زمان اجرای مجازات (یعنی اگر در مدتی که باید بگذرد تا مرور زمان کامل شود، مرتکب جرم شد، مشمول تکرار است اما اگر بعد از گذشت مدت لازم برای مرور زمان مرتکب شد، دیگر مشمول تکرار نمی‌شود، هر چند بعد از اینکه مشمول مرور زمان شد، مجازات تبعی طبق ماده ۲۵ اعمال خواهد شد)، مرتکب جرم تعزیری (عمدی/ مشورتی ۷/۹۲/۱۷۹۲ مورخ ۱۳۹۲/۹/۱۶) درجه یک تا شش دیگری گردد، به حداکثر مجازات تا یک و نیم برابر آن محکوم می‌شود.

### نکات:

۱. ممکن است در مورد کسی حکم محکومیت قطعی صادر شود اما به دلایلی اجرا نشود.
۲. در تعلیق اجرای مجازات و آزادی مشروط چون ابتدا حکم صادر شده و سپس مرتکب مشمول این دو نهاد می‌شوند ارتکاب جرم جدید در زمان تعلیق اجرای مجازات یا آزادی مشروط، مشمول مقررات تکرار جرم خواهد بود. برخلاف این موارد، اگر شخصی که نسبت به وی قرار تعویق صدور حکم صادر شده است، در مدت تعویق مرتکب جرم جدید شده باشد، چون برای جرم سابق متهم، حکم محکومیت کیفری صادر نشده است، ارتکاب جرم جدید در مدت تعویق صدور حکم، وضعیت تعدد جرم را مطرح می‌سازد، نه تکرار جرم را.
۳. برخلاف جرائم مستوجب حد، یک نوع بودن جرم تکرار شده با جرم قبلی در جرائم مستوجب تعزیر شرط نیست بلکه صرفاً باید تعزیری یک تا شش باشند. (تکرار عام)
۴. ملاک، مجازات قضایی است یعنی مجازاتی که توسط قاضی تعیین شده و شخص را به آن محکوم کرده است، مجازات تعزیری درجه ۱ تا ۶ باشد، نه اینکه مجازات قانونی آن رفتار، درجه ۱ تا ۶ باشد. پس اگر شخصی جرمی انجام داد که مجازات قانونی آن درجه ۵ است اما در اثر تخفیف محکوم به مجازات درجه ۷ شد دیگر مشمول قواعد تکرار جرم نخواهد بود.
۵. تکرار جرم صرفاً در یکی از این دو زمان معنی پیدا می‌کند:  
یک- از تاریخ قطعیت حکم تا حصول اعاده حیثیت:: این مورد ناظر به زمانی است که علاوه بر صدور حکم کیفری قطعی، حکم اجرا نیز شده باشد. در این حالت اگر مجرم تا زمان قبل از حصول اعاده حیثیت یعنی در بازه زمانی مندرج در ماده ۲۵ ق.م.ا مرتکب جرم مستوجب تعزیر جدید شود، با حصول سایر شرایط قانونی، مشمول قواعد تکرار جرم خواهد بود، ولی چنانچه بعد از حصول اعاده حیثیت چنین کند، دیگر مشمول قواعد تکرار جرم قرار نمی‌گیرد

دو- از تاریخ قطعیت حکم تا شمول مرور زمان اجرای مجازات: این مورد ناظر به زمانی است که به‌رغم صدور حکم کیفری قطعی، حکم اجرا نشده باشد. در این حالت، اگر مجرم تا زمانی قبل از شمول مرور زمان اجرای مجازات (یعنی بازه‌های زمانی ماده ۱۰۷ ق.م.ا) مرتکب جرم مستوجب تعزیر جدید شود، با حصول سایر شرایط قانونی، مشمول قواعد تکرار جرم خواهد بود، ولی اگر بعد از شمول مرور زمان اجرای مجازات چنین کند، دیگر مشمول قواعد تکرار جرم قرار نمی‌گیرد

**سؤال ۶:** مجازات تبعی در صورتی که حکم اجرا نشود در فرضی که مشمول مرور زمان شود، بعد از کامل شدن مرور زمان آغاز می‌شود در این حالت، اگر کسی بعد از کامل شدن مدت مرور زمان جرم درجه ۶ انجام دهد، به این دلیل که هنوز مجازات تبعی آن پایان نیافته است آیا مشمول تکرار می‌شود، یا اینکه طبق نص ماده پس از کامل شدن مدت مرور زمان، تکرار محقق نمی‌شود هرچند شخص در دوران مجازات تبعی پس از شمول مرور زمان باشد؟

**پاسخ:** طبق نص قانون مشمول تکرار نمی‌شود

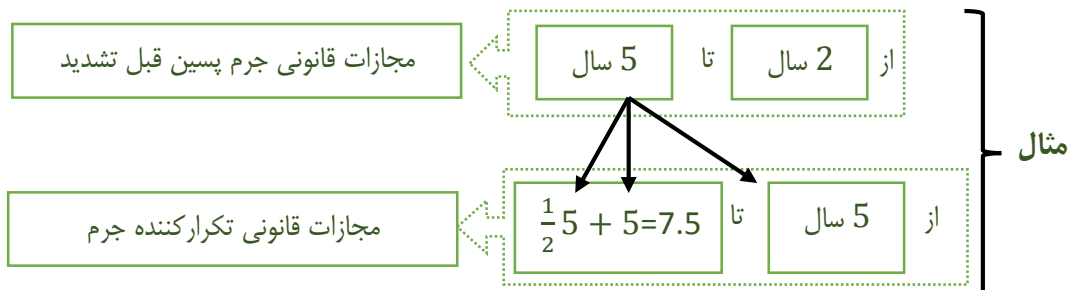
۷. برخلاف جرم پیشین که مجازات قضایی ملاک است، باید در جرم پسین مجازات قانونی ملاک است چون قاضی هنوز حکمی صادر نکرده که بتوان از درجه آن سخن گفت، بلکه در مرحله تعیین مجازات بوده و باید بر اساس قواعد تکرار جرم، تعیین مجازات نماید.
۸. **به نظر من:** اینکه «اگر شخصی بعد از گذشت مدت لازم برای مرور زمان مرتکب جرم درجه ۵ شد، دیگر مشمول تکرار نمی‌شود»، نشان می‌دهد که ملاک در قواعد تکرار محکومیت است نه وجود آثار تبعی، چون اگر این طور بود در همین فرض طبق ماده ۲۵ آثار تبعی بعد از مرور زمان خود به خود اعمال می‌شود لذا باید جرم بعد از شمول مرور زمان هم مشمول قاعده تکرار می‌بود.

**روشن:**

۱. نوع جرم و میزان محکومیت سابق را مشخص می‌کنیم. ←
۲. اگر تعزیری بود و میزان محکومیت درجه یک تا شش بود آنگاه ←
۳. اگر مجازات، اجرا شده بود، سراغ ماده ۲۵ می‌رویم و اگر مجازات اجرا نشده، سراغ ماده ۱۰۷ می‌رویم ←
۴. اگر جرم تعزیری ۱ تا ۶ جدید در بازه‌های موجود در ماده ۲۵ یا ۱۰۷ باشد مشمول تکرار می‌شود و الا خیر.

۶ مجازات جرم تکرار شده: حداقل و حداکثر مجازات تکرارکننده‌ی جرم را حداکثر مجازات قانونی به‌عنوان حداقل و تا یک و نیم برابر حداکثر مجازات قانونی به‌عنوان حداکثر.

اگر مجازات قانونی جرم پسین در حالت عادی: از Y تا X  
 آنگاه مجازات قانونی جرم پسین در حالت تشدید یافته: از X تا  $\frac{1}{2}X + X$



۷. به نظر می‌رسد مجازات جرم تکرار شده در صورتی که جرم پسین فاقد حداقل و حداکثر باشد، برابر است با مقدار مجازات قانونی به‌عنوان حداقل مجازات تکرارکننده و تا یک و نیم برابر آن به‌عنوان حداکثر مجازات
۸. آیا قواعد تکرار جرم تنها شامل جرائم عمدی بوده یا دربرگیرنده جرائم غیرعمدی نیز می‌باشد؟

- دیدگاه اول: قانون‌گذار در تکرار جرم از واژه مطلق جرم استفاده نموده است، بنابراین ظاهراً تفاوتی میان جرائم عمدی و غیرعمدی قائل نشده است.
- دیدگاه دوم: برخی دیگر قائل به آن‌اند که تکرار جرم فقط در جرائم عمدی محقق است
  - دلیل ۱- مضمون رأی وحدت رویه شماره ۲۵ - ۲۰ / ۱۱ / ۵۵: محکومیت به جرائم غیرعمدی سالب حیثیت نیست در حالیکه تکرار در مورد جرائمی معنی پیدا می‌کند که اعاده حیثیت در آن‌ها معنی ندارد. نتیجتاً محکومیت به جرائم غیرعمدی از نظر این که سالب حیثیت نبوده و زمان اعاده حیثیت ندارند، از شمول مقررات مربوط به تکرار جرم خارج خواهد.
  - دلیل ۲- فلسفه تشدید مجازات در تکرار جرم جلوگیری از تخریب و بی‌اعتنایی مجرم نسبت به قانون و دستگاه عدالت کیفری و عدم تأثیر بازدارندگی مجازات قبلی است (که تنها در جرائم عمدی محقق است نه جرائم غیرعمدی)

#### ماده ۱۳۸-

مقررات مربوط به تکرار جرم در جرائم سیاسی و مطبوعاتی و جرائم اطفال (و نوجوانان) اعمال نمی‌شود.  
مواد مرتبط: ۹۵

#### نکات:

اگرچه در این ماده فقط کلمه اطفال آمده و کلمه نوجوانان ذکر نشده است اما به قرینه ماده ۹۵ که محکومیت‌های کیفری اطفال و نوجوانان را فاقد آثار کیفری می‌داند، مشخص می‌شود مقررات مربوط به تکرار در مورد نوجوانان نیز اعمال نمی‌شود زیرا شرط اعمال مقررات تکرار جرم بر اساس ماده ۱۳۷ داشتن سابقه محکومیت کیفری مؤثر است و وقتی جرم نوجوان فاقد آثار کیفری است موضوع تکرار منتفی است. (مصدق)

(به نظر: لازم‌ه این سخن دکتر مصدق این است که ایشان آثار تبعی مجازات را به صرف محکومیت، تا وقتی حکم اجرا نشده، منتفی بدانند حال آنکه ایشان در نکات ماده ۲۵ در نقد نظری که معتقد است: اگر حکم صادر شود اما اجرا نشود آثار تبعی هم منتفی است، می‌گویند: این نظر صحیح نیست چون ملاک در آثار تبعی، محکومیت است نه اجرای مجازات/ ر.ک نکته ماده ۲۵)

#### ماده ۱۳۹-

در تکرار جرائم تعزیری در صورت وجود جهات تخفیف به شرح زیر عمل می‌شود:

الف- چنانچه مجازات قانونی دارای حداقل و حداکثر باشد، دادگاه می‌تواند مجازات مرتکب را تا میانگین حداقل و حداکثر مجازات تقلیل دهد.

ب- چنانچه مجازات، ثابت یا فاقد حداقل باشد، دادگاه می‌تواند مجازات مرتکب را تا نصف مجازات مقرر تقلیل دهد.

تبصره- چنانچه مرتکب دارای سه فقره محکومیت قطعی مشمول مقررات تکرار جرم یا بیشتر از آن باشد، مقررات تخفیف اعمال نمی‌شود. (البته صرف وجود سه فقره محکومیت کیفری قطعی مانع اعمال مقررات تخفیف مجازات نخواهد شد، بلکه آنچه که منع قانونی محسوب می‌شود سه فقره محکومیت کیفری قطعی مشمول مقررات تکرار جرم است. لذا اگر شخصی دارای سه فقره محکومیت کیفری قطعی به جرائم مستوجب تعزیر درجه هفت بوده و سپس مرتکب جرم مستوجب تعزیر درجه چهار گردد یا اینکه شخصی دارای سه فقره محکومیت کیفری قطعی درجه پنج بوده و سپس مرتکب جرم مستوجب

تعزیر درجه هشت گردد، مشمول مقررات تکرار نخواهد شد لذا در صورت وجود یکی از جهات تخفیف، قاضی می‌تواند مقررات مندرج در ماده ۱۳۹ ق.م.ا را نسبت به وی اعمال نماید)  
مواد مرتبط: تبصره یک ماده ۱۱۵

#### نکات:

- مانند تعدد، در تخفیف مجازات، میانگین مجازات قانونی (در حالت تشدید نیافته) را حساب می‌کنیم نه بعد از تشدید را.
- اگر پس از صدور حکم محکومیت قطعی کیفری، محکوم‌علیه مرتکب جرائم متعدد گردد. احتمال دارد قواعد تعدد و تکرار جرم ترکیب شود.  
مثلاً در مورد شخصی به جرم خیانت‌درامانت (ماده ۶۷۴ ق.م.ا مصوب ۷۵)، محکومیت کیفری قطعی به ۳ سال حبس تعزیری صادر گردد. سپس دوباره مرتکب جرائم جعل حکم دادگاه ماده ۵۲۵ ق.م.ا مصوب ۷۵ و تحریک و اغوای مردم به جنگ و کشتار ماده ۵۱۲ ق.م.ا مصوب ۷۵ گردد.  
در این صورت قاضی ابتدا باید میان جرائم جعل حکم دادگاه و تحریک و اغوای مردم به جنگ و کشتار قواعد تعدد جرم را جاری سازد، بدین صورت که طبق ماده ۱۳۴ ق.م.ا مصوب ۹۲، ابتدا برای هر یک از جرائم ارتكابی، حداکثر مجازات قانونی یعنی به ترتیب ۱۰ سال حبس تعزیری و ۵ سال حبس تعزیری را تعیین کند و فقط مجازات اشد یعنی ۱۰ سال حبس را نسبت به مرتکب اعمال نماید و سپس باید قواعد تکرار جرم را جاری سازد، بدین صورت که مجازات اشد یعنی ۱۰ سال حبس تعزیری را به ۱۰ تا ۱۵ سال حبس تعزیری تشدید نماید. البته بیان گردید که تعیین میزان دقیق مجازات مرتکب در بازه‌ی فوق جزء اختیارات قضات محسوب می‌شود. (بنابراین ابتدا قواعد تعدد سپس قواعد تکرار اعمال می‌شود)

### بخش چهارم - شرایط و موانع مسؤولیت کیفری

#### فصل اول - شرایط مسؤولیت کیفری

##### ماده ۱۴۰ -

مسؤولیت کیفری در حدود، قصاص و تعزیرات تنها زمانی محقق است که فرد حین ارتکاب جرم، عاقل، بالغ و مختار باشد به جز در مورد اکراه بر قتل که حکم آن در کتاب سوم «قصاص» آمده است.  
مواد مرتبط: ۲۹۲، ۴۵۰

#### نکات:

- در خصوص مجنون دوره‌ای، ملاک برای عدم وجود مسؤولیت کیفری، وجود جنون در زمان ارتکاب جرم است.
- مجازات نشدن مجنون، به معنای رها کردنش به حال خود نمی‌باشد بلکه اقدامات تأمینی نسبت به وی اعمال خواهد شد. ماده ۱۵۰ ق.م.ا

##### ماده ۱۴۱ - اصل شخصی بودن مجازات‌ها

مسؤولیت کیفری، شخصی است.

#### نکات:

- مجازات‌ها فقط نسبت به مرتکبان جرم قابل اعمال می‌باشد. (لا تَزْرُ وَازِرَةً وَزَرَ أُخْرَى)
- این اصل غیر از اصل فردی کردن مجازات‌ها است. اصل فردی کردن مجازات‌ها یعنی مجازات متناسب با شخصیت، خصایص و ویژگی‌های مجرمان باشد. (تناسب بین مجرم و مجازات/ ماده ۱۸)

### ماده ۱۴۲- استننا از اصل شخصی بودن مجازات‌ها

مسئولیت کیفری به علت رفتار دیگری تنها در صورتی ثابت است که شخص به طور قانونی مسئول اعمال دیگری باشد یا در رابطه با نتیجه رفتار ارتكابی دیگری، مرتکب تقصیر شود.

#### نکات:

۱. مسئولیت کیفری ناشی از رفتار دیگری مانند:
    - مسئولیت عاقله در قبال جنایات خطای محض، جنایات ارتكابی توسط صغیر و مجنون و نظایر آن
    - مسئولیت کارفرما: در این خصوص مواد ۹۱ و ۹۵ قانون کار حائز اهمیت است
- ماده ۹۵: مسئولیت اجرای مقررات و ضوابط فنی و بهداشت کار بر عهده کارفرما یا مسئولیت واحدهای موضوع ذکر شده در ماده ۸۵ این قانون خواهد بود. هرگاه بر اثر عدم رعایت مقررات مذکور از سوی کارفرما یا مسئولیت واحد حادثه‌ای رخ دهد، شخص کارفرما یا مسئول مذکور از نظر کیفری و حقوقی و نیز مجازات‌های مندرج در این قانون مسئول است
- مسئولیت مدیرمسئول نشریه: در همین راستا، در تبصره ۴ ماده ۹ قانون مطبوعات آمده است: صاحب امتیاز در قبال خطمشی کلی نشریه مسئول است و مسئولیت یکایک مطالبی که در نشریه به چاپ می‌رسد و دیگر امور در رابطه با نشریه به عهده مدیرمسئول خواهد بود

### ماده ۱۴۳- مسئولیت کیفری شخص حقوقی

در مسئولیت کیفری اصل بر مسئولیت شخص حقیقی است و شخص حقوقی (شخص حقوقی تشکیلی است که دارای شخصیت حقوقی و حیات فرضی است و بر حسب نوع فعالیت از اهلیت دارا بودن حق و اجرای تکالیف برخوردار می‌شود، مانند انجمن‌ها، شرکت‌ها، مؤسسات انتفاعی، دولت و مؤسسات عمومی) در صورتی دارای مسئولیت کیفری است که نماینده قانونی (نه سایر کارمندان) شخص حقوقی به نام یا در راستای منافع آن مرتکب جرمی شود.

مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی مانع مسئولیت اشخاص حقیقی مرتکب جرم نیست.

مواد مرتبط: ماده ۵۶۸ تعزیرات، ۱۹ قانون صدور چک، ۱۹۹ مالیات‌های مستقیم، ۷۴۷ ق.م.ا، ۱۴، ۲۲، ۲۱، ۲۰

#### نکات:

۱. در ماده ۷۴۷ به جای یا واو هست که به نظر دقیق‌تر است
۲. در ارتکاب جرم به نام شخص حقوقی، به نظر می‌رسد باید سوءاستفاده از نام شخص حقوقی، موجب بزه دیدگی آن شخص شود تا اینکه وی را به عنوان یک بزهکار قلمداد نماید

### ماده ۱۴۴- سوءنیت کیفری / علم و جهل موضوعی

در تحقق جرائم عمدی علاوه بر علم مرتکب به موضوع جرم، باید قصد او در ارتکاب رفتار مجرمانه احراز

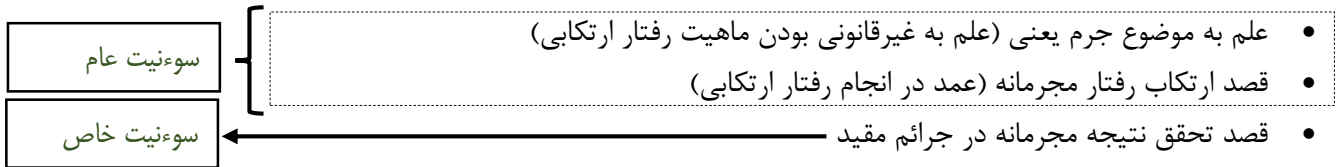
#### گردد.

در جرائمی که وقوع آن‌ها براساس قانون منوط به تحقق نتیجه است، قصد نتیجه یا علم به وقوع آن نیز باید محرز شود.

مواد مرتبط: ۱۵۵، ۲۱۷، ۲۱۸

**نکات:**

۱. خلاصه ماده:



۲. **جهل حکمی** در مقابل علم حکمی است. علم حکمی یعنی اینکه مرتکب آگاه به جرم بودن رفتار ارتكابی باشد. اصل بر آن است که شهروندان جامعه دارای علم حکمی می‌باشند. ماده ۱۵۵ ق.م.ا: جهل به حکم، مانع از مجازات مرتکب نیست مگر اینکه تحصیل علم عادتاً برای وی ممکن نباشد یا جهل به حکم شرعاً عذر محسوب شود.

۳. **جهل موضوعی** در مقابل علم موضوعی است. چنانچه فاعل از ماهیت فعل ارتكابی خود آگاهی داشته و بداند آنچه تصمیم به ارتكاب آن گرفته، غیرقانونی و جرم می‌باشد بدین معنی است که دارای علم موضوعی است. اصل بر جهل موضوعی است و احراز علم لازم است/ ماده ۱۴۴ ق.م.ا. مثلاً الف بداند سرقت جرم است اما موبایل ب را به گمان اینکه برای خودش است بردارد، به جهت مخدوش شدن مؤلفه دوم سوئیت عام یعنی جهل موضوعی، سرقت محقق نشده است.

**۴. نحوه اثرگذاری جهل موضوعی**

- عدم تحقق ابتدایی جرم: هرگاه جهل موضوعی باعث شود جرم اصلاً محقق نشود مثل مثال بالا
- عدم تحقق کیفیات مشدده جرم: هرگاه جهل موضوعی صرفاً کیفیات مشدده جرم را زایل کند مثلاً برای مثال: شخصی به دیگری توهین می‌کند، حال آنکه به سمت کارمند دولت بودن وی آگاه نیست

**۵. جهل موضوعی در جنایات**

- اشتباه در هویت: مثلاً می‌خواسته الف را بکشد ب را به گمان اینکه الف است کشته است. چنین جهلی موضوعی هیچ‌گونه اثری در ماهیت قتل ارتكابی ندارد و مطابق ماده ۲۹۴ ق.م.ا باعث تغییر عنوان مجرمانه نیست و جنایت ارتكابی، قتل عمد مستوجب قصاص است

- اشتباه در اعتقاد به مهدورالدم بودن: مثلاً الف ب را به گمان مهدورالدم بودن می‌کشد اما معلوم می‌شود محقون الدم بوده است. مطابق بند ب ماده ۲۹۱ ق.م.ا و ماده ۳۰۳ ق.م.ا از مصادیق تغییر عنوان قتل عمد به قتل شبه عمد است

۶. سوئیت خاص (قصد مجرمانه) غیر از انگیزه مجرمانه است زیرا انگیزه، هدف غایی وقوع جرم بوده درحالی که سوئیت خاص، هدف ابتدایی وقوع جرم است

**ماده ۱۴۵-**

تحقق جرائم غیر عمدی، منوط به احراز تقصیر مرتکب است.

در جنایات غیر عمدی اعم از شبه‌عمدی و خطای محض مقررات کتاب قصاص و دیات اعمال می‌شود.

تبصره- تقصیر اعم از بی‌احتیاطی (عدم دوراندیشی مرتکب در انجام رفتاری که یک انسان متعارف انجام نمی‌دهد) و بی‌مبالاتی (بی‌پروایی مرتکب در انجام رفتاری که یک انسان متعارف انجام می‌دهد) است.

مسامحه، غفلت، عدم مهارت و عدم رعایت نظامات دولتی و مانند آن‌ها، حسب مورد، از مصادیق بی‌احتیاطی یا بی‌مبالاتی محسوب می‌شود.

**نکات:**

۱. جرائم مادی صرف به جرائمی گفته می‌شود که برای تحقق آن‌ها، صرف وقوع رکن مادی کفایت کرده و نیازی به رکن معنوی ندارند؛ بنابراین به‌صرف احراز رکن مادی جرم، حکم محکومیت صادر می‌شود مانند جرم صدور چک پرداخت نشدنی

۲. وجود تقارن زمانی بین رکن مادی و رکن معنوی ضروری است در غیر این صورت جرم مقصود واقع نخواهد شد

## فصل دوم - موانع مسؤولیت کیفری

### عوامل موجهه جرم = موانع عینی مسؤولیت کیفری

عواملی که وصف مجرمانه را از یک رفتار سلب می‌کند یعنی رفتاری که در حالت عادی جرم تلقی می‌شود در صورت تحقق یک عامل از عوامل موجهه‌ی جرم اصلاً جرم محسوب نمی‌گردد. (بدون لحاظ شخص مرتکب)

عوامل موجهه جرم عبارت‌اند از: اضطرار، دفاع مشروع، حکم قانون، اجازه قانون، اجرای قانون اهم، امر قانونی مقام صلاحیت‌دار، تأدیب و تربیت، عملیات جراحی و طبی و عملیات ورزشی.

**عوامل رافع مسؤولیت کیفری:** عوامل شخصی که در صورت وجود، قابلیت تحمل مجازات را از مرتکب سلب می‌کند یعنی جرم واقع می‌شود، اما به جهت عدم وجود مسؤولیت کیفری، امکان مجازات مرتکب وجود ندارد.

مسؤولیت کیفری = ادراک + اختیار آزاد.

عوامل رافع مسؤولیت کیفری عبارت‌اند از:

- طفولیت (صغر) مواد ۸۸ تا ۹۵ و مواد ۱۴۶ تا ۱۴۸
- جنون مواد ۱۴۹ و ۱۵۰
- مستی مواد ۱۵۴ و ۳۰۷
- خواب و بیهوشی ماده ۱۵۳
- جهل (اشتباه) ماده ۱۵۵ و برخی مواد دیگر
- اکراه ماده ۱۵۱ و ۳۷
- اجبار (مواد متفرقه) (عامل رافع مسؤولیت کیفری دانستن مورد هفتم یعنی اجبار محل تأمل است چراکه عمل شخص مجبور اصلاً جرم نیست نه اینکه جرم باشد و مسؤولیت نداشته باشد)

**عوامل معافیت قانونی از مجازات:** عذرها و دلایلی که توسط قانون‌گذار در قانون پیش‌بینی شده است که در صورت تحقق، قاضی موظف می‌باشد مجرم را به‌رغم دارا بودن مسؤولیت کیفری، از مجازات معاف کند.

مجازات	مسؤولیت کیفری	جرم	عناوین
x	x	x	عوامل موجهه جرم
x	x	✓	عوامل رافع مسؤولیت کیفری
x	✓	✓	عوامل معافیت قانونی از مجازات

**فرق عملی میان عوامل رافع مسؤولیت کیفری و عوامل موجهه:** عوامل موجهه جرم نسبت به شرکا و معاونین نیز اثرگذار بوده و رفتار آن‌ها را نیز مباح می‌کند، در حالی عوامل رافع مسؤولیت کیفری چون جنبه شخصی دارد، نسبت به شرکا و معاونین اثری ندارد.

### ماده ۱۴۶ - مسؤولیت کیفری نابالغ

افراد نابالغ مسؤولیت کیفری ندارند.

#### نکات:

۱. معیار تشخیص بلوغ: (دو دیدگاه)

- معیار تشخیص وقوع بلوغ، سن است: دلیل: حذف عبارت حد بلوغ شرعی در قانون مجازات اسلامی مصوب ۹۲ که در ماده ۴۹ ق.م.ا.م.صوب ۷۰ آمده بود



- علاوه بر سن دو معیار دیگر یعنی احتلام در پسران و عادت ماهیانه در دختران، و روییدن موی خشن بالای آلت تناسلی نیز معتبر است. دلیل:

- پذیرش رویکرد نخست یعنی انحصار تحقق بلوغ در سن، برخلاف قواعد مسلم شرعی است
- وجود قرائنی در قوانین جزایی مانند تبصره اول ماده ۳۰۴ ق.آ.د.ک مصوب ۹۲ که نسبت به قانون مجازات اسلامی مؤخر است: طفل کسی است که به حد بلوغ شرعی نرسیده باشد

#### ماده ۱۴۷-

سن بلوغ، در دختران و پسران، به ترتیب نه و پانزده سال تمام قمری است.

#### ماده ۱۴۸-

در مورد افراد نابالغ، بر اساس مقررات این قانون، اقدامات تأمینی و تربیتی اعمال می‌شود.

#### ماده ۱۴۹- جنون حین ارتکاب جرم

هرگاه مرتکب در زمان ارتکاب جرم دچار اختلال روانی بوده به نحوی که فاقد اراده یا قوه تمییز باشد مجنون محسوب می‌شود و مسؤولیت کیفری ندارد.  
مواد مرتبط:

ماده ۲۰۲ آدک: هرگاه بازپرسی در جریان تحقیقات احتمال دهد متهم هنگام ارتکاب جرم مجنون بوده است، تحقیقات لازم را از نزدیکان او و سایر مطلعان به عمل می‌آورد، نظریه پزشکی قانونی را تحصیل می‌کند و با احراز جنون، پرونده را با صدور قرار موقوفی تعقیب نزد دادستان می‌فرستد...

تبصره ۲- چنانچه جرائم مشمول این ماده مستلزم پرداخت دیه باشد، طبق مقررات مربوط (منظور از مقررات مربوط: ۱. بند ب ماده ۲۹۲ ق.م.ا به همراه مواد ۴۶۷ ق.م.ا و ۷۰۹ دیات / ۲. ماده ۸۵ آدک و تبصره یک آن) اقدام می‌شود

ماده ۳۷۰- چنانچه دادگاه در جریان رسیدگی، احتمال دهد متهم حین ارتکاب جرم مجنون بوده است، تحقیقات لازم را از نزدیکان او و سایر مطلعان به عمل می‌آورد، نظریه پزشکی قانونی را تحصیل می‌کند و با احراز جنون، نسبت به اصل اتهام به صدور قرار موقوفی تعقیب مبادرت می‌کند و با رعایت اقدامات تأمینی برای متهم تصمیم می‌گیرد.

ماده ۸۵ آدک: در مواردی که دیه باید از بیت‌المال پرداخت شود، پس از اتخاذ تصمیم قانونی راجع به سایر جهات، پرونده به دستور دادستان برای صدور حکم مقتضی به دادگاه ارسال می‌شود.

تبصره ۱ - حکم این ماده در مواردی که پرونده با قرار موقوفی تعقیب یا با هر تصمیم دیگری در دادسرا مختومه می‌شود اما باید نسبت به پرداخت دیه تعیین تکلیف شود نیز جاری است.

#### ماده ۱۵۰-

هرگاه مرتکب جرم در حین ارتکاب، مجنون باشد یا در جرائم موجب تعزیر پس از وقوع جرم مبتلا به جنون شود چنانچه جنون و حالت خطرناک مجنون با جلب نظر متخصص، ثابت و آزاد بودن وی مخل نظم و امنیت عمومی باشد به دستور دادستان تا رفع حالت خطرناک در محل مناسب نگهداری می‌شود.

شخص نگهداری شده یا خویشاوندان او می‌توانند در دادگاه به این دستور اعتراض کنند که در این صورت، دادگاه با حضور معترض، موضوع را با جلب نظر کارشناس در جلسه اداری رسیدگی می‌کند و با تشخیص رفع حالت خطرناک در مورد خاتمه اقدام تأمینی و درغیراین صورت در تأیید دستور دادستان، حکم صادر می‌کند.

این حکم قطعی است ولی شخص نگهداری شده یا خویشاوندان وی، هرگاه علائم بهبود را مشاهده کردند حق اعتراض به این حکم را دارند.

این امر مانع از آن نیست که هرگاه بنا به تشخیص متخصص بیماری‌های روانی، مرتکب، درمان شده باشد برحسب پیشنهاد مدیر محل نگهداری او دادستان دستور خاتمه اقدام تأمینی را صادر کند.

تبصره ۱- هرگاه مرتکب یکی از جرائم موجب حد پس از صدور حکم قطعی (۵۰۳ آذک) دچار جنون شود حد ساقط نمی‌شود.

در صورت عارض شدن جنون قبل از صدور حکم قطعی در حدودی که جنبه حق‌اللهی دارد تعقیب و محاکمه تا زمان افاقه به تأخیر می‌افتد.

نسبت به مجازات‌هایی که جنبه حق‌الناسی دارد مانند قصاص و دیه و همچنین ضرر و زیان ناشی از جرم (۱۲۱۶ ق.م)، جنون مانع از تعقیب و رسیدگی نیست.

تبصره ۲- قوه قضاییه موظف است مراکز اقدام تأمینی را در هر حوزه قضایی برای نگهداری افراد موضوع این ماده تدارک ببیند.

تا زمان شروع به کار این اماکن، قسمتی از مراکز روان‌درمانی بهزیستی یا بیمارستانی موجود به این افراد اختصاص داده می‌شود.

مواد مرتبط: تبصره ۲ ماده ۱۳- هرگاه مرتکب جرم پیش از صدور حکم قطعی مبتلا به جنون شود، تا زمان افاقه، تعقیب و دادرسی متوقف می‌شود. مگر آنکه در جرائم حق‌الناسی...

ماده ۵۰۳ آذک: هرگاه محکوم‌علیه در جرائم تعزیری، پس از صدور حکم قطعی، مبتلا به جنون شود، تا زمان افاقه، اجرای حکم به تعویق می‌افتد؛ مگر در مورد مجازات‌های مالی که از اموال محکوم‌علیه وصول می‌شود.

#### نکات:

۱. در مورد جنون بعد از ارتکاب جرم و قبل از صدور حکم قطعی باید مطابق تبصره ۲ ماده ۱۳ آذک عمل کرد نه تبصره یک ماده ۱۵۰ ق.م.ا. بنابراین جنون مرتکب پیش از صدور حکم قطعی، مانع تعقیب و دادرسی خواهد بود مگر در جرائم حق‌الناسی که شرایط اثبات جرم به نحوی است که فرد مجنون یا فاقد هوشیاری در فرض افاقه نیز نتواند از خود رفع اتهام کند

۲. احکام جنون

وضعیت	حکم	استناد
جنون قبل از ارتکاب جرم	هیچ‌گونه اثری در مسئولیت کیفری و اجرای مجازات مرتکب نخواهد داشت می‌تواند در نوع و میزان مجازات مؤثر باشد	بندت ماده ۱۸ ق.م.ا: دادگاه ... موارد زیر را مورد توجه قرار می‌دهد... ت-سوابق و وضعیت فردی مرتکب و ماده ۳۸ ق.م.ا: جهات تخفیف عبارت‌اند از ث: وضع خاص متهم از قبیل کهولت یا بیماری <sup>۱</sup> ...
جنون حین ارتکاب جرم	فاقد مسئولیت کیفری خواهد بود	ماده ۱۴۰ ق.م.ا و ۱۴۹ ق.م.ا

۱. هم با استناد به تمثیلی بودن می‌توان جنون را داخل ماده دانست و هم اینکه جنون نوعی بیماری است.

۱۵۰ ق.م.ا و تبصره ۲ ماده ۱۳ آ.د.ک	در جرائم حق‌اللهی تعقیب و محاکمه تا زمان افاقه به تأخیر می‌افتد در جرائم حق‌الناسی اگر شرایط اثبات جرم به نحوی باشد که فرد مجنون یا فاقد هوشیاری در فرض افاقه نیز نتواند از خود رفع اتهام کند...	<b>جنون بعد از ارتکاب جرم و قبل از صدور حکم قطعی</b>
۱۵۰ ق.م.ا تبصره ماده ۱۳ آدک و قیاس اولویت جنون بعد از صدور حکم قطعی با جنون قبل از ارتکاب جرم تبصره ۲ ماده ۱۳ آدک ماده ۵۰۳ آدک	حد ساقط نمی‌شود قصاص ساقط نمی‌شود دیه ساقط نمی‌شود در تعزیرات، تا زمان افاقه، اجرای حکم به تعویق می‌افتد؛ مگر در مورد مجازات‌های مالی که از اموال محکوم‌علیه وصول می‌شود.	<b>جنون بعد از صدور حکم قطعی</b>

**ماده ۱۵۱-اکراه**

هرگاه کسی بر اثر اکراه غیرقابل تحمل مرتکب رفتاری شود که طبق قانون جرم محسوب می‌شود مجازات نمی‌گردد.

در جرائم موجب تعزیر، اکراه‌کننده به مجازات فاعل جرم محکوم می‌شود.

در جرائم موجب حد و قصاص طبق مقررات مربوط رفتار می‌شود.

مواد مرتبط: ۲۰۲، ۲۰۵، ۲۰۸، ۲۰۷

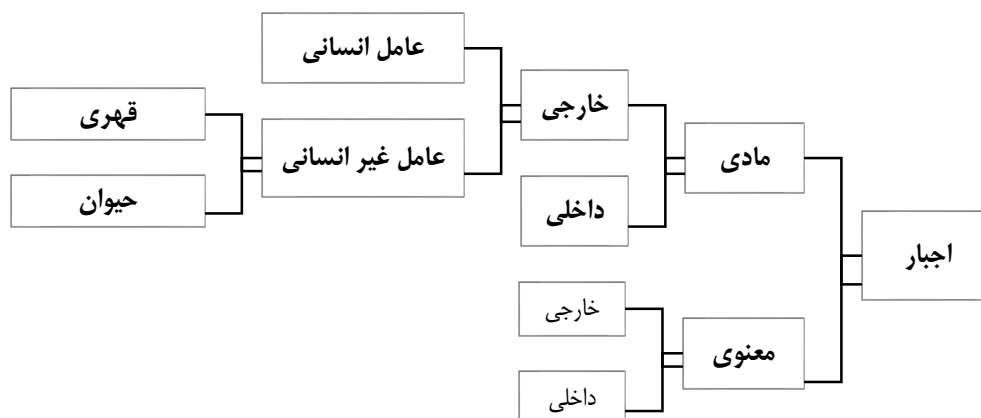
**نکات:****۱. مؤلفه‌های اکراه**

- اکراه‌کننده باید انسان و قادر به انجام تهدیدات خود باشد.
- اکراه‌شونده باید در دفع اکراه ناتوان بوده و تحمل آنچه بدان تهدید شده برای وی با مشقت و سختی همراه باشد
- تهدید موجود در اکراه باید دارای شرایط زیر باشد:
  - غیرقانونی بودن: بنابراین تهدیدهایی که جنبه قانونی داشته باشد، از شمول این ماده خارج می‌باشد.
  - غیرقابل اجتناب بودن: پس باید مکره اطمینان داشته باشد که در صورت عدم انجام رفتار درخواستی از سوی مکره، وی قادر به عملی ساختن تهدید خود خواهد بود.
  - غیرقابل تحمل بودن: بنابراین تهدیدهایی که قابل تحمل باشند در حقوق کیفری اکراه محسوب نمی‌شود.
  - معیار غیرقابل تحمل بودن، شخصی است نه نوعی چراکه مهم فقدان رضایت قلبی در مرتکب است.

## ۲. حکم اکراه کننده (مکروه)

مجازات اکراه کننده	اکراه در جرائم
در جرائم موجب تعزیر، اکراه کننده به مجازات فاعل جرم محکوم می‌شود تفاوتی میان آن نیست که متعلق اکراه، جرم علیه غیر باشد یا جرم علیه خود مکروه	<b>مستوجب تعزیر</b>
ماده ۳۷۵ تا ۳۷۹ ق.م.ا. <b>اکراه در جنایت بر نفس (قتل) توسط اکراه شونده:</b> ۱. متعارف: اکراه در قتل مجوز قتل نیست و مرتکب، قصاص می‌شود و اکراه کننده، به حبس ابد محکوم می‌گردد (صدر ماده ۳۷۵ ق.م.ا.) ۲. صغیر غیرممیز و مجنون: اگر اکراه شونده طفل غیرممیز یا مجنون باشد فقط اکراه کننده محکوم به قصاص است (تبصره یک ماده ۳۷۵ ق.م.ا.) ۳. صغیر ممیز: اگر اکراه شونده طفل ممیز باشد عاقله او دیه مقتول را می‌پردازد. در این مورد اکراه کننده به حبس ابد محکوم می‌شود. (تبصره دو ماده ۳۷۵ ق.م.ا.) <b>اکراه در جنایت بر مادون نفس:</b> اکراه در جنایت بر عضو موجب قصاص اکراه کننده است. (ماده ۳۷۷ ق.م.ا.)	<b>مستوجب قصاص</b>
قسمت پایانی ماده ۱۵۱ ق.م.ا.: در جرائم موجب حد ... طبق مقررات مربوط رفتار می‌شود اما قانون‌گذار در بخش حدود هیچ‌گونه مقرراتی را به این موضوع اختصاص نداده است، محکوم کردن مکروه به حدی از حدود الهی مخالف با شرع و شخصی بودن حدود است و نمی‌توان مکروه را به حدودی مثل شرب خمر یا زنا محکوم ساخت قیاس اولویت طبق ماده ۱۲۷ ق.م.ا.: وقتی تهدید به ارتکاب جرائم مستوجب حد به‌عنوان یکی از مصادیق معاونت، طبق ۱۲۷ ق.م.ا. قابل مجازات است، به‌طریق اولی اکراه به ارتکاب جرائم مستوجب حد نیز حداقل مجازات معاون در ارتکاب جرم مستوجب حد را خواهد داشت	<b>مستوجب حد</b>
مستقلاً در هیچ ماده بحث نشده است اما با توجه به ماهیت دیه، در این مورد باید قائل به این شد که مسئولیت متوجه اکراه کننده بوده و وی باید دیه را پرداخت نماید	<b>مستوجب دیه</b>

۳. بحث اجبار در قوانین پراکنده است



۴. اجبار نه جزء عوامل رافع مسئولیت کیفری بوده و نه جزء عوامل موجهه جرم زیرا طرح بحث از عوامل موجهه جرم و عوامل رافع مسئولیت کیفری فرع بر وجود اراده است در حالیکه مرتکب مجبور فاقد اراده است

## ۵. انواع اجبار

○ اجبار مادی: اجباری که با تأثیر بر جسم شخص، وی را مسلوب الاراده کرده و به سمت ارتکاب جرم سوق می‌دهد  
○ اجبار مادی خارجی: عاملی مادی خارج از وجود شخص مرتکب، او را مسلوب الاراده کرده و وادار به ارتکاب جرم می‌کند

- عامل انسانی: گاه عامل مادی خارجی یک انسان است که در آن صورت همان ضامن خواهد بود.
- عامل غیرانسانی: گاه عامل مادی خارجی غیر از انسان است که البته در این حالت می‌تواند عوامل قهری یا حیوان باشد

قانون‌گذار در خصوص اجبار مادی خارجی در موارد متعددی همچون مواد ۵۰۲، ۵۰۰، ۵۰۵، ۵۱۴ ق.م.ا حکم به منتفی بودن ضمان داده است

○ اجبار مادی داخلی: گاه مرتکب به دلیل شرایط درونی که از لحاظ فیزیکی برای وی به وجود آمده است رفتار مجرمانه‌ای را مرتکب می‌شود، به طوری که منشأ آن خود شخص مجبور است، البته بدون آنکه وی در حدوث این وضعیت اراده‌ای داشته باشد مانند آنکه به یکباره بی‌هوش شده و از بلندی بر دیگر افتاده، موجب صدمه یا تلف شود که در این صورت نه تنها شخص نقشی در ایجاد چنین حالتی نداشته، بلکه از غلبه بر آن حالت نیز عاجز بوده است

۶. **اجبار معنوی:** گاه ممکن است به جای جسم، روح و روان انسان از طریق یک عامل آن‌چنان تأثیر پذیرد که بی‌اراده به سوی ارتکاب جرم رانده شود

○ اجبار معنوی خارجی: عاملی معنوی خارج از وجود شخص مرتکب، او را مسلوب الاراده کرده و وادار به ارتکاب جرم می‌کند (مثل ماده ۴۹۹)

○ اجبار معنوی داخلی: در این حالت، فشارها و هیجانات غیرقابل کنترل آن‌چنان از درون بر روح و روان فرد اثر می‌گذارند که وی را بی‌اختیار به سوی ارتکاب جرم میرانند مثل اینکه فرد مبتلا به بیماری قند، بر اثر کم شدن قند خون، حالت تهاجمی پیدا کرده و بی‌اراده به سوی دیگری حمله‌ور شود و وی را بکشد. رویه قضایی ایران به علت عدم امکان مطلق اثبات چنین اجباری، تقریباً هیچ‌گونه تأثیری برای این نوع اجبار قائل نیستند و مرتکب را مسئول پیامدهای رفتار ارتكابی خویش می‌دانند

**ماده ۱۵۲-اضطرار**

هر کس هنگام بروز خطر شدید فعلی یا قریب‌الوقوع از قبیل آتش‌سوزی، سیل، طوفان، زلزله یا بیماری به منظور حفظ نفس یا مال خود یا دیگری (۵۱۰) مرتکب رفتاری شود که طبق قانون جرم محسوب می‌شود قابل مجازات نیست (چون جرم نیست/ البته در قتل عمدی این مطلب پذیرفته نیست و مضطر مجازات می‌شود) مشروط بر اینکه خطر را عمداً ایجاد نکند (بنابراین طبق مفهوم این قید: اگر غیرعمدی و از روی تقصیر ایجاد شود باز هم می‌تواند به اضطرار استناد کند) و رفتار ارتكابی با خطر موجود متناسب و برای دفع آن ضرورت داشته باشد.

تبصره- کسانی که حسب وظیفه یا قانون مکلف به مقابله با خطر می‌باشند نمی‌توانند با تمسک به این ماده از ایفای وظایف قانونی خود امتناع نمایند.

مواد مرتبط: ۱ ق.م.م

**نکات:**

۱. طبق ماده ۱ مسئولیت مدنی دیه و ضمان منتفی نمی‌شود (ماده ۱-قانون مسئولیت مدنی: هر کس بدون مجوز قانونی عمداً یا در نتیجه بی‌احتیاطی به جان یا سلامتی یا مال یا آزادی یا حیثیت یا شهرت تجارتي یا به هر حق دیگر که به موجب قانون برای افراد ایجاد گردیده لطمه‌ای وارد نماید که موجب ضرر مادی یا معنوی دیگری شود مسئول جبران خسارت ناشی از عمل خود می‌باشد).  
اما در صورت صدق قاعده احسان، طبق ماده ۵۱۰ دیه و ضمان منتفی است.

## ۲. آثار اضطراب

- تعزیر: عدم مجازات
- حدود: سقوط حد
- قصاص:

○ قتل عمدی: عامل موجهه نیست

○ دیگر جنایات: با وجود شرایطی عامل موجهه است

- دیه و خسارت جسمانی یا غیر جسمانی به کسی وارد شود

○ مضطر برای نجات خسارت دیده اقدام کرده بود: عدم ضمان ماده ۵۱۰

○ مضطر برای نجات خود اقدام کرده و به دیگری خسارت زده: ضمان ثابت است

**ماده ۱۵۳- ارتکاب جرم در حال خواب، بیهوشی و مانند آن‌ها**

هر کس در حال خواب، بیهوشی و مانند آن‌ها (هیپنوتیزم)، مرتکب رفتاری شود که طبق قانون جرم محسوب می‌شود مجازات نمی‌گردد مگر اینکه شخص با علم به اینکه در حال خواب یا بیهوشی مرتکب جرم می‌شود (ماده ۲۹۲ و تبصره آن)، عمداً بخوابد و یا خود را بی‌هوش کند. (ضمان و دیه وجود دارد ۲۹۲)

**ماده ۱۵۴- ارتکاب جرم در حال مستی**

مستی و بی‌ارادگی حاصل از مصرف اختیاری مسکرات، مواد مخدر و روان‌گردان و نظایر آن‌ها، مانع مجازات نیست مگر اینکه ثابت شود مرتکب حین ارتکاب جرم به‌طور کلی مسلوب‌الاختیار بوده است. لکن چنانچه ثابت شود مصرف این مواد به منظور ارتکاب جرم یا با علم به تحقق آن بوده است و جرم موردنظر واقع شود، به مجازات هر دو جرم محکوم می‌شود. (ضمان و دیه وجود دارد) مواد مرتبط: ۳۰۷، ۲۹۲، ۲۶۳

**نکات:**

۱. ماده ۱۵۴ قاعده کلی ارتکاب جرم در حالت مستی را بیان داشته اما ماده ۳۰۷ ارتکاب جنایت در حالت مستی را

۲. مطابق هر دو ماده مستی وقتی یکی از عوامل رافع مسئولیت کیفری است که دو شرط وجود داشته باشد:

- **مسلوب‌الاختیار بودن مرتکب:** اثبات ادعای مسلوب‌الاختیار بودن بر عهده مرتکب است نه مقام قضایی. به قرینه استفاده از کلمه **ثابت شود** می‌توان گفت اگر مسلوب‌الاختیار بودن مرتکب از راه دیگری نیز ثابت شود همچنان مستی یکی از عوامل رافع مسئولیت کیفری خواهد بود

- **عدم مصرف مواد به منظور ارتکاب جرم یا با علم به تحقق آن:** مطابق با این شرط اگر شخصی قصد ارتکاب جرم داشته یا علم نوعی<sup>۱</sup> به تحقق جرم در آن حالت داشته باشد سپس خود را مست و مسلوب‌الاختیار کند همچنان مسئول و به مجازات هر دو جرم محکوم می‌شود. جرم انجام شده باید نظیر آنچه قصد شده، باشد لذا اگر در حال مستی جرمی غیر از آنچه قصد کرده، انجام دهد مثلاً قصد دزدی داشته ولی مرتکب قتل شود نمی‌توان وی را به قصاص نفس محکوم کرد.

۳. قانون‌گذار در ماده ۱۵۴ ق.م.ا.مجرم مست را با حصول شرایط قانونی، مطلقاً مسئول ندانسته و هیچ‌گونه مجازاتی را نسبت به وی در خصوص جرمی که در حال مستی مرتکب شده است، قابل اعمال نمی‌داند مگر در صورت وجود نص قانونی، درحالی که در بحث جنایات عمدی، درباره ارتکاب جنایت در حالت مستی، در ماده ۳۰۷ ق.م.ا. صرفاً قصاص را ساقط کرده ولی علاوه بر دیه - که ماهیتی حقوقی دارد- تعزیر را نیز لازم‌الاجرا دانسته است. بنابراین باید قائل به این شد تعزیر ماده ۳۰۷ ق.م.ا. تخصیصی بر ماده ۱۵۴ ق.م.ا. است.

۱. علم و جهل شخصی مست ملاک نیست.

**ماده ۱۵۵- نقش جهل به حکم**

جهل به حکم، مانع از مجازات مرتکب نیست مگر اینکه تحصیل علم عادتاً برای وی ممکن نباشد یا جهل به حکم شرعاً عذر محسوب شود.

تبصره- جهل به نوع یا میزان مجازات مانع از مجازات نیست.

مواد مرتبط: ۲۱۷، ۲۱۸، ۱۴۴،

**نکات:**

۱. جهل موضوعی در مقابل علم موضوعی است. چنانچه فاعل از ماهیت فعل ارتكابی خود آگاهی داشته و بداند آنچه تصمیم به ارتكاب آن گرفته، غیرقانونی و جرم می‌باشد بدین معنی است که دارای علم موضوعی است. اصل بر جهل موضوعی است و احراز علم لازم است/ ماده ۱۴۴ ق.م.ا. مثلاً الف بداند سرقت جرم است اما موبایل ب را به گمان اینکه برای خودش است بردارد، به جهت مخدوش شدن مؤلفه دوم سوءنیت عام یعنی جهل حکمی، سرقت محقق نشده است
- مثلاً شخصی قبل از تصویب قانون جدید در کما بوده و مدت‌ها بعد نیز از کما خارج نشده باشد. اگر مدت کمی بعد از به هوش آمدن مرتکب جرمی شود که در این مدت تصویب شده است، می‌تواند از جهل حکمی به‌عنوان عامل رافع مسئولیت کیفری استفاده کند

**ماده ۱۵۶- دفاع مشروع**

هرگاه فردی در مقام دفاع از نفس (اعم از جان و جسم)، عرض (تعرض به عرض یعنی هر رفتاری که حیثیت اجتماعی، عفت خانوادگی و شرافت اخلاقی شخص را جریحه‌دار می‌کند)، ناموس، مال (چه منقول و چه غیرمنقول) یا آزادی تن (تجاوز به آزادی تن: یعنی هر رفتاری که مانع از تحرک انسان شده و آزادی تردد و رفت‌وآمد را از وی بستاند) خود یا دیگری در برابر هر گونه تجاوز یا خطر فعلی یا قریب‌الوقوع (احتمال وقوع تجاوز یا خطر در آینده و یا تجاوز یا خطری که پایان یافته، نمی‌تواند مستند دفاع مشروع باشد) با رعایت مراحل دفاع (الاسهل فالاسهل) مرتکب رفتاری شود که طبق قانون جرم محسوب می‌شود، در صورت اجتماع شرایط زیر مجازات نمی‌شود (چون جرم نیست):

الف- رفتار ارتكابی برای دفع تجاوز یا خطر ضرورت داشته باشد.

ب- دفاع مستند به قرائن معقول یا خوف عقلایی باشد.

پ- خطر و تجاوز به سبب اقدام آگاهانه یا تجاوز خود فرد و دفاع دیگری صورت نگرفته باشد.

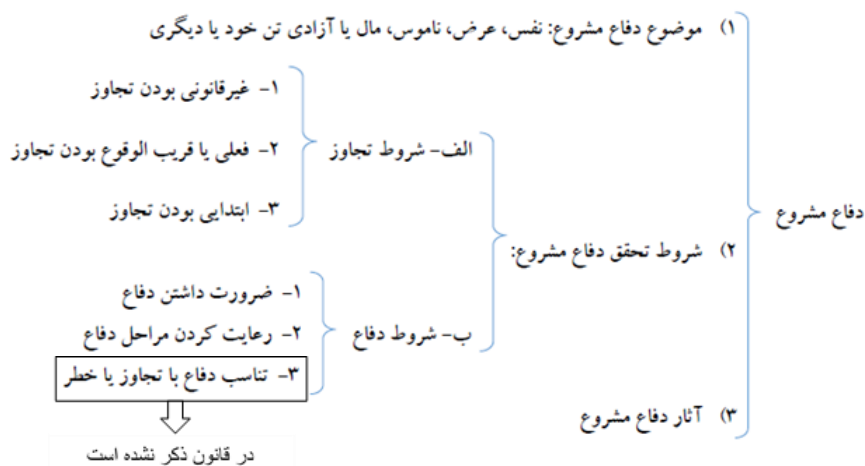
ت- توسل به قوای دولتی بدون فوت وقت عملاً ممکن نباشد یا مداخله آنان در دفع تجاوز و خطر مؤثر واقع نشود.

تبصره ۱- دفاع از نفس، ناموس، عرض، مال و آزادی تن دیگری در صورتی جایز است که او از نزدیکان دفاع کننده بوده یا مسؤولیت دفاع از وی برعهده دفاع کننده باشد یا ناتوان از دفاع بوده یا (برخی معتقدند چهارمین یا باید او باشد).

دلیل: اگر شخصی توانا باشد ولی خود اقدام نکرده و صرفاً تقاضای کمک کند، به نظر می‌رسد مجوز دفاع نخواهد بود و در صورت پذیرش این دیدگاه، تقریباً نمی‌توان فرضی را در نظر داشت که شخص ثالثی مجوز دفاع از دیگری را نداشته باشد) تقاضای کمک نماید یا در وضعیتی باشد که امکان استمداد نداشته باشد.

تبصره ۲- هرگاه اصل دفاع محرز باشد ولی رعایت شرایط آن محرز نباشد اثبات عدم رعایت شرایط دفاع برعهده مهاجم است.

تبصره ۳- در موارد دفاع مشروع دیه (و خسارت مالی شخص متعدی) نیز ساقط است جز در مورد دفاع در مقابل تهاجم دیوانه که دیه از بیت‌المال پرداخت می‌شود.



مواد مرتبط: تبصره ۲ ماده ۳۰۲، ۳۸۰ ق.م.ا، ۱۵ ق.م.م

#### نکات:

۱. اگر خسارت به ثالث وارد شود رجوع به مدافع می‌کند و مدافع به متجاوز مراجعه می‌کند
۲. با وجود امکان فرار آیا دفاع ضرورت دارد؟ دو نظر
  - دفاع جایز است چون قانون‌گذار به فرار تکلیف نمی‌کند
  - باید تفصیل داد:
- اگر مهاجم دیوانه و امثال آن‌هاست: عدم استناد به دفاع مشروع
- افراد عادی: امکان دفاع و استناد به آن وجود دارد
۳. اگر اصل دفاع محرز باشد اما شرایط دفاع رعایت نشده باشد، در قانون تصریحی در این مورد وجود ندارد لذا به نظر می‌رسد بتوان با توجه به بند پ ۳۸ از عوامل مخففه دانست
۴. در قانون ضرورت تناسب داشتن دفاع با تجاوز یا خطر ذکر نشده است.

#### ماده ۱۵۷-

مقاومت در برابر قوای انتظامی و دیگر ضابطان دادگستری در مواقعی که مشغول انجام وظیفه خود باشند، دفاع محسوب نمی‌شود لکن هرگاه قوای مزبور از حدود وظیفه خود خارج شوند و حسب ادله و قرائن موجود خوف آن باشد که عملیات آنان موجب قتل، جرح، تعرض به عرض یا ناموس یا مال گردد، دفاع جایز است.

#### ماده ۱۵۸-

علاوه بر موارد مذکور در مواد قبل، ارتکاب رفتاری که طبق قانون جرم محسوب می‌شود، در موارد زیر قابل مجازات نیست:



الف- در صورتی که ارتکاب رفتار به حکم یا اجازه قانون باشد. (مثلاً افشای سر ممنوع است ۶۴۸ ق.م.ا مصوب ۷۵ اما به موجب ماده ۳ قانون بیماری‌های آمیزشی ۱۳۲۰ پزشک مکلف شده در صورت مشاهده بیماری‌های واگیردار مراتب را به وزارت بهداشت و درمان گزارش کند) (قسمت انتهایی ماده ۴۴ ق.آ.د.ک: ...ضابطان دادگستری ... می‌توانند متهم را بازداشت کنند...).

ب- در صورتی که ارتکاب رفتار برای اجرای قانون اهم لازم باشد.

پ- در صورتی که ارتکاب رفتار به امر قانونی مقام ذی‌صلاح باشد (۱. امر آمر، خلاف شرع نباشد یعنی از لحاظ شکلی و ماهوی قانونی باشد مثلاً: دستور جلب متهم باید در ورقه جلب، ممضی و ممه‌ور به امضا و مهر مقام قضایی باشد. صرف پیشنهاد، توصیه و مشورت کفایت نمی‌کند.

۲. امر نیز قانوناً حق صدور آن امر را دارا باشد (ذی‌صلاح).

۳. مأمور برحسب قانون، موظف به اجرای امر آمر باشد. به دیگر سخن، مأمور می‌بایست در کادر قانون استخدام کشوری و در سلسله‌مراتب اداری زیردست آمر به حساب آید) و امر مذکور خلاف شرع نباشد.

ت- اقدامات والدین و اولیای قانونی (پدر، جد پدری و وصی منصوب از جانب آن‌ها) و سرپرستان (پدر و مادرانی که با توافق یکدیگر کودکی را با تصویب دادگاه و به موجب قانون حمایت از کودکان بی‌سرپرست مصوب ۱۳۵۳ به سرپرستی پذیرفته‌اند) صغار (۱۴۷) و مجانین (۱۴۹) (تنها شامل صغار و مجانین می‌شود و افراد غیررشید را شامل نمی‌شود) که به منظور تأدیب یا حفاظت آن‌ها انجام می‌شود، مشروط بر اینکه اقدامات مذکور در حد متعارف و حدود شرعی تأدیب و محافظت باشد. (شامل اقدامات دیگران مانند معلمان نمی‌شود)

ث- عملیات ورزشی و حوادث ناشی از آن، مشروط بر اینکه سبب حوادث، نقض مقررات مربوط به آن ورزش نباشد و این مقررات هم مغایر موازین شرعی نباشد

ج- هر نوع عمل جراحی یا طبی مشروع (سقط‌جین بی‌دلیل نامشروع است). که با رضایت شخص یا اولیاء یا سرپرستان یا نمایندگان قانونی وی و رعایت موازین فنی و علمی و نظامات دولتی انجام می‌شود. در موارد فوری اخذ رضایت ضروری نیست. مواد مرتبط: ۴۹۵، ۴۹۶.

### نکات:

۱. تفسیر اصطلاح عملیات ورزشی:
  - رویکرد اول: هرگونه رفتاری که از نظر عرفی، عملیات ورزشی شناخته می‌شود.
  - رویکرد دوم: عملیاتی که رسماً ورزش محسوب شده و برای مثال دارای سازمان یا فدراسیون بوده و در مکان‌های استاندارد برگزار شود نه در کوچه‌پس‌کوچه‌های شهر
۲. این حوادث باید در اثنای عملیات ورزشی اتفاق بیفتند.
۳. رضایت مجنی علیه قبل از ارتکاب جرم
  - منافی عفت: عامل موجه جرم نیست
  - علیه تمامیت جسم: موجه نیست
  - علیه آسایش عمومی: موجه نیست
  - علیه اموال و مالکیت: موجه است.

استثنائاً با دو شرط در برخی موارد رضایت مجنی علیه موجه جرم است

۱. رضایت زائل کننده یکی از عناصر سه گانه جرم باشد مثل رضایت صاحب مال باعث می شود عنوان سرقت محقق نشود
۲. تصریح قانون مانند
  - ✓ حوادث ورزشی
  - ✓ اعمال جراحی یا طبی مشروع
۴. شرایط رضایت دهنده و رضایت:
  - پیش از ارتکاب جرم یا مقارن با آن ابراز شده باشد.
  - باید عاری از عیب و آزادانه ابراز شود. (رضایت ناشی از اغفال و فریب و اکراه عامل موجه نیست)
  - رضایت دهنده باید عاقل، بالغ و دارای اهلیت باشد
۵. اداره حقوقی طی نظریه شماره ۱۸۳۰ / ۷ - ۱۱ / ۳ / ۷۱ نمایندگان قانونی در مورد اعمال جراحی و طبی را بدین شرح معرفی می نماید: پدر، جد پدری، وصی، قیم، وکیل، مادر صغیر که حضانت صغیر با اوست
۶. نوع عملیات جراحی یا اقدامات پزشک باید برای رضایت دهنده روشن و مشخص باشد
۷. مرتکب بند ج فقط باید پزشک باشد تا با وجود شرایطی قابل مجازات نباشد
۸. نظریه مشورتی اداره حقوقی شماره ۶۳ / ۷ - ۶۲ / ۱ / ۷: در موارد فوری با رعایت موازین علمی و فنی اقدام به اعمال جراحی و معالجات طبی بدون اخذ رضایت از ولی قهری صغیر بلاشکال است.
- ماده ۲۷ آیین نامه انتظامی رسیدگی به تخلفات صنفی و حرفه ای شاغلان حرفه های پزشکی و وابسته مقرر می دارد: شاغلان حرفه های پزشکی مکلف اند در موارد فوریت های پزشکی اقدامات مناسب و لازم برای نجات جان بیمار بدون فوت وقت انجام دهند
۹. اعمال جراحی غیر ضروری نظیر جراحی پلاستیک و زیبایی ولو آنکه با رضایت هم صورت گرفته باشد، باعث رفع مسئولیت کیفری نمی شود. قتل از روی ترحم با وصف رضایت مقتول در حقوق ایران جرم است

#### ماده ۱۵۹ -

هرگاه به امر غیرقانونی یکی از مقامات رسمی (نظریه ۱۵۲۳/۷-۳/۲/۱۳۷۳ اداره کل امور حقوقی قوه قضائیه: کلیه کارمندان دولت در محدوده وظایف خود مقام رسمی محسوب می شوند. منظور از مقام رسمی مذکور در ماده ۵۷ قانون مجازات اسلامی سابق مستخدمی است که نسبت به کارمند مرئوس خود آمر قانونی محسوب می شود، و مأمور مرئوس قانوناً مکلف به اجرای دستور مافوق خود می باشد. به عبارت دیگر کسی که با احراز و رعایت شرایط قانونی و با صدور حکم تصدی مقامی را عهده دار می گردد و وظایف و تکالیفی به عهده وی گذارده می شود مقام رسمی محسوب است)، جرمی واقع شود آمر و مأمور به مجازات مقرر در قانون محکوم می شوند لکن مأموری که امر آمر را به علت اشتباه قابل قبول و به تصور اینکه قانونی است، اجرا کرده باشد، مجازات نمی شود و در دیه و ضمان تابع مقررات مربوطه است. (مصطفی پور: مسئولیت مدنی هم ساقط است با استناد به ماده ۴۷۳-هرگاه مأموری در اجرای وظایف قانونی، عملی را مطابق مقررات انجام دهد و همان عمل موجب فوت یا صدمه بدنی کسی شود، دیه برعهده بیت المال است. / مصدق: مسئولیت مدنی وجود دارد/ به نظرم در فرضی که آمر می داند دستور غیرقانونی می دهد باید مسئولیت مدنی بر عهده آمر غیرقانونی باشد) مواد مرتبط: ۹۶ قانون مدیریت خدمات کشوری، ۵۸۰ تعزیرات، ۴۷۳

#### نکات:

۱. منظور از اشتباه همان شبهه حکمیه است نه موضوعیه: به قرینه عبارت «به تصور اینکه قانونی است» و اینکه جهل موضوعی برای همه رافع مسئولیت است
۲. تکلیف مأمور در صورتی که امر غیرقانونی باشد و مأمور علم به غیرقانونی بودن آن دارد:
  - مأمور به: جرم است: طبق ماده ۱۵۹ نباید انجام دهد و اگر انجام دهد هر دو مسئولیت کیفری دارند.
  - مأمور به: جرم نیست: طبق ماده ۹۶ قانون مدیریت خدمات کشوری عمل می کند

ماده ۹۶- کارمندان دستگاه‌های اجرائی مکلف می‌باشند در حدود قوانین و مقررات، احکام و اوامر رؤسای مافوق خود را در امور اداری اطاعت نمایند، اگر کارمندان حکم یا امر مقام مافوق را بر خلاف قوانین و مقررات اداری تشخیص دهند، مکلف‌اند کتباً مغایرت دستور را با قوانین و مقررات به مقام مافوق اطلاع دهند. در صورتی که بعد از این اطلاع، مقام مافوق کتباً اجرا دستور خود را تأیید کرد، کارمندان مکلف به اجرا دستور صادره خواهند بود و از این حیث مسؤولیتی متوجه کارمندان نخواهد بود و پاسخگویی با مقام دستوردهنده می‌باشد.

۳. گاهی عدم مسؤولیت مأمور به علت اکراه وی می‌باشد: ۵۸۰ تعزیرات

و آخر دعوانا ان الحمد لله رب العالمین